

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه‌نقریب

سال سوم، شماره دهم، بهار ۱۳۸۶

۹۶

صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

زیر نظر: آیه‌الله محمدعلی تسخیری

مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی

شورای سردبیری

سید حسین هاشمی، عزالدین رضانژاد، مرتضی محمدی

مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اعرافی، عباس برومند اعلم، سید احمدرضا حسینی، سید منذر حکیم، سید هادی خسروشاهی، محمدحسن زمانی، محمدرضا غفوریان، ناصر قربان نیا، نجف لک‌زایی، محمدهادی یوسفی غروی

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاهاشم

ویراستار: احمد اکرمی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: سید محمود حسینی

- ✓ فصلنامه «اندیشه تقریب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و ... انتشار می‌یابد.
- ✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.
- ✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
- ✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: تهران، خ آیت‌الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهید مفتاح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۸۸۲۲۱۴۱۳، ۸۸۲۲۵۳۲؛ دورنگار: ۸۸۲۲۱۴۱۴ - ۸۸۲۲۱۴۱۶ - ۲۱ - ۰۰۹۸

قم: خیابان ساحلی، نبش لواسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱/کد پستی: ۳۷۱۳۶۶۳۶۵۷ / تلفن: ۷۷۵۵۴۴۴ / ۷۷۵۵۴۴۵۶ - ۲۵۱ - ۰۰۹۸

پست الکترونیک: andisheh@taghrib.org

فهرست مندرجات

- سرمقاله ۵
- ◀ **مقالات اندیشه‌ای**
- ♦ اسلام و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی / آیت‌الله محمد علی تسخیری ۹
- ♦ جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی / علی محمدی آشنانی ۱۹
- ♦ امام ابو حنیفه و روایت حدیث / عبدالصمد مرتضوی ۴۱
- ♦ هم‌گرایی و بحران‌های وحدت آفرین در روابط متقابل کشورهای حوزه خلیج فارس / مرتضی شیرودی ۵۳
- ♦ فرهنگ صلح و هم‌زیستی / بسام الصباغ ۸۱
- ◀ **پیشگامان تقرب**
- ♦ سید محمدتقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقرب‌گرا / عزالدین رضائزاد ۱۰۳
- ◀ **سرزمین‌های جهان اسلام**
- ♦ مصر از هرم تا حرم (۱) / ع.ر. امیردهی ۱۱۱
- ◀ **گزارشی از یک کتاب**
- ♦ تلخیص و نقد کتاب تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی / مرتضی شیرودی ۱۳۹
- ◀ **اخبار فرهنگی**
- ♦ ۱۶۵
- ◀ **مآخذشناسی اندیشه تقرب / سلمان حبیبی**
- ♦ ا. آثار منتشر شده به وسیله مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی ۱۹۱
- ♦ ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقرب ۱۹۶
- ◀ **خلاصه مقالات به زبان عربی / انور رصافی** ۲۰۳
- ◀ **چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور** ۲۰۸

سر مقاله

انسجام اسلامی

سال ۱۳۸۶ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نام‌گذاری شد. معظم له در بخشی از پیام نوروزی خود ضمن سفارش به حفظ هوشیاری اقشار مختلف جامعه نسبت به توطئه‌های دشمنان اسلام و انقلاب، بر اهمیت اتحاد عمومی مردم تأکید کرده و فرمودند: «دشمنان با تبلیغات خود یا جنگ روانی خود با تلاش‌های موزیانه گوناگون خود سعی می‌کنند بین ملت ایران و صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش‌های صنفی، وحدت کلمه ملت را از بین ببرند. علاوه بر این، در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است، برای این که میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند، اختلاف مذهبی را بزرگ کند، جنگ شیعه و سنی در هر نقطه‌ای از دنیا که ممکن باشد به وجود بیاورند و عظمت ملت و ابهت ملت ایران را در میان ملت‌های دیگر که روز به روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده است، را از بین ببرند. ملت ما باید هوشیار باشد، تلاش برای سازندگی کشور و عمده‌تر از آن و مهم‌تر از آن تلاش برای اتحاد و یک‌پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی».

«اتحاد ملی و انسجام اسلامی» در دیدگاه مقام معظم رهبری، یعنی: «در درون ملت ما اتحاد کلمه همه احاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین‌المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان احاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها؛ با این نگاه، امید دشمنان در تفرقه امت و اختلاف و کشمکش آنان به یأس تبدیل خواهد شد و بر جایگاه قوی و شوکت و عظمت ملت اسلام افزوده می‌شود».

برای دستیابی به این هدف مقدس باید عوامل وحدت و یک‌پارچگی را با محوریت قرآن کریم و سنت قطعی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دنبال و از عوامل تفرقه پرهیز نمود. مهم‌ترین موانع هم‌گرایی و اتحاد مسلمانان عبارت است از:

- تعصب مذهبی و نژادی؛
- تقلید کورکورانه و دوری از تعقل و تأمل؛
- جهل، خرافات، بدعت، آداب و رسوم غلط؛
- زمامداران و حکام فاسد و علمای درباری؛

- انتقال اختلاف‌های علمی و اجتهادی عالمان به میان زندگی عمومی مردم؛
- اندیشه‌های هوس آلود و منفعت‌طلبی شخصی و قومی؛
- سوء برداشت‌ها، تهمت‌ها و افتراها؛
- غفلت و بی‌توجهی مسلمانان؛
- نفوذ و رسوخ رذایل اخلاقی در میان مسلمانان؛
- فرقه‌گرایی و مجادلات غیرعلمی غیرمذهبی؛
- سیاست‌های بیگانگان به ویژه استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی؛
- و...

از میان موارد مذکور، تنها به موضوع توطئه‌های استعمار و راه‌کارهایی که در این راستا به کار گرفته، اشاره می‌کنیم. استعمار با شعار معروف «فرق تسد» (تفرقه‌انداز و حکومت کن) همواره در صدد از بین بردن انسجام امت اسلامی است و برای رسیدن به چنین هدفی از راه کارهای زیر بهره گرفته است:

- ۱- تأسیس گروه‌های افراطی، همانند برخی از جنبش‌هایی که از همان ابتدای پیدایش خود با تلقی خشک و بی‌روح و سطحی و قشری از اسلام، در خدمت سیاست استعمارگران بوده‌اند؛
- ۲- حمایت از افراد مسأله‌دار و نامتعادل؛ آنان که با افراط و تفریط، خواسته یا ناخواسته در خدمت قدرت‌های شیطانی قرار گرفته‌اند و با حمایت آنها در جبهه مسلمانان تفرقه ایجاد می‌کنند؛
- ۳- مشوه ساختن افکار مسلمانان و جلوگیری از شناخت صحیح مسلمانان نسبت به یک‌دیگر، به ویژه بد جلوه دادن دیدگاه‌های عالمان دین نسبت به هم؛
- ۴- طرح موضوعات تفرقه‌انگیز و دامن زدن برخی از مسلمانان به آن؛
- ۵- بزرگ‌نمایی اختلافات، به ویژه اختلاف‌نظرهای اعتقادی و فقهی مذاهب گوناگون؛
- ۶- تألیف، چاپ و نشر کتاب‌های اختلاف‌برانگیز و پخش رایگان آن در میان مسلمانان جهان؛
- ۷- راه‌اندازی سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی با به کارگیری آخرین دستاوردهای تکنولوژی و فن‌آوری به منظور انحراف افکار مسلمانان و تخریب بنیادهای فکری آنان در «دهکده جهانی»؛
- ۸- شایعه‌سازی و شبهه‌افکنی و بهره‌گیری از آن با آخرین و مدرن‌ترین تجهیزات و دستگاه‌های اطلاعاتی و مخابراتی؛

- ۹- حمایت از حکومت‌های لائیک و نظام‌های ضد دینی؛
- ۱۰- اختراع مذاهب جدید و تلاش در پیدایش و گسترش فرقه‌های انحرافی.
- و...

اینک بر ماست که با کنار گذاشتن سطحی‌نگری و با ژرف‌اندیشی و دوری‌گزیدن از تعصبات مذهبی، به هم‌گرایی دینی بیندیشیم و با پرهیز از اتهام‌های واهی و شایعات دروغین، در مسیر ایجاد اخوت اسلامی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گام برداریم؛ ان شاء الله.



اندریشه‌های
مقالات

لا يمشى تقرب

اسلام و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

آیت‌الله محمد علی تسخیری*

چکیده:

تعاون و همکاری از ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی است، اما این ویژگی در مفهوم منطقه‌ای و بین‌المللی خود نیازمند بررسی بیشتری است. نگارنده در این نوشتار تحقق چنین همکاری بین‌المللی را منوط به وجود شرایطی می‌داند که از جمله آنها برخورداری از توانایی کافی، وجود فضای اعتماد متقابل و وجود عرصه‌ها و اهداف مشترک می‌باشد. انگیزه‌های دینی و معنوی و مصلحت همگان از خاستگاه این همکاری است و رواج روحیه مادی‌گرایی و جهانی‌سازی که نمود کامل مرحله پیشرفته سرمایه‌داری است از موانع همکاری و هم‌پاری آن به شمار می‌رود. در پایان، برخی از ابعاد مختلف همکاری و تعاون در اسلام بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: تعاون و هم‌پاری، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، انگیزه‌های دینی و معنوی، روحیه مادی‌گرایی، جهانی‌سازی.

مقدمه

سخن از تعاون و هم‌پاری در اسلام، به دلیل دعوت روشن اسلام به آن و وجود متون اسلامی فراوانی که بر آن تأکید کرده‌اند، چندان ضروری به نظر نمی‌رسد ولی همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی و نقش اسلام در این مورد، نکته‌ای است که سزاوار تأمل و بحث و بررسی است. برای این‌که تعاون و هم‌پاری، به شکل مفید و سازنده‌ای تحقق پیدا کند باید برخی شرایط عینی در آن فراهم آید و انگیزه‌های انسانی متنوعی را در برگیرد. هم‌چنین باید موانعی که بر سر راه آن قرار دارد از میان برداشته شود، عرصه‌هایی که تعاون در آنها مؤثر است شناسایی گردد و برنامه‌ریزی‌های دقیق و خردمندانه‌ای برای تحقق هرچه گسترده‌تر آن، صورت پذیرد.

* دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

شرایط ضروری:

شرایط عینی مورد نظر از این قرار است:

- ۱- برخورداری از توانایی‌های کافی؛ زیرا به عنوان مثال، همکاری ناتوان با توانا و یا نیازمند با ثروت‌مند در راه اندازی یک پروژه معین مالی، معنایی ندارد. از این رو امتی که خواهان مشارکت در روند تمدن بشری است باید خود دارای امکانات و توانایی‌های معینی باشد.
- ۲- وجود فضای اعتماد متقابل؛ زیرا همکاری و هم‌یاری، برخاسته از انگیزه‌های انسانی و برپایه پیوندهای عاطفی به منظور تحقق هدفی مشترک است که به طور قطع در جو شک و تردید و دروغ و ریا و نیرنگ، فراهم شدنی نیست.
- ۳- وجود عرصه‌ها و اهداف مشترک؛ زیرا بدون این جنبه، هیچ نوع همکاری و تعاونی قابل تصور نیست.

ارزش‌های هماهنگ:

- منظور، آن دسته ارزش‌هایی است که باید برای حرکت هر جامعه کوچک یا بزرگ به سوی همکاری و هم‌یاری مشترک، عمومیت پیدا کند. در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱- ضرورت گفت‌وگو با دیگران و شناخت و انتقال اندیشه‌های آنان؛ خداوند متعال توان و نیروهایی در انسان به ودیعه نهاده که می‌تواند با تأمل و اندیشه و آفرینش اندیشه‌های نو و کشف راه‌های دگرگونی و رهایی از واقعیت‌های ملموس و تنگ، و کوشش برای تعمیم و فرضیه‌پردازی و یاری گرفتن از نیروی خرد و خردورزی، در این مسیر قرار گیرد. هم‌چنان که انسان، دارای انگیزه‌های غریزی چندی است که او را به کنجکاوی در ندانسته‌ها و شناخت مسایل پیچیده فرامی‌خواند و در عین حال به بهبود و اعتلای نیروهای عقلی و توان‌های مادی و علمی برای چیرگی بر طبیعت منجر شده و بر قدرت‌های اخلاقی و معنوی، سمت و سو می‌دهد و در نتیجه، خداوند متعال به او امکان می‌دهد تا به عقل و خرد دیگران پل زده و از طریق نعمت سمبلیک زبان، به گفت‌وگو با آنها بپردازد. بنابراین، گفت‌وگو یک حالت انسانی طبیعی است و تأکید بر آن نیز یک خصوصیت انسانی به شمار می‌رود؛ تردیدی نیست که گفت‌وگو منجر به کشف عرصه‌های مشترک می‌شود و چنین کشفی، به همکاری و هم‌یاری در راستای تحقق آنها می‌انجامد.
 - ۲- مفهوم شوری هم‌ردیف با گفت‌وگو است؛ به این معنا که در این روند، دیدگاه‌های دیگران به دیدگاه شخصی می‌پیوندند و نقاط ضعف و قوت آنها روشن می‌شود.

۳- احساس نیاز به دیگران: وقتی فرد، خود و کاستی‌های درونی و محدودیت توان و دانش خود و نیاز به دیگران را شناخت به آنان روی می‌آورد و به منظور رسیدن به خودبستگی، راه همکاری و هم‌یاری با آنان را می‌پیماید.

۴- والایی اهداف انسانی: هرچه این اهداف والاتر باشد و از سطح هدف‌های حیوانی و مبتذل فراتر رود و به مراحل عالی و متناسب با هدف‌های آفرینش انسان و مسیر تکاملی وی ارتقا یابد، احساس لزوم همکاری و هم‌یاری برای تحقق چنان هدف‌های والایی، بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد.

۵- تحکیم جنبه‌های عاطفی: زیرا وقتی عواطف تقویت شود و نگاه به دیگران به سطح برادری به مفهوم نسبی اجتماعی، دینی، منطقه‌ای و جهانی ارتقا یابد نه تنها به همکاری و هم‌یاری می‌انجامد بلکه در موارد بسیاری به ایثار و فداکاری نیز، منجر می‌شود.

به این ترتیب تمامی ارزش‌هایی که به همکاری و هم‌یاری می‌انجامد دارای خاستگاه‌هایی فطری است و بنابراین کوشش در جهت جلا بخشیدن به فطرت انسان و تجلی آن در رفتارهای انسانی، ساده‌ترین و مطمئن‌ترین راه تحقق آن به شمار می‌رود.

خاستگاه‌های هم‌یاری و تعاون:

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان برای هم‌یاری، خاستگاه‌های زیر را برشمرد:

الف: خاستگاه‌های دینی: که به گمان ما کلی‌ترین خاستگاه به شمار می‌رود؛ زیرا همه ادیان و به ویژه دین اسلام، آن‌چنان که روشن است و ما اشاره گذرایی به آن خواهیم داشت، به همکاری و تعاون فرا می‌خوانند و نوید پاداش اخروی فراوان و انعکاس آن بر زندگی دنیایی می‌دهند؛ خود اسلام نیز، ایده عدالت اجتماعی خود را بر دو نکته، یعنی هم‌یاری و تعادل میان سطح زندگی افراد جامعه که هر دو به همکاری و تعاون می‌انجامد، استوار کرده است. و این امر به این معناست که همکاری و تعاون یا جنبه الزامی دارد و یا داوطلبانه است و در این صورت عاری از هرگونه شایبه منافع فردی است؛ از این رو انگیزه‌های دینی را کلی‌ترین انگیزه برشمرده‌ایم.

ب: خاستگاه‌های معنوی: مبتنی بر احساسات انسانی مبنی بر لزوم خدمت به بشریت و همکاری با دیگران که حتی اگر منشأ مذهبی نیز نداشته باشد، احساسات پاک و قابل ستایشی است، هرچند در این صورت به اهداف بزرگ خود نخواهد رسید.

ج: خاستگاه‌های مصلحت‌آمیز: به این اعتبار که اقدام به همکاری با دیگران سرانجام روزی به سود اقدام‌کنندگان تمام خواهد شد که البته ایرادی هم ندارد ولی باید گفت چنین انگیزه‌ای، بیان‌گر

وارستگی اخلاقی نیست و نسبت به دو خاستگاه پیش گفته، در سطح پایین تر و تنگ نظرانه تری قرار داد.

د: انگیزه‌های پست: که در برخی سازمان‌های مشکوک و نیز کشورهای استعماری که از برنامه‌های همکاری برای تحقق اهداف خود، از جمله وابسته کردن کشورهای کوچک یا زمینه‌چینی برای استثمار آنها و یا کوشش در راستای آسیب رساندن به هویت فرهنگی آنها، سوء استفاده می‌کنند، می‌توان مشاهده کرد.

واقعیت آن است که چنین همکاری و تعاونی با توجه به چارچوب و شکل انسانی آن که توده‌های مردم ناآگاه و ناآشنا به عمق توطئه‌های نهفته در چنین چارچوبی را می‌فریبد، بسیار خطرناک است. آنها هنگامی با پیامدهای تلخ چنین همکاری‌هایی آشنا می‌شوند که در غل و زنجیر استعمار گرفتار آمده و زیر فشار بدهی کمرشکن، کمر خم کرده‌اند و در آن صورت آرزو می‌کنند ای کاش بدبختی‌ها و سختی‌های زندگی را تحمل می‌کردند و هرگز چنین کمک‌هایی را نمی‌پذیرفتند.

موانع همکاری و هم‌یاری:

با توجه به آنچه بیان شد، موانع راه نیز که مهم‌ترین آنها دو مانع زیر است روشن گردید:

۱- رواج روحیه ماده‌گرایی، دیدگاه‌های فردی و ادبیات استثمار و طمع‌ورزی و لذت پرستی هرچه بیشتر و تحقق برتری به هر وسیله و قیمت حتی به بهای لگدمال ساختن دستاوردهای دیگران و مکیدن خون ملت‌ها و چپاول و غارت نعمت‌های خدادادی آنها؛ چیزی که امروزه در مورد بسیاری از امکانات و توانایی‌های کشورهای استعماری که عظمت و شکوه کنونی خود را بر دریایی از خون ملت‌ها بنا کرده‌اند، شاهد هستیم.

امروزه، جهانی سازی نمود کامل مرحله پیشرفته سرمایه داری و روند چیرگی آمریکا بر سرنوشت ملت‌ها و آمریکایی ساختن روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی اجتماعی و سرقت متمدانانه امید بشریت به نظام جهانی سرشار از آزادی و دموکراسی و حمایت از حقوق بشر و صلح و هم‌یاری و همکاری و هم‌بستگی است. در واقع، تبدیل نمودن جهان به جهانی با حاکمیت شرکت‌های چند ملیتی و سلطه حقیقی غول‌های اختاپوس گونه رسانه‌ای و ایجاد فضای زهرآگینی است که جز مفاهیم خراب‌کارانه‌ای چون جنگ‌های پیش‌گیرانه و ... در آن راهی ندارد.

۲- وجود تردید در مقاصد هر طرف که در واقع مانع اصلی در برابر هر نوع همکاری و حتی گفت‌وگوی هدف‌مند است و بدون تردید تأثیر منفی به سزایی بر گفت‌وگوی تمدن‌ها، گفت‌وگوی ادیان و گفت‌وگوی مذاهب یک دین نیز بر جا گذاشته است.

این شک و تردیدها، معمولاً تابعی از رسوبات تاریخی و تجربیات تلخ گذشته است و پاک کردن این گذشته یا به فراموشی سپردن مرحله‌ای آنها نیز به تلاش مجددانه‌ای نیاز دارد و اشاره آیه کریمه: «قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ بگو شما از آنچه ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آنچه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد». (سبأ/۲۵) به همین ضرورت و به منظور آغاز روند گفت‌وگو در فضایی مساعد و مناسب است.

اسلام و تعاون:

در این مختصر، نمی‌توان به همه ابعاد همکاری و تعاون در اسلام پرداخت؛ از این رو به صورت گذرا و طی نکاتی چند تنها به برخی جنبه‌های مهم موضوع اشاره می‌کنیم:

نکته اول: مشخص ساختن عرصه‌های همکاری:

آیه دوم سوره مائده به همین عرصه‌ها می‌پردازد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یک‌دیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده/۲). نیکی به مفهوم هر عرصه انسانی و اخلاقی است و شامل همه کارهای خیر و خوبی می‌شود که اسلام به آنها فراخوانده و تحقق آنها را خواستار شده است؛ این تعبیر، بیشتر گویای واگذاری تشخیص مصداق‌های آن به وجدان سلیم است؛ همان‌گونه که از دو کلمه «طبیات» و «خبائث» در آیه: «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می‌گرداند»، (اعراف/۱۵۷) و نیز کلمات «المعروف» و «المنکر» در آیه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید»، (آل‌عمران/۱۱۰) برداشت می‌شود. گویا این آیات قرآنی، به طور مستقیم فطرت و وجدان آدمی را مورد خطاب قرار می‌دهند و این نکته ما را با گستره انسانی جهانی روبه‌رو می‌کند و در یک عرصه تنگ و محدود، منحصر نمی‌سازد.

از یک سو، هرگامی که در جهت اعتلای بشریت و پیشرفت تمدن و ارزش‌های آن در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جز آن برداشته شود، در شمار کار نیک (البر) بوده و ما موظف به همکاری در آن هستیم و از سوی دیگر، هر اقدامی که به زیان بشریت باشد و به ارزش‌های آن لطمه وارد آورد و مسیر آن را خدشه‌دار سازد و به دشمنی و خصومت‌ها دامن زند و حقوق انسانی را زیر پا گذارد در شمار کارهای ناپسند (منکر) است و ما از شرکت در آنها منع گشته و به ایستادگی و مقاومت در برابر آنها، فراخوانده شده‌ایم.

همین معناست که در هماهنگی کامل با رسالت جهانی اسلام و نیز هم‌سو با ارایه امت اسلام به عنوان الگویی نمونه برای همه امت‌ها و مصداق آیه زیر، می‌باشد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» (بقره/۱۴۳).

نکته دوم: تحکیم و تقویت انگیزه‌ها

متون اسلامی همواره بر فطرت انسانی انگشت گذاشته و همه احکام دینی در هماهنگی با این فطرت، قرار دارند؛ نظام تربیتی و عبادی و دیگر نظامات مربوط به زندگی بشری در اسلام بر این جنبه تأکید نموده و در راستای تقویت آن تلاش می‌کنند؛ هم‌چنین نظام معرفتی جملگی بر بدیهیات فطری استوار گشته و نظام تشریح نیز در جهت ایجاد تعادل و برقراری عدالت در تحقق نیازهای فطرت، حرکت کرده و در نظام اخلاقی اسلام، به صورت بسیار باشکوهی، تجلی پیدا می‌کند و اینها همه، به تقویت انگیزه‌های فطری همکاری و هم‌یاری در گسترده‌ترین عرصه‌ها می‌انجامد.

به رغم این‌که برای کار نیک، انگیزه ایمانی شرط شده است، متونی وجود دارد که نفس این عمل، یعنی کار نیک، را هرچند با انگیزه‌های ایمانی صورت نگرفته باشد، ستایش می‌نمایند، از جمله آیه: «إِنَّمَا لِأَنْ تُضِيعَ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا؛ ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی‌کنیم.» (کهف/۳۰) و آیه: «أَنِّي لَأُضِيعُ عَمَلَ غَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى؛ من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن تباه نمی‌کنم.» (آل عمران/۱۹۵). اسلام حتی به جنبه مصلحت آمیز این نوع کارها نیز توجه نموده است: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ؛ و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود برجای بگذارند بر آینده آنان بیم دارند باید از ستم بر یتیمان مردم نیز بترسند.» (نساء/۹).

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید: «کسی که رحم نمی‌کند، رحم نمی‌شود.»^۱ و: «رحم کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.»^۲

نکته سوم: فراهم آمدن شرایط لازم

هنگامی که به چگونگی برنامه ریزی‌های اسلام برای زندگی توجه کنیم درمی‌یابیم که تمام تلاش اسلام، ارتقای امت در همه جنبه‌هاست تا با شکر نعمت‌های الهی و استفاده از هر آن‌چه که

۱- بخاری، ابوداود، ترمذی و احمد آن را روایت کرده‌اند.

۲- «احمد» آن را روایت کرده است.

خداوند برای او فراهم آورده است و خودداری از هرگونه سهل‌انگاری و کفران این نعمت‌ها و یا ستم کاری در روند توسعه و توزیع عادلانه در همه عرصه‌ها، شایسته عنوان بهترین امت‌ها گردد و از همه توانایی‌ها و امکانات خود در عرصه‌های چالش بهره‌گیر و دارای قدرت سترگ اقتصادی باشد: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ و از هرچه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شماره درآورید، به طور قطع انسان ستم پیشه ناسپاس است.» (ابراهیم/۳۴).

ضمن این که اسلام هرگونه کوتاهی و شانه خالی کردن در برابر پیشرفت امت در همه سطوح راه، اخلال در واجبات کفایی قلمداد کرده که با انجام آن از سوی شمار معینی از مسلمانان، از عهده دیگران ساقط می‌شود و در غیر این صورت، همه امت سزاوار نکوهش و سرزنش است.

امت نمونه هرگز نمی‌تواند متصف به ضعف باشد بلکه باید امتی میانه با تمام مفاهیم بخشندگی به منظور امکان تأثیرگذاری مورد نظر باشد.

از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی و به ویژه تربیت اسلامی، پیش از هر چیز در راستای گسترش اعتماد میان افراد جامعه اسلامی و اجتناب از هرگونه شک و تردید و تهمت و تجسس و غیبت و اتهام و سعایت و خدشه وارد آوردن به این اعتماد، عمل می‌کنند و به این امر فرامی‌خوانند که عمل مسلمانان خوشبینانه حمل بر صحت شود و ارتباط با دیگران، همکاری و ایثار و ایفای حقوق آنان، سرلوحه کارها قرار گیرد.

در سطح بین‌المللی نیز امت اسلامی، در برخورد با دیگران حتی اگر در شمار مؤمنان نباشند، در کمال احترام و رعایت حقوق برخورد می‌کند: «وَأِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرْنَا وَلَا تُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم * بگو شما از آن چه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آن چه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد.» (سبأ/۲۴ و ۲۵) و امت در صورتی که دیگران تن به صلح دهند، به آن تن خواهد داد: «وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ و اگر به صلح گزایندند تو نیز به آن بگرای و بر خدا توکل نما.» (انفال/۶۱).

ضمن این که مانعی نیز وجود ندارد که با دیگران مادامی که اقدام توطئه آمیزی از سوی آنان دیده نشده است روابط دوستانه و مودت آمیزی برقرار گردد: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کرده و با عدالت برخورد

نمایید.» (ممتحنه/۸). برقراری عدالت و رعایت قسط، هر دو از اهداف این امت و دفاع از مستضعفین و محرومین و از هر آن‌چه که به اشاعه اعتماد و فراهم آوردن فضای همکاری و حسن نیت در سطح بین‌المللی می‌انجامد، از صفات آن به شمار می‌رود؛ بنابراین چنان‌چه موافقتنامه‌ای بین‌المللی به امضا رسید، این امت موظف است به مصداق وفای به عهد، به آن پای‌بند باشد.

به علاوه، این امت به کشف عرصه‌های مشترک از طریق گفت‌وگوی آرام حتی با کافران، توصیه شده و از اهل کتاب نیز خواسته شده تا در موارد مشترک [پرستش خدای یگانه]، دست همکاری و یاری به مسلمانان دهند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا، به خدایی نگیرد». (آل عمران/۶۴).

و به این ترتیب مشاهده می‌شود که اسلام، شرایط پیش گفته را به بهترین شکل فراهم نموده است.

نکته چهارم: فرهنگ سازی

به این ترتیب، می‌توان گفت اسلام، فرهنگ ارزش‌های هم‌سو با تعاون و همکاری را به شکل گسترده‌ای منتشر ساخته و بنیادهای نظری جامعی برای گفت‌وگویی که فرضیات، شیوه‌ها، اخلاق و اهداف مشخص و روشنی دارد، در نظر گرفته و بهترین و عام‌ترین ویژگی را برای مؤمنان در نظر گرفته و آنان را به «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸) توصیف کرده است و اصل خدمت به یک‌دیگر را در میان آنان مقرر نموده: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا؛ و برخی از آنان را از نظر درجات بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند.» (زخرف/۳۲) و برای بشریت خط واحدی را ترسیم کرده که از پدر و مادر واحدی سرچشمه گرفته و با هدایت الهی و رهبری پیامبران و صالحان در راستای آبادانی زمین و جانشینی خدا بر روی آن و با تلاش و کوشش سخت به سوی تکامل، گام برمی‌دارد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان، تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق/۶) و در جهت رسیدن به جامعه پرهیزگار و عابد، حرکت می‌کند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَيْسَتُخْلِفَنَّ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و

کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.» (نور/۵۵).

این راه، مسیر یگانه‌ای است که همگان وحدت آن را احساس می‌کنند و هر یک می‌کوشد تا آن را با تمامی عناصر پیشرفت و تکامل، حمایت نماید. مفهوم برادری دینی و برادری انسانی نیز از همین جا، مایه گرفته است. حضرت علی علیه السلام در پیمان نامه‌ای که به «مالک اشتر»، کارگزار خود در مصر، می‌نویسد و برجسته‌ترین سند تاریخی به شمار می‌رود، می‌فرماید: «پیوسته قلبت را از مهر رعیت آکنده و با لطف و محبت به آنان ملامال کن. زنهار! نسبت به مردم هم‌چون جانوران درنده‌ای که برای خوردنشان دنبال فرصت می‌گردند، مباش، چه آنان بر دو دسته‌اند: یا برادر دینی‌ات به شمار می‌روند و یا این‌که در آفرینش هم‌نوع تو هستند.» (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳).

در این‌جا بار دیگر باید خاطر نشان ساخت که اسلام بر مسئله فطرت و ضرورت تجلی بخشیدن به آن در رفتارهای انسانی، تأکید می‌کند.

نکته پنجم: برطرف ساختن موانع

نیازی به توضیح بیشتر درباره نقش اسلام در روند دور ساختن انسان‌ها از ماده‌گرایی رفتاری در پی برنامه‌ریزی برای دورسازی آنان از ماده‌گرایی عقیدتی، و نیز دورسازی آنان از دیدگاه‌های تنگ و آزمندانه و حرص و آز و نفرت و از آن‌جا دورسازی آنان از هر آن‌چه که مانعی در راه همکاری و هم‌بستگی به شمار می‌رود، نمی‌بینیم. جهان‌شمولی اسلام درست نقطه مقابل جهانی شدن است و در عین حال هیچ‌یک از جنبه‌های منفی آن را در بر ندارد و سعی می‌کند شور و شوق بشریت برای دستیابی به جهان نو و سرشار از عدالت و داد را در سایه همکاری و هم‌یاری‌های سازنده، به گونه متعادلی سیراب سازد.

نکته ششم: دانش روابط بین‌المللی

دانش روابط بین‌المللی بر عناصر بسیاری انگشت گذاشته که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
(الف) اصول‌گرایی و پای‌بندی به اخلاق در برخوردها؛
(ب) عنصر آگاه‌سازی و شفافیت و صراحت در پیمان‌های بین‌المللی و نفی هر گونه ابهام، فریب و ستم‌کاری و ستم‌دیدگی؛

ج) الفت بین دل‌ها و تحقق هم‌آوایی و هم‌دلی؛

د) احترام به پیمان‌ها و قراردادهای؛

ه) معامله به مثل مثبت یا منفی با ترجیح جنبه‌های بخشش و بزرگواری و تسامح، که همگی در راستای کمک به تحقق همکاری‌ها و هم‌یاری‌های بین‌المللی و به طریق اولی منطقه‌ای به دلیل مفهوم گسترش پاینده همسایگی و هم‌جواری کشورها، قرار دارد. و سرانجام این‌که:

امت اسلام باید الگویی برای همکاری و هم‌یاری باشد مشروط بر آن‌که هشیار بوده و زیبایی متوجه خود نگرداند. وقتی خداوند متعال این امت را به قرار گرفتن در کنار حق و خیر فرامی‌خواند به طور قطع در صورت توطئه دشمنان یا خیانت آنان، کمک نمودن به او را تضمین می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ جَحَّوْا لِلْسَّلْمِ فَأَجْتَحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصِيرَةٍ وَالْمُؤْمِنِينَ * وَاللَّفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ *» و اگر به صلح گراییدند تو نیز به آن گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست * و اگر بخواهند تو را بفریبند یاری خدا برای تو بس است. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید * و میان دل‌هایشان الفت برقرار کرد که اگر آن‌چه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ زیرا او توانای حکیم است.» (انفال/۶۳-۶۱).



جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی

علی محمدی آشنانی*

چکیده:

بر اساس آیات و فرامین الهی، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اعظم پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان آخرین فرستاده آسمانی رسالت داشت جامعه و امتی یگانه، فراگیر، معتدل و متعادل، حق‌مدار، عدالت‌گستر و نمونه و شاهد بر همگان و به بیان دیگر، بهترین جامعه و امت از آغاز خلقت تا کنون را ایجاد نماید. در این نوشتار ضمن اشاره به آموزه‌های جامعه‌ساز در آیات قرآن و روایات، هفت اصل از آن آموزه‌ها به تفصیل بررسی شده است:

۱. اصل اقامه عدالت توسط همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی؛
 ۲. اصل وحدت، حل و فصل اختلافات و مهرورزی؛
 ۳. اصل تعاون و همکاری در کارهای خیر و عدم تعاون در گناه و تجاوز؛
 ۴. اصل احسان و نیکوکاری و انفاق و مبارزه با فقر و بسط درست‌کاری و صداقت در داد و ستدها؛
 ۵. اصل مسئولیت‌نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر؛
 ۶. اصل مبارزه با هرگونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی؛
 ۷. اصل سامان‌دهی و بسامان نمودن امور.
- با توجه به این که بر اساس وعده خداوند در قرآن کریم، جامعه بشری، به سوی بسط و گسترش روزافزون اسلام و تحقق اراده الهی مبنی بر حاکمیت مطلق ارزش‌های الهی در حال حرکت است و در آینده، جامعه جهانی واحد و تکامل یافته‌ای به رهبری مهدی موعود از اهل بیت مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تشکیل خواهد شد که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود خواهد رسید، رسالت همه مذاهب اسلامی، برنامه‌ریزی و گام برداشتن در جهت تحقق اهداف جامعه‌سازی نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بر مبنای قرآن و سیره گران‌سنگ نبوی دانسته شده است.

کلید واژه‌ها: جامعه‌سازی دینی، سیره نبوی، عدالت، وحدت، احسان، نظارت همگانی.

* پژوهشگر، مدرس حوزه و دانشگاه.

بدون تردید همه افراد بشر دارای فطرت پاک الهی (روم/۳۱) و از زندگی اجتماعی برخوردار و به تعبیر قرآن کریم، امتی واحد بوده‌اند؛ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره/۲۱۳). به فرموده علامه طباطبایی: «محصل معنای ...النَّاسُ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» این است که انسان موجود اجتماعی است. به گونه‌ای که هیچ عامل دیگری، آنها را از این نیاز مستغنی نمی‌کند». (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۲۶).

عوامل مختلفی، از یک سو، فطرت توحیدی مردمان را پوشانده و از سوی دیگر، آنان را از یک‌دیگر جدا و متفاوت ساخته است؛ قرآن کریم، با تأکید بر یکسانی نژاد و همسانی سرشت انسان‌ها، انواع اختلاف را مطرح و برخی از اقسام آن هم‌چون تفاوت نژاد، رنگ، زبان و گویش، استعداد و طبع را دارای منشأ طبیعی و فطری و بر اساس اراده حکیمانه خداوند و نه نشانه برتری افراد بر یک‌دیگر دانسته است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ أَيُّ مَرْدَم! مَا شَمَا رَا از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا از یک‌دیگر شناخت متقابل حاصل نمایید. همانا ارجمندترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». (حجرات/۱۳).

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَللَّسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَانِكُمْ؛ و از نشانه‌های خداوند، آفرینش آسمان و زمین و گوناگونی زبان و رنگ‌های شماست.» (روم/۲۲)

«وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا؛ شما را گوناگون آفریده است.» (نوح/۱۴).

«أَهُمْ يُفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ؛ آیا آنها رحمت پروردگار تو را قسمت می‌کنند؟» (زخرف/۳۲).

ولی قرآن از اختلافات مذموم و غیرطبیعی دیگری نیز سخن به میان آورده است که منشأ آن، خودخواهی و شقاوت (بقره/۱۷۶)، ظلم و طغیان (بقره/۲۳، آل‌عمران/۱۹ و جاثیه/۱۷) تردیدهای واهی (نساء/۱۹۷) یا نادیده گرفتن حق پس از روشن شدن آن (یونس/۹۳) می‌باشد و به همین جهت پاره‌ای از مردم و حاملان تورات و انجیل را به خاطر این گونه اختلافات، سرزنش نموده است.

یکی از مسئولیت‌های مهم انبیای الهی به اذن و فرمان خداوند بزرگ (انبیاء/۷۳، سجده/۲۴، ابراهیم/۱۱ و ۱، مائده/۱۶ و احزاب/۴۶)، دعوت مردم به پاسخ‌گویی به ندای درونی توحیدی فطرت خویش از یک سو (بقره/۲۱، مائده/۷۲، اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵ و نحل/۳۶) و حل اختلافات غیرطبیعی آنها^۱ از طریق اقامه عدل^۲ و اجرای حدود الهی^۳ و آزادسازی انسان‌ها^۴ از غل و زنجیرهای خرافات، عادات و رسوم غلط، جهل و نادانی، قوانین نادرست، اسارت و استبداد در چنگال طاغوتیان و زندگی

۱- «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (نحل/۶۴ و نیز بقره/۲۱۳).

۲- «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵).

۳- نساء/۱۳ و ۱۴.

۴- «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷).

ناهنجار طبقاتی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۶-۲۷) و در یک کلمه، «جامعه‌سازی دینی» و به تعبیر دقیق‌تر از نظر نگارنده، «أمت سازی اسلامی» بوده است.

خداوند دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، پرچمدار بزرگ توحید و پدر انبیای بزرگ الهی را چنین نقل می‌کند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۱۲۸).

بر اساس این، بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اعظم پیامبران علیهم السلام نیز به عنوان آخرین فرستاده آسمانی (احزاب/۴۰)، آن بوده است که با انجام رسالت توحیدی خود و اقامه عدالت، امتی یگانه،^۱ فراگیر،^۲ معتدل و متعادل و جامعه‌ای نمونه و شاهد بر همگان^۳ و به دیگر سخن، بهترین اُمت از آغاز خلقت تا کنون^۴ را ایجاد نماید.

تحقق این اراده الهی و انجام این رسالت آسمانی،^۵ به ایمانی کامل،^۶ شرح صدری خداداد،^۷ اراده‌ای پولادین،^۸ رحمتی فراگیر،^۹ تلاشی طاقت‌فرسا^{۱۰} صبری جمیل^{۱۱} و استقامتی والا و همه‌جانبه و در شأن فرمان الهی^{۱۲} می‌طلبید که خداوند متعال، آنها را به پیامبر رحمت خویش صلی الله علیه و آله عطا فرمود و به این جهت او را نمونه و شاهد قرار داد.^{۱۳}

و نه تنها همه مؤمنان امیدوار و در جست‌وجوی یاد خدا را به اسوه و الگوگیری از او فراخوانده،^{۱۴} بلکه پیروی از رسول خدا را حیات‌بخش،^{۱۵} و ایمان و یاری او را عامل رستگاری،^{۱۶} معرفی نموده است و از سوی دیگر، سرباز زدن از فرمان^{۱۷} و سنت و سیره آن حضرت را موجب فرو افتادن در جهنم دانسته است.^{۱۸}

۱- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲ و نیز مؤمنون/۵۲).

۲- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبا/۲۸).

۳- «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره/۱۴۳).

۴- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران/۱۱۰).

۵- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵).

۶- «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (بقره/۲۸۵).

۷- «لَمْ تُشْرَحْ لَكَ صَدْرُكَ» (شرح/۱).

۸- «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/۳۵).

۹- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷).

۱۰- «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (مزمّل/۷).

۱۱- «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵).

۱۲- «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمِرْتَ» (هود/۱۱۲).

۱۳- «وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳).

۱۴- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۳).

۱۵- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/۲۴).

۱۶- «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۱۵۷).

۱۷- «وَ مِنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن/۲۳).

۱۸- «يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب/۶۶).

بر اساس این، هرکس که عملش، برابر فرمان و هم‌چون عمل رسول ... نباشد، نباید خود را شیعه یا از اهل سنت بنامد.

آری، خداوند با مقرون ساختن اطاعت خود به اطاعت رسول^۱ این نکته را به ما گوشزد نموده است که نه تنها اطاعت و پیروی از سنت و سیره رسول گرامی اسلام ﷺ، اطاعت از خداوند بزرگ^۲ و نشانه محبت حضرت حق و راز محبوبیت نزد او و عامل برخورداری از مغفرت کریمانه الهی است،^۳ بلکه تنها با اطاعت از آن حضرت می‌توان به صراط مستقیم راه یافت (زخرف/۴۳) و با هدایت شدگان و نعمت یافتگان الهی همراه شد.^۴

به این جهت، بر اساس آیه کریمه: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/۷) باید اولاً: از رها کردن و کم توجهی علمی و عملی به بزرگ‌ترین ره‌آورد سفارت آسمانی آن حضرت، یعنی قرآن، که موجب شکایت به درگاه خداوند متعال می‌شود،^۵ دوری گزید.

و ثانیاً: از سبقت گرفتن بر رسول الله^۶ و بالا بردن صدای خود بر سخن آن حضرت و ترجیح و برابری سنت و سیره دیگران بر آن وجود شریف یا متروک ساختن روش او دوری نمود که ما را از سعادت محروم نموده و عذاب الیم را در پی خواهد داشت.^۷

گفتنی است سنت قولی و سیره عملی آن حضرت، از آن رو که بر اساس توحید ناب و برابر تربیت ویژه الهی تنظیم شده، همانند و همتایی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۱۳۵). از این رو همه امامان اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس آن سیره مبارک حرکت نموده و ما را به پیروی از آن مسیر فراخوانده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰ و ۱۸۲). و امام حسین علیه‌السلام نیز نهضت مقدس خود را با همین شعار آغاز نمود و به پایان برد: «اسیر بسیره جدی و ابی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

نکته قابل تأمل این که شناخت دقیق و عمیق سیره گران‌سنگ پیامبر که تجلی صراط مستقیم است، کار ساده‌ای نیست؛ زیرا بازشناسی دقیق آن از سنت‌هایی که بعداً به واسطه اصحاب و یاران یا تحت

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء/۵۹).

۲- «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء/۸۰).

۳- «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/۳۱).

۴- «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹).

۵- «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان/۳۰).

۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات/۱).

۷- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات/۲).

تأثیر بسط و نشر فرهنگ جوامع تازه مسلمان شده، جای‌گزین سنت و سیره اصیل رسول خدا شده‌است، نیازمند ذهنی صاف، انگیزه‌های ناب، دانشی گسترده و پرهیز از تعصب و فرقه‌گرایی‌های مذهبی است. آن‌چه در پی می‌آید، نگرش کوتاهی است به برخی از تلاش‌های اساسی، سنت و سیره جامعه‌سازی دینی پیامبر اعظم ﷺ که برابر آیات کریمه قرآن و روایات تدوین شده و سعی گردیده مواردی مطرح گردد که هم اکنون نیز راهبرد اساسی جامعه‌سازی اسلامی به صورت جهانی باشد؛ زیرا این همان مسئولیت بزرگ و وظیفه مهمی است که بر عهده ماست، چون اگر خداوند متعال می‌خواست، خود امت اسلامی جهانی را به اراده تخلف ناپذیر خود بنیان می‌کرد، ولی این مسئولیت را بر دوش امت گذاشت تا روشن شود کدام یک از ما نیکوتر به انجام وظیفه می‌پردازد:

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده/۴۸).

آموزه‌های اساسی اجتماعی دین

از محتوای آیات قرآن و روایات می‌توان آموزه‌های جامعه‌ساز دین را استخراج و در قالب اصول اساسی ذیل ارایه نمود:

۱. اصل اقامه عدالت توسط همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی (مائده/۵)؛
۲. اصل وحدت، حل و فصل اختلافات و مهرورزی (انفال/۱۶)؛
۳. اصل تعاون و همکاری در کارهای خیر و عدم تعاون در گناه و تجاوز (مائده/۲)؛
۴. اصل احسان و نیکوکاری (بقره/۱۹۵) و انفاق و مبارزه با فقر (انفال/۴۱) و بسط درست کاری و صداقت در داد و ستدها (شعرا/۱۸۱)؛
۵. اصل مسئولیت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر (اعراف/۱۹۹)؛
۶. اصل مبارزه با هر گونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی (قصص/۷۷)؛
۷. اصل سامان‌دهی و بسامان نمودن امور. اینک تفصیل مطالب بالا به اختصار تقدیم می‌گردد.

۱. اصل اقامه عدالت

اقامه عدل، فرمان خداوند^۱ و یکی از اهداف اصلی بعثت همه انبیا بوده است: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم قسط را برپا دارند»، (حدید/۲۵).

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل/۹۰).

بر همین اساس، آخرین رسول خدا ﷺ نیز مسئولیت یافت تا هم خود عدالت را محقق سازد: «من مأمور شدم تا در میان شما به عدل رفتار کنم». (شوری/۱۵) و هم امت اسلامی را به عدالت فرابخواند: «عدالت پیشه کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است». (مائده/۸).

اساساً قرآن کریم مؤمن و جامعه ایمانی را با این ویژگی معرفی می‌کند که نه زیر بار ظلم می‌رود و نه ظلم می‌کند: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹).

آری، قرآن کریم در پی ساختن جامعه‌ای است که همت تمامی افراد آن، اقامه عدالت باشد هر چند به زیان شخص یا خویشاوندان و نزدیکان آنان باشد. خداوند می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپا دارنده عدالت باشید هر چند به زیان خود یا پدر یا مادر یا خویشاوندان شما چه توانگر یا فقیر بوده باشد» (نساء/۱۳۵).

بدینسان مورد اجرای عدالت مطلوب قرآن، به مؤمنان اختصاص ندارد؛ بلکه چنان فراگیر و گسترده است که دشمنان را نیز شامل می‌شود و نسبت بدانان نیز باید عدالت ورزید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَ أَنْ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا غَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا قیام کرده، شاهدان عدالت باشید و دشمنی با گروهی و ادارتان نکند که عدالت نورزید، عدالت ورزید که به تقوی نزدیکتر است و تقوی پیشه کنید که او به هر کاری که می‌کنید آگاه است.» (مائده/۸).

در تفسیر نمونه آمده است که:

«در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثناء ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند... باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید که این عمل خلق و خوی شما شود، و انحراف از آن برخلاف طبع و روح شما گردد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۶۱).

آری، عدالت که قراردادن هر چیز و هر شخص در جایگاه شایسته خویش است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷) دایره‌ای بسیار گسترده دارد که هم حکم و قضاوت^۱، هم سخن و گفتار^۲ و هم مسایل اقتصادی^۳ و اجتماعی^۴ را در بر می‌گیرد.

۱- «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ و چون بین مردم به حکم و داوری برخاستید، به عدل حکم کنید» (نساء/۵۸).

۲- «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا؛ به هنگام سخن گفتن، عدالت پیشه کنید» (انعام/۱۵۲).

۳- «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ؛ چون چیزی را پیمانه کنید پیمانه را کامل گردانید و با ترازوی درست وزن کنید» (اسراء/۳۵).

۴- «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ؛ همین که درختان میوه آورد هم از آن استفاده کنید و هم سهم محرومان را در همان روز چیدن میوه بپردازید» (انعام/۱۴۱).

در سیره نبوی و علوی، عدالت در اجرای قوانین مالی و سیستم توزیع اقتصادی و مساوات در تقسیم و برخورداری از بیت المال، چنان با دقت و شدت اجرا می‌شد که امکانات زندگی معمولی یا رفاه نسبی برای همه قابل دست‌یابی باشد (قرائتی، ص ۱۱۹) و ثروت در دست یک گروه خاص انباشته نشود و آموزه قرآنی «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ؛ تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.» (حشر/۷) تحقق یابد.

به همین جهت برخی از اقدامات عدالت گسترانه آنها، موجب رنجش خاطر شد و در دسرهایی پدید آورد ولی به بهانه مصلحت سنجی ترک نشد.

به این ترتیب اجرای عدالت کار آسانی نیست و هزینه‌های خاص خود را دارد؛ هشدار خداوند متعال سختی اجرای عدالت را نشان می‌دهد: «فَأَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ در میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوی مباش که تو را از راه خدا گمراه می‌کند.» (ص/۲۶). آری، در جامعه‌سازی آرمانی نبوی، اقامه عدالت توسط همه انسان‌ها، یک شعار زیبا و تعارف دلکش نیست؛ بلکه یک برنامه عملی درازآهنگی است که با چهار راهبرد اساسی «بینات»، «کتاب»، «میزان» و «حدید» به صورت جدی پی‌گیری می‌شود. (حدید/۲۵).

در سیره نبوی، کسی نباید به بهانه‌های واهی هم‌چون کوچکی حوزه عمل، از اجرای عدالت دست بردارد؛ «انس بن مالک می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: من ولی عشره فلم يعدل فیهم جاء یوم القیامه و یداه و رجلاه و رأسه فی ثقب فاس؛ کسی که سرپرستی ده نفر را به عهده دارد ولی عدالت را رعایت نکند، روز قیامت در حالی می‌آید که دست‌ها، پاها و سرش در سوراخ آهنی باشد که در زیر لگام قرار دارد.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۶، ص ۲۶۰).

شایان ذکر است عدالت مطلوب اسلام یک حکم تعبدی نیست، بلکه آثار عمیق و بی‌بدیلی در استواری، صلابت، پیشرفت و امنیت جامعه دارد. تعبیر رسای «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» نشان‌گر آن است که مهم‌ترین عامل محوری تهدید و ناامنی همگانی، بی‌عدالتی و ظلم است. به فرموده علامه طباطبایی رحمته علیه:

«اگر در جامعه حق پیروی شود و قسط به پا داشته شود، آن مجتمع سرپای خود خواهد ایستاد و از پا در نخواهد آمد و در نتیجه، هم غنی و توانگر باقی می‌ماند و از پای در نمی‌آید و هم حال فقیر اصلاح می‌گردد.» (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۵، ص ۱۰۹).

۲. وحدت، کنار نهادن اختلافات و مهرورزی

ایجاد وحدت، حل و فصل اختلافات، به ویژه در امور دینی، ایجاد فضای اخوت و برادری، از بین بردن زمینه‌های کینه و مهرورزی، از اقدامات اساسی جامعه‌سازی دینی است.

خداوند در قرآن کریم همه مؤمنان را برادر (حجرات/۱۰) و عضو امت یگانه و بزرگ اسلامی و بنده خود خوانده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ همانا این امت شما، امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس مرا پرستش کنید». (انبیا/۹۲ و مؤمنون/۵۲).

و با شناساندن «وحدت» به عنوان نعمت ویژه الهی، همه را به وحدت فراخوانده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمن (یکدیگر) بودید پس خداوند میان دل‌های شما الفت و یگانگی قرار داد.» (آل عمران/۱۰۳).

قرآن کریم از تک تک افراد می‌خواهد با پیشه‌ساختن تقوا، اختلافات خود را کنار نهند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ پس تقوا پیشه کنید و اختلافات میان خویش را اصلاح نمایید.» (انفال/۱).

و با مشارکت در حل اختلافات خانوادگی، نظام خانواده را به آرامش رهنمون شوند (بقره/۲۲۴ و نساء/۳۵ و ۱۱۴) و در عرصه اجتماع نیز، میان دو گروه متخاصم، صلح و دوستی پدید آورند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا؛ و اگر دو گروه از مؤمنان به جنگ برخاستند، بین آنان اصلاح نمایید.» (حجرات/۹) خداوند، این گونه اقدامات صلح جویانه را اصلاح میان برادران نامیده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ همانا مؤمنین برادرند پس بین برادرانستان را اصلاح نمایید.» (حجرات/۱۰).

خداوند در قرآن، به طور خاص، تفرقه در دین را مذموم و موجب عذاب معرفی نموده^۱ و امت اسلامی را از آن بر حذر داشته است.^۲ و به صورت آشکار، تفرقه‌افکنان مذهبی را به طور کلی از سنت و سیره پیامبر دور و پیامبر را از آنان، جدا دانسته است:

«کسانی که آیین خود را پراکنده ساخته‌اند و به دسته‌های گوناگون تقسیم شدند تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری و سرکار آنها با خدا است سپس خدا آنها را از آن چه انجام می‌دهند، آگاه خواهد ساخت».^۳ و بر اقامه دین خدا و صراط مستقیم الهی و پرهیز از هرگز تفرقه و گروه‌گروه شدن در دین تأکید می‌کند: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری/۱۳).

خداوند، تنازع و درگیری بین مسلمانان را بر نمی‌تابد؛ زیرا موجب سستی، از بین رفتن شخصیت و

۱- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵).

۲- «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری/۱۳).

۳- «إِنَّ الدِّينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام/۱۵۹).

عزت^۱ و شکست در برابر دشمن می‌شود.^۲ بر اساس این، وحدت و یک‌پارچگی، از دیدگاه قرآن، نوعی اقتدار است که باید آن را فراهم آورد و دشمن را به وسیله آن، چنان ترساند که خیال تعرض به مسلمانان را از سر به در کند.^۳

قرآن کریم، تمسک به «حبل الله»،^۴ اطاعت از خدا و رسول^۵ و اولی الامر^۶ را محور وحدت بین مسلمانان معرفی نموده، و هر گونه تحاکم به طاغوت (نساء/۶۰)، پذیرفتن حکم جاهلیت و روی گردانی از مراجعه به پیامبر و سنت و سیره حسنه آن حضرت و نپذیرفتن مرجعیت نهایی رسول اعظم در اختلافات را^۷ نشانه بی‌ایمانی،^۸ نفاق^۹ و پیروی از راه‌های گوناگون را عامل اساسی تفرقه و تشتت مذهبی دانسته است.^{۱۰}

تاریخ صدر اسلام نشان‌گر آن است که در سایه عنایت و اراده الهی و در پرتو اقدامات و سیره و سنت قولی و عملی نبوی، اختلافات و کینه‌های دیرپای قبایل در هم شکست و فضای دشمنی دیرینه و جنگ و خون‌ریزی میان قبایل چنان به فضای دوستی بدل شد که میان آنان پیمان اخوت منعقد گردید و رابطه دو قبیله بزرگ اوس و خزرج که رقیب سرسخت یک‌دیگر بودند به دوستی گرایید. در سنت مبارک نبوی، از یک سو مهرورزی و دوستی با یک‌دیگر^{۱۱} در پرتو جلال الهی، صفت مؤمنین مقرب نزد خداوند معرفی شده است:

«ان رسول الله ﷺ کان یقول: ان الله خلقاً عن یمین العرش بین یدی الله و عن یمین الله وجوههم ابیض من الثلج و اصبوا من الشمس الضاحیه! یسال السائل: ما هولاء؟ فیقال: هولاء الذین تحابوا فی جلال الله؛ پیامبر ﷺ همواره می‌فرمود: خداوند آفریدگانی دارد که در جانب راست عرش الهی و در محضر حضرت حق هستند؛ صورت‌هایشان از برف سفیدتر و از خورشید درخشان‌تر است. شخصی پرسید که اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی هستند که به خاطر عظمت خدا، هم‌دیگر را دوست دارند». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۷۲).

۱- «و لا تنازعوا فتعشروا و تذهب ریحکم...» (انفال/۴۶).

۲- «و لقد صدقکم الله و عدّه إذ تحسبونهم یأذنه حتی إذا فسلتم و تنازعتم فی الأمر...» (آل عمران/۱۵۲).

۳- «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوّه... ترهبون به عدو الله و عدوکم» (انفال/۶۰).

۴- «و اعتصموا بحبل الله جویعاً و لا تفرقوا» (آل عمران/۲۰).

۵- «أطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا» (انفال/۴۶).

۶- «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء/۵۹).

۷- «ما کان لیمون و لا مؤمنه إذا قضی الله و رسوله أمراً أن یكون لهم الجیره» (احزاب/۳۶).

۸- «فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموا فیما شجر بیئهم» (نساء/۶۵).

۹- «و إذا قیل لهم تعالوا الی ما أنزل الله و الی الرسول رأیت المنافقین یصدون عنک صدوداً» (نساء/۶۱).

۱۰- «و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم» (انعام/۱۵۳).

۱۱- «و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بیئهم» (فتح/۲۹).

و از سوی دیگر، نه تنها افراد از دست یازیدن به قتل کسی که شهادتین را در ظاهر جاری می‌کند،^۱ گرفتار آمدن به عجب و غلو در دین مورد قبول خود^۲ و تکفیر هر مسلمان دیگر به دلیل انگیزه‌های دنیایی و جاه‌طلبی‌های فردی یا گروهی نهی شده‌اند،^۳ بلکه همه آدمیان از توهین به یک‌دیگر بر حذر داشته شده‌اند:

«مر رسول الله ﷺ برجل من الانصار و هو يضرب وجه غلام له و يقول: قبح الله وجهك! و وجه من تشبهه! فقال النبي ﷺ: بئس ما قلت! فان الله خلق آدم على صورته؛ پیامبر از کنار مردی از انصار گذشت که به صورت نوجوان خود سیلی می‌زد و می‌گفت: خدا صورتت را زشت گرداند و صورت کسی که تو شبیه او هستی! حضرت فرمود: سخن بدی گفته‌ای؛ زیرا خداوند، آدم را به شکل او آفریده است». (سید مرتضی، ۱۴۰۹، ص ۱۲۷).

و از سوی سوم، تنظیم نمودن دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر اساس رضای خدا، محکم‌ترین دستگیره ایمان معرفی شده است که مؤمنان با تمسک به آن می‌توانند و باید به تحکیم ایمان خود بپردازند: «برای بن‌عازب می‌گوید: یک روز من همراه پیامبر بودم. فرمود: آیا می‌دانید که کدام یک از دستگیره‌های ایمان قوی‌ترند؟ گفتیم: نماز. فرمود: نماز خوب است ولی آن نیست. گفتیم: زکات. فرمود: زکات خوب است ولی آن نیست. تمام شرایع اسلام را ذکر کردیم. حضرت فرمود: محکم‌ترین دستگیره ایمان آن است که انسان در راه خدا دوست بدارد و در راه خدا دشمن بدارد».^۴

و از نور الهی در آخرت برخوردار شوند.^۵

۱- «لما رجع رسول الله ﷺ من غزوه خيبر و بعث أسامه بن زيد في خيل الى بعض قري اليهود في ناحية فدك ليدعوهم الى الاسلام و كان رجل من اليهود يقال له مرداس بن نهيك الغدكي في بعض القرى فلما أحس بخيل رسول الله ﷺ جمع أهله و ماله و صار في ناحية الجبل فأقبل يقول: أشهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله ﷺ، فمر بأسامه بن زيد فطعنه فقتله، فلما رجع الى رسول الله ﷺ أخبر بذلك فقال له رسول الله ﷺ قتل رجلًا شهد أن لا اله الا الله و أني رسول الله فقال: يا رسول الله انما قال: تعودا من القتل! فقال رسول الله ﷺ: فلا شققت الغطاء عن قلبه و لا ما قال بلسانه قبلت و لا ما كان في نفسه علمت فحلف بعد ذلك أنه لا يقتل أحداً شهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله ﷺ» (قمي، ج ۱، ص ۱۴۹).

۲- «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ» (نساء/ ۱۷۱ و نیز مائده/ ۷۷).

۳- «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَتَّبِعُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء/ ۹۴). نیز: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ...» (توبه/ ۱۱).

۴- «عن ابن عازب قال: كنت مع رسول الله ﷺ ذات يوم فقال: أتدرون أي عرى الايمان أوثق؟ قلنا: الصلاة! قال: ان الصلاة لحسنة و ما هي بها قلنا: الزكاة فقال: لحسنة و ما هي بها، فذكرنا شرائع الاسلام فقال: أوثق عرى الايمان أن تحب الرجل في الله و تبغض في الله» (شيخ مفيد، ۱۴۱۳، ص ۳۶۵).

۵- «عن النبي قال: ان حول العرش منابر من نور عليها قوم لباسهم من نور و وجوههم نور ليسوا بانبياء يغطهم الأنبياء و الشهداء قالوا: يا رسول الله! هل لنا؟ قال: هم المتحابون في الله و المتجالسون في الله و المتزاوون في الله؛ پیامبر فرمود: اطراف عرش منبرهایی از نور است و گروهی بر آنها نشسته‌اند که لباس‌هایشان از نور و صورت‌هایشان نیز از نور است. اینان انبیا نیستند، ولی پیامبران و شهدا به مقام آنها رشک می‌برند. گفتند: اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که در راه خدا محبت می‌ورزند و در راه خدا می‌نشینند و در راه خدا به دیدن هم‌دیگر می‌روند» (محدث‌نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۲۵).

به همین جهت، آن حضرت، هرگونه افتخارگرایی و برتری طلبی را مردود اعلام نمود: «خرج رسول الله ﷺ فحدثه سلمان و شكاه اليه ما لقي من القوم و ما قال لهم؛ فقال النبي ﷺ: يا معشر قريش! ان حسب الرجل دينه و مروته خلقه و أصله عقله، قال الله تعالى: إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ^۱؛ روزی پیامبر ﷺ از خانه خارج شد، سلمان نزد حضرت آمد و از آنچه که از مردم به او رسیده بود (سرزنش‌های نژادی و پیشینه آباء و اجدادی) شکایت کرد. پیامبر ﷺ فرمود: ای گروه قریش! شخصیت انسان به دینش، مروت او به اخلاقش و ریشه و اصل یک انسان به عقلش است. خداوند متعال می‌فرماید: ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله ساختیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». (نیشابوری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸۳).

خداوند نه تنها پیامبر رحمت را به ایجاد وحدت بین مؤمنان و مسلمانان مأمور ساخت، بلکه به او فرمان داد همه جوامع دینی اهل کتاب را نیز در سایه اعتقاد به خداوند، به وحدت با مسلمانان فراخواند.^۲ به راستی چگونه می‌توان خود را پیرو سنت و سیره یا شیعه پیامبر و اهل بیت دانست و با متهم ساختن و تکفیر یکدیگر، به تفرقه‌افکنی در میان امت اسلامی پرداخت؟

مگر نه آن است که افزون بر تلاش‌های رسول اعظم ﷺ، بزرگ‌ترین صحابی آن حضرت، امام علی (علیه السلام)، نیز بیشتر از دوران مبارزه در کنار رسول خدا، یعنی بیست و پنج سال از عمر گران قدر خود، را برای وحدت میان امت اسلامی صرف نمود و از حق مسلم ولایت خود نیز چشم پوشید؟ پس چگونه در شرایط حساس کنونی که امت اسلامی به وحدت نیاز مبرم و بیشتری دارد، بر خلاف روش آن اولیای الهی، تعصب‌های نژادی، تقلیدهای کورکورانه، پیروی نابجا از روش‌های غلط نیاکان و پیشینیان،^۳ و اصرار بر اشتباهات برخی از بزرگان^۴ توانسته است از طرح و نشر اندیشه‌های وحدت‌آفرین، بر اساس حق و منطبق بر سنت نبوی و علوی سر برتافته و برای برنامه‌ریزی، رویکرد و ره‌یافت عملی تحقق آن مانع‌تراشی کند؟

آیا به راستی این همه بدبینی، سوءبرداشت، یک‌سویه‌نگری، اتهام و تهمت به یک‌دیگر برای اثبات درستی مذهب خود و ابطال مذهب دیگری که در میان فرق و مذاهب اسلامی به وجود آمده و

۱- آیه، از سوره حجرات و مدنی است، پس جریان در مدینه و حتی پس از سال پنجم هجرت بوده است، اما مخاطبان از مهاجران قریش بودند که بر سلمان فخر فروشی کرده بودند.

۲- «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴).

۳- «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ» (زخرف/۲۳)؛ «أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (ص/۱۳۹).

۴- «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب/۶۷).

توسط برخی از بیگانگان دامن زده می‌شود، با سنت و شیوه رسول خدا و اهل بیت مطهرش سازگار است؟

مگر نه آن است که پیامبر ﷺ به امت خود فرمود:

«الا خبرکم باشرارکم قالوا: بلی یا رسول الله! قال: المشاءون بالنمیمة المفرقون بین الاحبة الباغون للبراء العیب؛ آیا بدترین افراد را به شما معرفی کنم؟ عرض کردند: آری یا رسول الله! فرمود: کسانی که سخن چینی کرده و بین دوستان جدایی می‌اندازند و برای بی‌گناهان عیب درست می‌کنند.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۳۷۵).

ابن عباس می‌گوید:

«ان النبی ﷺ سئل عن الشهادة؟ فقال: تری الشمس علی مثلها فاشهد او دع؛ از پیامبر ﷺ راجع به شهادت و گواهی دادن سؤال کردند؟ فرمود: باید مورد شهادت را همانند خورشید به عیان دیده باشی تا بتوانی شهادت بدهی و گر نه آن شهادت دادن را واگذار.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۴۲۲) مگر خداوند حکیم، روش خردمندانه استماع و گفت‌وگو همراه با گزینش و پیروی از نیکوترین سخن را به ما نیاموخته و آن را نشانه هدایت یافتگی و خردورزی معرفی نکرده است^۱ و مگر غیبت، عیب‌جویی، دروغ، تهمت، اهانت، لعن و... در این دین مقدس حرام نیست و مگر رسول خدا به ما نیاموخته که چشم از عیب‌جویی دیگران ببوشید و عیوب دیگران را ظاهر نکنید تا خدا عیبوتان را مخفی کند^۲. که حجم فراوانی از گفتار و نوشتارهای بدبینانه بدون مدرک و سند و به صورت خصمانه و همراه با تکفیر، علیه مذاهب دیگر اسلامی منتشر می‌شود؟

آری، دور ساختن همه افراد امت از بدبینی، کینه و دشمنی که موجب کاهش تخصص و درگیری‌ها می‌شود و در نتیجه، در تحقق سلامت، پیشرفت و اصلاح جامعه اسلامی نقش به‌سزایی دارد، مسئولیت تک تک مسلمانان است. مگر نه آن است که دشمنان جوامع اسلامی، همواره با توطئه‌های گوناگون در صدد ایجاد اختلاف و نزاع میان مسلمانان می‌باشند تا در اثر این اختلاف و منازعات، زمینه‌های تشکیل، تشکل، اصلاح، قدرت و عزت جامعه بزرگ و امت اسلامی از بین برود؟ آیا هر یک از ما برای از بین بردن زمینه‌های حسد و کینه در جامعه بزرگ و فراگیر امت اسلامی مسئولیت نداریم و آیا این مسئولیت را ایفا کرده‌ایم تا آن گونه بشویم که قرآن کریم در توصیف بهشتیان می‌فرماید: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ؛ هر گونه حسد و کینه و

۱- «قَبَسْرُ عِبَادٍ * الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۷).
۲- «قال رسول الله ﷺ: كان بالمدينة اقوام لهم عيوب فسكتوا عن عيوب الناس فاسكت الله عن عيوبهم الناس فماتوا و لاعيوب لهم عند الناس و كان بالمدينة اقوام لاعيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس فاطهر الله لهم عيوباً لم يزالوا يعرفون بها الى ان ماتوا» (شیخ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۲۹۲).

بیت شریف
سال سوم شماره دوم

دشمنی را از سینه آنها برکنندیم در حالی که همه با هم برادرند بر روی تخت‌ها روبه‌روی یک‌دیگر قرار دارند.» (حجر/۴۷) نه آن گونه باشیم که در وصف دوزخیان مطرح می‌سازد:

«إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ» (ص/۶۴).

«كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف/۳۸).

۳. اصل تعاون و همکاری

یکی از سنت‌های نبوی در جامعه‌سازی اسلامی، بسط و گسترش اصل تعاون و همکاری اعضای آن با یک‌دیگر است. از دیدگاه اسلام افراد جامعه اسلامی عضو یک پیکرند (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۵) که در شادی و غم یک‌دیگر شریک می‌باشند؛ آنان باید دست به دست هم بدهند تا با همکاری و تعاون، مشکلات را حل کنند. البته باید این همکاری‌ها بر محور «بِرِّ = نیکوکاری و تقوا» باشد نه بر محور «اِثم = گناه و تجاوز»؛ یعنی در تعاون و همکاری‌ها باید تنها مصلحت جامعه اسلامی و رضایت خداوند را در نظر گرفت.

خداوند از یک سو همگان را به تعاون و مشارکت در کارهای خیر و تقوا و عدم همکاری در گناه و تجاوز فراخوانده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (مائده/۲).

و از سوی دیگر، از سستی برخی مسلمانان در بازگرفتن حقوق محرومان و رانده شدگان از دیار خود انتقاد نموده و آنان را مورد عتاب قرار داده است که:

«شما را چه شده است که در راه خدا و (گرفتن حقوق) مردان و زنان و کودکان مستضعف کار زار نمی‌کنید؟»^۱

خداوند فقط به فراخوان و دعوت مؤمنان به تعاون و عتاب آنان در کندی هم‌باری مستضعفان بسنده ننموده، بلکه موضوع، شیوه و راه‌های تعاون را نیز پیش رو نهاده است تا هیچ کس نتواند با بهانه‌جویی از این مسئولیت بزرگ اجتماعی بگریزد:

سلام کردن به هر مؤمن به هنگام ملاقات^۲ و سلام دیگران را به نیکی جواب دادن حتی در حال نماز،^۳ حضور فعال در اجتماعات مذهبی هم‌چون نماز جماعت و جمعه، پرداخت زکات،^۴ متعهد بودن نسبت به خویشاوندان و همسایگان از هر ملت و مذهب،^۵ خیرخواهی و ابراز

۱- «مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَشْتَضِعِّينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ...» (نساء/۷۵).

۲- «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام/۵۴).

۳- «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ قَائِمًا يَصَلِي فَمَرَّ بِهِ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ هَكَذَا» (کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۶).

۴- «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره/۴۳).

۵- «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» (نساء/۳۶).

خالصانه‌ترین آرزوهای نیک قلبی و درخواست مغفرت و آمرزش از خداوند متعال برای برادران مؤمن^۱ نمونه و مصادیقی از هم‌دلی، تعاون و هم‌یاری در میان امت اسلامی است.

به عنوان نمونه، به یک سنت نبوی در مورد حق همسایه اشاره می‌گردد:

«پیامبر ﷺ فرمود: آیا می‌دانید که حق همسایه چیست؟ عرض کردند: خیر! فرمود: اگر از تو کمک خواست به کمک او بشتابی، اگر قرض خواست به او بدهی، اگر فقیر شد به او کمک برسانی و اگر به مصیبتی دچار شد به او تسلیت بدهی، اگر خیری نصیب او شد به او تبریک بگویی، اگر مریض شد به عیادت او بروی و اگر مُرد به تشییع جنازه‌اش حاضر شوی، ساختمان‌ت را در مقابل خانه او چنان بلند نسازی که جلو هوا را بگیرد مگر به اجازه او! وقتی که میوه خریدی برای او نیز هدیه ببری و اگر نمی‌توانی، میوه را مخفیانه به منزل ببر و فرزندت را با میوه بیرون میاور که فرزند او را به خشم در آورد و همسایه را با بوی غذای دیگ خود آزار مرسان مگر آن که برای او نیز سهمیه‌ای بفرستی»^۲.

در سیره نبوی آمده است که: «روزی برای پیامبر هدیه‌ای آوردند و نزد ایشان چند نفر نشسته بودند. فرمود: شما نیز در این هدیه، شریک من هستی!» (شهید ثانی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۴).

اکنون پرسش قابل تأمل این است که سخن نبوی پیش‌گفته ویژه همسایگان یک محله، یک شهر و یک کشور اسلامی است، یا در جامعه‌سازی اسلامی، کشورهای اسلامی نیز نسبت به کشورهای همسایه مسلمان خود چنین وظایفی بر عهده دارند؟

چرا ما همواره به احکام اسلام با چشم فردگرایانه می‌نگریم و آنها را در سطح کلان در نظر نمی‌گیریم؟ مگر امت اسلامی، امتی واحد و یگانه نیست؟ آیا تعهد در برابر تک تک افراد این امت در هر کشور و از هر نژاد و زبان و رنگ، و هم‌بستگی، یاری و دفاع از یک‌دیگر، از وظایف همه کشورهای مسلمان نیست؟

به نظر می‌رسد کنفرانس اسلامی، سران، دولت‌ها و مجالس کشورهای اسلامی، در موارد بالا، مسئولیت‌های اساسی دارند و عالمان و اندیشمندان دلسوز امت در بازکردن باب گفت‌وگو و مباحثات علمی مستقیم و رو در روی مذاهب اسلامی، وظیفه‌ای خطیر بر دوش دارند؛ زیرا اجازه برگزاری مراسم دینی پیروان ادیان دیگر در مسجد نبوی و بحث و مناظره برای روشن شدن حق با آنان، از سیره پیامبر ﷺ بود.^۳

۱- «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِأَخْوَانِنَا» (حشر/۱۰)؛ «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِإِلْدَائِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ ...» (ابراهیم/۴۱).

۲- «ان رسول الله ﷺ قال: أتدرون ما حق الجار؟ قالوا: لا قال: ان استغاثك أغثته و ان استقرضك أقرضته و ان افتقر عدت عليه و ان أصابته مصيبة عزيزته و ان أصابه خير هنأته و ان مرض عدته و ان مات تبعته جنازته و لا تستطيل عليه بالبناء فتحجب الريح عنه الا باذنه و اذا اشترت فاكهة فأهد له فان لن تفعل فادخلها سرا و لا تخرج بها ولدك تغيط بها ولده و لا تؤذ به ريح قدرك الا أن تغرف له منها» (شهید ثانی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۴).

۳- «و كان رسول الله ﷺ فحضرت صلاتهم فقاموا فصلوا في مسجد رسول الله ﷺ تلقاء المشرق فهم بهم رجال من اصحاب رسول الله بمنعهم، فاقبل رسول الله ﷺ فقال: دعوهم فلما قضاوا صلاتهم جلسوا اليه و ناظروه فقالوا يا ابا القاسم حاجنا في عيسى....» (شيخ مفيد، ۱۴۱۳، ص ۱۱۴).

۴. اصل توسعه و بهسازی اقتصادی با احسان و نیکوکاری و مبارزه با فقر

بهسازی وضعیت عمومی افراد جامعه، محرومیت‌زدایی، مبارزه با فقر و رسیدگی به ضعف و ایتم و زیردستان از طریق برنامه‌ریزی‌های کلان، تدوین و اجرای قوانین توزیع عادلانه ثروت،^۱ همراه با توجه به نیازمندی‌ها و برآوردن آنها با انفاق در راه خدا^۲ از آن‌چه خداوند روزی کرده،^۳ اعطای وام^۴ و مهلت دادن برای ادای آن،^۵ احسان و نیکوکاری^۶ و پرداختن صدقه به محرومین نه از سر ترحم و همراه با منت و اذیت و فخرفروشی،^۷ بلکه از سر ذی حق و شریک دانستن فقیران در ثروت خود،^۸ یکی از تلاش‌ها و اقدامات اساسی نبی مکرم اسلام ﷺ در جامعه‌سازی دینی بود که باید هم اکنون نیز در درون کشورهای اسلامی و جامعه‌سازی بزرگ امت اسلامی مد نظر قرار گیرد.

۵. اصل مسئولیت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر (اعراف/۱۹۹)

پی‌اف‌کندن نظارت همگانی، توصیه متقابل مسلمانان به حق و صبر و امر به معروف و نهی از منکر و کنار نهادن رخوت، سستی و بی‌تفاوتی نسبت به امور اجتماعی که آثار نیک و بد آن همه را در بر خواهد گرفت (انفال/۲۵)، یکی از اصول سنت نبوی در جامعه‌سازی دینی است.

از دیدگاه قرآن کریم، جامعه اسلامی آن‌گاه بهترین جامعه و مردم آن برترین امت‌ها است که امر

به معروف و نهی از منکر در آن اجرا شود (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۵):

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ شما گروه مسلمانان بهترین امت هستید...» (آل عمران/۱۱۰). آری، دست‌یابی به جایگاه «امت برتر و ممتاز» زمانی ممکن است که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با کژی‌ها فراموش نشود، وگرنه در آن زمان که این دو وظیفه فراموش شد، نه مسلمانان بهترین امت هستند و نه برای جامعه بشریت سودمند خواهند بود. (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۳، ص ۴۷).

به این ترتیب، از اقدامات جامعه‌ساز رسول اعظم ﷺ، پرس و جو برای اطلاع یافتن از وضع مردم

۱- «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ؛ تا ثروت تنها در میان توانگران شما دست به دست نگردهد» (حجرات/۱۳).

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (بقره/۲۶۷).

۳- «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ» (منافقون/۱۰).

۴- «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۱).

۵- «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره/۲۸۰). ۶- «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵).

۷- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ» (بقره/۲۶۴) نیز (بقره/۲۶۲).

۸- «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج/۲۵-۲۴).

به منظور پیش‌گیری از گمراهی آنان^۱، تلاش دلسوزانه برای دور ساختن مردم از گناه^۲، تشویق مداوم مردم به محاسن اخلاقی^۳، معرفی نیک و بد و مصادیق آن (بقره/۱۲۹ و آل‌عمران/۱۶۴) و در یک کلام، برافراشتن بنیان امر به معروف و نهی از منکر بود.

نکته مهم و شایان ذکر این است که هم‌اکنون در انجام این اصل اجتماعی و جامعه‌ساز، به ویژه در داخل امت، باید از خودمحموری، یک‌سویه‌نگری، تنها خود را بر حق دانستن و بر دیگران به صورت کلی خط بطلان کشیدن‌های موهوم و تندی در گفتار و عمل پرهیز کرد؛ زیرا قرآن کریم بیشتر گمان‌ها را، گناه^۴ و مسخره کردن، عیب‌جویی، لقب و نام بد بر یک‌دیگر نهادن را ستم‌کاری معرفی نموده و مسلمانان را از آن بازداشته است.^۵

در سیره نبوی نیز، در امر به معروف و تذکر به افراد، حفظ احترام و ادب، پرهیز از سخنان تنفربرانگیز^۶ بردباری، حیا، صداقت، تواضع، تعادل، نرمی سخن و کوتاهی صدا، احترام بزرگ‌تران و ترجمه نسبت به کوچک‌تران رعایت می‌شد و از هتک حریم و بازگفتن و تکرار لغزش‌های افراد، اجتناب می‌گردید.

ما نیز باید هم‌چون رسول خدا ﷺ باشیم که: «همواره تبسم بر لب داشت، اخلاقش نرم و هم‌نشینی‌اش آرام بود، نه خشن بود و نه سخت‌گیر و نه فحاش و نه عیب‌جو و نه متملق و از آنچه که نمی‌پسندید، تغافل می‌کرد و هیچ کس از او ناامید نبود.»^۷

بر اساس این، ما پیروان راه آن حضرت، نباید به بهانه امر به معروف و مبارزه با منکر، به جان هم بیفتیم و موجبات دلگیری، اختلاف، آزار و زد و خورد با یک‌دیگر را فراهم کنیم؛ زیرا

۱- «و یتفقد اصحابه و یسأل الناس عما فی الناس..... الا یغفل مخافة ان یغفلوا و یمیلوا» (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۶۱، ص ۷۹).

۲- «کان رسول الله ﷺ بهم رحیماً و علیهم عطوفاً و فی ازالة الاثم عنهم مجتهداً» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۳۱).

۳- «کان رسول الله ﷺ اذا خطب قال فی اخر خطبته: طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجیته و صلحت سریره و حسنت علانیته و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من کلامه و انصف الناس من نفسه» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۴).

۴- «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن» (حجرات/۱۲).

۵- «یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوّم من قوّم عسی أن یكونوا خیراً منهم و لا ینساء من ینساء عسی أن ینکح خیراً منهم و لا تلیمزوا انفسکم و لا تثاروا باللقاب ینس الاسم القسوف بعد الایمان و من لم ینب فأولیک هم الظالمون» (حجرات/۱۸).

۶- «و کان لا یتکلم احداً بشیء یکرهه» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲).

۷- «مجلسه مجلس حلم و حیا و صدق و امانه لا ترفع فیہ الاصوات و لاتؤبن فیہ الحرم و لانتشی فلناته متعادلین متواصلین فیہ بالتقوی متواضعین یوقرون الکبیر و یرحمون الصغیر و یؤثرون ذا الحاجة و یحفظون الغریب فقلت: فکیف کانت سیرته فی جلسائه؟ فقال: کان دائم البشر سهل الخلق لین الجانب لیس بفظ و لا صنخاب و لافحاش و لا عیاب و لا مداح یتغافل عما لا یشتهی فلا یؤیس منه...» (مجلسی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۵۲).

برابر فرموده پیامبر ﷺ: شبیه‌ترین مردم از حیث صفات اخلاقی به آن حضرت کسی است که دارای اخلاقی زیباتر، نرمی و ملایمت افزون‌تر، نسبت به خویشاوندانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی‌اش مهربان‌تر، نسبت به حق صبورتر و دارای کنترل خشم و بخشش و انصاف بیشتری باشد.^۱ بنابراین باید غیرت دینی برگرفته از غیرت الهی جامعه بزرگ اسلامی را به این سو هدایت کرد که هیچ مسلمانی به هنجار شدن منکرات را برنتابد و در مقابل عادی‌سازی گناه در کشورهای اسلامی لب فرو نیسته و تساهل و تسامح را روا ندارد.

اگر نیک تأمل کنیم اکنون غیرت دینی امت اسلامی و رسالت همه افراد آن، در بعد داخلی، در اصلاحات درونی و برگزاری گفت‌وگوهای سازنده برای ایجاد وحدت در میان امت ظاهر می‌شود و در بعد خارجی، در ایستادگی و مبارزه علمی و عملی با بزرگ‌ترین هجوم و قتل عام فرهنگی غرب تجلی می‌یابد؛ مگر نه آن است که فساد انبوه اعتقاد و عمل آن، مغرب زمین، مکتب و مقدسات اسلامی را مورد تهاجم همه‌جانبه قرار داده است و حتی به اشغال کشورهای اسلامی دست یازیده و از اشغال‌گران قدس نیز حمایت می‌کند؟

۶. اصل مبارزه با هر گونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی

خداوند، به هیچ وجه فساد را بر نمی‌تابد و جامعه اسلامی را بدون فساد می‌خواهد؛ به همین جهت، در آیات بسیاری از کتاب آسمانی خود، آدمیان را از ارتکاب هر گونه فساد نهی می‌کند. مرحوم شیخ طبرسی در ذیل آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» (اعراف/۵۶) می‌فرماید:

«منظور از فساد در زمین، اضرار و زیان رساندن به مردم است و برخی به معنای کشتار و قتل مؤمنان و ظلم و گناه نیز تفسیر کرده‌اند.» (شیخ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۶).

مرحوم شیخ طوسی در تبیان می‌فرماید:

«فساد عبارت است از هر چیزی که از اعتدال و استقامت خارج شده باشد.» (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۷۵).
فخر رازی فساد را «خروج شیء از قابلیت انتفاع» و نقیض آن را «صلاح» دانسته است و از ابن عباس نقل می‌کند که یکی از معانی فساد در زمین: «آشکار کردن گناهان و تظاهر بر گناه و معصیت علنی» است. (رازی، ۱۹۶۷، ج ۶، ص ۴۹).

به این ترتیب، منظور از فساد در زمین، هر گونه خروج از اعتدال، غیر قابل انتفاع ساختن و زیان رساندن به دیگران، و به اختصار، هر کاری است که خدا از آن نهی کرده باشد؛ بنابر این مطلق گناه و

۱- «قال: النبي ﷺ ألا أخبركم بأشبهكم بي؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: أحسنكم خلقاً وألينكم كنفاً وأبركم بقرابتة وأشدكم حياءً لاخوانه في دينة وأصبركم على الحق وأكظمكم للغيظ وأحسنكم عفواً وأشدكم من نفسه انصافاً في الرضا والغضب» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۹۳).

معصیت، فساد و افساد در زمین محسوب می‌شود. به همین جهت، مبارزه و جلوگیری از قتل و آدم‌کشی،^۱ فتنه،^۲ دزدی،^۳ رباخواری،^۴ قطع رحم،^۵ نابود ساختن زراعت و نسل^۶ و از میان برداشتن انواع تباهی و نادرستی در محیط اجتماعی^۷ لازم و واجب دانسته شده و ترویج خوبی و نیکی اجتماعی از همگان درخواست شده است.

در سیره حسنه پیامبر ﷺ در امور مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نکاتی وجود دارد که در راستای تحقق این اصل مهم جامعه‌سازی قرآنی، معنای خود را می‌یابد:

تعهد نسبت به اموال بیت‌المال و دغدغه نسبت به صرف آن در مورد مقرر خود،^۸ طرد فاسدان و کافران و نهی از هم‌نشینی با آنها^۹ تحریم و منع همراهی و همکاری با ظالم^{۱۰}، عدم دریافت هدیه از کفار،^{۱۱} ممنوع ساختن ترور و کشتار جمعی^{۱۲}، قاطعیت در برابر ویژه‌خواهی و خواسته‌های ناصحیح نزدیکان و یاران نزدیک همانند درخواست آنان در مورد بازبودن درب خانه‌هایشان به مساجد (اریلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۰).

۷. اصل سامان‌دهی و به سامان نمودن امور

در سنت و سیره نبوی در امر جامعه‌سازی، هرگز امور مختلف مردم به حال خود رها نمی‌شد و آن حضرت تحت عنوان تکیه بر مشیت و اراده الهی یا به اسم توکل و برخورداری از رحمت خداوند،

- ۱- «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا...» (نساء/۹۳).
- ۲- «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره/۲۱۷).
- ۳- «مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف/۷۳).
- ۴- «فَأَذْنُوبًا يَحْرَبِ مِنَ اللَّهِ» (بقره/۲۷۹).
- ۵- «أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (محمد/۲۲).
- ۶- «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِنُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ» (بقره/۲۰۵).
- ۷- «إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْأِضْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» (هود/۸۸).

۸- «قد دخلنا على رسول الله ﷺ عشيا فرايناه كئيبا حزينا فلما اصبحنا اتيناه فرايناه ضاحكا مستبشرا فقلنا له: يا أبانا و امهاتنا دخلنا اليك البارحة فرايناك كئيبا حزينا ثم عدنا اليك اليوم فرايناك فرحا مستبشرا فقال: نعم كان قد بقي عندي من في المسلمين اربعة دنائير لم اكن قسمتها و خفت ان يدركني الموت و هي عندي و قد قسمتها اليوم و استرحت منها» (قمي، ج ۱، ص ۵۱).

۹- «ان رسول الله ﷺ كان يقول: من كان يؤمن بالله و اليوم الاخر فلا يؤاخين كافرا و لا يخالطن فاجرا و من اخى كافرا او خالط فاجرا كان فاجرا كافرا» (شيخ حر عاملي، پيشين، ج ۱۶، ص ۲۶۵).

۱۰- «ان رسول الله ﷺ قال: من مضى مع ظالم يعينه على ظلمه فقد خرج من ربة الاسلام و من حالت شفاعته دون حد من حدود الله فقد حاد الله و رسوله و من أعان ظالما لبيطل حقا لمسلم فقد برى من ذمة الاسلام و ذمة الله و ذمة رسوله و من دعا لظالم بالبقاء فقد أحب أن يعصى الله و من ظلم بحضرته مؤمن أو اغتیب و كان قادرا على نصره و لم ينصره فقد باء بغضب من الله و من رسوله و من نصره فقد استوجب الجنة من الله تعالى» (ديلمي، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۶).

۱۱- «ان رسول الله ﷺ نهى عن زبد المشركين» (محدث نوری، پيشين، ج ۱۱، ص ۱۲۸).

۱۲- «عن علي بن ابي طالب ان رسول الله ﷺ نهى ان يلقى السم في بلاد المشركين» (پيشين، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

شانه از مسئولیت حل مسایل و مشکلات مردم خالی نمی‌کرد، بلکه با چاره‌اندیشی، طرح و برنامه اجرایی و سامان‌دهی امکانات، در جهت به سامان کردن مسایل، اقدام می‌نمود.

بازسازی و توسعه مسجد نبوی در زمان پیامبر در پی افزایش مسلمانان، و فرمان آن حضرت برای اختصاص یافتن یک درب به زنان به منظور جلوگیری از اختلاط زن و مرد و نهی از تشبّه زن و مرد به یک‌دیگر^۱، نمونه‌های بسیار روشن اقدامات عملی آن حضرت است.^۲

هم‌چنین تأکید بر مشورت نمودن قبل از تصمیم‌گیری^۳ برای حل امور،^۴ عاقبت‌نگری به هنگام تصمیم‌گیری^۵، ترویج فرهنگ مدارا با هم‌دیگر^۶، اصلاح رفتار افراد با مردم بر اساس این معیار که «هرگونه دوست دارید دیگران با شما رفتار کنند، شما با آنان رفتار کنید»،^۷ قدرت‌نمایی و ظاهرازی در برابر دشمن^۸ و عدم انفعال در برابر تهدیدات و خشونت دشمن^۹، نمونه‌های دیگری است که باید دلسوزان امت اسلامی را به چاره‌جویی برای حل مشکلات جامعه بزرگ اسلامی رهنمون شود و عزّت پیشین این امت بزرگ را زنده گرداند؛ ان شاء الله.

۱- «ان رسول الله ﷺ لعن المتشبهين من الرجال بالنساء و لعن المتشبهات من النساء بالرجال» (مجلسی، پیشین، ج ۷۳، ص ۳۴۱).

۲- «پیامبر آن‌گاه که مسجد ساخت آن را با یک خشت می‌ساخت، چون مسلمین زیاد شدند، گفتند: کاش دستور می‌دادی که مسجد افزایش یابد. فرمود: خوب است و مسجد را با یک خشت و نیم ساخت. باز جمعیت زیاد شد و گفتند: کاش مسجد را افزایش می‌دادی. دستور داد که دیوار مسجد را دو خشت به صورت طاق و جفت بسازند و چون هوا گرم شد، گفتند: کاش مسجد سایبان داشت. پیامبر دستور داد ستون‌هایی از تنه درخت خرما برپا کنند و برگ‌های درختان خرما و خاشاک‌ها را بر سقف و اطراف آن قرار دهند و...» (پیشین، ج ۹۶، ص ۳۸۰، به نقل از الاخبار، ص ۱۵۹).

۳- «ان رسول الله ﷺ كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۴).

۴- «قال امير المؤمنين عليه السلام: يا رسول الله! ارايت اذا نزل بنا امر ليس فيه كتاب ولا سنة منك ما نعمل فيه؟ قال النبي ﷺ: اجعلوه شوري بين المؤمنين» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۴).

۵- «قال رسول الله ﷺ: اذا هممت بامر تدبر عاقبته فان يك رشدا فامضه و ان يك غيا فائته عنه» (برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶).

۶- «امرني ربي بمدارة الناس كما امرني بآداء الفرائض» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۷).

۷- «جاء اعرابي الى النبي ﷺ فقال يا رسول الله! علمني عملا ادخل به الجنة، فقال: ما احببت ان ياتيه الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتيه الناس اليك فلا تأته اليهم» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۸۷).

۸- «علي بن حسين بن علي عليه السلام قال: امر رسول الله ﷺ في غزاة غزاهما ان يختضبوا بالسواد ليقوا به على المشركين» (کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۸۱).

۹- «بعث رسول الله ﷺ الحارث بن عمير الازدي في سنة ثمان الى ملك بصري بكتاب فلما نزل مؤته عرض له شرحبيل بن عمرو الغساني فقال اين تريد قال: الشام قال: لعلك من رسل محمد قال: نعم فامر به فاوثق رباطا ثم قدمه فضرب عنقه و لم يقتل لرسول الله ﷺ رسول غيره و بلغ ذلك رسول الله ﷺ فاشتد عليه و ندب الناس و اخبرهم بمقتل الحارث فاسرعوا و خرجوا فمسكروا بالجرف» (ابن ابی الحديد، ج ۱۵، ص ۶۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدون تردید، بر اساس وعده خداوند در قرآن کریم^۱ جامعه بشری، به سوی بسط و گسترش روزافزون اسلام و تحقق اراده الهی مبنی بر حاکمیت مطلق ارزش‌های الهی در حرکت است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید:

«کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان به عنوان جزیی از کائنات در آینده به غایات و کمال خود خواهد رسید و این همان ظهور و استقرار اسلام در دنیا و به دست گرفتن مدیریت کامل مجتمع انسانی و استقرار اسلام در جهان است، که خداوند وعده تحقق آن را در قرآن کریم داده است.» (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۱۰۰).

شهید مطهری نیز می‌فرماید:

«جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحد الشکل شدن و در نهایت امر در یک‌دیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید.» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۵۹).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، برای محقق ساختن وعده الهی مبنی بر حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر جهان و تشکیل امت یگانه اسلامی، باید همه مذاهب اسلامی در پرتو نور قرآن و بر اساس سنت و سیره نبوی اصیل و با مدنظر قرار دادن اصول جامعه‌سازی نبوی، برنامه‌ریزی کرده و گام بردارند تا زمینه جامعه نمونه جهانی به رهبری مهدی موعود از اهل بیت مطهر آن حضرت فراهم آید؛ ان شاء الله.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ۱۳۹۲.
- ۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۴- اربلی، بهاء‌الدین علی بن عیسی بن ابی‌الفتح، کشف‌الغمة، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
- ۵- امام فخر رازی، تفسیر کبیر، انتشارات بیروت، چاپ سوم، بی‌تا.
- ۶- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.

۱- «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فأولئک هم الفاسقون» (نور/۵۵).

- ۷- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، نشر اسراء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۸- دیلمی، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- ۹- رازی، فخر الدین محمد، التفسیر الکبیر، المكتبة التوفیقیة، قاهره، ۱۹۶۷.
- ۱۰- سید مرتضی، تنزیة الانبیاء، دار الاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
- ۱۱- شهید ثانی، شیخ زیدالدین علی بن احمد جبل عاملی، مسکن الفؤاد، انتشارات آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷.
- ۱۲- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ و نیز کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۱۳- شیخ صدوق، ابن بابویه، ثواب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، بی‌جا، ۱۳۶۶.
- ۱۴- شیخ صدوق، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- ۱۵- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۱.
- ۱۶- شیخ طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶.
- ۱۷- شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲.
- ۱۸- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۹۹۷.
- ۱۹- شیخ مفید، الاختصاص، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، اسلامی، تهران، ۱۹۹۷.
- ۲۱- قرائتی، محسن، نبوت، نشر والعصر، قم، چاپ اول، بی‌تا.
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالطباعه و النشر، قم، چاپ سوم.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۴- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، چاپ و نشر وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰.
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴.
- ۲۶- محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۲۹- مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن - ۷ -، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۰- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۰.

۳۳- نیشابوری، محمد بن قتال، روضة الواعظین، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۸۶.



امام ابوحنیفه و روایت حدیث

عبدالصمد مرتضوی *

چکیده:

امروزه خیلی‌ها از ابوحنیفه به عنوان فقیهی یاد می‌کنند که به احادیث نبوی بی توجه بوده و بیشتر به قیاس متوسل شده است، در حالی که وی نه تنها چون سایر فقهای اسلامی حدیث را به عنوان دومین مصدر استنباط پذیرفته بلکه به طور محدود گاه به روایت حدیث نیز پرداخته است. علاوه بر کتاب‌های حدیثی اهل سنت، در بسیاری از کتاب‌های حدیثی شیعی نیز روایاتی از وی نقل شده است. در این مقاله نقش ابوحنیفه در روایت حدیث بررسی شده و برخی از روایات او که در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی ذکر شده، بیان گردیده است.

کلیدواژه‌ها: ابوحنیفه، روایت حدیث، محدثین، کتاب‌های حدیثی، فقهای اسلامی.

بررسی نقش ابوحنیفه در روایت احادیث

روایت حدیث از جمله افتخاراتی بود که بسیاری تلاش می‌کردند به آن دست یابند. ابوحنیفه نیز از زمره کسانی بود که بسیار علاقه مند بود تا به احادیث نبوی اکرم ﷺ آگاهی پیدا کند، اما نقل شده که او با وجود علاقه‌ای که به حدیث و روایت آن داشته، از این‌که تمام وقت خود را صرف این کار نماید خودداری کرده است. (ابلاغ، بی تا، ص ۴۴) با وجود این، امروزه احادیث فراوانی در دسترس ما قرار دارد که ابوحنیفه در سلسله روایت آنها وجود دارد. در مورد این‌که با توجه به تابعی بودن ابوحنیفه آیا وی موفق شده است به طور مستقیم از اصحاب پیامبر ﷺ روایت حدیث نماید اختلاف است.

گروهی معتقدند هر چند امام ابوحنیفه موفق شده در طول زندگی خود اصحابی چند از رسول

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

خدا ﷺ را ملاقات کند اما ثابت نشده که به نقل حدیث از آنان به طور مستقیم پرداخته باشد. (ابن عابدین، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۱۴۹ و ابو زهره، بی تا، ص ۶۰). علامه ابن عابدین در این مورد می گوید: «این که برخی گفته اند که ابوحنیفه از هفت صحابی حدیث استماع کرده و به روایت آن پرداخته صحت ندارد؛ زیرا اولاً اگر چنین احادیثی نزد امام اعظم بود حتماً ابو یوسف و امام محمد و ابن مبارک و عبدالرزاق و غیره برای افتخار ورزیدن و رقابت هم که شده آن را نقل می کردند. مگر نه این که این گونه احادیث برای ناقلان آنها افتخار آمیز است.» (ابن عابدین، پیشین).

در مقابل، عده ای گفته اند: نه تنها امام ابوحنیفه با هفت یا هشت تن از اصحاب رسول خدا ﷺ ملاقات کرده بلکه از هر یک از آنان حدیث نیز روایت کرده است. (ابن مظفر، بی تا، ص ۹۲ و ابن عابدین، پیشین، ص ۱۵۰ و ابلاغ، ص ۵۳-۵۲). این گروه برای اثبات ادعای خویش مصادیقی را بیان کرده اند که طی آن ابوحنیفه به طور مستقیم از اصحاب پیامبر روایت کرده است. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«عن ابي حنيفة عن انس بن مالك عن النبي ﷺ قال: طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة».

«عن ابي حنيفة عن جابر، جاء رجل من الانصار الى النبي ﷺ فقال يا رسول الله ما رزقت و لداً قط و لا ولد لي فقال و اين انت عن كثرة الاستغفار و الصدقة يرزق الله بها الولد قال فكان الرجل يكثر الصدقة و يكثر الاستغفارا».

«عن ابي حنيفة عن عبدالله بن جزء زيبي عن النبي ﷺ قال: من تفقه في الدين كفاه الله همه و رزقه من حيث لا يحتسب».

«... عن ابي حنيفة عن عبدالله بن ابي اوفى عن النبي ﷺ قال: من بنى مسجداً ولو كمفحص قطة بنى الله له بيتاً في الجنة».

«... عن ابي حنيفة عن عبدالله بن انيس عن النبي ﷺ قال: حبك الشي يعمي و يصم».

«... عن ابي حنيفة عن وائلة بن الاسقع عن النبي ﷺ قال: دع ما يريبك إلى ما لا يريبك» (ابلاغ،

پیشین؛ هم چنین ر. ک: ابن مظفر، پیشین و سیوطی، ۱۹۹۰، ص ۲۸-۲۵).

به رغم این که اسناد احادیث فوق بیانگر آن است که ابوحنیفه به طور مستقیم از اصحاب پیامبر ﷺ به روایت حدیث پرداخته است اما بعید نیست که او این احادیث را از صحابی نشنیده باشد ولی آن را به خاطر اعتمادی که به رابط میان خود و صحابی داشته به طور مستقیم نقل کرده باشد. در میان اقسام مختلف حدیث، احادیث مرسل شباهت زیادی با این گونه روایت در صورت اثبات خواهد داشت.

شایان ذکر است گروهی از دانشمندان علوم اسلامی به کسانی که روایاتی را نقل کرده‌اند تا ثابت نمایند ابوحنیفه به طور مستقیم از اصحاب به روایت حدیث پرداخته، اعتراض کرده و گفته‌اند: در سلسلهٔ روات این احادیث اشخاص دروغ‌گو (کذاب) وجود دارند که نمی‌توان به چنین روایاتی اعتماد کرد. (ابن عابدین، پیشین، ص ۱۴۹ و ابو زهره، ص ۶۰).

لازم به ذکر است این گروه از دانشمندان فقط سلسلهٔ سندی را زیر سؤال برده‌اند و این امکان وجود دارد که احادیث مذکور با سلسلهٔ سندی صحیح و مطمئن نیز روایت شده باشد. برای نتیجه‌گیری و اثبات این‌که آیا ابوحنیفه از صحابی حدیث شنیده است یا خیر به تحلیلی تاریخی پیرامون این بحث می‌پردازیم. البته باید بین این مطلب که آیا ابوحنیفه از صحابی حدیث شنیده و یا وی از صحابی حدیث روایت کرده فرق گذاشت؛ زیرا این‌که ابوحنیفه از صحابی حدیث روایت کرده باشد را نمی‌توان با مقایسهٔ تاریخ حیات اصحاب با تاریخ ولادت ابوحنیفه اثبات کرد، چون همان‌طور که بیان شد، این احتمال وجود دارد که ابوحنیفه روایتی را به طور مستقیم از صحابی شنیده باشد اما به خاطر اعتماد به راوی، آن را خود به طور مستقیم از صحابی نقل کرده باشد.

امام ابوحنیفه در سال (۸۰ هـ.ق) ولادت یافته و در سال (۱۵۰ هـ.ق) به دیار باقی شتافته است. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۸ و ابن کثیر، ۱۹۹۷، ج ۱۰، ص ۷۶). به این ترتیب با توجه به این‌که انس بن مالک رضی الله عنه متوفی سال (۹۳ هـ.ق) بوده و سفری نیز به کوفه داشته است (ذهبی، ۱۹۹۸، ج ۶، ص ۳۹۱ و خطیب، ج ۱۳، ص ۳۳۴) احتمال این‌که ابوحنیفه در سن ۱۳ سالگی از وی حدیث شنیده باشد وجود دارد ولی با توجه به این‌که در این سن هنوز امام ابوحنیفه مشغول کار بازار و تجارت بوده و چندان توجهی به دانش نداشته، احتمال این‌که وی از انس بن مالک حدیث روایت کرده باشد (هر چند محال نیست) ضعیف است.

جابر بن عبد الله انصاری نیز که از جملهٔ اصحابی معرفی شده که ابوحنیفه از او حدیث شنیده است در سال (۷۸ هـ.ق) از دار فانی رحلت فرموده که با وجود این محال است ابوحنیفه که هنوز در زمان رحلت جابر به دنیا نیامده است از وی حدیث شنیده باشد. عبدالله بن انیس نیز متوفی سال (۵۴ هـ.ق) می‌باشد که به این ترتیب ۲۶ سال قبل از این‌که امام ابوحنیفه به دنیا آمده باشد از دنیا رفته است و محال است ابوحنیفه از وی نیز حدیث شنیده باشد. در مورد اصحاب دیگر نیز از آن‌جا که عبدالله بن ابی اوفی متوفی (۸۷ هـ.ق)، واثله بن اسقع متوفی (۸۳ هـ.ق) و عبدالله بن جزء متوفی (۸۶ هـ.ق) هستند بسیار بعید به نظر می‌رسد که طفلی ۷ ساله یا ۳ ساله و یا ۶ ساله توانسته باشد حدیثی را از صحابی پیامبر شنیده و آن را حفظ کند و پس از سال‌ها به روایت آن پردازد. در نتیجه،

باید گفت هر چند این احتمال وجود دارد که ابوحنیفه روایتی را به طور مستقیم از صحابی روایت کرده باشد، اما این که خود حدیثی از صحابی شنیده باشد بسیار بعید است.

در مورد این که امام ابوحنیفه از صحابی حدیث شنیده است یا خیر، میان دانشمندان اختلاف است، اما به اجماع دانشمندان، وی از تابعین حدیث شنیده و به روایت آن پرداخته است. بنا به ادعای برخی علما ابوحنیفه از چهارهزار شیخ از امامان تابعین و غیر آنها حدیث اخذ کرده است. (ابن عابدین، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۴۶).

برخی از کسانی که ابوحنیفه از آنان حدیث روایت کرده عبارت‌اند از: «۱- عطاء بن ابی رباح؛ ۲- ابواسحاق سبیبی؛ ۳- محارب بن دثار؛ ۴- حماد بن ابی سلیمان؛ ۵- هیثم بن حبیب صواف؛ ۶- قیس بن مسلم؛ ۷- محمد بن منکدر؛ ۸- نافع مولی بن عمر؛ ۹- هشام بن عروه؛ ۱۰- یزید الفقیر؛ ۱۱- سماک بن حرب؛ ۱۲- علقمة بن مرثد؛ ۱۳- عطیة العوفی؛ ۱۴- عبدالعزیز بن رفیع؛ ۱۵- عبدالکریم ابومیه؛ ۱۶- عامر شعبی» و غیره (خطیب، ج ۱۳، ص ۳۲۴ و ذهبی، پیشین، ص ۳۹۵-۳۹۳ و ابن کثیر، پیشین، ص ۷۷).

نه تنها ابوحنیفه خود از دیگران حدیث روایت کرده بلکه دیگران نیز احادیثی را از وی شنیده و روایت کرده‌اند. برخی از رجال مشهور که از ابوحنیفه روایت حدیث کرده‌اند عبارت‌اند از: «۱- حماد بن ابوحنیفه؛ ۲- ابراهیم بن طهمان؛ ۳- اسحاق بن یوسف الازرق؛ ۴- اسد بن عمرو القاضی؛ ۵- حسن بن زیاد لؤلؤی؛ ۶- حمزه الزیات؛ ۷- داوود طائی؛ ۸- زفر؛ ۹- عبد الرزاق؛ ۱۰- ابونعیم؛ ۱۱- محمد بن حسن شیبانی؛ ۱۲- ابویوسف القاضی؛ ۱۳- وکیع بن جراح؛ ۱۴- هشیم بن بشیر؛ ۱۵- یحیی بن نصر بن حاجب؛ ۱۶- عبدالله بن مبارک و غیره». (پیشین).

در نتیجه، تردیدی نیست که ابوحنیفه در زمره روات حدیث محسوب می‌شود و هر چند تخصص ویژه او در فقه بوده اما از پرداختن به علم حدیث و روایت آن نیز بی بهره نبوده، بلکه در این فن نیز مهارت داشته است.

تضعیف ابوحنیفه در روایت حدیث توسط برخی محدثین

از دانشمندان علم رجال در مورد امام ابوحنیفه سخنان متناقضی نقل شده است. از آن جا که گویا خطیب بغدادی، مؤلف کتاب «تاریخ بغداد»، با ابوحنیفه دشمنی داشته، حجم وسیعی از روایاتی را که دلالت بر تضعیف و جرح ابوحنیفه دارد می‌توان در این کتاب یافت. به عنوان مثال، در حالی که خطیب به نقل از ابن مبارک آورده است که وی گفته است ابوحنیفه در حدیث یتیم بوده (یعنی از

حدیث و علم آن بهره‌ای نداشته) اما از همین ابن مبارک در جاهای زیادی در تعدیل ابوحنیفه در حدیث و مدح او روایاتی نقل شده است. (خطیب، ج ۱۳، ص ۳۴۴-۳۴۳). به همین دلیل واقعاً تمیز دادن این روایات متناقض و جدا کردن صحیح از ناصحیح آنها بسیار مشکل است و نمی‌توان براساس اقوال برخی علمای رجال در مورد موقعیت ابوحنیفه در حدیث و روایت آن تصمیمی قاطعانه گرفت. گفته شده نسائی، صاحب یکی از سنن شش‌گانه اهل سنت، ابوحنیفه را در حدیث ضعیف دانسته و ابن عدی و تعدادی دیگر از محدثین نیز نسائی را در این مورد پیروی کرده‌اند. (ذهبی، ج ۵، ص ۳۹۰). از محدثین دیگر هم چون مسلم بن حجاج، یحیی بن معین و قیس بن ربیع در تاریخ بغداد نیز روایاتی نقل شده که بر اساس آن ابوحنیفه از جمله ضعیفای در حدیث و حتی متروکین در این فن معرفی شده است. (خطیب، پیشین، ص ۴۵۰، ۴۵۱ و ۴۳۰-۴۲۲). در کتاب‌های دیگر تاریخی نیز روایاتی یافت می‌شود که نشان‌گر آن است که ابوحنیفه از جمله ضعیفای در حدیث بوده است. (ابن سعد، ج ۶، ص ۳۶۹؛ هرساوی، به نقل از: الضعفاء و المتروکین و ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۶۳).

ابوحنیفه روایات زیادی را از تابعین و تبع تابعین روایت کرده است، اما آیا واقعاً او از جمله ضعیفای در حدیث بوده است؟ با توجه به تقوای امام ابوحنیفه و توجه زیاد او به حدیث «من کذب علی متعمداً فلیتوبوا مقعده من النار» (بخاری، ۱۰۴؛ ابوداود، ۳۱۶۶؛ ابن ماجه، ۳۶؛ احمد، ۱۳۳۹ و دارمی، ۲۳۵) و این که همواره سعی می‌کرد از جمله کسانی نباشد که به دروغ به پیامبر حدیثی را نسبت می‌دهند نمی‌توان پذیرفت که او در نقل و روایت احادیث سهل انگاری کرده باشد و آن قدر در این کار بی‌دقتی نموده باشد که از جمله متروکین و ضعیفای در حدیث محسوب شده باشد.

البته بعید نیست که برخی محدثین با توجه به معیارهای خود و قواعدی که خود وضع کرده‌اند واقعاً ابوحنیفه را در حدیث ضعیف دانسته باشند. ضمن این که نباید فراموش کرد همین که ابوحنیفه در استنباط احکام گاه مجبور می‌شده به قیاس روی آورد و به علت احتیاط فراوانی که به خرج می‌داده و قواعدی که وضع کرده بوده احادیثی را نمی‌پذیرفته (ر.ک: شرح مسند ابی حنیفه) تأثیر زیادی در به وجود آمدن این‌گونه اندیشه‌ها در مورد ابوحنیفه داشته است.

علامه شعرانی می‌گوید: «ابوحنیفه جز از تابعینی که به عدل و صدق شهره بودند روایت حدیث نمی‌کرد و تمامی روایاتی که وی از آنها به روایت حدیث پرداخته افرادی مورد اعتماد بودند که هیچ یک به کذب و دروغ متهم نبوده‌اند». (شعرانی، ج ۱، ص ۲۳۱). در «تاریخ بغداد» و «سیر اعلام النبلاء» و غیره که سخنانی از بزرگان در مورد ضعف ابوحنیفه در حدیث نقل شده، روایاتی نیز بر تأیید او در این فن و گواهی بر صدق و راستی و ثقه بودن او در روایت حدیث ذکر شده است. (خطیب، پیشین، ص ۴۵۰-۴۴۹ و ذهبی، ج ۶، ص ۳۹۵)

به عنوان مثال، نقل شده که یحیی بن معین در مورد ابوحنیفه گفته است: «ابوحنیفه در روایت حدیث ثقه بود و تا حدیثی را خود با دقت حفظ نمی‌کرد از روایت آن خودداری می‌نمود». (خطیب، پیشین، ص ۴۴۹). در روایاتی دیگر نیز یحیی بن معین ابوحنیفه را با الفاظی چون «ثقه ثقه» (پیشین، ص ۴۵۰)، «ثقه لا بأس به» (ذهبی، پیشین)، «کان و الله أروع من أن یکذب» (خطیب، پیشین، ص ۴۴۹) و «صدوقاً صدوقاً فی الحدیث و الفقه» (پیشین، ص ۴۵۰) در دانش حدیث و روایت آن مورد تأیید و مدح قرار داده و بر راستی و امانت‌داری وی گواهی داده است.

اکنون ما با انبوهی از سخنان متناقض و متعارض در مورد ابوحنیفه به عنوان یکی از رواات حدیث روبه‌رو هستیم که نمی‌دانیم کدامین سخن او را باید پذیرفت و کدام یک را باید رد کرد؛ اما با توجه به تقوایی که از امام ابوحنیفه سراغ داریم بسیار بعید به نظر می‌رسد که وی در روایت حدیث از جمله ضعفا و متروکین باشد.

البته ضعیف را دو گونه می‌توان تفسیر کرد؛ یکی این‌که منظور ما از ضعیف این است که شخص مورد نظر ما در روایت احادیث سهل‌انگار بوده و بدون توجه به اهمیت متن و سند حدیث به روایت آن می‌پرداخته و رعایت ضوابطی که توسط محدثین برای مصون نگه داشتن احادیث از تحریف و دستبرد وضع شده برایش مهم نبوده است. ابوحنیفه به هیچ وجه این‌گونه نبوده و از این‌که متصف به چنین وضعی در روایت حدیث باشد واقعاً بری است. علامه ابن عبدالبر می‌گوید: «آن‌که ابوحنیفه را توثیق نموده و بر صدق و امانت‌داری او گواهی داده‌اند به مراتب بیشترند از کسانی که در جرح او سخن رانده‌اند». (ابن عبدالبر، ص ۴۵۶).

اما اگر منظور ما از ضعیف در روایت حدیث این است که شخص مزبور کمتر به روایت حدیث پرداخته و احادیث بسیار اندکی از او نقل شده است، طبق این تعریف می‌توان ابوحنیفه را ضعیف شمرد؛ زیرا ابوحنیفه همواره مشغول ترتیب دادن جلسات فقهی و استخراج احکام فقهی از میان احادیث بوده و کمتر فرصت می‌یافته که به روایت حدیث بپردازد. وی به خاطر احتیاط فراوانی که در مورد احادیث به خرج می‌داد و با توجه به موقعیت محیطی و زمانی خود که جعل حدیث گسترش یافته بود تلاش می‌کرد که کمتر به روایت الفاظ احادیث بپردازد.

در نتیجه، می‌توان پی‌برد که ابوحنیفه از جمله ضعفا (به معنای مصطلح آن در علم حدیث) محسوب نمی‌شود و شاید در پی نزاع اهل حدیث و اهل رأی، گروهی از اهل حدیث این نسبت را به وی داده باشند تا او را زیر سؤال ببرند (هرسای، ص ۴۷) و وجود اقوال متعارض در مورد ابوحنیفه که به چندی از علمای رجال نسبت داده شده شاهدهی بر این مدعا می‌باشد. (خطیب، پیشین، ص ۴۵۰ و ذهبی، پیشین). البته

گروهی از علمای حنفی‌مذهب سعی کرده‌اند تا با نقد و بررسی روایاتی که طی آن ابوحنیفه ضعیف معرفی شده از پیشوای خود دفاع نمایند و به همین منظور کتاب‌هایی را نیز تألیف کرده‌اند؛ از این جمله می‌توان به کتاب «الرد علی الخطیب» اثر ابن مظفر اشاره کرد.

روایت احادیثی در کتاب‌های حدیثی شیعه توسط ابوحنیفه

امام ابوحنیفه در اواخر قرن اول هجری و اوایل قرن دوم هجری می‌زیست و با امام صادق و امام باقر علیهما السلام هم عصر بود. وی که به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه مند بود گاه در جلساتی علمی به مباحثه و مناظره علمی نیز با آنان می‌پرداخت. در مسند امام ابوحنیفه شاهد روایاتی هستیم که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است. (پاکچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸۶ و ابوزهره، ص ۱۴۶). این روایات حکایت از روابطی دوستانه بین ابوحنیفه و امام صادق و امام باقر علیهما السلام دارد. از آن جا که ابوحنیفه، زیدبن علی، از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، را در قیام‌هایش علیه حکومت وقت یاری نمود و همواره به این خاندان علاقه وافری نشان می‌داد برخی او را شیعه پنداشته‌اند. بدیهی است ابوحنیفه از مجتهدین اهل سنت است که مذهب او از میان سایر مذاهب اهل سنت بیشترین طرفدار را در جهان اسلام دارد. در کتاب‌های «فقه الاکبر» منسوب به ابوحنیفه و هم‌چنین کتاب «العالم و المتعلم»، مذهب تشیع مورد نقد قرار گرفته شده (کتابچی، پیشین) اما با وجود این، در مسند ابوحنیفه روایاتی از امام صادق و امام باقر علیهما السلام نقل شده است، که به عنوان مثال، به چند مورد اشاره می‌شود:

«روی ابویوسف عن ابی حنیفه عن ابی جعفر محمد بن علی (الباقر) عن النبی صلی الله علیه و آله أنه کان یصلی بعد العشاء الآخره الی الفجر فیما بین ذلك ثمانی رکعات و یوتر بثلاث و یصلی رکعتی الفجر». (ابوزهره، ص ۱۴۶، به نقل از: الآثار و ابویوسف، ص ۳۴).

«روی ابویوسف عن ابی حنیفه عن جعفر بن محمد (الصادق) عن ابن عمر أنه قال: جاء رجل فقال: إني قضیت المناسک کلها غیر الطواف ثم واقعت اهلی...» (ابوزهره، پیشین، ص ۱۲۴).

از این نمونه‌ها در کتاب‌های «مسند ابوحنیفه» و «الآثار» امام محمد و الآثار ابویوسف زیاد است که نشان از دوستی و وجود رابطه‌ای صمیمی میان امام صادق و امام باقر علیهما السلام با ابوحنیفه می‌باشد و باعث می‌شود تا آن‌چه در ذم ابوحنیفه به امامان صادق و باقر نسبت داده شده مورد تردید قرار گیرد. شایان ذکر است برخی ابوحنیفه را از جمله محدثین شیعی قلمداد کرده‌اند. به عنوان نمونه، شهرستانی ابوحنیفه را از رجال و محدثین شیعه دانسته و نام او را در ردیف محدثین و مصنفین کتاب‌های شیعی ذکر کرده است. (شهرستانی، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۲). تردیدی نیست که ابوحنیفه شیعه نبوده

و حتی یک سند تاریخی مبنی بر این که وی شیعه بوده وجود ندارد اما شکی نیست که آنچه باعث شده تا امثال شهرستانی ابوحنیفه را محدثی شیعی قلمداد نمایند روابط دوستانه امامان صادق و باقر علیهما السلام با امام ابوحنیفه و عنایات ویژه ابوحنیفه به خاندان پیامبر بوده است، اما این نمی تواند عامل اصلی باشد. روایت حدیث توسط ابوحنیفه از امامان باقر و صادق نیز بی تأثیر در ایجاد چنین اندیشه ای نبوده است.

هر چند احتمالات بالا را می پذیریم، اما ترجیح می دهیم با تحقیق در کتاب های حدیثی شیعه در جست و جوی پاسخ این سؤال برآییم. در عین حال که در کتاب های حدیثی شیعه امام ابوحنیفه به شدت مورد انتقاد و حتی نفرین و لعن قرار گرفته و از جمله اهل رأی و هوی و هوس معرفی شده است (کلینی، ج ۱، ص ۵۷؛ مجلسی، ج ۲، ص ۳۰۵ و طبرسی، ج ۲، ص ۳۶۰) اما وجود نام ابوحنیفه در سلسله رجالی احادیث شیعه توجه انسان را به خود جلب می کند. از طریق ابوحنیفه احادیثی در سه کتاب از کتب اربعه امامیه و دیگر کتاب های حدیثی آنها روایت شده که بسیار جالب توجه است. (کتابچی، پیشین، ص ۴۰۳).

شاید عده ای این شبهه را مطرح کنند که ممکن است میان نام ابوحنیفه (نعمان بن ثابت) و افرادی دیگر که همین نام را داشته اند خلط شده است. با دقت در سلسله سندی این جمله از احادیث مشخص می شود که هر چند افرادی دیگر نیز در سلسله سندی این احادیث موسوم به ابوحنیفه هستند اما در بسیاری از این احادیث نام کامل ابوحنیفه یعنی (نعمان بن ثابت) نیز تصریح شده که شبهه مزبور را بر طرف می کند. (عاملی، ج ۲۰، ص ۳۵). به این ترتیب تردیدی نیست که در سلسله سندی برخی روایات از کتاب های حدیثی شیعه، نام «ابوحنیفه نعمان بن ثابت» وجود دارد (مجلسی، ج ۱۴، ص ۲۵۲؛ صدوق، ص ۲۲۳؛ عاملی، ج ۲۰، ص ۳۵ و طوسی، ج ۱، ص ۴۰۷) و بنابراین شاید علت این که برخی وی را محدثی شیعی دانسته اند همین عامل باشد.

ناگفته نماند شیخ طوسی از دانشمندان شیعی، ابوحنیفه را در زمره اصحاب امام صادق برشمرده (کتابچی، پیشین، به نقل از: رجال طوسی، ص ۳۲۵) و نجاشی از بزرگ ترین علمای رجال شیعه نیز راوی ای به نام ابوحنیفه را ثقه دانسته است. (نک: رجال حلی، ص ۸۰، ذیل ابوحنیفه) البته احتمالاً مورد نظر نجاشی ابوحنیفه ای غیر از نعمان بن ثابت بوده است.

به رغم این که ابوحنیفه از دانشمندان اهل سنت بوده و روایات زیادی را نیز از سلسله روایی مورد قبول اهل سنت روایت کرده است اما تعداد احادیثی که در کتاب های حدیثی شیعه از ابوحنیفه نقل شده چشم گیر و قابل توجه است. در این جا به عنوان نمونه برخی از روایات شیعی که ابوحنیفه در سلسله سندی آن قرار گرفته ذکر می شود:

۱- «محمد بن عمر بن علی البصری عن علی بن الحسن بن بندار عن محمد بن یوسف الطوسی عن ابيه عن علی بن حشرم عن الفضل بن موسی عن ابی حنیفه نعمان بن ثابت عن حماد بن ابی سلیمان عن ابراهیم النخعی عن عبدالله بن عتیبه عن زید بن ثابت قال قال رسول الله ﷺ: یا زید تزوجت؟ قلت: لا...» (عاملی، ج ۲۰، ص ۳۵).

۲- «علی بن ابراهیم عن ابيه عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن اسماعیل بن ابی حنیفه عن ابی حنیفه قال: قلت لابی عبد الله ﷺ کیف صار القتل یجوز فیہ شاهدان و الزنی لا یجوز فیہ إلا أربعة شهوداً» (کلینی، ج ۷، ص ۴۰۴ و طوسی، ج ۶، ص ۲۷۷).

۳- «حدثنا علی بن حماد البغدادی عن بشر بن غیاث المریسی قال: حدثنی ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم عن ابی حنیفه عن عبدالرحمن السلمانی عن خنث بن المعتمر عن علی بن ابی طالب ﷺ قال: دعانی رسول الله ﷺ» (صدوق، ص ۲۲۳).

۴- «عن علی بن محمد القاسانی عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داود عن النعمان بن عبدالسلام عن ابی حنیفه قال: سألت أبا عبدالله عن رجل زنی بمیته قال لا حد علیه» (عاملی، ج ۲۷، ص ۴۰۹).

۵- «و عن زرارة و ابی حنیفه جمیعا عن ابی بکر بن حزم قال: توضحا رجل فمسح علی الخفین فدخل المسجد». (پیشین و نوری، ج ۱، ص ۴۰۹).

۶- «روی محمد بن علی بن محبوب عن علی بن محمد عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داود عن النعمان عن عبدالسلام عن ابی حنیفه قال: سألت أبا عبدالله عن البكاء فی الصلاة أیقطع...». (طوسی، ج ۱، ص ۴۰۸ و عاملی، ج ۷، ص ۲۴۷).

از این گونه روایات به فزونی در کتاب‌های حدیثی شیعه یافت می‌شود. هر چند اشخاصی چون محمد بن یحیی نیز ملقب به ابوحنیفه‌اند و اتفاقاً در سلسله روایات شیعی نیز با همین لقب یاد شده‌اند (کلینی، ج ۱، ص ۴۵۳ و مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۶۳) اما با توجه به دیگر روایات و هم‌چنین با توجه به این‌که گاه به اسم کامل ابوحنیفه (نعمان بن ثابت) تصریح شده است به راحتی می‌توان میان ابوحنیفه (نعمان بن ثابت) و دیگر افرادی نیز که به همین لقب خوانده شده‌اند تفکیک نمود. به عنوان مثال، در حدیث شماره ۳ هر چند به نام کامل ابوحنیفه تصریح نشده اما وجود شخصیتی چون ابو یوسف (یعقوب بن ابراهیم) که از شاگردان ویژه امام ابوحنیفه بوده در این سلسله روایی به روشنی بیان‌گر آن است که ابوحنیفه مذکور در این روایت همان نعمان بن ثابت است و به خوبی می‌دانیم که ابو یوسف با ابوحنیفه ای دیگر رابطه و آشنایی نداشته است.

شایان ذکر است روایاتی نیز از ابوحنیفه در مدح امام صادق علیه السلام و تقدیر از مقام علمی او در کتاب‌های حدیثی شیعه روایت شده که حایز اهمیت است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۹۲).
 آن‌گونه که از ظواهر برخی از روایات مذکور برمی آید گویی نه تنها ابوحنیفه بلکه ابراهیم نخعی از پیشوایان ابوحنیفه و حماد بن سلیمان استاد او و ابویوسف از معروف‌ترین شاگردان وی نیز مورد اعتماد برخی از محدثین شیعه بوده‌اند، به صورتی که راضی شده‌اند از آن بزرگواران حدیث روایت کنند. به عنوان نمونه، چند روایت که نه تنها ابوحنیفه بلکه اساتید و شاگردان و در واقع رجال مورد اعتماد او نیز در آن ذکر شده‌اند بیان می‌گردد:

۱- «عن محمد بن عمر بن علی البصری عن علی بن الحسن بن بندار عن محمد بن یوسف الطوسی، عن ابیه عن علی بن حشرم عن الفضل بن موسی عن ابی حنیفة النعمان بن ثابت عن حماد بن ابی سلیمان عن ابراهیم النخعی عن عبدالله بن عتیبه عن زید بن ثابت قال: قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله یا زید تزوجت؟ قلت: لا...» (عاملی، ج ۲، ص ۳۵).

۲- «خصّ (منتخب البصائر) ابویوسف یعقوب بن ابراهیم عن ابی حنیفه عن عبدالرحمن السلمانی عن جیش بن المعتمر عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال...» (مجلسی، پیشین، ج ۴۱، ص ۲۵۲ و صدوق، پیشین، ص ۲۲۳).

در نتیجه، می‌توان گفت ابوحنیفه از جمله روات حدیثی بوده که هر چند گروهی از محدثین اهل سنت وی را ضعیف دانسته و چندی از محدثین شیعه نیز وی را طرد کرده‌اند اما نه تنها بسیاری از محدثین اهل سنت وی را توثیق و به روایات او اعتماد کرده‌اند بلکه حتی از محدثین شیعه نیز بسیاری به احادیثی چند از وی اعتماد کرده‌اند. از این رو هر چند ابوحنیفه به معنای مصطلح امروزی به تمام معنا محدث محسوب نمی‌شود اما بی‌تردید وی از جمله روات حدیثی است که هم در کتاب‌های شیعه و هم در کتاب‌های حدیثی اهل سنت از وی روایت نقل شده است. لازم به ذکر است این‌که در خلال مباحث اشاره گردید که در کتب سته حدیثی اهل سنت تنها احادیث بسیار معدودی که تعداد آن از دو یا چهار حدیث تجاوز نمی‌کند از ابوحنیفه روایت شده، دلیل بر آن نیست که در سایر کتاب‌ها از وی حدیثی نقل یا روایت نشده باشد بلکه در مسند ابن ابی شیبیه و مسند عبدالرزاق و «الآثار» ابویوسف و «الآثار» امام محمد شیبانی و مسند ابی حنیفه روایات فراوانی از وی نقل شده است. طبرانی نیز احادیثی را از وی روایت کرده است. عبدالله بن داود خربیی در این مورد گفته است: «باید اهل اسلام (مسلمانان) در تمامی نمازهایشان برای ابوحنیفه دعا کنند زیرا وی بود که به حفظ فقه و سنن اسلامی همت گمارد». (سیوطی، ۱۹۹۰، ص ۱۰۳ و خطیب، پیشین، ص ۳۴۵-۳۴۴). هم‌چنین علت این‌که در به

شمار آوردن ابوحنیفه به عنوان محدث به معنای مصطلح امروزی تردید گردید آن است که اولاً: از ابوحنیفه کتابی حدیثی که خود مستقلاً به روایت احادیث و تمییز صحیح از سقیم آن پرداخته باشد در دسترس نیست و تنها مسند ابوحنیفه موجود است که انتساب آن به وی نیز یقینی نیست. ثانیاً: روایتی تاریخی که دلالت بر این نماید که ابوحنیفه صرفاً برای أخذ و سماع حدیث سفری انجام داده باشد تا بعداً آنها را در مجموعه‌ای گردآورده و روایت کند یا مدتی از عمر خود را به همین منظور اختصاص داده باشد وجود ندارد.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابلاغ، عنایت الله، امام اعظم و افکار او، فضلی، فضل من الله، بیهقی کتاب خپرویه، بی‌جا، بی‌تا.
- ۲- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامی، قم، ۱۳۶۲.
- ۳- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳.
- ۴- ابن حنبل، احمد، المسند، دارالمعارف، مصر، ۱۹۴۹.
- ۵- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
- ۶- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز، ردالمحتار علی الدر المختار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۸.
- ۷- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، صحیح جامع بیان العلم وفضله، دار احیاء التراث الاسلامی، کویت، ۲۰۰۰.
- ۸- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، البدایة و النهایة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۷.
- ۹- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۷۵.
- ۱۰- ابو داود سجستانی، سنن ابی داود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
- ۱۱- ابوزهره، محمد، ابو حنیفه حیات و عصره، دار الفکر العربی، قاهره، بی‌تا.
- ۱۲- ابو مظفر، عیسی بن سیف الدین، الرد علی الخطیب البغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی‌تا.
- ۱۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دارالقلم، بیروت، ۱۹۸۷.
- ۱۴- بغدادی، ابوبکر احمد بن علی الخیب، تاریخ بغداد، المكتبة السلفية، مدینه، بی‌تا.
- ۱۵- پاکتچی، احمد، مقالة ابو حنیفه، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

- ١٦- ترمذی، محمد بن عیسیٰ، *الجامع الترمذی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ١٧- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البیت، قم، ١٤٠٩.
- ١٨- حلی، حسن بن یوسف بن علی، *رجال العلامه حلی*، دار الذخائر، قم، ١٤١١.
- ١٩- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن الدارمی*، دار الکتب العربی، بی جا، ١٩٨٧.
- ٢٠- ذهبی، شمس الدین محمد، *سیر اعلام النبلاء*، مؤسسه الرساله، بیروت، ١٩٩٨.
- ٢١- سیوطی، جلال الدین، *تبیض الصحیفه*، اداره القرآن والعلوم الاسلامیه، کراچی، ١٩٩٠.
- ٢٢- شعرانی، عبدالوهاب، *المیزان*، عالم الکتب، بیروت، ١٩٨٩.
- ٢٣- شهرستانی، عبدالکریم، *الملل و النحل*، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
- ٢٤- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ١٤٠٣.
- ٢٥- طوسی، ابو جعفر محمد، *الاستبصار*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٩٠.
- ٢٦- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٦٥.
- ٢٧- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ١٤٠٤.
- ٢٨- نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ١٤٠٨.
- ٢٩- نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح المسلم*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٩٧٢.
- ٣٠- هرساوی، حسین غلامی، *الامام البخاری و فقه اهل العراق*، دار الاعتصام، قم، ٢٠٠٠.



هم‌گرایی و بحران‌های وحدت‌آفرین در روابط متقابل کشورهای حوزه خلیج فارس

مرتضی شیرودی*

چکیده:

خلیج فارس از جهات مختلف یک منطقه حیاتی و استراتژیکی است؛ به همین دلیل، تنش و یا آرامش در آن بر تنش و امنیت منطقه، خاورمیانه و جهان تأثیر می‌گذارد. تنش در خلیج فارس به زیان کشورهای اسلامی منطقه و جهان اسلام و به نفع غرب است. امنیت در آن نیز، برای مسلمانان مفید و برای دشمنان آنان مضر است. بنابراین ضرورت دارد عوامل واگرایی و هم‌گرایی آن بازشناسی شود. شناخت عوامل واگرایی برای وانهادن و عوامل هم‌گرایی برای تقویت عوامل اتحاد یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، که مقاله حاضر درصددارایه آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، واگرایی، هم‌گرایی، ایران، کشورهای اسلامی، نفت و دین اسلام.

مقدمه

خلیج فارس منطقه‌ای است با تضادها و تفاهم‌های فراوان. از این رو دو دیدگاه در این باره مطرح می‌شود؛ برخی آن را به دلیل شدت اختلاف‌ها، واجد ظرفیت هم‌گرایی نمی‌دانند و در عوض، عده‌ای دیگر، مشترکاتش را چنان وسیع می‌بینند که امکان هم‌سویی را در خلیج فارس نوید می‌دهند. هر یک از این دو، برای اثبات نظریه خویش دلایلی را بیان می‌کنند که هر انسانی را به شک و تردید انداخته و با این سؤال روبه‌رو می‌کند که کدام یک از آن دو نظریه عالمانه است. مقاله حاضر می‌کوشد با طرح عوامل بنیادین تنش‌زا و تنش‌زدا، به سؤال مذکور پاسخ دهد.

* عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات اسلامی سپاه و مدرس دانشگاه.

عوامل واگرایی

از انبوه عواملی که منجر به ایجاد تنش می‌شود می‌توان به عواملی اشاره کرد که عوامل دیگر را در برمی‌گیرد. عوامل زیر از این دسته‌اند:

عوامل درون‌زا

تجزیه و تحلیل تحرکات سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه خلیج فارس به منظور شناخت و درک تحرکاتی است که در سیاست داخلی و خارجی آنها تأثیر به‌سزایی دارد. بررسی این عوامل معلوم می‌نماید که تعقیب منافع ملی این کشورها با بسیاری از عوامل مرتبط است. دست‌یابی به یک سیاست خارجی مستقل، مادامی که این کشورها یک سلسله تغییرات سیاسی و اجتماعی را متحمل نشوند، امکان‌پذیر نخواهد بود.

موارد ذیل تحقیق درباره انجام تحرکات داخلی است که در تنظیم سیاست خارجی مؤثر می‌باشد.

(جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۲۷ و محمدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۲۷).

فرایند سیاسی: سیستم‌های سیاسی منطقه، سیستم‌های بسته‌ای هستند که بر پایه موروثی عمل می‌کنند. به جز ایران که بر نظام جمهوری اسلامی استوار است و امارات متحده عربی که تنها دولت فدرال در اتحادیه شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌گردد، بقیه کشورهای این منطقه به طور مشترک از سیستم پیوسته و متحد در سراسر کشور تبعیت می‌کنند و مشارکت واقعی و مؤثر سیاسی وجود ندارد. عدم مسئولیت پاسخ‌گویی، دست‌خاندان حاکم این منطقه را در فرایند تصمیم‌گیری و وظایف قوه مقننه و مجریه و قدرت قضایی، کاملاً باز گذاشته است.

از بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، کویت تنها کشوری است که مجلس آن با انتخابات آزاد و با داشتن قدرت قانون‌گذاری، تشکیل می‌شود، ولی در نهایت، خاندان سلطنتی کویت در سیستم سیاسی این کشور حرف خود را به کرسی می‌نشانند. به عنوان مثال، امیر کویت، دوبار پارلمان این کشور را منحل کرده و درخواست ایجاد اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی این کشور را مسکوت باقی گذاشته است. با توجه به این‌که در اسلام بر اهمیت مشارکت سیاسی تأکید شده است، اما تصمیم‌گیری در کشورهای عربی خلیج فارس همیشه از طریق مصالحه و داد و ستد سیاسی صورت گرفته است.

اختلافات درون حکومت: یکی دیگر از عناصر مؤثر در سیاست خارجی کشورهای منطقه در قبال یک‌دیگر و وضعیت آنها نسبت به تشکیل سیاست منطقه‌ای، منازعات قدرت و درون حکومت آنها می‌باشد. خاندان سلطنتی عربستان سعودی نسبت به بسیاری از مسایل سیاست خارجی با

هم‌دیگر اختلاف نظر دارند. این امر به خصوص در دنیای عرب و اسلام مشهودتر است. به عنوان مثال، در دومین کنفرانس سران عرب که در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۷۹ تشکیل شد، ملک فهد و طرفدارانش، اصرار داشتند که حتی به قیمت به خطر افتادن اتحاد با عراق، روابط خود را با مصر و آمریکا تجدید نمایند، در صورتی که ملک خالد، عبدالله و طرفداران آن دو نظری مخالف نظر فهد داشتند. با مرگ ملک خالد، نزاع میان خاندان سلطنتی عربستان وارد دوره جدیدی گشت.

گروه محافظه کار در خاندان سلطنتی عربستان سعودی به رهبری شاهزاده عبدالله، نارضایتی خود را از توسعه سریع و سیاست غرب‌گرایانه ملک فهد ابراز نمودند. شاهزاده عبدالله و طرفدارانش بر این موضوع تأکید می‌کردند که سیاست خارجی نفت و انرژی دولت فهد بیشتر از آن‌که در جهت تأمین منافع عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی باشد، در جهت تأمین منافع غرب به کار گرفته شده است. آنها همچنین به سیاست ملک فهد در طول جنگ ایران و عراق، انتقاد می‌کردند و معتقد بودند که ریاض می‌بایست یک سیاست بی‌طرفانه را در قبال این جنگ در پیش می‌گرفت.

در مورد توافقات ارضی عربستان با سایر کشورهای منطقه نیز اختلاف نظرهای متفاوتی وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به نارضایتی وزیر دفاع و وزیر کشور عربستان نسبت به قرارداد صلح با عمان اشاره کرد. (پیشین).

مسئله جمعیت: یکی از عوامل تعیین‌کننده توانایی دولت‌ها جهت مانور برای تعقیب و اجرای منافع ملی خود، مسئله جمعیت است. مسئله جمعیت به خصوص برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نقش بسیار مهم و قابل توجهی را در تعیین سیاست خارجی آنها در قبال قدرت‌های منطقه‌ای، یعنی ایران و عراق و همچنین در قبال یک‌دیگر، بازی می‌نماید. در کشورهای کوچک خلیج فارس، نظامیان قوی را اجنبی‌ها تشکیل می‌دهند که معمولاً درصد قابل توجه‌ایی از جمعیت امارات متحده عربی را در بر می‌گیرد. پنجاه درصد از جمعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را افراد مهاجر تشکیل می‌دهند. توجه به این نکته، ناتوانی کشورهای خلیج فارس را در آماده‌سازی و بسیج یک ارتش منسجم و شایسته جهت بازدارندگی هرگونه تهدید خارجی، مشخص می‌کند.

افزایش درآمد ناشی از فروش نفت، روند توسعه اقتصادی و شکل‌گیری پروژه‌های اجتماعی را شتاب می‌بخشد و کمبود افراد ماهر و وجود کارگران بومی غیر ماهر، باعث می‌گردد تا نیاز بیشتری برای جذب افراد مهاجر احساس شود. این مسئله تحرکات و تنظیم سیاست خارجی این کشورها را پیچیده نموده است. به علاوه، وابستگی کشورهای منطقه را به بیگانگان افزایش داده و همین مسئله منطقه را از حالت همگن خارج نموده است. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۰).

جوامع نامتجانس: یکی از عواملی که باعث پیچیدگی بیشتر در تحرکات سیاست خارجی کشورهای منطقه می‌شود وجود جوامع نامتجانس در آنان می‌باشد. گروه‌های شیعه در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کردهای عراق و ایران نقش گروه‌های نامتجانس را ایفا می‌کنند. این گروه‌ها به عنوان گروه‌هایی اجتماعی تلقی می‌شوند که برپایه و زمینه‌ای از تعصب قرار گرفته‌اند. تعداد شیعیان در بحرین ۶۰٪، در کویت ۱۵٪ در امارات ۶/۵٪ می‌باشند. هم‌چنین تعداد شیعیان عربستان سعودی در حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند. وجود یک اقلیت متعصب مهم سیاسی، حتی اگر تعداد زیادی را شامل نشود، اما باعث می‌شود در یک تجربه قومی و سیاسی در خلیج فارس شرکت نماید. این عوامل تفرقه برانگیز بارها در آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی خود را آشکار کرده است. (بدیع، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳).

سیاست‌های متعارض

نفوذ عربستان سعودی در منطقه بسیار مهم است. روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با عربستان ترکیبی از دوستی و نفرت، احترام و خشم و استقلال و توافق را رقم زده است. عربستان سعودی در تعیین و هدایت سیاست خارجی کشورهای کوچک خلیج فارس تأثیر زیادی دارد. به عنوان مثال، مخالفت عربستان سعودی با نفوذ شوروی در شبه جزیره عربستان باعث گردید که امارات در سال ۱۹۷۲ از نقشه‌های خود جهت ایجاد روابط دیپلماتیک با اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی) صرف نظر نماید.

در تابستان ۱۹۷۷ عربستان سعودی جزایر کویتی قارو (Qaru) و ام‌المرادیم را در سواحل کویت - عربستان اشغال نمود تا کویت را مجبور به تجدیدنظر در قرارداد نظامی‌اش با روسیه نماید. از زمان ایجاد بحران دوم خلیج فارس، عربستان سعودی به حفظ نیروهای خود در جزیره قارو ادامه می‌دهد. قبل از جنگ عراق - کویت، سیاست‌های عربستان سعودی همیشه توسط کشورهای دیگر منطقه حمایت نمی‌شد و در این میان، کویت، عمان و امارات متحده عربی تقریباً سیاست خارجی مستقلی را دنبال می‌کردند که در میان این کشورها، کویت علاقه بیشتری برای ایفای نقش مستقل‌تر در منطقه از خود نشان داده است. از این رو نفوذ عربستان بر کویت در مقایسه با ارتباط عربستان با سایر کشورهای کوچک، کمتر از آن چیزی است که عربستان انتظار داشته است. کویت اغلب اصرار ورزیده است که کشورهای منطقه باید در وهله اول به توسعه اقتصادی و اجتماعی بپردازند.

کویت و عربستان به طور مکرر در مورد سیاست‌های خارجی خود اختلاف داشته‌اند که مهم‌ترین آنها حفظ روابط دیپلماتیک با روسیه، قیمت‌گذاری نفت و سهمیه تولید نفت اوپک و حمایت از

جمهوری دموکراتیک خلق یمن بوده است. عمان اعتقاد دارد که شورای همکاری خلیج فارس نباید تبدیل به سازمانی شود که در آن هژمونی منطقه‌ای یک عضو با نام عربستان سعودی مشروع شناخته شود و ترتیبات امنیتی جمعی نباید مقدمه‌ای برای تضعیف حاکمیت ملی کشورهای عضو شود. بنابراین عمان نیز سیاست خارجی مغایری با عربستان سعودی بر سر مسایل منطقه‌ای دنبال کرده و دیدگاه‌های مختلفی در مورد امنیت خلیج فارس در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه دارد. عمان با معیارهای امنیتی شورای همکاری خلیج فارس موافق نبوده است و همیشه تمایل داشته که به صورت مستقیم حمایت‌هایی را از جانب انگلیس و به طور فزاینده از آمریکا دریافت نماید و در اعطای تسهیلات نظامی به نیروهای آمریکایی در جزیره مصیره (Mussirah) دریغ نکرده است. این کشور هم‌چنین رفتار متفاوتی را در قبال عراق در طی دوران جنگ عراق - کویت در پیش گرفت و تنها عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که روابط دیپلماتیک خود را با بغداد حفظ کرد و از طارق عزیز وزیر خارجه عراق استقبال نمود.

امارات متحده عربی نیز هر زمان که منافعش به خطر افتاده، سیاست خارجی مغایری با عربستان سعودی تعقیب نموده است. برای تأیید این مطلب می‌توان به روابط این کشور با ایران و رفتارش در قبال جنگ ایران و عراق و یا مقاومتش در قبال حضور نظامی آمریکا در منطقه اشاره کرد. (پیشین). بحران دوم خلیج فارس، دوره تازه‌ای را در روابط فی‌مابین کشورهای عضو شورای همکاری به وجود آورد. کشورهای کوچک منطقه، به استثنای عمان، تمایل بیشتری برای تعقیب سیاست خارجی عربستان داشته‌اند. این کشورها، دیدگاه‌های عربستان را نسبت به امنیت منطقه و مناقشه اعراب و اسرائیل و تفسیر کلی عربستان را در مورد سیاست‌های جهانی پذیرفته‌اند. کویت جهت‌گیری سیاسی خود را از حالت نیمه مستقل، به یک کشور فرمانبردار تغییر داده و به نظر می‌رسد که سیاست خارجی این کشور به تفاسیر آمریکا از وقایع جهانی وابسته خواهد ماند.

قطر به واسطه دریافت امتیازات ارضی از عربستان، تمایل بیشتری به تعقیب سیاست‌های خارجی این کشور دارد و بحرین هم به هماهنگی سیاست خارجی خود با عربستان وفادار مانده است. به هر حال، تفاوت در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی هم‌چنان وجود دارد و این امر در الگوهای رأی دهی کشورهای منطقه در سازمان ملل خود را نمایان می‌سازد. سوابق رأی دهی کشورهای منطقه در سازمان ملل، تفاوت در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آنها را منعکس می‌سازد. هدف از این بررسی آزمودن درجه هماهنگی سیاست‌های کشورهای منطقه در محیط بین‌المللی است. در این‌جا به برخی مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی جهت ارایه تصویر روشنی از الگوی رأی‌دهی کشورهای منطقه اشاره می‌گردد. (پیشین، ص ۱۷۲).

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به صورت جمعی و قاطع به قطعنامه‌های صادر شده درباره فلسطین و تسلیحات هسته‌ای اسرائیل رأی داده اند. رفتارهای این کشورها در قبال مناقشه اعراب و اسرائیل متأثر از عوامل جغرافیایی، ایدئولوژیکی - مذهبی، منطقه‌ای و ملی بوده است. این کشورها همچنین به تشکیلات خودگردان فلسطین و تخلیه اراضی غربی اشغال شده رأی داده و موضع یکسانی را در مورد تجاوز اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای عراق در طی سال‌های ۱۹۸۳ در پیش گرفته‌اند، اما آشفتگی در روابط بین اعراب منطقه به عنوان نتیجه بحران دوم خلیج فارس، موجب تغییر اولویت‌ها در سیاست خارجی بعضی کشورهای منطقه گردید.

در دسامبر ۱۹۹۱ کشورهای منطقه تصمیم گرفتند به طور جمعی به مصوبه‌ای در مورد حذف عبارتی از قطعنامه شماره ۳۳۷۹ که به صهیونیسم و نژادپرستی اشاره داشت، رأی ندهند. ولی در این سال کویت تصمیم گرفت در جلسه خاصی که در آن قرار بود قطعنامه مورد نظر لغو گردد حاضر نشود. تنها عاملی که می‌توانست چنین تغییری را موجب شود روابط خوب کویت و آمریکا بعد از دوم آگوست ۱۹۹۰ بود. عمان و بحرین نیز که از کمک‌های نظامی آمریکا بهره می‌بردند، تصمیم گرفتند در جلسه شرکت نکنند تا با خطر از دست دادن کمک‌های آمریکا روبه‌رو نشوند.

در مورد مسئله حمله آمریکا به لیبی در سال ۱۹۸۶ نیز کشورهای منطقه متفاوت عمل نمودند. ایران اقدام آمریکا را محکوم کرد، اما عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر به قطعنامه‌ای که اقدام آمریکا را محکوم می‌کرد، رأی ندادند. همچنین عمان و بحرین برای این که هم مورد حمله جهان غرب به خاطر رأی دادن بر خلاف آنان قرار نگیرند و هم از کمک‌های خارجی سالانه آمریکا به علت رأی موافق دادن به قطعنامه، بهره‌مند شوند در آن جلسه شرکت نکردند. این امر نشان می‌دهد که عامل اقتصادی، نقش برتری را در شکل دهی کشورهای منطقه ایفا کرده است. در مورد مسئله خودگردانی مغرب عربی، کویت در جلسه‌ای که در آن قرار بود قطعنامه مورد اشاره به رأی گذاشته شود، شرکت نکرد و عربستان سعودی و کشورهای دیگر نیز از رأی دادن خودداری کردند. دلیل اساسی که موجب اتحاد کشورهای منطقه پیرامون مسئله صحرای غربی شد، روابط خوب دوجانبه آنها با مراکش بود. درجه گرمی روابط کشورهای منطقه با مراکش متفاوت بود و امارات متحده عربی قوی‌ترین مناسبات را با مراکش برقرار ساخت.

در مورد مسایل بین المللی، الگوی رأی‌دهی کشورهای منطقه به طور کلی به ارتباط مسئله با منافع ملی هر یک از کشورهای عضو یا اهمیت آن برای یک متحد مانند آمریکا یا انگلیس بستگی دارد. در مورد مسئله حقوق بشر نیز کشورهای منطقه متفاوت عمل نموده‌اند. منافع ملی هر یک از کشورها مشخص کننده رفتار خارجی آنها می‌باشد. فقدان هماهنگی میان سیاست‌های کشورهای

این منطقه منعکس کننده تضاد منافع در میان آنها است. اتفاق آرا میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اوایل جنگ ایران و عراق و در طی بحران کویت منعکس کننده ترتیبات خاصی است که کشورهای منطقه در مواقع بحران در پیش می‌گیرند.

از بررسی چگونگی رأی دهی کشورهای منطقه، این نتیجه حاصل می‌شود که این کشورها مانند یک بلوک رأی نمی‌دهند. نمایندگان این کشورها در سازمان ملل متحد به طور غیر منظم در ترتیبات خاص جهت مذاکره در مورد مسایل مختلف که انتظار می‌رود در سازمان ملل متحد مورد مذاکره قرار گیرد، هم‌دیگر را ملاقات می‌کنند. نمایندگان، دیدگاه‌ها و درک خود را از وضعیت ارایه می‌دهند و موضع کشور و چگونگی رأی‌دهی آنها، توسط نمایندگان دائم آنها در سازمان ملل بیان می‌شود. ضمن این که بعضی از کشورها تمایل دارند از الگوهای رأی دهی سنجیده‌تری تبعیت کنند.

نتیجه نهایی این بررسی نشان می‌دهد که کشورهای منطقه خلیج فارس مایل نبوده‌اند در چارچوب اختلافات خود به توسعه هم‌گرایی بپردازند. آنها فقط بر اساس موارد خاص در مواقع بحران به صورت جمعی عمل می‌کنند. (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶، ص ۳۶۷).

مناقشات ارضی و مرزی

مسایل ارضی، شرایط پر مخاطره موجود را در منطقه خلیج فارس منعکس می‌سازد که به عنوان مهم‌ترین عوامل تنش در منطقه مانع از توسعه روابط دوستانه میان کشورهای منطقه خلیج فارس شده است. ادامه مناقشات ارضی، روابط خوبی را که می‌تواند در منطقه حاکم باشد، خدشه‌دار نموده، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند و مداخلات خارجی را در مسایل منطقه تشدید می‌نماید. در این جا به مهم‌ترین اختلافات ارضی و مرزی که به عنوان عوامل تنش در منطقه خلیج فارس تلقی می‌گردد، اشاره می‌شود:

عربستان - امارات متحده عربی: عربستان سعودی از به رسمیت شناختن امارات متحده عربی تا زمانی که ابوظبی به ادعاهای ارضی‌اش از طریق موافقت‌نامه مرزی جولای ۱۹۷۴، ادامه می‌داد، خودداری می‌کرد. در نهایت، تصویب این اسناد راه را برای هماهنگی سیاست‌های مشترک در قبال مسایلی از قبیل نفت و امنیت منطقه‌ای هموار کرد، هر چند که این مسئله هنوز به طور کامل حل نشده است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که امارات متحده عربی مرزی که مورد قبول هر دو طرف واقع شود، ندارد و هم‌چنان از مرزهای قبل از سال ۱۹۷۴ خود استفاده می‌نماید. امارات متحده عربی نگران آن است که عربستان سعودی مدعی آب‌های سرزمین محدوده ۲۰ مایلی - که راهرویی بین امارات متحده و قطر است - گردد. ابراز چنین ادعایی از سوی عربستان سعودی، به این

معنا خواهد بود که میدان‌های نفتی امارات متحده در حوزه مناقشه و میدان نفتی زرکوه که امارات متحده و قطر در آن سهیم هستند، به عربستان سعودی تعلق یابد. ضمن این‌که به جز مناقشات ارضی عربستان سعودی و امارات متحده، در بخش‌های دیگر نیز عوامل تنش‌زا بین این دو کشور حساسیت‌های مختلفی را به همراه داشته است. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۲).

عربستان سعودی - قطر: یکی از مهم‌ترین عوامل تنش در منطقه خلیج فارس که بین دو کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس رخ داد، مناقشه مرزی بین عربستان و قطر می‌باشد. ابوالخفوس (Abual Khfus) منطقه‌ای است که از سال‌ها پیش مورد مناقشه دو کشور بوده است. بعد از یادداشت تفاهمی که میان دو کشور امضا گردید حدود مرزی بین دو کشور مشخص گردید اما در آگوست ۱۹۹۲ بحران در این منطقه به صورت برخورد مسلحانه درآمد که طی آن دو قطری و یک سعودی کشته شدند. مناقشه ارضی دیگری که موجب بروز اختلاف بین دو کشور شده، مربوط به جزیره حالول (Halwul) است. قطر همچنین تقاضاهایی بر سر موافقت‌نامه ارضی عربستان و امارات در ارتباط با خورالیدید (Khur al Adaid) دارد که در ضمن موافقت‌نامه ۱۹۷۴ به عنوان بخشی از کشور عربستان سعودی شناخته شد.

در نهایت، در وخیم‌ترین حالت، قطر در نوامبر ۱۹۹۲ جلسات شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزیران را تحریم کرد. در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲ هر دو کشور تصمیم گرفتند که از روح موافقت‌نامه ۱۹۶۵ که مقرر می‌دارد خاک بیشتری به قطر تعلق بگیرد، پیروی نمایند.

عراق علیه ایران: در ماه مارس ۱۹۷۵ سه پروتکل که شامل پروتکل مربوط به مرزهای آبی، پروتکل مربوط به مرزهای زمینی و پروتکل مربوط به امنیت مرزهای مشترک بود، جهت حل و فصل اختلافات بین ایران و عراق، امضا گردید، اما در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰ عراق قرار داد الجزایر را یک طرفه باطل اعلام کرد و خواستار حاکمیت کامل عراق بر اروندرود گردید. به دنبال این تقاضا، نیروهای عراقی خاک ایران را از زمین و هوا مورد تجاوز قرار دادند که نتیجه آن هشت سال جنگ خانمان‌سوز و ویران‌گر بود که از یک سو امنیت خلیج فارس را تحت الشعاع قرار داد و از سوی دیگر باعث دخالت قدرت‌های خارجی در مسایل منطقه گردید. با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، جنگ ایران - عراق، خاتمه یافت ولی عدم مجازات متجاوز، آتش زیر خاکستر مناقشه را روشن نگاه داشت و شعله‌های آن کویت را در برگرفت. (پیشین، ص ۵).

عراق - کویت: کویت که از حامیان سرسخت عراق در جنگ با ایران بود، خود قربانی جاه‌طلبی‌های عراق شد. در سال ۱۹۸۱ عراق اعلام نموده بود که مرزهای بین عراق و کویت را

مطابق موافقت‌نامه ۱۹۶۳-۱۹۳۲ به رسمیت خواهد شمرد مشروط بر این‌که کویت جزیره وره و بوبیان را به عراق اجاره دهد تا عراق بتواند از این جزایر به عنوان پایگاه استفاده نماید. در واکنش به این تقاضا، آقای میرحسین موسوی، وزیر امور خارجه وقت ایران، به کویت هشدار داد که واگذاری این جزایر به عراق به ضرر کویت خواهد بود و به درگیری بین دو کشور خواهد انجامید. به رغم این هشدار، کویت از طریق این جزایر کمک فراوانی به عراق در طی جنگ با ایران نمود. با تجاوز عراق به کویت در آگوست ۱۹۹۰، روابط حسنه دو کشور، تیره و تبدیل به مخاصمه گردید. عراق که می‌خواست آبروی از دست رفته خود در جنگ با ایران را با گرفتن جزیره بوبیان و وره جبران نماید، بار دیگر قربانی محاسبه غلط خود گردید. از زمان ملک غازي، کویت به عنوان بخشی از خاک عراق، مورد ادعای عراق بوده است، اما عراق علت تجاوز خود را به کویت پیشروی ۷۵ کیلومتری کویت در قسمت شمالی در زمان جنگ ایران - عراق در طول سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۰ اعلام نمود. با این‌که جنگ عراق و کویت با دخالت قدرت‌های بزرگ منطقه فیصله پیدا کرد، اما عواقب این اختلاف در سه بعد اساسی قابل تعمق است:

۱ - دخالت دادن قدرت‌های بزرگ خارجی در مسایل منطقه؛

۲ - عدم احترام کشورهای منطقه به پیمان‌ها و معاهدات رسمی؛

۳ - بی‌کفایتی شورای همکاری خلیج فارس در حل اختلافات کشورهای عضو این شورا.

پایان یافتن جنگ عراق - کویت نیز به معنای حل ماهیت اختلاف نمی‌باشد. بنابراین عوامل تنش و اختلاف به قوه خود باقی است و حل نشدن به موقع آن، احتمال جنگ را زنده نگه داشته است.

عمان - امارات متحده عربی: مرزهای سرزمینی عمان و امارات بسیار پیچیده است و با ایجاد وضعیت شکننده‌ای، از ثبات روابط بین دو کشور جلوگیری می‌کند. اگرچه چندین مورد از این مسایل به طور رسمی حل گردیده است اما در سال ۱۹۷۹ مناقشه بین دو کشور شکل مسلحانه به خود گرفت. عمان تا ماه مه ۱۹۹۱ از ایجاد روابط کامل دیپلماتیک با امارات امتناع نمود. عمان خواستار راهی بود که آن را به شبه جزیره مسندام (Musandam) از طریق فجیره (Fujayra) شارجه (Sharjah) وصل می‌کند. این امتیازی است که امارات پیوسته آن را رد می‌کند. اگرچه موافقت‌نامه رسمی در مورد تعیین حدود مرزی پیچیده امارات - عمان وجود دارد، اما با این حال، برخوردهای مسلحانه به طور مکرر بین قبایل هر دو کشور رخ داده است. این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که ملیت‌های مختلف امارات خواستار دستیابی به امتیازات نفتی در سرزمین مورد ادعای عمان هستند. (عبدالخالق، آذرماه ۱۳۷۳، ص ۱۲).

بحرین - قطر: مناقشات ارضی بین قطر و بحرین موجبات تشنج را در روابط این کشورها فراهم کرده است. شورای همکاری خلیج فارس قادر نبوده از اختلافات این دو کشور بر سر جزایر حواری (Hawar) و زباره (Zubarah) جلوگیری کند. «حوار» در بیست کیلومتری بحرین و دو کیلومتری قطر واقع شده است. دولت بحرین در تلاش برای تثبیت حاکمیت خود بر جزایر حواری، نیروهای دفاعی خود را بر روی یکی از جزایر مستقر کرد. در مارس ۱۹۸۲، بحرین یک کشتی جدید نیروی دریایی را به نام حواری نام‌گذاری کرد و در چهارم همان سال نیروهای دفاعی بحرین اعلام کردند که قصد دارند مانورهای نظامی را در مناطق مورد مناقشه برگزار کنند. قطر همیشه ادعاهای بحرین را رد کرده است.

قطر تحرکات بحرین را محکوم کرده و تمرینات نظامی هدف‌دار را به عنوان عملی تحریک‌آمیز تلقی نموده است. این اختلافات در نهایت به صورت مقابله نظامی در آمد. این مسئله به واسطه تصمیم امیر قطر مبنی بر گسترش آب‌های سرزمین قطر به ۴۴ کیلومتر که مشرف بر ۱۰ جزیره کوچک بود و هم‌اکنون تحت قیومت بحرین می‌باشد، پیچیده‌تر گشت. بحرین به تصمیم قطر در مورد زمین‌ها اعتراض کرد که این امر بر وضعیت موجود تأثیر گذاشت و بحرین نیز تصمیم گرفت تا مسئله را به دیوان دادگستری بین‌المللی بکشاند که این مسئله با میانجیگری کشورهای عضو شورای همکاری همراه بود. بنابراین، این مناقشه مانع توسعه روابط دوستانه بین دو طرف و موجب تضعیف هم‌گرایی در منطقه شده است.

مسابقه تسلیحاتی

مسابقه تسلیحاتی نتیجه مستقیم جیره‌خواهی در منطقه است که ایالات متحده آمریکا با پی‌گیری استراتژی ایجاد موازنه قوا در منطقه، زمینه‌ساز آن بوده است. سیاست دو ستونی نیکسون، نوعی مسابقه تسلیحاتی را بین کشورها ایجاد نمود و پایه‌گذار بسیاری از تنش‌هایی شد که بعداً در دهه ۱۹۸۰ بین کشورهای منطقه به وجود آمد. خلیج فارس منطقه‌ای است که اشتباهی بسیاری برای در اختیار داشتن سلاح‌های جنگی پیشرفته داشته و دارد و مخالفت‌های سیاسی موجود در آن به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است. بسیاری از صاحب‌نظران عقیده دارند که ثروت نفتی کشورهای ساحلی، عامل تهدید کننده مهمی در نظامی‌گرایی منطقه است. این نظریه از دو بعد قابل توجه می‌باشد:

اولاً: اهمیت استراتژیک نفت، قدرت‌های خارجی را وادار به انتقال نیروهای نظامی خود به منطقه برای دفاع از این ماده حیاتی کرده است؛ ثانیاً: درآمد نفتی دولت‌های ساحلی، خود عامل

اصلی تأمین مالی و توسعه سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته است، اما نکته دارای اهمیت این است که همه کشورهای منطقه که خریدهای تسلیحاتی هنگفتی دارند، مدعی جنبه تدافعی داشتن این هزینه‌های تسلیحاتی هستند و سرمایه‌گذاری‌های نظامی را به بهانه دفاع در برابر تجاوز کشورهای دیگر، توجیه می‌کنند.

مسابقه تسلیحاتی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس، مسابقه‌ای برای دستیابی به پرستیژ و به دست آوردن موقعیت خاص در میان دیگر کشورهای منطقه محسوب نمی‌گردد، بلکه کشورهای منطقه به این باور رسیده‌اند که برای حفظ حکومت و حاکمیت خویش ناچار به در پیش گرفتن چنین استراتژی هستند. همین امر باعث گسترش درگیری‌های جدید با حوزه‌های وسیع‌تر، که حتی احتمال به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی را نیز منتفی نمی‌کند، شده است. کشورهای منطقه، تاکنون ثبات سیاسی خود را در افزایش قدرت نظامی خود جست‌وجو کرده‌اند؛ تفکری که هنوز هم جایگاه خود را از دست نداده است. جای تعجب نخواهد بود اگر ادعا کنیم بیشترین درصد افزایش خرید تسلیحات در سطح جهان متعلق به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد. اگر نگاهی به وضعیت هشت کشور این منطقه بیفکنیم، خواهیم دید که هر کدام از دیگری احساس عدم امنیت و واهمه دارند و در وهله اول شاید منطقی‌ترین راه‌حل، برای آنان بالا بردن توان نظامی کشور خود برای مقابله با خطرات موجود در منطقه باشد؛ هر چند که گسترش مسابقه تسلیحاتی خود منجر به یک دور باطل خواهد گردید. (لابروس، ۱۳۵۲، ص ۲۲).

به همان اندازه که وجود تسلیحات لازم برای حفظ حاکمیت یک کشور حیاتی به نظر می‌رسد، به همان اندازه نیز مسابقه تسلیحاتی می‌تواند یک کشور را به نوعی در خط قرمز درگیری با دیگران قرار دهد. اقدام هر یک از کشورهای منطقه به خریداری سلاح جدید، کشورهای دیگر را بر آن برمی‌دارد تا خود را در موقعیتی تقریباً یکسان با کشور مورد نظر برساند. نکته قابل توجه این است که مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس یکی از مهم‌ترین عوامل تهدید کننده اعتمادسازی، امنیت و هم‌گرایی در منطقه بوده است.

در این منطقه هر کدام از کشورها به نوعی مایه هراس و نگرانی کشور دیگر شمرده می‌شود. ریشه تمامی این تنش‌ها و اضطراب‌ها را باید در نقشه سیاسی و جغرافیایی این سرزمین‌ها جست‌وجو کرد که برای حل آن به مسابقه تسلیحاتی دست زده‌اند. هرگونه بررسی و تجزیه و تحلیل مسایل خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس که صرفاً بر تحولات نظامی و مسابقه تسلیحاتی متمرکز گردد، بدبینانه خواهد بود. بررسی الگوهای کلی جنگ و نزاع در منطقه و الگوهای تحولات نظامی به شدت باعث نگرانی خواهد شد. شکی نیست که با ادامه چنین مسابقه رو به افزایشی، این خطر وجود

دارد که در آینده جنگ‌های خونین‌تری نسبت به گذشته به وقوع بپیوندد. بدیهی است حتی اگر چنین جنگ‌هایی نیز رخ ندهد، فشارهای اقتصادی ناشی از افزایش هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی، مانع عمده‌ای برای پیشرفت و رفاه جوامع این منطقه خواهد بود.

تجربه نشان داده است که مسابقه تسلیحاتی و خرید تسلیحات پیشرفته نه تنها امنیت را در پی داشت، بلکه کاهش هزینه‌های سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز توسعه نیافتگی را به دنبال خواهد داشت. اگر بپذیریم کشورهای هر منطقه‌ای در جهان به مثابه حلقه‌های یک زنجیر متصل به هم هستند که تکان دادن یکی از این حلقه‌ها باعث لرزش حلقه‌های دیگر می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که اقدام به خرید تسلیحات جدید و مخرب‌تر، به نوعی دعوت از دیگر کشورها برای شروع مسابقه‌ای بسیار خطرناک خواهد بود؛ مسابقه‌ای که به واسطه آن، فشارهای سیاسی و اقتصادی با یک‌دیگر ترکیب گردیده و بسیاری از کشورها را به سوی دستیابی به توانایی تکثیر تسلیحات کشتار جمعی سوق می‌دهد. (بدیع، پیشین).

با بررسی تاریخی منطقه به این واقعیت پی می‌بریم که ترسیم مرزها، ایجاد دولت‌ها و انتصاب حاکمان شیخ‌نشین‌ها خود از ریشه‌های بروز اختلافات در منطقه است که برای کنترل آن، حکومت‌ها به خریدهای گزاف تسلیحاتی رو آورده‌اند. فروش سلاح و انتقال تسلیحات نظامی به خلیج فارس به طور چشم‌گیر و بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دلیل ترس از عراق و شاید هم ایران، خرید سلاح‌های مدرن از اروپا و دیگر کشورها را در طول دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۳ ادامه بخشیده‌اند. به طور مثال، در سال ۱۹۹۳ عربستان سعودی با فرانسه یک قرارداد ۴۳۸ میلیون دلاری برای نوسازی تجهیزات ارتباطات مخابراتی و رادیویی نظامی خود منعقد نمود و در سال ۱۹۹۳ آمریکا موافقت نمود که ۷۲ هوا پیمای جنگی به عربستان بفروشد. هم‌چنین در فوریه ۱۹۹۳ عربستان و کویت یک موافقت‌نامه نظامی با ایتالیا امضا نمودند.

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس پس از تهاجم عراق به کویت، به دلیل ضعف در تأمین امنیت خارجی و داخلی خود، توجه خود را به طرف قدرت‌های خارجی معطوف ساختند. این کشورها علاوه بر خرید تسلیحات از قدرت‌های غربی، پرسنل نظامی مورد احتیاج خود را نیز از این منابع تأمین می‌کنند. به طور مثال، کویت علاوه بر انعقاد قرارداد دفاعی با آمریکا، با کشورهای اروپایی نیز وارد مذاکره شده و با انگلیس و فرانسه نیز پیمان امنیتی و دفاعی امضا کرده است.

آموزش نظامی نیروهای عرب و تمرین‌های نظامی و عملیات دریایی و هوایی مشترک با کشورهای جنوب خلیج فارس نیز از جمله اقدامات مؤثر در تسریع مسابقه تسلیحاتی در منطقه می‌باشد. خرید غیر متعارف تسلیحات نظامی و درخواست استقرار نیروهای خارجی در منطقه خلیج

فارس ریشه در مسایل تاریخی و فرهنگی دارد؛ تاریخی که در آن انگلستان به عنوان ترسیم کننده مرزهای کنونی این منطقه نقش بسیار مهمی ایفا نموده است.

با وجود مشکلاتی که در سطح منطقه وجود دارد، نیاز به اقدامات اعتمادساز به عنوان راه کاری مناسب جهت بالابردن ضریب اطمینان کشورهای منطقه، بسیار روشن است. هر چند که در دهه گذشته رهبران منطقه اقداماتی در جهت رفع سوءتفاهمات انجام داده‌اند. امیر جدید قطر، شیخ حمد بن خلیفه الثانی، در اول دسامبر ۱۹۹۵ اعلام داشت: این موضوع همیشه مورد نظر ما بوده است که ایران و عراق دو کشور مسلمان خلیج فارس هستند و جدا کردن آنها یا در نظر نگرفتنشان، زمانی که درباره منطقه خلیج فارس و خاورمیانه صحبت می‌کنیم، غیر ممکن است. وزیر خارجه عمان نیز به ایالات متحده هشدار داد که سیاست جداسازی ایران می‌تواند ثبات خلیج فارس را به خطر اندازد. (عبدالخالق، پیشین، ص ۱۶).

بحران‌های وحدت آفرین

در برابر عوامل تنش‌زا می‌توان از عوامل وحدت بخش یا تنش زدا و یا مشکلاتی که زمینه‌های وحدت را فراهم می‌آورد و یا تلاش‌هایی برای حل مشکلات که وحدت آفرین است، نام برد، از جمله: توسعه نیافتگی

دانشمندان برای متمایز کردن کشورهای فقیر و غنی جهان، از اصطلاحات مختلفی استفاده می‌کنند. واژه «جهان سوم» برای متمایز کردن کشورهای فقیر جهان از کشورهای سرمایه داری صنعتی به کار برده می‌شود. عبارت «در حال توسعه»، و یا «توسعه نیافته» نیز برای مقایسه کشورهای جنوب با کشورهای پیشرفته و صنعتی، استفاده می‌گردد. هم‌چنین از آن جایی که بسیاری از کشورهای ثروت‌مندتر در قسمت شمالی و کشورهای فقیر در قسمت جنوبی خط استوار قرار دارند، عبارت «شمال - جنوب» نیز به کار می‌رود. (یارجانی، آذر ۱۳۷۳، ص ۱۲۴). شکی نیست که توسعه مفهومی نسبی است، اما به طور یقین کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کشورهای در حال گذار هستند که توسعه نیافتگی آنها در دو بعد کلی قابل بررسی است:

الف - عدم توسعه سیاسی: در ورای تفاوت‌های بسیار که در سطح کشورهای منطقه وجود دارد، ویژگی‌های مشترکی نیز قابل مشاهده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک کشورهای منطقه خلیج فارس عبارت است از وابستگی و نقص تجهیزات که بر شرایط توسعه سیاسی آنها اثر گذاشته و آنها را با گونه خاصی از نوسازی درگیر ساخته است و نتیجه آن همان روند توسعه‌ای است که اروپا شاهد آن بوده است.

قبل از هر چیز ابتدا باید روند عدم توسعه سیاسی در کشورهای منطقه خلیج فارس مورد بازبینی قرار گیرد. وقتی جوامع اروپایی در قالب دولت - ملت قد علم کردند هیچ الگویی آنها را مورد نفوذ یا اجبار قرار نمی‌داد. این جوامع توانستند طی چندین دهه به جست‌وجو و ابداع صورتی از زندگی سیاسی بپردازند که با نیازهای آنان هماهنگی داشته باشد، اما برعکس، جوامع جهان سوم، از جمله منطقه خلیج فارس، بعد از استعمارزدایی، در برابر درگیری‌ها و مشکلات خاصی قرار گرفتند که آنها را مجبور می‌ساخت هر چه سریع‌تر خود را به ساختارهای مشترک اروپایی مجهز سازند.

برای عدم توسعه سیاسی دو عامل خاص را می‌توان تبیین نمود: ۱- آثار وابستگی؛ ۲- برداشت‌های اجتماعی. دست یافتن به یک دولت متمرکز، صنعتی شدن و نهادینه کردن توسعه، اهداف نظام‌های سیاسی کشورهای این منطقه می‌باشد. (نرسی، آذر ۱۳۷۳، ص ۲۵۱).

با نگاهی تاریخی به گذشته تمامی هشت کشور حوزه خلیج فارس می‌توان دریافت که عدم توسعه سیاسی در این جوامع نتیجه استبداد و استعمار و عواقب ناشی از آن است. به استثنای ایران که هیچ‌گاه به عنوان مستعمره رسمی هیچ کشوری شناخته نشد، سایر کشورهای منطقه با مرزهای مصنوعی به یادگار مانده از استعمار با ناهم‌گونی‌های مختلفی روبه‌رو گشتند. از سوی دیگر، استعمار را می‌توان یکی از دلایل ضعف خودآگاهی و حالت ابتدایی سازمان‌های اجتماعی این کشورها دانست. هنوز در کشورهای منطقه (به استثنای ایران) میل به توسعه مشاهده نمی‌گردد. در کشورهای امیرنشین حوزه خلیج فارس الگوهای موروثی (پاتریمونیل < پدر سالاری حکومتی) وجود دارد. سلطه مذکور مستلزم دستگامی است که کاملاً زیر نظر سلطان قرار دارد به طوری که شخصاً اعضای آن را انتخاب نموده و سلسله مراتب آن را سازمان می‌دهد و جهت آن را مشخص می‌سازد. اگر بپذیریم که رشد سیاسی بیشتر عبارت است از افزایش قدرت مرکزی حکومت و ایجاد وحدت ملی و بالا رفتن میزان مشارکت سیاسی، خواهیم دید که کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در یک یا دو مورد آن به شدت ناکارآمد هستند.

عدم توسعه سیاسی خود وابستگی‌های شدید اقتصادی را نیز به دنبال دارد. گرچه عدم توسعه اقتصادی و عدم توسعه سیاسی هر دو به طور یکسان بر دیگری اثر می‌گذارند اما شاید بتوان گفت که در کشورهای خلیج فارس اقتصاد و عدم توسعه آن ناشی از توسعه نیافتگی اجتماعی و سیاسی می‌باشد. هنوز زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشورهای منطقه به تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی خود دست نیافته‌اند. آنچه ما در کشورهای در حال توسعه، از جمله منطقه خلیج فارس، می‌بینیم، دگرگونی سیاسی است نه توسعه سیاسی. طبق دیدگاه لوسین پای توسعه سیاسی موارد زیر را در برمی‌گیرد (پیشین):

- نگرشی کلی نسبت به مساوات که در آن شرکت و رقابت در سیاست و به دستگیری حکومت جایز دانسته شود و امکان نوسازی جهت این امر برای همه افراد واجد شرایط وجود داشته باشد؛
- توان نظام سیاسی برای تدوین و اجرای سیاست‌های خود؛
- جدا کردن و تخصصی کردن کارها و وظایف گوناگون سیاسی به این شرط که این امر موجب به هم خوردن وحدت کلی جامعه نشود.

کم و بیش تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس به نوعی درگیر مشکلات مدرن سازی می‌باشند. هنوز در تمامی کشورهای این منطقه احزاب و انجمن‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت ریشه‌دار وجود ندارد، گرچه در کشورهایی مانند ایران تلاش‌های بسیاری جهت شکل‌گیری احزاب انجام شده است. سنتی که هر نظام سیاسی از طریق آن به مدرن‌سازی می‌پردازد از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. به همین جهت در جوامع در حال توسعه و یا توسعه نیافته، از جمله منطقه خلیج فارس، سنت‌گرایی بدون آن‌که به بستر واقعی خود دسترسی پیدا کند سعی در کنار گذاشتن آن می‌نماید. از سوی دیگر، بدون آن‌که بستر مناسب توسعه در این کشورها بررسی گردد با برداشتی ناشی از عملکرد مدرن سازی در اروپا و آمریکا خواهان ایجاد آن در این کشورها می‌شوند. اما آن‌چه نهادهای سیاسی را کارآمد می‌کند قدیمی بودن و نهادینه شدن آنها است. هانتینگتون در کتاب خود «نظام سیاسی در جوامع در حال تغییر» می‌گوید:

«شاید دلیل منحصر به فرد بودن نهادهای سیاسی آمریکا، کهنه بودن آنهاست.»

در حال حاضر در تمامی کشورهای خلیج فارس تحولات اجتماعی از سه منظر آموزش نخبگان، تعلیم و پرورش توده‌ها، و شکل بندی طبقات اجتماعی جدید بررسی می‌گردد. به هر صورت، تأثیراتی که این سه مسئله در کشورهای مذکور به جای می‌گذارد خود از ویژگی‌های مشترک میان آنان می‌باشد. هر هشت کشور به نوعی در عبور کردن از پل عدم توسعه و رسیدن به توسعه سیاسی مشترک‌اند؛ زیرا در سیستم بین‌المللی جدید جهانی‌گرایی از این نیست. (الهی، ۱۳۶۸، ص ۸۶).

ب - عدم توسعه اقتصادی: کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به عنوان مهد تمدن‌ها مطرح بوده‌اند و زمانی در زمینه‌های علمی، تکنولوژی و بهره‌بری اقتصادی با جامعه اروپایی رقابت می‌کردند، اما آن‌چه اکنون از آن با عنوان شکاف توسعه اقتصادی میان کشورهای جهان نام برده می‌شود در واقع ریشه در سال‌های نه چندان دور دارد. ساختار اقتصادهای وابسته و روابط این کشورها با اقتصاد جهانی، تفاوت اساسی با کشورهای پیشرفته صنعتی دارد. منطقه خلیج فارس یکی از حوزه‌هایی است که به عنوان حوزه جنوب در مقابل شمال در نام‌گذاری توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد. ۴۷٪ صادرات جنوب را سوخت‌ها، مواد معدنی، فلزات و سایر کالاهای اولیه تشکیل می‌دهد، در حالی که فقط ۱۹٪ صادرات شمال مربوط به کالاهای اولیه می‌باشد.

عدم توسعه کشورهای جنوب، از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس، به نوعی به توسعه کشورهای صنعتی ارتباط پیدا می‌کند. در مورد عدم توسعه اقتصادی و صنعتی یادآوری این نکته لازم است که عدم توسعه اقتصادی ربطی به میزان درآمد سرانه در کشورهای منطقه ندارد، به طوری که سه کشور امارات متحده عربی، قطر و کویت تقریباً یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در سطح جهان را دارند. اما این مسئله تنها ناشی از انفجار ثروت از طریق فروش نفت خام می‌باشد. در حقیقت، چیزی که کشورهای حوزه خلیج فارس و به خصوص حوزه جنوبی آن را از زمره کشورهای فقیر و عقب‌افتاده خارج و در زمره کشورهای در حال توسعه داخل نمود ویژگی مشترک آنها در برخورداری از نفت بوده است.

بنیان‌های اقتصادی در این کشورها چنان ضعیف و متزلزل می‌باشد که چنانچه زمانی رابطه مبادله کالاهای صادراتی بین هر دو حوزه شمال و جنوب به هم برخورد کشورهای جنوب بیشتر صدمه خواهند دید؛ در حالی که بسیاری از کشورهای آسیای شرقی به تکنولوژی جدید دست یافته‌اند و اقتصادشان را بر تولید و تجارت کالاهای ساخته شده استوار نموده‌اند. هنوز کشورهای منطقه خلیج فارس تنها به مواد خام به عنوان مهم‌ترین ماده صادراتی نگاه می‌کنند. در حقیقت، سرعت و شتاب پیشرفت علم و تکنولوژی و صنعت به حدی است که حتی اگر هم اکنون نیز کشورهای منطقه اقدام به صنعتی شدن نمایند باز هم فرسنگ‌ها از دنیای صنعتی عقب خواهند بود. یکی از مشکلات مشترک در میان هر هشت کشور منطقه عدم اتخاذ استراتژی توسعه صادرات می‌باشد. دلیل عدم توسعه صنعتی و اقتصادی در این کشورها در یکی از موارد زیر به طور مشترک دیده می‌شود: (اسدی، ۱۳۷۱، ص ۲۷).

- فقدان مدیریت در مورد ذخایر نفتی که باعث گردید این کشورها دل‌نگرانی درآمد ملی نداشته باشند و نوعی رکود تحرک صنعتی در میان آنان به وجود آید.

- جمعیت رو به افزایش کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس که طرح‌های بلند مدت صنعتی را با شکست روبه‌رو می‌کند.

- دگرگونی پرشتاب جهانی به حدی است که هر روزه شکاف میان جهان صنعتی و کشورهای منطقه عمیق‌تر می‌گردد. گرچه این خط فاصل با تقسیم بندی جوامع به دو گروه صنعتی و روبه رشد انطباق ندارد، چنانچه می‌توان در شمال به نمونه‌های آشکار از فقر و در جنوب به نمونه‌های تحریک کننده از ثروت برخورد کرد، اما به هر صورت، این مسئله به عنوان یک ویژگی مشترک در تمامی کشورهای خلیج فارس وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه نیافتگی اقتصادی در منطقه عدم دسترسی به تکنولوژی جدید

و متخصصان تکنولوژی می‌باشد. کشورهای حوزه خلیج فارس (حوزه جنوبی در مقیاس وسیع‌تر و حوزه شمالی در مقیاسی کمتر) برای طراحی و اجرای پروژه‌های حیاتی خود وابسته به متخصصان خارجی هستند. اگرچه در ایران اقدامات بسیار جسورانه و افتخارآمیز جهت اجرای پروژه‌های ملی از طریق متخصصان داخلی و یا تکنولوژی غیر وارداتی صورت گرفته، اما بدون تعصب باید گفت هنوز ناتوانی درباره بسیاری از طرح‌ها به روشنی دیده می‌شود.

در حالی که کشورهای این منطقه همانند سایر کشورهای جنوب به دنبال دستیابی به تکنولوژی جدید می‌باشند، حجم وسیع تکنولوژی جدیدتر در اختیار آزمایشگاه‌های شمال قرار می‌گیرد. عواملی که منجر به توسعه نیافتگی صنعتی در منطقه می‌شوند عبارت‌اند از:

۱- فقدان تکنولوژی: کشورهای منطقه به شدت از کمبود نیروی متخصص در بخش‌های صنعتی مدرن رنج می‌برند. تکنولوژی برای کشورهای صنعتی پیشرفته روزانه دارد، در حالی که کشورهای منطقه هنوز از تکنولوژی چندین سال قبل استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، استفاده از تکنولوژی جدید منوط به اجازه استفاده از آن توسط کشورهای صاحب تکنولوژی است و البته آنها از دادن تکنولوژی پیشرفته به این کشورها خودداری می‌نمایند.

۲- فقدان دانش مدیریت: کشورهای صنعتی به واسطه مهارت در مدیریت و در اختیار داشتن تکنیک برتر جایگاه خاصی را در نظام اقتصاد بین‌الملل به خود اختصاص داده‌اند. اعمال روش‌های مدیریتی مدرن یکی از راه‌هایی است که باید برای توسعه تکنولوژی و استفاده بهینه از سرمایه‌ها در بخش‌های اقتصادی کشورهای این منطقه مورد استفاده قرار بگیرد.

۳- فقدان شبکه بازاریابی: دسترسی نداشتن به شبکه بازاریابی جهت فروش محصولات صنعتی کمی که تولید این کشورها می‌باشد یکی دیگر از عوامل عقب افتادگی اقتصادی کشورهای مذکور می‌باشد. در حال حاضر که سازمان تجارت جهانی (WTO) سیطره وسیعی بر تجارت بین‌الملل دارد، عدم عضویت این کشورها در این سازمان راه دسترسی به شبکه فروش جهانی را بسته است. از سوی دیگر، عدم آگاهی از بازارهای موجود در جهان و نداشتن اطلاعات کافی در مورد سیستم عرضه و تقاضای جهانی مشکلات فراوانی را فراروی تجارت کشورهای حوزه خلیج فارس با دیگر کشورها قرار داده است.

ایجاد شبکه جهانی تجارت و سرمایه‌گذاری از پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فرآیندهای اقتصادی ناشی می‌شود. بهبود وسایل حمل و نقل، انقلاب ارتباطات و شرکت‌های غول پیکر تجاری همه و همه عوامل جهانی شدن روز افزون اقتصاد می‌باشند. این چیزی است که کشورهای منطقه خلیج فارس باید به آن توجه زیادی نشان دهند. (الهی، پیشین).

نفت؛ تولید مشترک

منطقه خلیج فارس دارای تمدن، تاریخ و فرهنگ است و امروزه نفت بر اهمیت آن افزوده است و هم اکنون هیچ عامل دیگری وجود ندارد که بتواند در نظام منطقه‌ای خلیج فارس با نفت رقابت کند. نفت اساس موجودیت این نظام و ستون فقرات آن می‌باشد. بدون آن، این نظام در خود حل شده و منزوی می‌گردد و حضور بین‌المللی و استراتژیک خود را از دست می‌دهد. درآمد هشت کشور حوزه خلیج فارس از نفت در سال ۱۹۷۰ از بیست میلیارد دلار به دویست میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت و در سال ۱۹۹۳ به صد میلیارد دلار رسید؛ به این ترتیب درآمدهای حاصل از نفت این کشورها از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۳ تقریباً به دو هزار و پانصد میلیارد دلار بالغ گردیده است.

عربستان سعودی با ذخایر نفتی در حدود سیصد میلیارد بشکه در رتبه اول دارندگان این ماده حیاتی قرار دارد. نفت ۸۰٪ از کل صادرات کشورهای حوزه خلیج فارس، ۹۰٪ از ارزشهای خارجی و ۴۰٪ از کل درآمد ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که شخصیت نظام منطقه‌ای خلیج فارس به شدت با نفت پیوند خورده است، و ویژگی بارز هر هشت کشور منطقه ارتباط حیاتی آنان با نفت است. نفت رگ حیاتی اقتصاد و امنیت در منطقه می‌باشد. این ماده گران بها نقش عمده‌ای در بالا بردن سطح زندگی در کشورهای حوزه خلیج فارس داشته است. (امامی، ص ۱۲۹).

نفت به همان اندازه که پیام آور رشد، ترقی و رفاه در این جوامع بوده به همان اندازه میراث شوم جنگ را نیز به دنبال خود داشته است. در حال حاضر حدود ۶۰٪ ذخایر نفتی اثبات شده جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد و همین موضوع اهمیت فوق العاده‌ای به این منطقه داده است. ویلیام راجرز وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در سال ۱۹۷۱ درباره اهمیت حوزه خلیج فارس چنین گفته است: «شبه جزیره عربستان، عراق و ایران حدود دو سوم ذخایر شناخته شده نفت جهان را دارا می‌باشند. استفاده از این نفت در شرایط مناسب سیاسی و اقتصادی برای کشورهای متحد ما واجد کمال اهمیت است».

کشورهای صادر کننده نفت حوزه خلیج فارس برای صدور نفت خود و استخراج آن، به درجات متفاوت به کشورهای صنعتی وابسته‌اند. اقتصاد کشورهای صادر کننده نفت زیربنای کافی را برای جذب صنایع کاملاً پیشرفته مثل صنعت نفت ندارد و این موضوع تا به امروز ادامه داشته است. برای کشورهای حوزه خلیج فارس صنعت نفت یک امتیاز بسیار با ارزش است که می‌تواند بسیاری از مشکلات را به کلی رفع نماید، اما در حال حاضر شرکت‌های نفتی خارجی عهده‌دار چنین امر مهمی هستند. وقایع خون‌بار سال‌های اخیر خلیج فارس بار دیگر بر نقش محوری نفت در اقتصاد جهانی تأکید نمود.

بحران دوم خلیج فارس جنگی بود که اهمیت نفت منطقه را نمایان تر ساخت. شاید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای منطقه، دفاع از نقش نفت در اقتصاد بین‌المللی است. متأسفانه هنوز اطلاعات جامع و کاملی جهت قیمت‌گذاری و فروش نفت منطقه وجود ندارد. نفت خام خلیج فارس طبق شاخص‌های نفت شیرین جهان قیمت‌گذاری شده و به فروش می‌رسد. در منطقه خلیج فارس میادین نفتی و گازی فراوانی وجود دارد که میان دو یا چند کشور مشترک می‌باشد، اما عدم وجود اطلاعات کافی راه را برای توسعه مطلوب این میادین مسدود می‌کند. روند رو به رشد تقاضا برای نفت نمایان‌گر این مطلب است که هنوز هم این منبع انرژی را اهمیت خود را از دست نداده است. بیشتر ذخایر باقی‌مانده نفت جهان در کشورهای حوزه خلیج فارس متمرکز می‌باشد.

افزایش قیمت نفت، تأثیرات فراوانی در کشورهای تولیدکننده به دنبال داشته است که مهم‌ترین آن افزایش درآمد مالی این کشورها می‌باشد. تغییرات اساسی که افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشت در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۳ و سپس در سال ۱۹۸۰ به وجود آمد و در سال‌های بعدی ادامه یافت. این افزایش سریع، افزایش قدرت مالی و در عین حال مسئله‌گردش سرمایه را به وجود آورد و در میان طبقات بالا و متوسط جامعه، مصرف‌گرایی توسعه یافت. از سوی دیگر، در بخش سرمایه‌گذاری صنعتی بر ایجاد کارخانه‌های مونتاژ تأکید گردید. تحرک در بخش ساختمانی به شدت رونق یافت و همین امر موجب فراهم آمدن یکی دیگر از معضلات مشترک میان کشورهای منطقه را که مهاجرت روستائیان به شهر بود فراهم نمود.

افزایش بهای نفت حجم سرمایه این کشورها را افزایش چشم‌گیر بخشید و توان سرمایه‌گذاری آنان را در خارج بالا برد، اما نکته بسیار مهم آن است که تفاوت فاحشی بین سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس با سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای صنعتی وجود دارد. کشورهای صنعتی به هنگام سرمایه‌گذاری در خارج، از امتیازات متعدد نظیر استفاده مجانی یا کم هزینه از زمین، آب و برق و نیز تضمین حمایت از سرمایه و صدور درآمدهای حاصل از آن را به دست می‌آورند و از معافیت‌های گمرکی و مالیاتی برخوردار می‌شوند. آنها به تکنولوژی تسلط داشته و مدیریت مناسبی را در کنترل سرمایه‌گذاری و کسب سود و دست‌یابی به بازار فروش دارند و از این نظر، عملکرد آنها تفاوت فاحشی با سرمایه‌گذاری کشورهای تولیدکننده نفت دارد.

کشورهای صادرکننده نفت به هنگام سرمایه‌گذاری در کشورهای صنعتی نه تنها هیچ یک از این امتیازات را ندارند، بلکه اغلب فقط اجازه سرمایه‌گذاری در صنایعی را به دست می‌آورند که در حال ورشکستگی است. در حقیقت، سرمایه حاصل از فروش نفت نه تنها باعث افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنها در کشور صنعتی نشده بلکه وابستگی آنها را نیز افزایش داده است. (انصاری، تیر ۱۳۷۵، ص ۵۳).

وابستگی به واردات، ویژگی دیگر تمامی کشورهای منطقه است که به حد تبادل کالاهای ساخته شده صنعتی در مقابل عرضه نفت تنزل یافته است. هشت کشور مذکور از طریق فروش نفت صاحب توان مالی هنگفتی می‌شوند که از آن برای خرید کالاهای صنعتی گران‌قیمت استفاده می‌کنند. کشورهای حوزه خلیج فارس از دو جهت متضرر می‌شوند و کشورهای صنعتی از دو جهت سود می‌برند؛ کشورهای صادرکننده نفت از یک سو این ماده حیاتی بدون جایگزین را با بهایی اندک فروخته و از سوی دیگر، کالاهای ساخته شده به وسیله همین ماده را با بهای بسیار گران‌تر خریداری می‌نمایند. عکس همین مسئله در مورد کشورهای صنعتی صادق می‌باشد.

به هر روی، نفت یکی از مشترکاتی است که در سطح منطقه می‌تواند زمینه‌های فراوانی را جهت همکاری ایجاد نماید.

نقش نفت به عنوان انرژی و ماده خام برای اقتصاد جهانی با همه تحولات فرق می‌کند و همچنان در آینده بدون تغییر باقی می‌ماند و به این ترتیب علاقه و وابستگی کشورهای صنعتی به کشورهای تولیدکننده نفت ادامه خواهد یافت. نفت علاوه بر تأثیرگذاری بر درآمد مالی این هشت کشور، بر ساختار اجتماعی و سیاسی آنها نیز تأثیر دگرگون‌کننده‌ای گذاشته است. وجوه مشترک کشورهای منطقه خلیج فارس که اقتصادشان بر پایه نفت قرار دارد می‌تواند ناشی از سه عامل اساسی زیر باشد که در عین حال در ساختار اجتماعی این کشورها نیز مؤثر است:

۱- نوعی دوگانگی وجود دارد؛ یعنی از یک طرف بخش بزرگی از تولید ناخالص ملی را درآمد نفت تشکیل می‌دهد که تحت کنترل دولت می‌باشد و از طرف دیگر، این دولت‌ها به اصول کاپیتالیستی در اقتصاد معتقد می‌باشند که از آن جمله می‌توان به فعالیت بخش‌های خصوصی، عدم محدودیت سرمایه‌گذاری خصوصی و تجارت آزاد اشاره کرد.

۲- با این که دولت‌ها در این کشورها بخش اساسی اقتصاد را در دست دارند ولی به نظر می‌رسد که بیشتر از آنچه وظیفه تولید را بر عهده بگیرند عهده‌دار وظیفه تقسیم هستند. این دولت‌ها سوبسید مستقیم خدمات را از طریق منابع درآمدی نفتی عهده‌دار می‌شوند.

۳- برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی، اغلب نیروی کاری بیشتر از آنچه در محل وجود دارد طلب می‌کند. (امامی، پیشین، ص ۱۳۵).

ذکر این نکته ضروری است که اقتصاد کشورهای منطقه خلیج فارس نفتی نیست بلکه وابسته به درآمد نفت می‌باشد. اقتصاد نفتی به آن معنا است که صنعت نفت نقش مهمی در اقتصاد کشورهای خلیج فارس داشته باشد اما مشکل این است که اقتصاد کشورهای مذکور به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت خام وابسته می‌باشد و عمدتاً این وابستگی‌ها از طریق دولت است؛ یعنی درآمدهایی که

از طریق صدور نفت در اختیار دولت قرار می‌گیرد از طریق بودجه به اقتصاد این کشورها تزریق می‌شود. به همین دلیل کاهش قیمت نفت به شدت بر اقتصاد کشورهای منطقه تأثیرگذار است. نکته دیگر آن که از دو سوم کل ذخایر شناخته شده جهان، عربستان سعودی با جمعیتی برابر با ۳٪ جمعیت ایالات متحده آمریکا، به تنهایی به اندازه هشت تا نه برابر کلیه ذخایر نفتی آمریکا را در اختیار دارد. از سوی دیگر، جدا از وجود ذخایر عظیم نفت در منطقه، نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که هزینه تولید نفت در این منطقه در مقایسه با سایر نقاط دنیا بسیار ارزان‌تر تمام می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه تولید هر بشکه نفت در خلیج فارس پائین‌ترین هزینه تولید این ماده خام در جهان محسوب می‌گردد. بنابراین نه تنها نفت برای کشورهای منطقه اهمیتی حیاتی دارد بلکه به نوعی، نفت این منطقه با امنیت ملی دیگر کشورهای صنعتی مرتبط می‌باشد. به هر روی، نفت، این موهبت الهی، به همان اندازه که می‌تواند برای کشورهای صاحب آن امنیت، آسایش و رفاه به دنبال آورد، می‌تواند امنیت آنان را خدشه‌دار نماید.

مسئله آب

در نیمه دوم قرن بیستم، منطقه خاورمیانه بحرانی‌ترین منطقه جهان از نظر توسعه بوده است و بحران‌های متعددی را پشت سر گذاشته است، اما بحران تأمین آب در این منطقه هنوز نه تنها از شدت آن کاسته نگردیده بلکه به نظر می‌رسد روز به روز ابعاد وسیع‌تری را به خود می‌گیرد و تمامی کشورهای منطقه با این مشکل دست به گریبان خواهند شد. کم آبی در حوزه جنوبی خلیج فارس بیشتر از قسمت شمالی آن می‌باشد. به طور مثال، در کویت آن قدر باران کم می‌بارد که مشکل بتوان مردم این سرزمین را حتی برای یک‌بار سیراب نمود! این در حالی است که تقاضا برای آب در همه عرصه‌های مصرف از جمله کشاورزی، صنعتی و آشامیدنی به شدت افزایش یافته است. عوامل عمده بسیاری، به جز میزان کم بارش در این منطقه، باعث به وجود آمدن بحران کم آبی شده است که از آن جمله می‌توان به افزایش رشد جمعیت، مدیریت غلط و سیاست‌های اشتباه مدیران صنعت آب کشورهای منطقه و بی‌توجهی در بهره‌برداری از محیط زیست اشاره نمود.

حوزه جنوبی منطقه خلیج فارس از نظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی بر روی کمربند خشک جهان قرار دارد، به طوری که آب و هوای آن خشک و نیمه خشک و در اکثر طول سال بدون بارندگی است، زمین‌های آن عمدتاً غیر قابل کشت است و میزان بارندگی در این منطقه به گونه‌ای است که در نواحی وسیع بیابانی به کمتر از صد میلی‌متر، در مناطق حاشیه بیابان به حدود دویست میلی‌متر و در محدوده‌های نسبتاً مرتفع که وسعت بسیار کمی هم دارند به چهار صد میلی‌متر در سال می‌رسد.

منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی کشورهای حوزه جنوبی بسیار کم است. علاوه بر آن، به دلیل بالا بودن درجه حرارت، همین مقدار آب ناکافی نیز به سرعت تبخیر می‌شود. آب‌های موجود در قسمت جنوبی حوزه خلیج فارس اعم از سطحی یا زیرزمینی شامل چشمه‌ها، آب‌های کمیاب فسیلی و چشمه‌های آب شیرین زیردریایی است.

چشمه‌های آب شیرین که در سواحل شمالی بحرین قرار گرفته است نقش مهمی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کند که به نظر می‌رسد منابع این چشمه‌ها از بارندگی در سرزمین‌های مرتفع غرب عربستان سعودی تأمین می‌شود. در منطقه شبه جزیره عربستان که رود دائمی در آن وجود ندارد، وجود آب چشمه‌ها، چاه‌ها و قنات‌ها زندگی انسان‌ها را در این مکان نجات داده است. بر اساس آمار منتشر شده از سوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مجموع مصارف آبی این کشورها در سال بالغ بر نوزده میلیارد متر مکعب است. با توجه به رشد جمعیت در سال ۲۰۰۰ این نیاز به ۲۸ میلیارد متر مکعب رسید؛ این در حالی است که مجموع منابع آب‌های زیرزمینی در کشورهای عربستان، بحرین، عمان، امارات، و قطر تنها ۱/۵۴ میلیارد متر مکعب در سال می‌باشد. (جیمز، دی ۱۳۷۲، ص ۶۰).

کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس برای جبران کسری آب جهت مصارف کشاورزی و نیازهای شهری از دستگاه‌های آب شیرین‌کن استفاده می‌کنند. ظرفیت شیرین کردن آب در عربستان به تنهایی معادل ۳۰٪ ظرفیت جهانی برآورده می‌شود. تمام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای تأمین آب آشامیدنی خود عمدتاً به شیرین کردن آب دریا متکی هستند. علاوه بر استفاده‌های فردی، اجرای طرح‌های کشاورزی و ایجاد فضاهای سبز در این کشورها موجب شده تا بر مشکل بحران آب افزوده گردد. جمعیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۰ سیزده و نیم میلیون نفر (۱۳۵۰۰۰۰۰) بود. این مقدار جمعیت در سال ۱۹۹۰ به ۱۹/۶۴ میلیون نفر رسید، در حالی که نه تنها میزان بارندگی و آب زیرزمینی در این منطقه افزایش نیافته بلکه هر سال از میزان آن در چشمه‌ها و قنات‌ها کاسته می‌گردد.

کشورهای حوزه شبه جزیره عربستان سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در طرح‌های گوناگون تأمین آب نموده‌اند اما هنوز واردات آب به عنوان یکی از ساده‌ترین راه‌های تأمین آب این کشورها محسوب می‌شود. در حال حاضر کویت از لحاظ واردات آب مقام اول را دارد. این کشور با میزان بارندگی متوسط سالانه ۱۰۸ میلی‌متر، به شدت با بحران آب دست به گریبان می‌باشد. بسیاری از درآمدهای نفتی کویت صرف تهیه و ساخت کارخانه‌های بزرگ آب شیرین‌کن می‌شود. پس از آن، به ترتیب عربستان، بحرین، عمان و قطر واردکنندگان این ماده حیاتی می‌باشند. سفره‌های آب زیرزمینی در عربستان طبق پیش‌بینی انجام شده، تا پنجاه سال آینده پایان خواهد یافت.

امارات متحده عربی یکی دیگر از کشورهایی است که دچار کمبود آب می‌باشد. میزان بارندگی در این کشور بین ۲۵ تا ۱۰۰ میلی‌متر می‌باشد. این کشور نیز برای تأمین آب آشامیدنی خود متکی به شیرین کردن آب دریا است. میزان بارش باران در کشور قطر بین ۲۵ تا ۲۱۲ میلی‌متر می‌باشد. ۹۵٪ نیاز آبی این کشور از طریق تأسیسات آب شیرین کن و تنها نزدیک به ۵٪ آن از طریق منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود. عمان و بحرین نیز هر کدام به ترتیب با میزان بارندگی سالیانه ۱۵۰ و ۱۰۰ میلی‌متر به شدت با بحران آب روبه‌رو هستند.

در بین کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، عمان به نوعی به خودکفایی نسبی در تأمین منابع آبی رسیده است اما با این حال سالیانه ۸ میلیون لیتر آب آشامیدنی وارد می‌کند. آینده بحران کم آبی در این منطقه بسیار نگران کننده تر از حوزه شمالی خلیج فارس می‌باشد. فقدان رودخانه‌های دائمی و استفاده بیش از حد از منابع آب‌های زیرزمینی، بحران کم آبی این کشور را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، در قسمت شمالی حوزه خلیج فارس، منابع آبی کشور عراق در حال حاضر وضعیت نسبتاً مناسبی دارد، اما پس از تصمیم ترکیه مبنی بر ساختن سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات، این کشور در آینده با کمبود شدید آب روبه‌رو خواهد شد. (راسل، آذر ۱۲۷۷، ص ۴۳).

معضلات زیست محیطی

خلیج فارس از نظر زیست محیطی یک اکوسیستم به شمار می‌آید، به طوری که هرگونه تغییر یا دگرگونی در عناصر آن کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل زیر محیط زیست را که از آن به عنوان دارایی مشترک جهانی یاد می‌شود، تهدید می‌نماید:

- جنگل‌زدایی و فرسایش خاک؛

- تباه‌سازی مراتع؛

- تهی‌سازی منابع ماهی؛

- آلودگی آب و هوا.

با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که تقریباً هر چهار مورد تهدید در منطقه خلیج فارس وجود دارد. هنگامی که سخن از محیط زیست خلیج فارس به میان می‌آید نباید فراموش کرد که این دریای نیمه بسته دارای یکی از حساس‌ترین اکوسیستم‌های جهان است. در طول تاریخ، خلیج فارس منبع اصلی درآمد بسیاری از مردم منطقه بوده است. ماهی‌گیری، کشتی‌رانی و صید مروارید جزء مهم‌ترین فعالیت‌های بازرگانی در منطقه محسوب می‌گردد. آلودگی محیط زیست این منطقه بسیاری از این فعالیت‌ها را به مخاطره انداخته است. استخراج نفت و حمل و نقل این ماده، مقدار زیادی از

هیدروکربن‌های نفتی را که به‌طور متوسط بین ۶ تا ۱۰ میلیون تن تخمین زده می‌شود به‌اکو سیستم منطقه وارد نموده است.

علاوه بر مواد نفتی، دو جنگ اخیر خلیج فارس، خسارات زیاد و غیرقابل جبرانی را به محیط زیست خلیج فارس وارد نموده است. در سال ۱۹۹۱، با وقوع جنگ عراق و کویت، حدود ۸۰۰ حلقه چاه در آتش سوخت و حدود ۸ میلیون بشکه نفت نیز به‌طور مستقیم، به خلیج فارس ریخته شد و یکی از فاجعه‌های زیست محیطی جهان به‌وقوع پیوست. هم‌چنین در سال ۱۳۷۲، کشتی ساخاروف که حامل مقادیر زیادی مواد شیمیایی به مقصد عربستان سعودی بود، دچار آتش‌سوزی گردید و در ۳۰ مایلی جنوب جزیره لاوان غرق شد. در این حادثه بخشی از مواد شیمیایی وارد آب گشت و با توجه به جریان آب، شعاع آلودگی تا آب‌های ساحلی ابوظبی هم کشیده شد.

اکوسیستم این منطقه، پستوانه استقلال و آینده کشورهای این منطقه است، اما کشورهای خارج از حوزه خلیج فارس و استفاده‌کننده از نفت این منطقه اهمیتی به حفاظت محیط زیست خلیج فارس نمی‌دهند و تنها به انتقال نفت فکر می‌کنند.

خلیج فارس اساساً دریایی کم عمق و فلات قاره است که انواع آبزیان را در خود جای داده است؛ بنابراین صید ماهی و دیگر آبزیان از سال‌های گذشته و بسیار دور از اهمیت بسیار زیادی برای ساکنان این حوزه برخوردار بوده و فراوانی انواع آبزیان در خلیج فارس در تغذیه ساکنان پیرامون آن نقش به‌سزایی داشته است. (عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

از سوی دیگر، علاوه بر مسئله تغذیه ساکنان، بسیاری از گونه‌ها جهت صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمترین آلودگی در خلیج فارس می‌تواند بیشترین صدمه را به حیات این آبزیان وارد نماید. هر چند تقریباً تمامی هشت کشور ساحلی خلیج فارس پس مانده‌های مراکز صنعتی و کشاورزی و شهری خود را بدون هیچ تصفیه‌ای به درون خلیج فارس می‌ریزند، ولی با این وصف هنوز بزرگ‌ترین عامل آلودگی این اکوسیستم، نفت می‌باشد. از مرز عربستان تا ورودی خلیج بحرین صخره‌های مرجانی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین نواحی برای تکثیر و تجدید حیات پلانکتون محسوب می‌گردد و صدها گونه دریایی در آن جایست می‌کنند، اما به دلیل وجود ابرهای سیاه ناشی از آتش گرفتن هشتصد حلقه چاه، حرارت آب به دلیل کاهش قابل توجه نور تا ۷ درجه سانتیگراد تنزل نموده و همین امر خسارت فراوانی به این ناحیه وارد نموده است.

خلیج فارس در سر راه مهاجرت پرندگان از نیم کره شمالی به نیم کره جنوبی قرار دارد. گونه‌های مختلف پرندگان با جمعیتی حدود ۲۲ میلیون هر ساله در فصل زمستان در حین مهاجرت از خلیج فارس از این منطقه نیز تغذیه می‌کنند. مهاجرت این پرندگان علاوه بر نقشی که در چرخه حیات

اکوسیستم خلیج فارس ایفا می‌کند، دارای اهمیت جهانی نیز می‌باشد. این اکوسیستم یکی از نادرترین اکوسیستم‌ها در سطح جهان شمرده می‌شود.

هنگامی که کشورهای صادرکننده نفت این منطقه نسبت به صدور نفت و یا قیمت آن احساس ناامنی می‌نمایند، مواضع جدی و ضربتی در پیش می‌گیرند اما متأسفانه به نظر می‌رسد مسئله محیط زیست خلیج فارس با نوعی سهل‌انگاری روبه‌رو گشته است. آب‌های خلیج فارس به رغم تحمل انواع آلاینده‌ها تاکنون توانسته اهمیت خود را حفظ نماید، اما نمی‌توان انتظار داشت با ادامه این روند این باروری باز هم ادامه یابد.

خطر آلودگی محیط زیست تنها متوجه یک یا دو کشور نخواهد بود، بلکه اگر فاجعه زیست محیطی در این منطقه رخ بدهد تمامی کشورهای منطقه صدمه خواهند دید. دست‌کم برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس این صدمات به علت خرابی و از کار افتادن دستگاه‌های آب شیرین‌کن، به دلیل غلظت بالای آلاینده‌های نفتی، چندین برابر خواهد بود. معمولاً سازمان ملل در گزارش‌های خود در مورد اثرات زیست محیطی جنگ‌ها محافظه‌کاری می‌کند. اما گزارش شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) در تاریخ ۱۹۹۲ عمق و عظمت فاجعه و نگرانی آژانس‌های سازمان ملل را از پیامدهای زیست محیطی در خلیج فارس نشان داد.

از سوی دیگر، موقعیت خاص بنادر خلیج فارس که روز به روز جمعیت بیشتری را در خود جای می‌دهند، تغییرات عظیم اکوسیستم ساحلی خلیج فارس را موجب می‌گردند. تأثیرپذیری محیط زیست دریایی این منطقه منحصر به فعالیت‌های دریایی و ساحلی نمی‌باشد و تمامی حوزه‌های آبریز منتهی به این دریا را نیز دربر می‌گیرد. این حوزه‌های آبریز در مسیر خود آلودگی‌های بسیاری را وارد خلیج فارس می‌کنند. مناطق ساحلی و بعضی از جزیره‌های خلیج فارس که در چند دهه گذشته خالی از سکنه بودند در حال حاضر با رشد جمعیت روبه‌رو می‌باشند. همین امر آلودگی‌های ناشی از فاضلاب شهری - صنعتی و کشاورزی را به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر نیز به علت گرمای حاصله از حرکت ناوهای غول‌پیکر کشورهای خارجی در خلیج فارس محیط زیست این منطقه با خطر روبه‌رو گردیده است. تهدیدات جدی برای اکوسیستم خلیج فارس را می‌توان به شرح زیر نام برد. (امامی، پیشین، ص ۲۰۱).

- ریخته شدن نفت در آب‌های خلیج فارس؛

- آلودگی ناشی از کشتی‌ها و ناوگان‌های نظامی؛

- رهاسازی فاضلاب و تأسیسات شهری و صنعتی در این آبراه؛

- عوارض ناشی از دو جنگ خلیج فارس؛

- رها شدن سموم و مواد شیمیایی کشنده از طریق غرق شدن کشتی‌ها در این آبراه. هر کدام از این موارد می‌تواند ضربات سهمگینی بر پیکره مجروح محیط زیست خلیج فارس وارد نمایند.

جای بسی تأسف است که بگوییم بیشتر ویژگی‌های مشترک میان کشورهای خلیج فارس موارد منفی بوده است. آلودگی و بحران محیط زیست از جمله مسایل مشترکی است که کمترین توجه نسبت به آن صورت گرفته و تنها با یک بسیج همگانی میان این هشت کشور می‌توان امید به آینده‌ای بهتر برای بهبود وضعیت محیط زیست خلیج فارس داشت. تاکنون به دلایل زیادی کار مفیدی نسبت به حفظ و نجات محیط زیست خلیج فارس صورت نگرفته است. این دلایل عبارت‌اند از:

- کشورهای منطقه از همکاری‌های منطقه‌ای خودداری کرده‌اند؛
- حتی شرکت در جلسات جهت تصمیم‌گیری‌های مشترک نمی‌تواند کارآیی داشته باشد، چون روحیه تفاهم و همکاری در نمایندگان کشورهای منطقه وجود ندارد؛
- در موارد بسیار محدودی که توافق و تصمیم‌گیری اولیه نیز انجام گرفته کار در مراحل اجرایی، پی‌گیری نشده و نتایج عملی به بار نیاورده است.

استفاده از منابع طبیعی در این منطقه مستلزم کاهش خطرات برای محیط زیست خلیج فارس می‌باشد. مبارزه با آلودگی باید صورت بگیرد، وگرنه چندان دور نخواهد بود که دسترسی به منابع جانوری و گیاهی این منطقه غیرممکن خواهد شد. (مجموعه مقالات پانزدهمین سمینار بین‌المللی خلیج فارس، پیشین، ص ۲۶۴).

نتیجه

عوامل زیادی وجود دارد که منطقه خلیج فارس را تبدیل به مکانی مناسب جهت اقدامات اعتمادسازی نموده است. این منطقه از یک ناحیه مرکب تشکیل شده که در درون خود محدوده‌های کوچک‌تری را جای داده است. هر کدام از این محدوده‌ها در عین حالی که از نظر توانایی‌های محیطی و خصوصیات اقتصادی - اجتماعی ویژگی‌های خاص خود را دارند، مجموعاً از نظر تاریخی با مبادله دائمی مردم، تجارت و جنبش‌های مذهبی مشخص می‌شوند اما دولت‌های منطقه تاکنون در تلاش برای کاهش تنش‌ها و جلوگیری از جنگ، از مناطق دیگر عقب مانده‌اند. اکنون زمان آن فرا رسیده که کشورهای منطقه با حسن نیت و اعتماد متقابل با پررنگ کردن عوامل مشترک میان خود، در کاهش تنش‌ها از مناطق دیگر سبقت بگیرند. در این صورت، کشورهای منطقه باید با مفهوم اقدامات اعتمادسازی آشنا شوند. ابتدا آن دسته از کشورهایی که تمایل دارند این اقدامات را

شروع نمایند باید اجازه دهند دیگران هم هر زمان که آمادگی داشتند به آن ملحق شوند. از طریق گفت‌وگو و مشورت می‌توان فضای اعتماد و حسن نیت لازم را برای یک منطقه امن به وجود آورد. (بخشی، پیشین، ص ۱۹۷).

منابع و مآخذ

- ۱- اسدی، بیژن، *علاق و استراتژی‌های ابرقدرت‌ها در خلیج فارس ۳۶۸-۳۵۷*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲- الهی، همایون، *خلیج فارس و مسایل آن*، شرکت آموزشی فرهنگی و انتشاراتی اندیشه، تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- امامی، محمدعلی، *عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ۴- انصاری، مرتضی، *امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه*، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال دهم، شماره ۹، تیر ۱۳۷۵.
- ۵- بخشی، احمد، *هم‌گرایی و واگرایی منطقه‌ای از دیدگاه تکوین‌گرایی*، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ج ۱، ۱۳۸۳.
- ۶- بدیع، برتران، *توسعه سیاسی*، ترجمه: احمد نقیب‌زاده، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- تقی‌زاده انصاری، محمد، *تحولات نفتی خلیج فارس و گسترش نقش ایالات متحده در منطقه*، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- جعفری ولدانی، اصغر، *روابط عراق با کویت*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹- جعفری ولدانی، اصغر، *کانون‌های بحران در خلیج فارس*، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- جیمز، بیل، *امنیت منطقه‌ای و ثبات داخلی در خلیج فارس*، ترجمه: باقر نصیری، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، دی ۱۳۷۲.
- ۱۱- راسل، اس. اس.، *بحران سیاسی و مهاجرت بین‌المللی در خاورمیانه*، ترجمه: ابوالقاسم پوررضا، مجله سیاسی و اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۳، آذر ۱۳۷۷.
- ۱۲- عبدالخالق، *نظام منطقه‌ای خلیج فارس*، ترجمه و تلخیص: مجتبی فردوسی پور، مجله صف، شماره ۱۷۵، آذرماه ۱۳۷۳.

- ۱۳- عزیزی، محسن، *مختصری از سیاست دولت‌های اروپایی در خلیج فارس*، کیهان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۴- قربان، نرسی، *درونمای همکاری‌های کشورهای حوزه خلیج فارس*، مجموع مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، آذر ۱۳۷۳.
- ۱۵- لایروس، هانری، *خلیج فارس و کانال سوئز*، ترجمه و تلخیص: محمود خواجه نوری، انتشارات دانشگاه تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۶- لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ترجمه: احمد ساعی و مهدی تقوی، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۷- محمدی، یدالله، *هم‌گرایی در خلیج فارس*، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ج ۱، ۱۳۸۳.
- ۱۸- یارجانی، جواد، *دیدگاه‌های وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با همکاری‌های نفتی در خلیج فارس*، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، آذر ۱۳۷۳.



فرهنگ صلح و هم‌زیستی

بسام الصباغ*

چکیده:

صلح و آرامش از اصول پایه‌ای است که پیامبر اسلام پرچم‌دار آن بوده و آن را برای تمام بشریت به ارمغان آورده است.

نگارنده با تبیین این ایده، جنگ‌های زمان پیامبر را بررسی نموده و با ادله متعدد قرآنی و روایی به اثبات این مطلب پرداخته که این جنگ‌ها صرفاً جنبه دفاعی داشته و اغلب آنها بر او تحمیل شده بود. و پس از آن، اصول و قواعد حاکم بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه اسلامی را مطرح کرده است. هم‌چنین رفتار مسلمانان با غیر مسلمان را از دیدگاه آیات و روایات و سیره پیامبر بررسی نموده و استحکام پایه‌های این صلح و هم‌زیستی را در بردباری، تحکیم روابط انسانی، احترام به آزادی‌های دینی و احترام به حقوق فرد و کرامت وی دانسته است و در پایان با رد هرگونه فتنه انگیزی‌های فرقه‌ای، بر ایجاد یک فقه ائتلاف، فقه مصلحت‌ها و فقه تقریب و وحدت میان اهل سنت و تشیع تأکید کرده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ صلح، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، کرامت انسانی، آزادی‌های دینی، تقریب و وحدت.

مقدمه

اسلام، صلح و آرامش را یکی از اصول پایه‌ای خود در نظر گرفته و ریشه‌های آن را در دل مسلمانان استحکام بخشیده و آن را بخشی از وجود آنها قرار داده است.

نام اسلام از «سلام» (صلح) گرفته شده که در شمار نام‌های خداوند متعال است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ...» (حشر/۲۳) و بهشت نیز «دارالسلام» نامیده شده است: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۲۷).

* نویسنده و پژوهشگر سوری.

حامل این رسالت، یعنی حضرت محمد ﷺ، نیز حامل پرچم صلح است؛ زیرا خیر و رهنمونی برای تمامی بشریت به ارمغان آورده است؛ همان‌گونه که خود می‌فرماید: «به درستی که من رحمت هدیه شده [به جهانیان] هستم.» (المستدرک علی الصحیحین، شماره ۱۰۰ به نقل از «ابوهریره» و «المقدمه»، شماره ۱۵، به نقل از «ابوصالح»).

دردود فرستادن مسلمانان به یک‌دیگر با واژه «سلام» (صلح) صورت می‌گیرد؛ زیرا همین دردود، فرمان الهی از آغاز آفرینش مردم بوده و در روایت آمده است: «وقتی خداوند آدم را آفرید، به وی گفت: برو بر آن گروه از فرشتگان سلام ده و گوش فرا ده که چه پاسخت می‌دهند که دردود او و خاندان تو چنین خواهد بود؛ او گفت: «السلام علیکم»؛ [فرشتگان] پاسخ گفتند: السلام علیک و رحمة الله و بر رحمت وی افزودند.» (سنن الترمذی، شماره ۳۳۶۸ و صحیح ابن حبان، شماره ۶۱۶۷).

بنابراین دردود مسلمانان در دنیا و آخرت، «السلام» است: «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا» (احزاب/۴۴). بسیاری از مسلمانان نام «عبدالسلام» دارند.

جنگ‌های پیامبر ﷺ برای دفاع از مقدسات بود

پژوهش‌گر زندگی پیامبر اکرم ﷺ [درباره] سیزده سالی که آن حضرت در مکه مکرمه سپری فرمود، یقین حاصل می‌کند که وی شب و روز به فراخوانی قوم خود [به آیین اسلام] با حکمت و پند و اندرز نیکو پرداخت، ولی قریش فراخوان پیامبر محبت و صلح فراخوان ایمان و اسلام را رد کردند و همه نوع آزار و شکنجه علیه پیامبر اسلام و یاران مستضعف وی روا داشتند تا مؤمنان را به پرستش بت‌ها بازگردانند و هنگامی که در بازگرداندن حتی یک مؤمن از دین خود ناکام ماندند، همه‌گونه پول و مقام و قدرت و برآوردن هر آرزویی را با پیامبر خدا در میان گذاشتند ولی در این مسیر نیز ناکام ماندند. در این صورت بود که به اتفاق، تصمیم به طرد او و طرد همه همراهان مسلمان و مستضعف وی و تمامی حامیانشان از «بنی هاشم» و «بنی مطلب» گرفتند و آنها را در «شعب ابی طالب» به مدت نزدیک به سه سال، محاصره کردند و دسترسی به هرگونه خوردنی و آشامیدنی را برایشان منع کردند به طوری که ناگزیر از خوردن برگ درختان و بوته‌های هیزم گشتند و از تماس و صحبت کردن با دیگران منع شدند و پیامبر در همه این مدت، همراهانش را به شکیبایی دعوت می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ و یاران وی همه‌گونه آزار و شکنجه و تحریم و گرسنگی و رنج را تحمل کردند و همواره از خدای خود می‌خواستند که از میان آنان کسانی را به دنیا آورد که به خدا و رسولش، ایمان داشته باشند.

مسلمانان، زخمی و مجروح، شکنجه دیده و توهین شده، نزد پیامبر خدا ﷺ می‌رسیدند و از پیامبر رحمت اجازه می‌خواستند که برای دفاع از خویش، اسلحه بردارند ولی آن حضرت ایشان را فرمان به صبر و تحمل عذاب و سختی می‌فرمود. داستان‌های خاندان «یاسر»، «حبيب» و «خباب» ... در این میان، به گوشمان رسیده است... تا سرانجام برای قتل مستضعفانی چون «سمیه» همسر «عمار یاسر» ... توطئه چیدند... «ای خاندان یاسر! شکیبایی کنید که بهشت در انتظار شماست.» (هندی، به نقل از «عمار بن یاسر»، شماره‌های ۳۵۶۸ و ۳۷۳۷۰). وقتی رسول خدا ﷺ رنج‌ها و آزمون‌هایی را که یارانش با آن روبه‌رو بودند مشاهده نمود به آنان اجازه داد تا به حبشه مهاجرت نمایند؛ زیرا در آن‌جا پادشاه مسیحی و عادل حکمرانی می‌کرد که کسی در سرزمینش مورد ستم قرار نمی‌گرفت.

مسلمانان طی دوران مکی [پیش از هجرت به مدینه] به جهاد مستمر خود ادامه دادند ولی این جهاد، نه با شمشیر که جهاد با نفس و هواهای نفسانی و شکیبایی در برابر دشواری‌ها و رنج و عذاب و آزار و اذیتی بود که در راه خدا، به‌جان می‌خریدند. خداوند متعال نیز می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۲). جهادشان با شکیبایی در برابر آزارها بود. خداوند می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم پنداشته‌اند وانهاده می‌شوند که بگویند ایمان آورده‌ایم و آنان را نمی‌آزمایند؟». این جهاد هم‌چنین با دعوت [مردم به اسلام]، بیان و تبلیغ رسالت الهی با حکمت و منطق و اندرز نیکو و زبان خوش و جهادی قرآنی بود که در خود قرآن، جهاد بزرگ نامیده شده است: «فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان/۵۲).

در این مرحله، یعنی «دوران مکی»، فراخوان به شیوه قرآنی یعنی با منطق و اندرز نیکو و شکیبایی و اجتناب از هرگونه خشونت و تندخویی است: «ادْعُ إِلَى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنْ رَّبُّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهِ وَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ؛ مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو فراخوان و با آنان با روشی که بهتر باشد، چالش ورز! بی‌گمان پروردگارت به آن کسی که از راه وی گمراه شده، داناتر است و او به ره‌یافتگان داناتر است.» (نحل/۱۲۵).

جهاد آنان با سخن خوش بود: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...؛ پس با بخشایشی از سوی خداوند، با آنان نرم‌خویی ورزیدی و اگر درشت‌خویی سنگدل می‌بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند...» (آل عمران/۱۵۹)؛ «وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان، نفرستاده‌ایم.» (انبیا/۱۰۷).

اسلام در دوران مکی، با حکمت و پند نیکو و با شکیبایی و تحمل رنج و عذاب، گسترش پیدا کرد؛ زیرا اسلام، دین صلح و «سلام» است.

اگر نگاهی به زندگی پیامبر خدا ﷺ در مدینه بیندازیم، می‌بینیم که این مرحله‌ای که دولت اسلامی در آن تأسیس یافت و قانون اساسی و آیین نامه برخورد مسلمانان با هم‌دیگر و برخورد ایشان با اهل ذمه تدوین گردید، پیامبر خدا درگیر هیچ جنگ و نبردی نگردید؛ نخستین آیه‌ای که به مسلمانان اجازه جنگ داد، زمانی نازل شد که آنها برای دفاع از خود و مقدساتشان ناگزیر به آن گشتند. خداوند متعال می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ به کسانی که بر آنها جنگ تحمیل می‌شود، اجازه جهاد داده شد؛ زیرا ستم دیده‌اند و بی‌گمان خداوند بر یاری آنان توانست.» (حج/۳۹).

پیامبر محبت و صلح طی دوران مدینه به مدت ده سال در برابر جبهه‌هایی که دشمنی و کینه خود را نسبت به اسلام و فراخوان به آن اعلام کردند، یعنی جبهه بت‌پرستان و یهودیان و دولت روم و بیزانس، به مقاومت پرداخت و آن حضرت ﷺ ناگزیر به انجام حدود ۲۷ غزوه (جنگ با دشمنان با حضور خویش) و پنجاه و اندی «سریه» (جنگ بدون حضور خویش)، گردید و در هیچ‌کدام از آنها، خود آغازگر جنگ نبود و به دیگران تجاوز نکرده بود بلکه تمامی آنها در پاسخ اقدامی خصمانه یا احتمال اقدام خصمانه و تجاوزگرانه از سوی دشمنان بود.

جنگ بدر برای بازگرداندن بخشی از اموال مسلمانان بود که در مکه به‌جا مانده بود و قریش آن‌را تبدیل به جنگی تمام عیار نمود. غزوه «بنی قینقاع» به علت خیانت یهودیان در مدینه صورت گرفت. غزوه «بنی النضیر» نیز در پی خیانت و فریب‌کاری یهودیان انجام شد. غزوه «بنی المصطلق» به این دلیل آغاز شد که آنها [دشمنان]، تصمیم گرفتند به مدینه شبیخون بزنند؛ از این رو پیامبر اکرم در اقدامی پیش‌گیرانه با آنها روبه‌رو شد. در غزوه خندق یا احزاب نیز همه قبایل مشرک عرب گرد هم آمدند و با تحریک یهودیان و خیانت برخی از ایشان، [تصمیم] به اشغال «مدینه» گرفتند که طی آن با خندق یا گودال بزرگی روبه‌رو شدند که مسلمانان گرداگرد مدینه کنده بودند و باعث شد مشرکان از همان راهی که آمده بودند، بازگردند و در پی پایان گرفتن غزوه «احزاب»، پیامبر اکرم ﷺ و یارانش به سراغ «بنی قریظه» ای رفتند که پیمان و عهد خود را شکسته بودند. غزوه «حديبيه» نیز به صلحی میان پیامبر و مشرکان، منتهی شد.

یهودیان خیبر نیز پیمان‌ها و عهدهای بسته شده با پیامبر را شکستند، از این رو پیامبر به جنگ با آنها شتافت. «غزوه موته» نیز در نزدیکی مرزهای شام و به علت کوشش رومیان در ترور رسول خدا و آمادگی آنها و مشرکان با تدارک بیش از دویست هزار جنگ‌جو برای اشغال «مدینه»، صورت گرفت و مسلمانان برای دفع این آزار، به دفاع از خود پرداختند ... آن‌گاه «فتح مکه» مطرح شد که در پی

خیانت قریش و زیرپا گذاردن پیمان‌های بسته شده با پیامبر، صورت گرفت و مکه بدون ریخته شدن خونی، فتح گردید. تاریخ نیز گواه با شکوه‌ترین صلح و محبت و بخششی از سوی پیامبر خدا ﷺ در پی فتح مکه است، آن‌گاه که به قریشیان فرمود: «فکر می‌کنید با شما چه می‌کنم؟ گفتند: برادر بزرگوار و پسرعموی بزرگوار برای ما هستی. فرمود: بروید که همگی شما آزادید.» (سنن البیهقی الکبری، شماره ۱۸۰۵۵ و البدایة والنهاية، ج ۴، ص ۳۰۱).

سپس قبیله «هوازن» و «ثقیف» با هم متحد شدند تا ورق را به نفع خود برگردانند که پیامبر اکرم ﷺ به مقابله با آنها شتافت و غزوه «حنین» مطرح شد. پس از آن رومیان در مرزهای شام با قبایل مشرک عرب در منطقه‌ای به نام «تبوک» متحد شدند و قصد حمله به مسلمانان را داشتند که پیامبر اکرم ﷺ و یارانش در یکی از گرم‌ترین روزهای سال، به مقابله با آنها پرداخت. به این ترتیب، اغلب جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ بر وی تحمیل می‌شد و او آغازگر جنگ نبود و همواره کوشش می‌نمود که خونی ریخته نشود. او پیامبر رحمت بود ولی اگر جنگی بر وی تحمیل می‌شد، پیامبر حماسه می‌شد و با تمام توان، از دعوت خود دفاع می‌کرد و بنابر آن‌چه در تاریخ به گفته «گوستاولوبون» فرانسوی مشهور است: «تاریخ، فاتحی مهربان‌تر از اعراب به خود ندیده است.» (جاد المولی، ج ۱، ص ۸۳).

با اندک تأملی در نبردهای پیامبر اکرم ﷺ، مشاهده می‌شود که شمار کشته‌های هر دو طرف، از هزار نفر فراتر نمی‌رود.

پیامبر خدا ﷺ سعی داشت بیماری و نه بیمار را نشانه گیرد. محققان امت برآن‌اند که جهاد تنها برای دفاع از مقدسات، تشریح شده است و برخی آیات قرآنی و احادیث صحیح نبوی، بهترین دلیل بر این مدعا است.

درباره مشرکان، کافی است به این آیه قرآن کریم توجه کنیم: «... فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُفَاتِلُوكُمْ وَاللَّوْا
إِيَّكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا؛... اگر اینان از شما کناره‌جویی کردند و با شما نبرد نکردند و
از در سازش درآمدند، خداوند برای شما در تجاوز بر آنان، راهی ننهاده است.» (نساء/۹۰) که گویای
تحریم جنگیدن با آنهاست، ولی آیه بعدی به وضع گروه دیگری می‌پردازد: «... فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوكُمْ وَ يُلْقُوا
إِيَّكُمْ السَّلْمَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا؛...
پس اگر از شما کناره‌نخواستند و به سازش با شما رو نیاوردند و دست از شما باز نداشتند، هر جا بر آنان
دست یافتید، آنها را بکشید و ما شما را بر آنها چیرگی آشکاری داده‌ایم.» (نساء/۹۱).

و درباره کسانی که با مسلمانان نقض پیمان می‌کنند، در سوره توبه آمده است:

«فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و چون ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکان را هرجا یافتید بکشید و آنها را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی، در کمین آنان بنشینید، پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، آزادشان بگذارید که بی‌گمان خداوند آمرزنده‌ای بخشایند است.» (توبه/۵).

اسلام، سلام (صلح) است

اسلام دین صلح است و هرگز به دنبال خون‌ریزی نیست و توقف جنگ و نبرد را تحسین می‌کند: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا» و خداوند، کافران را در اوج کینه‌شان، بی‌آن‌که به دستاوردی رسیده باشند، بازگرداند و خداوند در جنگ، مؤمنان را بسنده شد و او توانایی پیروزمند است» (احزاب/۲۵) و هنگامی که «غزوه حدیبیه» به صلح با قریش انجامید، خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» بی‌گمان ما به تو پیروزی آشکاری دادیم.» (فتح/۱) و نیز به همین مناسبت در جای دیگری از همین سوره آمده است: «وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» و اوست که پس از آن‌که شما را بر آنان پیروز گردانید، دست آنان را از شما و دست شما را از آنان در دل مکه، کوتاه کرد و خداوند به آن‌چه می‌کنید بیناست.» (فتح/۲۴) و در روایتی آمده است: «هرگز آرزوی دیدار با دشمن نکنید و از خداوند عافیت و آرامش مسئلت نمایید و اگر دیدارش کردید، شکیبایی ورزید.» (صحیح بخاری، کتاب «الجهاد والسير»، شماره ۲۷۴۴، و صحیح مسلم، کتاب «الجهاد والسير»، شماره ۳۲۷۶).

هم‌چنین در حدیث دیگری آمده است: «بهترین نام‌ها نزد خدا «عبدالله» و «عبدالرحمن» و زشت‌ترین نام‌ها، «حرب» (جنگ) و «مروءة» است؛ زیرا اسلام دین صلح و آرامش و سلام است.» (سنن ابوداود، کتاب الادب، شماره ۴۹۵۰؛ سنن ابن ماجه، کتاب الادب، شماره ۳۷۱۸ و مسند احمد، کتاب مسند المکثرین من الصحابة، شماره ۵۸۴۸).

صلح و هم‌زیستی مسالمت آمیز در جامعه اسلامی

اسلام برای این امر، اصول و قواعدی را در نظر گرفته و مردم را به مسلمان و غیر مسلمان تقسیم کرده است؛ برخورد مسلمان با مسلمان بر پایه مهربانی و محبت و برادری است و باید نسبت به هم‌دیگر، دلسوز و مهربان و همدل باشند. اسلام برای امت اسلامی موارد زیر را در نظر گرفته است:

۱- از آنها خواسته‌ی جملگی به ریسمان الهی چنگ زنند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرُّقُوا؛ و همگان به ریسمان خداوند بیاویزید و پراکنده نشوید.» (آل عمران/۱۰۳)

۲- آنان را به وحدت فرمان داده و از تفرقه برحذر داشته است.

۳- از جمله هدف‌های عبادات را پیوند بنده با پروردگارش و از سوی دیگر پیوند میان بندگان قرار داده که بیشتر این عبادات نیز برای تقویت مهربانی میان افراد و نیکی و مهرورزی به تمامی آفریده‌ها از جمله جانوران و گیاهان و دریاها و خشکی‌ها و ... است.

نیکی به پدر و مادر، صلۀ رحم، نیکی به همسایگان، خوبی کردن نسبت به ضعفا، یاری رساندن به نیازمندان، گره گشودن از کار درماندگان، همکاری در نیکی و تقوا، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت و اندرز، سفارش به نیکی، سفارش به شکیبایی، سفارش به مهرورزی، بزرگداشت یتیمان، اصرار بر غذا دادن به مستمندان، مقاومت در برابر ستمگری و فساد، ایجاد تغییر در زشتی‌ها با دست، زبان یا قلب و هر کار خیری که یک مسلمان در حق بندگان خداوند انجام دهد، از جمله یک لبخند، یک مصافحه، سخنی نیکو یا رفع آزار یا برطرف ساختن مانعی از سر راه، همه و همه عبادت خدا به شمار می‌رود.

مهربانی و مهرورزی مسلمانان، بخش عمده تربیت آنها و از جمله توصیه‌های قرآنی است که در آغاز هر سوره‌ای از قرآن تکرار شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان» و در بسیاری از سوره‌ها، آیاتی وجود دارد که از مهربانی و بخشنندگی خداوند آمرزنده سخن می‌گوید؛ هم‌چنان که احادیث فراوانی در موضوع رحمت و مهربانی وارد شده و بیانگر آن است که خداوند رحمت‌کنندگان و بخشنندگان را رحمت می‌کند: «زمینیان را رحمت کنید تا کسی که در آسمان است، بر شما رحمت آورد.»

اسلام به برخورد نیکو و اخلاق نیز توجه کرده و پیامبرش این‌گونه ستایش شده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و به راستی تو دارای خوبی بزرگ هستی» (قلم/۴) و مأموریت و وظیفه پیامبران و فرستادگان را کامل کردن اخلاق والا قرار داده است: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.» (مسند احمد، کتاب باقی مسند المکثرین، شماره ۸۵۹۵).

و عبادات را نیز به حسن اخلاق مرتبط کرده است؛ مثلاً نماز: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ ... نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد.» (عنکبوت/۴۵) و زکات: «صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ ... زکاتی بردار که با آن، آنها را پاک می‌داری و پاکیزه می‌گردانی ...» (توبه/۱۰۳) و روزه: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ باشد که پرهیزکاری ورزید.» (توبه/۱۸۳) و حج: «فَلَا رَفَّتْ وَلَا فُسِقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ؛ ... در حج، آمیزش و نافرمانی و کشمکش روا نیست...» (بقره/۱۹۷).

و پیامبر اکرم ﷺ هشدار داده که: «هرکس سخن یاهو و عمل به آن را ترک نکند، خداوند نیاز به آن ندارد که خوردنی و آشامیدنی او را فراهم آورد.» (صحیح بخاری، کتاب الصوم، شماره ۱۷۷۰؛ سنن ترمذی، کتاب الصوم، شماره ۶۴۱، و سنن ابوداود، کتاب الصوم، شماره ۲۰۱۵). و قرآن، مؤمنان را این‌گونه توصیف کرده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ زَوْجًا ذَلِكًا فَآوَىٰ إِلَيْكَ هُمُ الْغَادُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ بی‌گمان مؤمنان رستگارانند * همان‌ها که در نماز خویش فروتن‌اند * و آنان که از یاهو رویگردان‌اند * و آنان که زکات دهنده‌اند * و آنان که پاکدامن‌اند * جز با همسران خویش یا کنیزهایشان، که اینان نکوهیده نیستند * پس کسانی که بیش از این بخواهند، تجاوزکارند * و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را پاس می‌دارند.» (مؤمنون/۱-۸).

پیامبر خدا ﷺ نیز به صله رحم، رعایت همسایگان، مهمان نوازی و اخلاق والا، سفارش کرده است: «هرکس به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید صله رحم کند و هرکس به خدا و روز جزا باور دارد نیاید همسایه‌اش را بیازارد و هرکس به خدا و روز جزا باور دارد باید میهمانش را گرمی دارد و هرکس به خدا و روز جزا باور دارد کمتر سخن گوید یا خاموشی‌گزیند» (صحیح بخاری، کتاب الادب، شماره ۵۶۷۳ و صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۶۷).

«مؤمن کسی است که مردم بر خون و اموال خود از وی در امان باشند.» (سنن ترمذی، کتاب الایمان، شماره ۲۵۵۱؛ سنن نسایی، کتاب الایمان، شماره ۴۹۰۹ و مسند الإمام أحمد، کتاب مسند المکثرین، شماره ۸۵۷۵). «هرکس سیر بود و همسایه‌اش در کنارش گرسنه بود و این‌را می‌دانست، به من ایمان نیاورده است.» (طبرانی، شماره ۱۳۰۲۵).

هم‌چنین پیامبر اکرم ﷺ در مورد زنی که نماز و روزه و صدقه بسیار به‌جای می‌آورد ولی همسایه‌اش را اذیت می‌کرد، فرمود: «او در آتش است»، و درباره زن دیگری که نماز و روزه و صدقه کمی به‌جای می‌آورد ولی همسایه‌اش را نمی‌آزرد، فرمود: «او در بهشت است.» (مسند احمد، شماره ۹۶۷۳؛ صحیح ابن حبان، شماره ۵۷۶۴ و الحاکم، شماره ۷۳۰۴).

بنابراین، تلاش برای گسترش فضایل اخلاقی در جامعه، از پایه‌ها و متن دین و به منظور تحکیم و تقویت فرهنگ صلح و هم‌زیستی است.

ضمن این که رذایل اخلاقی، همانند آزرده دیگران و خشونت با مستمندان و عدم مهرورزی نهی شده است:

«هر کس ذره‌ای تکبر در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌گردد.» (صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۱۳۱؛ سنن ترمذی، کتاب البر و الصله عن رسول الله ﷺ، شماره ۱۹۲۲ و سنن ابن ماجه، کتاب المقدمه، شماره ۵۸).

«همین شر آدمی را پس که برادر مسلماتش را تحقیر کند.» (صحیح مسلم، کتاب البر و الصله، شماره ۴۶۵۰؛ سنن ابو داود، کتاب الادب، شماره ۴۲۳۸ و سنن ابن ماجه، کتاب الزهد، شماره ۴۲۰۳).

و حدیث قدسی که می‌گوید: «من بی‌نیازترین بی‌نیازان از شرک هستم، هرکس کاری انجام دهد و دیگری را با من شریک گرداند، تمامی آن برای اوست. ای بندگان من! من ستم‌کاری را بر خود حرام کردم، بر شما نیز آن را حرام کردم، پس به یک‌دیگر ستم روا مدارید.» (صحیح مسلم، کتاب البر و الصله و الآداب، شماره ۴۶۷۴ و مسند احمد، کتاب مسند الانصار، شماره ۲۰۴۵).

«فساد روابط افراد با یک‌دیگر، هلاک کننده است» (سنن ترمذی، کتاب صفة القيامة، شماره ۲۴۳۳؛ سنن ابو داود، کتاب الادب، شماره ۴۲۷۳ و مسند احمد، کتاب من مسند القبائل، شماره ۲۶۲۳۶).

«شهادت دروغ همسنگ با شرک به خداوند عزوجل قرار داده شده است» (سنن ترمذی، کتاب الشهادات عن رسول الله ﷺ، شماره ۲۲۲۳؛ سنن ابو داود، کتاب الاقضية، شماره ۳۱۲۴؛ سنن ابن ماجه، کتاب الاحکام، شماره ۲۳۶۳ و مسند احمد، کتاب مسند الشاميين، شماره ۱۶۹۴۳).

و «زنی وارد دوزخ شد، زیرا گریه‌ای را تا مرگ، زندانی کرده بود.» (صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق، شماره ۳۰۷۱ و صحیح مسلم، کتاب السلام، شماره ۴۱۶۰).

و «آیا می‌خواهید بزرگ‌ترین گناه کبیره را به شما معرفی کنم؟ شرک ورزیدن به خدا و عاق والدین، سپس فرمود: و البته سخن دروغ و شهادت دروغ نیز چنین است» (صحیح البخاری، کتاب الادب، شماره ۱۲۶).

«هیچ راهزن (یا گسیخته باخویشانی) وارد بهشت نمی‌شود.» (پیشین، شماره ۵۵۲۵ و صحیح مسلم، کتاب البر و الصله و الأدب، شماره ۴۶۳۶). [در اصل این حدیث «لا یدخل الجنة قاطع» آمده که واژه «قاطع» را به قطع کننده رحم در برابر صله رحم و نیز راهزن تفسیر کرده‌اند که البته تفسیر اول، ارجح است.]

«هیچ سعایت کننده‌ای (نمّام) وارد بهشت نمی‌شود.» (صحیح بخاری، کتاب الادب، شماره ۵۵۹۶ و صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۱۵۲).

«هیچ زنا کاری به‌هنگام زنا، مؤمن نیست، هیچ شارب خمری به‌هنگام شرب خمر، مؤمن نیست و هیچ دزدی به‌هنگام دزدی کردن، مؤمن نیست.» (صحیح بخاری، کتاب المظالم، شماره ۲۳۴۳ و صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۵۷).

اسلام، نظریه «هدف، وسیله را توجیح می‌کند» را نمی‌پذیرد و هرگز اجازه نمی‌دهد از ابزارهای پست و غیراخلاقی برای دستیابی به هدف‌های والا، بهره‌گیری شود و بر آن است که برای رسیدن

به هدف‌های پاک، حتماً باید از ابزارهای پاک و شرافت‌مندانه بهره گرفت و هرگز اجازه نمی‌دهد انسان از راه باطل، به حق برسد؛ مثلاً با رشوه و ربا و احتکار، مسجد ساخته شود: «خداوند پاک است و جز پاک، دوست ندارد.» (صحیح مسلم، کتاب الزکاة، شماره ۱۶۸۶ و سنن ترمذی، کتاب تفسیر القرآن عن رسول الله، شماره ۲۹۱۵).

امت اسلامی امت واحد و یگانه‌ای است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ به راستی این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شمایم، بنابراین مرا بپرستید.» (انبیاء/۹۲). این تنوع و اختلاف‌ها در امت، غنا و پرباری آن‌را نشان می‌دهد و نباید تبدیل به درگیری و تناقض شود. دعوت‌کنندگان بزرگ، بیشتر بر فقه ائتلاف و نه اختلاف، انگشت می‌گذارند؛ بگذار دیدگاه‌های ما متفاوت باشد مهم آن است که دل‌هایمان به هم نزدیک باشد و تمامی امت اسلامی چون صفی واحد و متحد، در برابر مسایل و چالش‌های بزرگ معاصر خود بایستد و در کنار هم مترصد دشمنانی باشد که به دنبال تفرقه افکنی و توطئه چینی علیه ما هستند، به ویژه در این مرحله دشوار که جسد امت اسلامی را پاره پاره کرده و سرزمین‌های آن‌را به استعمار خود درآورده و ثروت‌هایش را به غارت برده‌اند.

هرگز در تاریخ این همه توطئه‌چینی علیه اسلام و مسلمانان، صورت نگرفته بود؛ آنها می‌خواهند ریشه‌های این امت را بکنند و فرهنگ، هویت و عقل و مغز آن‌را از بین ببرند. بوش رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است اسلام، تروریسم است و باید آن‌را از میان برد. آنها مساجد و گلدسته‌های ما، حج و رفتن به مکه و مدینه ما، آموزش‌های دینی ما، مقاومت و دفاع از جان و ناموس و وطن و مال ما را تروریسم قلمداد می‌کنند. آنها می‌خواهند قرآن جدید و دین جدیدی بیاورند تا بگویند امت اسلامی، رسالتی ندارد و باید تسلیم توطئه‌ها و خواسته‌های آنها گردد.

بنابراین، وحدت اسلامی، همیشه مطلوب بوده و همواره در اولویت قرار دارد و باید بر اساس همکاری در مورد مشترکات خود و گفت‌وگو در موارد اختلافی، در جهت ایجاد آن کوشید. باید میان مسلمانان، گفت‌وگوی سازنده و هدف‌مندی وجود داشته باشد تا همکاری و هم‌یاری در نیکی و تقوا و در هر آن‌چه خیر و صلاح امت است را در پرتو برادری و دوستی و زیر پرچم منطق و دانش و به‌دور از جنجال‌ها و سروصداهای آن‌چنانی، تحقق بخشد.

باید تأکید کرد که از جمله مهم‌ترین اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان، تأکید بر برادری مسلمانان با یک‌دیگر و تکیه کردن بر لزوم خوش‌گمانی مسلمانان نسبت به هم‌دیگر و عدم تکفیر و تفسیق و گناهکار شمردن یک‌دیگر است؛ هم‌چنان‌که در حدیث نیز آمده است: «هرکس مردی

را کافر خطاب کند یا او را دشمن خدا بداند و چنین نباشد، این حکم بر خودش جاری می‌شود» (صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۶۰ و مسند احمد، کتاب مسند الانصار، شماره ۲۰۴۹۲).

«و اگر کسی به برادرش بگوید: ای کافر! گرفتار یکی از این دو می‌گردد، اگر واقعاً چنان بود که هیچ ولی اگر چنان نبود، به خودش باز می‌گردد.» (صحیح بخاری، کتاب الأدب، شماره ۵۶۳۸ و صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۹۲).

بنابراین، فاسق خواندن، گناهکار خواندن و تکفیر کردن، گناهای دینی است که با دین و دانش و هم‌زیستی اجتماعی، مبنایت داشته و باعث تفرقه امت و ضربه زدن به وحدت امت اسلامی می‌شود: «پس از من، به صورت کافرانی در نیابید که گردن یک‌دیگر را می‌زنند.» (صحیح بخاری، کتاب العلم، شماره ۱۱۸ و صحیح مسلم، پیشین، شماره ۹۸).

«مسلمان برادر مسلمان است و به او ستم نمی‌کند و او را تسلیم نمی‌نماید.» (صحیح بخاری، کتاب الإکراه، شماره ۶۴۳۷ و صحیح مسلم، کتاب البر و الصلة و الآداب، شماره ۴۶۷۷).

«مسلمانان مسئول کوچک‌ترین و خردترین خود هستند و دورترین فرد خود را پناه می‌دهند و در برابر دیگران، متحد و یک‌پارچه می‌باشند.» (سنن أبی داود، کتاب الجهاد، شماره ۲۳۷۱؛ سنن ابن ماجه، کتاب الادیات، شماره ۲۶۷۳ و مسند أحمد، کتاب مسند المکثرین، شماره ۶۵۰۶)، و اصلاح میان مسلمانان و از میان برداشتن عوامل تفرقه میان طوایف و دسته‌های آنان، از بالاترین درجات عبادی است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ جز این نیست که مؤمنان برادرند پس میان دو برادرشان را آشتی دهید» (حجرات/۱۰). و در حدیث آمده است: «آیا می‌خواهید از کاری برتر از نماز و روزه و صدقه، باخبرتان کنم؟ گفتند: آری. فرمود: اصلاح و آشتی دادن دو نفر، زیرا قهر و فساد رابطه میان مسلمانان، هلاک کننده است.» (سنن ترمذی، کتاب صفة القيامة و الرقائق، شماره ۲۴۳۳ و مسند احمد، کتاب مسند القبائل، شماره ۲۶۳۶).

و برای اصلاح و آشتی میان برادران بوده که اسلام به ما فرمان داده بردبار و مهربان و بخشنده باشیم؛ زیرا این ویژگی‌ها، امنیت و آرامش به دنبال دارد و میان مسلمانان اعتماد ایجاد می‌کند: «الْكَافِرِينَ الْعَظِيمَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ همان کسانی که در آسایش و رنج می‌بخشند و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم‌اند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.» (آل عمران/۱۳۴) و «... فَأَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ پس از آنان با گذشتی نیکو درگذر» (حجر/۸۵).

امت ما شایستگی آن را دارد که به گفته خدای خود بازگردد که فرمود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگان به ریسمان خداوند بیاویزید و پراکنده نشوید.» (آل عمران/۱۰۳)، «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و مانند کسانی نباشید که

پراکنده شدند و پس از آن که گواه‌ها برای آنان آمد، اختلاف کردند و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود.» (آل عمران/۱۰۵) و «... وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ... و درهم نیفتید که سست شوید (بترسید) و شکوهتان از میان برود و شکیبیا باشید که خداوند با شکیبیایان است» (انفال/۴۶).

صلح و همزیستی مسالمت آمیز با غیرمسلمانان

پیامبر اکرم ﷺ پس از ورود به مدینه، همزیستی مسلمانان با یکدیگر و با غیرمسلمانان را سامان بخشید و بر استحکام پایه‌های این صلح و همزیستی، از جمله موارد زیر، تأکید نمود:

۱- بردباری، بخشش و مدارا: اسلام بر این صفات به دلیل تأثیر فراوانی که بر زندگی جامعه اسلامی و افراد آن و نقشی که در تثبیت امنیت و آرامش دارد، تأکید کرده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آن امتی بود که از میان برخاست؛ آنان هر کار نیک و بدی که کردند برای خود کردند و شما هم هر چه کنید برای خود خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود» (بقره/۱۳۴)؛ «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ گذشت را در پیش گیر و به نیکی فرمان ده و از نادانان روی بگردان» (اعراف/۱۹۹)؛ «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ پس، از آنان با گذشتی نیکو درگذر» (حجر/۸۵)؛ «... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْغَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم‌اند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران/۱۳۴).

و در حدیث آمده است: «در تو دو خصلتی باشد که خداوند آنها را دوست می‌دارد: بردباری و شکیبایی» (صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۱۷ و سنن ترمذی، کتاب البر والصلة عن رسول الله، شماره ۱۹۳۴).
«خداوند مهربان است و مهربانی را دوست دارد و برای مهربانی و مدارا [پاداشی] می‌دهد که به هیچ خشونت نمی‌دهد و در ازای چیزی جز آن، نمی‌دهد.» (صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، شماره ۲۵۹۳ و سنن ابن ماجه، کتاب الادب، شماره ۳۶۷۹).

«مهربانی و محبت در هر چیزی آن را والایی می‌بخشد و برگرفتن آن در هر چیز، آن را خوار می‌سازد.» (صحیح مسلم، پیشین، شماره ۲۵۹۴ و سنن ابی داود، کتاب الجهاد، شماره ۲۴۷۸).

۲- تحکیم روابط انسانی و سمت گیری ایده آل: اسلام، عدالت را واجب و ستم و ستم‌کاری را حرام دانسته و مودت، رحمت، همکاری، ایثار و فداکاری و عدم خودخواهی را در شمار آموزه‌های والا و ارزش‌های گران قدر خود در نظر گرفته و انسان‌ها را با یکدیگر برادر می‌داند و از همه اینها گذشته،

به اندیشه و خرد انسانی احترام می‌گذارد و عقل و اندیشه را دو وسیله برای تفاهم و پذیرش یک‌دیگر تلقی می‌کند و هیچ کس را به پذیرش عقیده معینی، مجبور نمی‌کند و هیچ نظریه و دیدگاه مربوط به جهان هستی، طبیعت یا انسان را بر کسی تحمیل نمی‌کند و در مسایل دینی نیز معتقد به «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» است و تنها ابزار آن، به کارگیری عقل و اندیشه و تأمل در آفریده‌های خداوند متعال است. خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...»؛ در کار دین هیچ اکراه نیست که ره‌یافت از گمراهی آشکار است...» (بقره/۲۵۶)؛ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ و اگر پروردگارت خواست، تمام آن کسانی که روی زمین‌اند، همگان ایمان می‌آورند؛ آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که مؤمن باشند؟» (یونس/۹۹).

اسلام تنها به این اصول و شالوده‌ها، بسنده نمی‌کند بلکه روابط میان افراد و گروه‌ها و کشورها را، رابطه صلح و امان و آرامشی قرار می‌دهد که طی آن روابط مسلمانان با یک‌دیگر از یک سو و مسلمانان با غیرمسلمانان از سوی دیگر، از این نظر هیچ تفاوتی نمی‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...»؛ جز این نیست که مؤمنان برادرند، پس میان دو برادرتان را آشتی دهید و از خداوند پروا کنید، باشد که بر شما بخشایش آورند» (حجرات/۱۰)؛ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» و مردان و زنان مؤمن، دوستان یک‌دیگرند که به کار شایسته فرمان می‌دهند...» (توبه/۷۱)، و در حدیث آمده است: «مسلمان برادر مسلمان است» (صحیح بخاری، کتاب المظالم، شماره ۲۳۱۰ و صحیح مسلم، کتاب البر والصلوة والاداب، شماره ۲۵۸۰)؛ «مؤمن، الفت پذیر و انس گیر است و در کسی که الفت پذیر نیست و انس نمی‌گیرد، خیری نیست» (مسند احمد، کتاب باقی مسند المکثرین، شماره ۸۸۳۱). کوشش اسلام بر آن است که روابط مسلمانان با یک‌دیگر هرچه قوی‌تر و همبسته‌تر باشد و چنان موجودیتی داشته باشند که تفرقه آنها دشوار و از هم گسیختگی‌شان، غیرممکن باشد. در حدیث آمده است: «دست (یاری) خدا با جماعت است و هرکس جدا شد، راه آتش پیش گرفته است». (سنن ترمذی، کتاب ابواب الفتن، شماره ۲۲۵۵). اسلام برای تحقق روابطی که منجر به ایجاد جامعه به هم پیوسته و نیرومند می‌شود که توان رویارویی با حوادث و مقابله با تجاوز تجاوزگران را دارد، این‌گونه عمل می‌کند. (پیشین، فقه السنة، ج ۳، ص ۶۶، با اندکی تصرف).

۳- احترام به غیر مسلمانان و تضمین آزادی‌های دینی ایشان: رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، رابطه‌ای برپایه هم‌یاری و آشنایی و عدالت است؛ خداوند متعال در مورد بازشناسی منجر به همکاری می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا

یک‌دیگر را بازشناسید؛ بی‌گمان گرمی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست. به راستی خداوند، دانایی آگاه است.» (حجرات/۱۳)؛ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خداوند شما را از نیکی کردن و دادگری با آنان که با شما در کار دین، جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد؛ بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.» (ممتحنه/۸).

از مقتضیات چنین رابطه‌ای، ایجاد منافع مشترک و دوجانبه و تقویت و تحکیم پیوندهای انسانی است. اسلام هم‌چنین به برابری مسلمانان با پیروان ادیان دیگر حکم کرده و آنها نیز همان وظایف و حقوقی را دارند که مسلمانان از آن برخوردارند. هم‌چنین آزادی‌های دینی غیرمسلمانان را با توجه به نکات زیر، تضمین کرده است:

عدم اجبار کسی برای ترک دین خود

اسلام به همسر (زن) یهودی یا مسیحی مرد مسلمان اجازه داده که به کنیسه یا کلیسا برود و شوهرش حق ندارد او را از این کار بازدارد.

اسلام به آنها اجازه داده که هرچه را که دینشان روا می‌دارد، بخورند و بیاشامند. آنها در مسایلی چون ازدواج، طلاق، نفقه و مسایل دیگر، بی هیچ قید و بندی از آزادی کامل برخوردارند.

اسلام کرامت و شأن آنان را تضمین کرده و از حقوقشان حمایت نموده و به آنها آزادی بحث و گفت‌وگو و مناقشه در مسایل مختلف داده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ و با اهل کتاب جز به بهترین شیوه، چالش نکنید؛ مگر با ستمکاران از ایشان و بگویید ما به آنچه بر ما و بر شما فروفرستاده‌اند، ایمان آورده‌ایم و خدای ما و خدای شما، یکی است و ما فرمان‌پذیر اوییم.» (عنکبوت/۴۶).

اسلام، مسلمانان و غیرمسلمانان را در مجازات، برابر دانسته است. اسلام، خوراک آنها و خوردن از [گوشت] کشتار آنان و ازدواج با زنانشان را روا داشته است. خداوند متعال می‌فرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَالٌ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلَالٌ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...؛ امروز چیزهای پاکیزه بر شما حلال است و غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما برای آنان حلال است و نیز ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن (مسلمان) و زنان پاکدامن از آنان که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده‌اند...» (مائده/۵).

اسلام دید و بازدید با آنها و عیادت بیماران آنها و تقدیم هدیه به آنان و خرید و فروش از ایشان و به ایشان راه، روا داشته است. (همان منبع، «فقه السنة» (۳/ ۷۱) با اندکی تصرف).

۴- احترام اسلام به حقوق فرد و کرامت وی: اسلام [رعایت] تمامی حقوق انسان را تضمین کرده و حمایت و صیانت آنها را اعم از این که حقوق دینی، مدنی یا سیاسی باشند، واجب دانسته است. از جمله این حقوق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

حق زندگی (حیات): هرکس حق دارد از جانش حمایت شود و هرگز نباید به جان کسی تعدی کرد مگر آن که مرتکب قتل یا فساد بر روی زمین شده و مستحق قتل گشته باشد؛ خداوند متعال می فرماید: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَقَدْ جَاءَهُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّهِمْ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ كَفَرُوا فَلَقْنَا قُلُوبَهُمْ قَلْعًا حَدِيدًا لَتَكْفُرُنَّ بِحَقِّ اللَّهِ كَذِبًا وَأَكْبَارًا ثُمَّ نَسُوا اللَّهَ فَنَسُوا أَلْسِنَهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَرْتَابُونَ وَيَأْتِيهِمْ الْعَذَابُ لَمْ يَرْجُوا سِعِيرًا إِنَّهُمْ كَانُوا لَمِنَ الْكَاذِبِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۷۵) و در حدیث آمده است: «خون (جان) فرد مسلمان جز به این سه دلیل، حلال نیست: قصاص نفس، زنا با زن شوهردار و مرتدی که از دین برگشته و از راه جماعت جدا گشته است» (صحیح بخاری، کتاب الديات، شماره ۶۴۸۴ و صحیح مسلم، کتاب القسامة و المحاربین والقصاص والديات، شماره ۱۶۱۶).

حق صیانت از اموال: هم چنان که جان حرمت دارد، اموال و دارایی افراد نیز حرمت دارد و به هیچ یک از وسایل غیر مشروع، نمی توان آنها را گرفت. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...؛ ای مؤمنان! دارایی های یک دیگر را میان خود، نادرست نخورید مگر داد و ستدی با رضای خودتان باشد.» (نساء/۲۹) و در حدیث آمده است: «هرکس به حق کسی با دست خود تجاوز کرد، خداوند آتش دوزخ را برای وی واجب و بهشت را بر او حرام می گرداند. مردی پرسید: ای رسول خدا! حتی اگر چیز اندکی گرفته باشد؟ حضرت فرمود: حتی اگر شاخه ای از پوته خار باشد.» (صحیح مسلم، کتاب الایمان، شماره ۱۹۶؛ سنن ابن ماجه، کتاب الاحکام، شماره ۲۳۱۵، و مسند احمد، کتاب باقی مسند الانصار، شماره ۲۱۲۸۸).

حق ناموس: به ناموس هیچ کسی ولو با سخنی زشت نباید تعرض کرد.

حق آزادی: اسلام آزادی عبادت، آزادی اندیشه و گزینش حرفه و کاری که هرکس برای کسب روزی خود انتخاب می کند را تضمین کرده است.

حق سرپناه: هرکس حق دارد در هرکجا می خواهد سکونت کند و به هرکجا می خواهد بی هیچ مانع و محدودیتی در روی زمین، آمد و شد نماید و تبعید و اخراج یا زندانی کردن هیچ کس روا نیست

مگر آن‌که به دیگران تجاوز کرده و در امنیت مردم اختلال نموده یا بی‌گناهی را به قتل رسانده باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ * إِلَّا الَّذِينَ نَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْرُبُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» کبیر کسانی که با خداوند و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و در زمین به تبه‌کاری می‌کوشند، جز این نیست که کشته یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان، ناهمتا، بریده شود یا از سرزمین خود تبعید گردند؛ این کیفرها، برای آنان، خواری در این جهان است و در جهان واپسین، عذابی بزرگ خواهند داشت * جز آن کسان که پیش از آن‌که بر آنان دست یابید، توبه کرده باشند، پس بدانید که خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است.» (مائده/۳۴-۳۳).

حق رأی و اظهارنظر: این از حقوق انسان است که نظر خود را بگوید و دلیلش را مطرح سازد و حق را آشکارا بیان نماید؛ اسلام مصادره رأی و منع اظهار نظر و مبارزه با اندیشه و فکر آزاد را نمی‌پذیرد مگر آن‌که این اندیشه، برای جامعه زیان‌بار باشد. رسول خدا ﷺ با یارانش بر بیان آشکار حق حتی اگر تلخ باشد و بر این‌که از هیچ سرزنش‌کننده‌ای در راه خدا نهراسند، بیعت می‌گرفت. (همان منبع، به نقل از «فقه السنة» (۷۵/۳) با اندکی تصرف).

۵- اسلام هم‌چنین حق آموزش، حق گرسنه در اطعام، حق برهنه در پوشاک، حق بیمار در درمان و حق فرد ترسیده را در امنیت، بی هیچ تبعیضی در رنگ پوست یا دین، مقرر داشته و همگان را در این حقوق برابر می‌داند. اسلام پیش از همه قوانین و اعلامیه‌هایی که از حقوق بشر سخن به میان آورده‌اند، این آموزه‌ها را در شمار عبادات اسلام دانسته و خدشه وارد آوردن به این حقوق را حرام و آن‌را گناهی بزرگ دانسته است.

عمر فراخوانی به برقراری عدالت؛ خداوند متعال می‌فرماید: «... وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ ... و دادگری ورزید که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.» (حجرات/۹)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...؛ به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای حق خویشاوند، فرمان می‌دهد.» (نحل/۹۰). اسلام بر اساس عدالت و انصاف پی‌ریزی شده و هرگز و تحت هیچ شرایطی، ستم و تجاوزگری را نمی‌پذیرد و در همان حال به هیچ کس اعم از حاکم یا محکوم، فرمانروا یا فرمانبر، اجازه اعمال خشونت و ستم‌گری را نمی‌دهد.

حرمت تجاوز به غیرنظامیان و کشتار آنان و تکفیر مسلمانان به منظور قتل ایشان

۱- قتل در شریعت اسلام، گرفتن جان آدمی با عمل فرد دیگری است و بر دو نوع می‌باشد: نوع اول حرام است و شامل آن دسته قتل‌هایی است که به ناحق و تجاوزگرایانه انجام می‌شود و نوع

دیگر، قتل حق و رواست و شامل قتل قاتل و قتل فردی که با زن شوهرداری زنا کرده، می‌شود. آنچه در این‌جا برای ما اهمیت دارد، قتل عمدی است که در بردارنده قصد و نیت قتل از سوی جنایتکار (قاتل) است و در شمار بزرگ‌ترین گناهان و شدیدترین جرایم است؛ در قرآن و سنت نبوی نیز در تحریم و تعیین مجازات آن آیه و حدیث وارد شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...» و آن کس را که خداوند کشتن وی را حرام کرده است، جز به سزاواری مکشید...» (اسراء/۳۳).

۲- مجازات قتل در قرآن کریم: خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» و برآنان در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در برابر جان...» (مائده/۴۵)، بنابراین قتل یک مسلمان، از نظر شرعی و قانونی و طبق نص صریح قرآن و حدیث شریف، حرام مجازات قاتل قصاص است و این قصاص نیز از سوی قاضی و حاکم مسلمان، اجرا می‌شود. (عوده، ۱۳۷۹ ق، ج ۲، ص ۱۲۱۱). و این حکم بر مسلمانان در هر کجا که باشند، اعم از این‌که مقیم کشورهای اسلامی یا غیراسلامی باشند، جاری می‌شود.

۳- این امر بر «اهل ذمه» در سرزمین‌های اسلامی و نیز بر هم پیمانانی که با مسلمانان پیمان و عهدی بسته‌اند و این پیمان‌ها در مورد کشورهایی که میان آنها و کشورهای اسلامی توافق‌نامه‌ها و روابط دیپلماسی وجود دارد و در جنگ مستقیمی با مسلمانان نباشند هم صدق می‌کند. در حدیث آمده است: «هر کس هم پیمانی را بکشد، هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد و بوی بهشت به فاصله چهل سالگی او قرار دارد.» (صحیح بخاری، کتاب الجزیه و الموادعه، شماره ۲۹۹۵ و سنن ابن ماجه، کتاب الديات، شماره ۲۶۷۶).

از این‌جا حرمت تجاوز و تعدی به شهروندان غیر نظامی عادی، اعم از این‌که در سرزمین‌های اسلامی یا در کشورهای غیر اسلامی اقامت داشته باشند و صرف‌نظر از این‌که مسلمان یا غیر مسلمان باشند، برای ما روشن می‌شود.

ولی اگر مسلمانان در حالت جنگ به سر می‌برند، عدالت، رحمت، انسان‌دوستی و عطوفت اسلامی ایجاب می‌کند که هیچ یک از افراد غیر نظامی دشمن در هر کجا که باشند، در معرض آسیب و آزار قرار نگیرند؛ زیرا جنگ در حیطة جنگجویان و یاری کنندگان آنها قرار دارد. توصیه‌ها و آموزش‌های والای پیامبر اکرم ﷺ به رزمندگان اسلام، چراغ راهنمای ما در این راه است. در حدیث نیز آمده است: «به نام خدا و در راه خدا با کسانی که به خدا کفر ورزیده‌اند، جنگ کنید، بچنگید ولی زیاده روی نکنید، خیانت نکنید، قطعه قطعه نکنید و کودکان را نکشید.» (سنن ابن ماجه، کتاب الجهاد، شماره ۲۸۵۸ و سنن ترمذی، کتاب ابواب الديات، شماره ۱۴۲۹). و آن حضرت ﷺ پس از آن‌که زنی را دید که کشته شده است،

فرمود: «این زن، نمی‌جنگید [و نباید کشته می‌شد]»، آن‌گاه توصیه‌های اسلامی خود را در این باره صادر فرمود و گفت: «فرزندان جنگ‌جویان و زنان و کسانی را که ندانسته بر سر راه جبهه‌ها قرار گرفته‌اند، نکشید.» (سنن ابن ماجه، پیشین، شماره ۲۸۳۲؛ سنن ابو داود، کتاب الجهاد، شماره ۲۶۶۹ و حاکم، المستدرک، شماره ۲۵۶۵).

به این ترتیب، پیامبر خدا ﷺ از کشتن زنان، کودکان، بیماران، سالمندان، راهبان، بردگان و مزدوران، نهی فرمود.

۴- تکفیر مسلمانان برای توجیه ریختن خون آنها نیز جایز نیست. خداوند متعال می‌فرماید: «... فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ...» پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند، آزادشان بگذارید که بی‌گمان خداوند، آمرزنده‌ای بخشاینده است.» (توبه/۵) و در حدیثی که از «ابومعبدالمقداد بن الاسود» نقل شده، آمده است: «به رسول خدا ﷺ عرض کردم: هرگاه کسی از کفار را بیام و با او درگیر شوم و با شمشیر بر یکی از دستانم بزنم و آن را قطع کند و سپس به درختی پناه آورد و بگوید: تسلیم خدا شده‌ام [اسلام آورده‌ام]، می‌توانم او را بکشیم؟ حضرت ﷺ فرمود: نه، او را نکش. عرض کردم: ای رسول خدا! او یکی از دستان مرا قطع کرد و سپس آن سخن را گفت. فرمود: او را نکش؛ زیرا اگر او را بکشی وضعی مانند وضع تو دارد پیش از آن‌که او را بکشی و تو نیز وضع او را داری پیش از آن‌که آن سخنان را بر زبان آورد» (صحیح بخاری، کتاب الديات، شماره ۶۴۷۲ و صحیح مسلم، کتاب الايمان، شماره ۹۵).

معنای این جمله که «وضع تو را دارد» این است که ریختن خون او به حکم اسلام آوردنش، جایز نیست و معنای این جمله که «وضع او را داری» این است که بنا بر قصاص، خون تو بر ورثه‌اش، جایز است نه این‌که در کفر، وضع او را داری.

لازم است یادآور شویم که قرآن کریم هرگز از خشونت و تندی سخن به میان نیاورده مگر در دو مورد:

۱- در متن جبهه‌های جنگ و رویارویی با دشمنان که خشونت و قاطعیت و سختی، لازمه موفقیت‌های نظامی در برخورد با دشمنان است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غُلظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای مؤمنان! با کافرانی که نزدیک شمایند، جنگ کنید و باید در شما صلابت بیابند و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.» (توبه/۱۲۳).

۲- در اجرای حدود شرعی نسبت به کسانی که استحقاق آن را دارند؛ زیرا در اقامه حدود الهی بر روی زمین، جایی برای عطف و رحمت نیست؛ «... وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...» و اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید، نباید در دین خداوند، بخشایشی بر آن دو، به شما دست دهد.» (نور/۲).

علمای سنی و شیعه اسلام، وظیفه دارند فرهنگ صلح و هم‌زیستی را گسترش بخشند.
در پایان، به چند نکته اشاره می‌شود:

۱- باید در صفی واحد و متحد، در برابر هر شبهه و حادثه‌ای که میان مذاهب فقهی سنی، شیعه، اباضی و ... تفرقه ایجاد می‌کند، بایستیم و هر فتنه‌ای را که وحدت مسلمانان را هدف می‌گیرد، ساخته و پرداخته دشمنان اسلام و مسلمانان تلقی کنیم؛ به گفته امام خمینی علیه السلام، اهل سنت و شیعیان دو بال بزرگ جهان اسلام به شمار می‌روند و از هیچ‌کدام به تنهایی، کاری بر نمی‌آید و هر دو به اتفاق باید در کنار هم باشند و دشمنان امت و شیطان بزرگ، یعنی آمریکا و اسرائیل، در پی ایجاد فتنه و تفرقه و اختلاف میان اهل سنت و شیعیان به منظور نابود ساختن اسلام و مسلمانان هستند.

۲- تأکید بر حرمت خون و ناموس و مال مسلمانان و محکوم نمودن جنایات ارتكابی علیه پیروان طوایف معین اسلامی و نشانه‌گیری هویت‌های مذهبی.

۳- آنچه که در عراق به عنوان جنگ مذهبی میان اهل سنت و شیعه جریان دارد، زاییده اشغال عراق و استعمار آن از سوی دشمنانی است که همواره در پی توطئه‌چینی علیه مسلمانان هستند.

۴- هرکس فتنه‌انگیزی‌های فرقه‌ای را تشویق یا ایجاد کند، دشمن مذهب و دین خویش است و دانسته یا ندانسته، آب به آسیاب دشمنان می‌ریزد.

۵- باید بر «فقه ائتلاف» و هماهنگی، «فقه مصلحت‌ها» و «فقه تقریب و وحدت»، تأکید کرد و به کوشش‌های انجام شده در گذشته برای تقریب میان اهل سنت و تشیع، ادامه داد و آن‌را گسترش بیشتری بخشید و موانع موجود بر سر راه آن‌را از میان برداشت.

۶- باید اصل «گردهم آمدن بر سر آنچه وجه مشترک ماست و معذور دانستن یک‌دیگر در موارد اختلافی» را اعلام کنیم و هرگونه اسائه ادب به اسلام و به پیامبر اسلام و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه آن حضرت و [همسران آن حضرت علیهم السلام] را متوقف سازیم و فرهنگ احترام به مقدسات هر طرف و همکاری و احترام متقابل و گفت‌وگوهای هدف‌مند و گردآورنده و نه متفرق‌کننده را تشویق نموده و گسترش هرچه بیشتری بخشیم.

۷- باید روابط و پیوندهای محبت‌آمیز و همکاری میان اهل سنت و تشیع، استحکام بیشتری پیدا کند.

۸- باید دیدارها و ارتباط [نمایندگان] مذاهب مختلف اسلامی و انتشار کتاب‌ها و نوشته‌ها و بیانیه‌های مشترک و بحث و بررسی پیرامون مسایل اختلافی از راه گفت‌وگوی منطقی در جهت تحکیم ایده تقریب و برادری اسلامی افزایش یابد.

۹- فرهنگ تقریب میان مذاهب اسلامی باید از میان افراد مؤمن به آن به فرهنگی دینی در

نهادهای ما ارتقا یابد و همه مذاهب (اعم از سنی، شیعه و اباضی) در نهادهای آموزشی ما و به عنوان مکتب‌های اجتهادی، مورد مطالعه و تدریس قرار گیرند.

۱۰- حرکت تقریب مذاهب اسلامی در ایران و نیز تمامی نهادهای تقریبی باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند و همکاری‌های جدی میان اعضا و نهادهای مربوط به آنها برقرار گردد.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- ۳- ابن ماجه القزوينی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۳۹۵ ق.
- ۴- البخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، تحقیق مصطفی دیب البغاء، دار ابن کثیر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- ۵- البیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *سنن البیهقی الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکتبه مکه المکرمة، دار الباز، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- الترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، تحقیق احمد شاگرد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۷- التمیمی، محمد بن حبان بن احمد، *صحیح ابن حبان*، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسه الرسالة، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۸- الشیبانی، احمد بن محمد بن حنبل، *مسند احمد*، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ۹- جاد المولی، محمد احمد، *الخلق الکامل*، انتشارات دار قتیبة، دمشق، ج ۱.
- ۱۰- حافظ، ابوداود، *سنن ابو داود*، دار الفکر، بیروت.
- ۱۱- عوده، عبدالقادر، *التشريع الخبایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوصفی*، قاهره، چاپ اول، ج ۲، ۱۳۷۹ ق.
- ۱۲- نیشابوری، مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۷۲.
- ۱۳- هندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تصحیح صفوة السقاء، مؤسسه الرسالة، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ق.



تقریب
بیشگامان

چکیده

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه و جهت همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر حمله‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان‌که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن‌طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب‌گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

سید محمد تقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقریب‌گرا

عزالدین رضانژاد*

مقدمه:

تقریب مذاهب اسلامی نه یک شعار بلکه یک واقعیت اجتماعی - سیاسی و علمی است که اندیشمندان دلسوز مسلمان بر ضرورت آن تأکید می‌کنند. یکی از معاصران پیشگام تقریب آیت‌الله سید محمد تقی حکیم است که از دریچهٔ تحلیل و پژوهش علمی، مسئله تقریب مذاهب اسلامی را پی‌گیری کرده و با ارائه راه‌حل‌های علمی، گامی مؤثر در این مسیر برداشته است. آن‌چه که در پی می‌آید، معرفی اجمالی این دانشمند فرزانه و تبیین بخشی از کار علمی اوست که در کتاب «اصول الفقه المقارن» آمده است. بدیهی است در صورتی که اندیشمندان مسلمان با رویکرد علمی - پژوهشی به این مسئله بپردازند، نتایج مثبت و ارزنده‌ای نصیب مسلمانان خواهد شد و گامی مؤثر در تقریب مذاهب اسلامی برداشته می‌شود.

ولادت و وفات

سید محمد تقی حکیم در سال ۱۹۲۱ میلادی در نجف اشرف (عراق) در خانواده‌ای مذهبی و اهل علم و فضل چشم به جهان گشود و پس از سپری شدن ۸۱ بهار از عمر شریفش که عمده آن صرف تحصیل، تحقیق و تألیف به همراه تقوا، ورع و عبادت شد، در صبحدم شانزدهم ماه صفر ۱۴۲۳ هجری قمری مطابق با ۳۰ نisan ۲۰۰۲ میلادی به دیار باقی شتافت.

تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی را تحت اشراف پدر بزرگوارش سید سعید حکیم (متوفای ۱۳۹۵ هجری قمری) و بزرگان خانواده‌اش گذراند و دروس علوم عربی، منطق، بلاغت، اصول فقه، فلسفه و تاریخ

* استادیار، مدرس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

را نزد اساتید بزرگواری همانند: برادرش سید محمدحسین حکیم (متوفای ۱۴۱۰ ه.ق.)، شیخ نورالدین جزائری، سید صادق سید یاسین، و شیخ علی ثامر، سید یوسف حکیم (متوفای ۱۴۱۱ ه.ق.)، سید حسن حکیم (متوفای ۱۳۹۴ ه.ق.)، سید محمدعلی حکیم، شیخ محمدرضا مظفر و سید موسی جسانی فرا گرفت.

درس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام سید محسن حکیم (متوفای ۱۳۹۰ ه.ق.)، سید ابوالقاسم خوئی (متوفای ۱۴۱۳ ه.ق.)، شیخ حسین حلی (متوفای ۱۳۹۵ ه.ق.) و سید میرزا حسن بجنوردی (متوفای ۱۳۹۵ ه.ق.) و فلسفه را نزد شیخ محمدرضا مظفر و سید میرزا حسن بجنوردی فرا گرفت.

تدریس

وی طی سالیانی چند، به تدریس سطوح عالی فقه و اصول برای طلاب حوزه علمیه نجف اشرف پرداخت. مباحث فقهی را بر اساس متن مکاسب شیخ مرتضی انصاری و اصول فقه را بر اساس متن کفایة الاصول شیخ محمدکاظم خراسانی در دروس خارج فقه و اصول ارایه می‌داد.

از ویژگی دیگر علمی سید محمدتقی حکیم، تدریس علم اصول فقه مقارن برای طلاب بحث خارج بوده است که آرای ائمه مذاهب اربعه را ذکر می‌کرد و برخی از دانش‌پژوهان آن را تقریر کرده‌اند. هم‌چنین علم قواعد فقهی را از سال ۱۳۸۸ ه.ق. برای مدت چند سال تدریس می‌کرده است.

وی به همراه عده‌ای از بزرگان «جمعیه منتدی النشر» را تأسیس کرد که بیش از یک ربع قرن به فعالیت پرداخت. و از سال ۱۹۴۴ میلادی در دانشکده آن (کلیه منتدی النشر) به تدریس نحو، صرف، بلاغت، ادبیات، تاریخ، فقه و اصول، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرداخت. وی علاوه بر عضویت در تأسیس «المجمع الثقافی لمنندی النشر» در سال ۱۹۴۳ میلادی، در تأسیس دانشکده فقه «کلیه الفقه» در سال ۱۹۸۵ میلادی مشارکت داشت و موضوعات گوناگونی را در آنجا تدریس کرد. وی، برای بیش از پنج سال مسئولیت دانشکده فقه را بر عهده گرفت و از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ میلادی اصول فقه مقارن را در بخش «معهد الدراسات الإسلامية العليا» در دانشگاه بغداد تدریس کرد و در سال ۱۹۶۴ میلادی درجه استادی را از دانشگاه بغداد دریافت نمود و در همین سال به عضویت «المجمع العلمي العراقي» درآمد. وی از آن پس، در کنفرانس‌های متعدد علمی داخل و خارج کشور عراق شرکت جست و به عضویت چند مجمع علمی مصر، سوریه و اردن درآمد.

تالیفات

آثار علمی سید محمدتقی حکیم که در موضوعات مختلف تألیف شده است به سه بخش تقسیم می‌شود؛ برخی به صورت کتاب نشر یافته است، برخی هم‌چنان مخطوط است و به زیور طبع

آراسته نشده و برخی دیگر به صورت مقالات و نیز مقدمه بر کتاب‌های دیگران نگاشته و نشر یافته است.

کتاب‌های چاپ شده‌ی وی عبارت است از:

۱. مالک الاشتهر؛ ۲. شاعر العقیده (السید الحمیری)؛ ۳. الاصول العامة للفقہ المقارن؛ ۴. الزواج المؤقت و دوره فی حل مشکلات الجنس؛ ۵. فکرة التقرب بين المذاهب؛ ۶. مناہج البحث فی التاريخ؛ ۷. تاريخ التشريع الاسلامی؛ ۸. من تجارب الاصوليين فی المجالات اللغوية؛ ۹. عبدالله بن عباس... حياته و سيرته، شخصيته و آثاره. (<http://www.14masom.com>)

تحقق تقریب با تحقیقات علمی

از ویژگی بارز سید محمدتقی حکیم در موضوع تقریب مذاهب اسلامی، انجام پژوهش‌های علمی و آرایه نظرات و آرای متفکران مذاهب گوناگون و تحلیل جامع از آنها است. پس از چاپ و نشر کتاب «الاصول العامة للفقہ المقارن» در سال ۱۳۸۳ ه.ق در بیروت، دانشگاه بغداد با تشکیل هیئتی از اساتید، به بررسی این کتاب پرداخت و آن را به عنوان رساله دکتری برگزید و بر اساس آن مدرک دکتری افتخاری - بدون نیاز به برگزاری جلسه دفاعیه - به وی اعطا کرد و او را به عنوان استاد در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد انتخاب نمود.

نگاه علمی به مسئله تقریب، بر اساس آن چه که در کتاب اصول فقه مقارن آقای حکیم آمده، دریچه‌ای است که این طلایه‌دار تقریب گشوده است. از اصول و قواعدی که وی در راه تحقق تقریب در این کتاب به کار گرفته، می‌توان به مبانی تقریب تعبیر کرد، که اجمال آن چنین است:

الف) از اهداف تدوین کتاب اصول فقه مقارن تقریب بخش اختلافات میان مسلمانان و تبیین تأثیر عوامل تفرقه‌انداز است که از مهم‌ترین و قوی‌ترین آنها جهل عالمان برخی از مذاهب نسبت به قواعد و ضوابط مذاهب دیگر است و از طریق همین موضوع است که تبلیغات مغرضانه دشمنان در بد نام کردن برخی نزد برخی دیگر تأثیرگذار است و سبب می‌شود که به سخنان یک‌دیگر آن‌گونه که هست دست پیدا نکنند و یک‌دیگر را به داشتن عقاید و آرای باطل متهم کنند.

ب) تحلیل و پژوهش درباره عوامل اختلاف فقهی که آیا در تبیین صغریات اموری همانند حجیت ظهور قرآن و سنت یا حجیت قیاس نقش دارد یا این که اختلاف در نتایج بحث و به عبارت دیگر اصول فقه است، کاری بود که مرحوم حکیم در تنگ کردن دامنه اختلاف و تقریب بین مذاهب فقهی انجام داد. همان‌گونه که یکی دیگر از منابع اختلاف نتایج مباحث فقهی، اختلاف در ترتیب ادله و کیفیت مراجعه به آن است. مرحوم حکیم پس از بحث درباره دو اصطلاح ویژه

فقه امامی، یعنی اصطلاح ورود و حکومت، بر اساس آن، ترتیب ادله را به شکل زیر بیان نمود:

۱. ادله اماراتی (ادلة الواقع)؛

۲. ادله‌ای که واقع‌نمایی دارد، مثل استصحاب؛

۳. ادله وظیفه شرعی؛

۴. ادله وظیفه عقلی.

در دیدگاه ایشان هرگاه مسئله ترتیب مراجعه به ادله مورد ملاحظه قرار گیرد، نتایج مباحث فقهی تا حد زیادی نزدیک به یک‌دیگر خواهد بود و از این طریق بخشی از اختلافات مذاهب اسلامی رفع می‌گردد.

۳. طرح مسئله تحریف قرآن، که شبهه آن از سوی مذاهب اسلامی متوجه مذاهب امامیه است یکی دیگر از مبانی تقریب مرحوم حکیم است. وی بر استدلال به قرآن کریم از سوی امت اسلامی تأکید نموده و می‌گوید مذهب امامیه همانند سایر مذاهب بر این اصل تأکید کرده و اصولاً هر روایتی را که با قرآن کریم معارض باشد طرد می‌کند. با وجود چنین دیدگاهی است که همه مذاهب اسلامی باید بر اصل رجوع و استدلال به قرآن اهتمام داشته باشند و به این وسیله به تقریب آرا و نظراتشان دست یابند. روایات ضعیف و شاذی که در کتاب‌های فریقین نسبت به تحریف قرآن وجود دارد، ضمن ناسازگاری با آیه ۹ سوره حجر «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» با روایات دیگری که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، هم معارض است و علمای مذاهب (از جمله عالمان شیعی در طول تاریخ اسلام) به همین قرآن موجود استناد و استدلال می‌کردند.

پس می‌توان از این زاویه به تقریب مذاهب پرداخت و با زدودن شبهه تحریف و متهم نکردن یک‌دیگر به آن، گامی مؤثر در وحدت مسلمین برداشت.

۴. برخی یکی از موانع تقریب را اخذ به سنت اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند و می‌پندارند طرح آن در برابر سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک منبع دیگر برای فهم دین نتایجی را به دنبال خواهد داشت که به طور طبیعی اختلافات را زیاد خواهد کرد. مرحوم حکیم با تأکید بر اخذ به سنت اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها آن را مانع وحدت ندانسته بلکه آن را بر اساس آیات قرآن، مانند آیه تطهیر، و روایات نبوی، مانند روایت ثقلین که به تواتر در مصادر روایی فریقین آمده، از عوامل وحدت و در راستای سنت نبوی دانسته است. به عبارت دیگر، سنت نبوی ما را می‌دارد که سنت اهل بیت عصمت و طهارت را اخذ کنیم و هرگاه مسئله به این صورت باشد، یکی از مبادی اختلاف از بین رفته، روح وحدت زنده خواهد شد.

۵. تحلیل و پژوهش پیرامون اصول و قواعدی که مورد اختلاف است، مانند: قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سدّ الذرایع و غیره زمینهٔ تقریب را فراهم می‌سازد و این نکته را آشکار می‌کند که چنین اصولی آن گونه که برخی می‌پندارند، آن قدر وسیع نیست که مذاهب اسلامی را از یک‌دیگر دور سازد و اختلاف در آن، گاهی لفظی است و می‌توان با تحلیل مشترک، به بخشی از آن بسنده کرد. مرحوم حکیم با ارایه تحلیلی قابل قبول نسبت به برداشت از اصول مذکور، سعی در ایجاد تقریب نموده و وجود این قواعد اصولی را مانع اصلی وحدت ندانسته است. برای مطالعه مجموعهٔ این مسایل می‌توان به کتاب «اصول الفقه المقارن» مراجعه نمود.



لا يمشى تقرب

جهان اسلام
سرزمین‌های

لا يمشى تقرب

مصر

از هرم تا حرم (۱)

ع.ر. امیردهی

چکیده:

مصر از کشورهای قدیمی جهان و دارای تمدن و آثار کهن است. موقعیت جغرافیایی ویژه، کانال سوئز، آثار باستانی، مساجد تاریخی و... این کشور را مورد توجه جهانیان قرار داده است. در این مقاله، از موضوعات زیر به اجمال سخن به میان می‌آید: پایتخت‌های تاریخی مصر، استان‌ها و شهرهای مهم، کانال سوئز، نژاد مصریان، مهاجرت، اهمیت استراتژیکی مصر در منطقه، تاریخچه رشد هر یک از ادیان و مذاهب، حوزه‌های دینی و تشکیلات مذهبی، سیر تحولات فرهنگی، مراکز فرهنگی، آثار باستانی، مساجد و کلیساها.

کلیدواژه‌ها: مصر، آثار باستانی، کانال سوئز، اهرام، هرم فرعون، حرم اسلامی، مساجد، کلیسا، معابد، قلعه‌ها.

مصر از هرم فرعون تا حرم اسلامی

مصر سرزمین تمدن‌های بشری کهن، آوازه‌ای بلند در تاریخ جهان دارد. رویدادهای مهمی که از تاریخ مصر باستان تا عصر حاضر به وقوع پیوست نشان از اهمیت این سرزمین دارد. جهت یادآوری بر آنچه که در مصر باستان گذشته، مروری بر عصر هرم فرعون تا ورود اسلام به سرزمین مصر و تبدیل آن به حرم اسلامی خواهیم داشت.

۵۵۰۰ سال قبل از میلاد، دوره پیش از سلسله‌ها، کشاورزی در مصر آغاز می‌شود و ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مصری‌ها نظام نوشتاری‌ای به نام هیروگلیف و یک تقویم ابداع می‌کنند و در ۳۱۰۰ ق.م دوره سلسله‌های ابتدایی آغاز می‌شود. مینس مصر علیا و سفلی را متحد می‌کند و نخستین فرعون می‌شود و ممفیس نخستین پایتخت مصر می‌گردد.

در ۲۷۰۰ ق.م سلطنت قدیم آغاز می‌شود و «رع» خدای اصلی به شمار می‌رود. در ۲۶۳۹ ق.م ایمحوتپ معمار نخستین، هرم را برای فرعون زوسر می‌سازد و در ۲۵۶۰ ق.م خوفو هرم بزرگ را در جیزه می‌سازد. ۲۲۰۰ ق.م در دوره میانه اول، مصر تغییرات سیاسی بزرگ را از سر می‌گذراند. قحطی منجر به شورش‌های گسترده‌ای در سراسر مصر می‌شود؛ کاهنان و اشراف از فرعون قدرت‌مندتر می‌شوند و مصر به مناطق مستقل تجزیه می‌شود.

در سال ۲۱۶۰ ق.م فرمانروایان محلی منطقه هراکلئوپولیس سلطنت را تصاحب می‌کنند و در ۲۰۴۰ ق.م سلطنت میانه آغاز می‌شود و متوحتپ دوم از طیوه مصر را متحد می‌کند و آمون و ازیرس به خدایان اصلی مردم تبدیل می‌شوند. در سال ۱۹۹۱ ق.م پایتخت به فیوم نزدیک ممفیس منتقل می‌شود. عصر طلایی هنر و ادبیات شروع می‌شود و مصر، نوبه - سرزمینی در جنوب مصر - را فتح می‌کند. معبد آمون - رع در کرنک ساخته می‌شود. در ۱۶۷۴ ق.م دومین دوره سلطنت میانه هنگامی شروع می‌شود که هیکسوس‌ها اسب و ارابه را معرفی می‌کنند. در سال ۱۵۵۲ ق.م احمس هیکسوس‌ها را از مصر بیرون می‌کند و دوباره مصر را متحد می‌کند و سلطنت جدید شروع می‌شود. آمون - رع خدای همگانی می‌شود. فرعون‌ها از ساختن آرامگاه‌هایی به شکل هرم دست می‌کشند و در دوره سلاطین آرامگاه‌های سنگی می‌سازند. ۱۴۷۸ ق.م حتشیوت سلطنت را تصاحب و به عنوان نخستین فرعون زن حکومت می‌کند. در ۱۴۵۸ ق.م تحوطمس سوم در نبرد میجدو پیروز می‌شود. در سال ۱۳۵۲ قبل از میلاد، فرعون اِخْناتون، خدای جدیدی به نام «آتون» را برای مصر معرفی می‌کند و سرزمین‌هایی را که مصری‌ها فتح کرده بودند، از دست می‌دهد و در ۱۳۳۶ ق.م توت عنخ آمون دوباره پرستش آمون - رع را رواج می‌دهد.

۱۲۹۴ ق.م ستی یکم سرزمین‌هایی را که اِخْناتون از دست داده بود، بازپس می‌گیرد و در سال ۱۲۷۹ ق.م رامسس دوم (رامسس کبیر) به تخت سلطنت می‌نشیند تا ۶۷ سال بر مصر حکومت کند. رامسس دوم در سال ۱۲۷۵ ق.م در قادش پیروز می‌شود و رامسس سوم در سال ۱۱۷۸ حمله مردمان دریایی را دفع می‌کند.

در سال ۱۰۶۹ ق.م مصر بار دیگر به دو بخش علیا و سفلی تقسیم می‌شود و در سال ۹۴۵ لیبیایی‌ها سلطنت را تصاحب می‌کنند و در سال ۷۲۰ ق.م پیعنخی از اهالی کوش فرعون می‌شود و در سال ۶۷۰ ق.م آشوری‌ها مصر را فتح می‌کنند. ۶۶۳ ق.م بیست و ششمین سلسله سائیتی تا حدی عظمت مصر را کسب می‌کند تا این که در سال ۵۲۵ ق.م مصر قسمتی از امپراتوری هخامنشی می‌شود. در ۳۴۳ ق.م نکتانوبی دوم، آخرین فرعون بومی مصری، سلطنت را از دست می‌دهد و در

سال ۳۳۲ ق.م یونانی‌ها تحت فرماندهی اسکندر کبیر مصر را فتح می‌کنند و در سال ۳۰ ق.م مصر مستعمره امپراتوری روم می‌شود. (اسمیت، ص ۶۷ و ماجدی، ص ۱۱۰-۴۰).
سرزمین فراغنه، هم‌چنان در فراز و نشیب مسایل سیاسی - اجتماعی قرار داشت تا آن که در سال ۶۴۰ میلادی سپاهیان اسلام، مصر را فتح کردند و این سرزمین از هرم فرعون‌ی به حرم اسلامی تبدیل شد و امروزه به عنوان یکی از کشورهای مهم اسلامی به شمار می‌رود.

۱. موقعیت جغرافیایی

کشور مصر در شمال قاره آفریقا و در کنار دو دریای مدیترانه و سرخ قرار دارد. وسعت آن ۱/۴۴۹/۱۰۰۱ کیلومتر مربع بوده و از این نظر بیست و هشتمین کشور جهان محسوب می‌گردد. ۹۶٪ از مساحت مصر را صحرا تشکیل می‌دهد و مردم این کشور در سرزمینی به مساحت حدود ۵۵ هزار و ۳۶۷ کیلومتر مربع سکونت دارند.

مصر در نیم‌کره شرقی و نیم‌کره شمالی واقع شده و موقعیت آن در نصف النهار بین ۲۲ تا ۳۲ درجه عرض شمالی و ۲۴ تا ۲۷ درجه طول شرقی می‌باشد. حداکثر فاصله از شمال تا جنوب این کشور ۱۰۲۴ کیلومتر و حداکثر فاصله از شرق تا غرب ۱۲۴۰ کیلومتر است که به کشور شکلی تقریباً مربع می‌دهد. مرزهای این کشور از غرب به لیبی، از شرق به دریای سرخ، از شمال به دریای مدیترانه و از شمال شرقی به فلسطین اشغالی و از جنوب به سودان محدود می‌گردد. این کشور با موقعیت جغرافیایی ویژه در منطقه شمال آفریقا و به دلیل عوامل سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی موجود در آن، از مهم‌ترین کشورهای منطقه و عربی به شمار می‌رود.

جمهوری عربی مصر از نظر ویژگی‌های جغرافیایی به چهار بخش تقسیم می‌گردد:

الف) دره و دلتای رود نیل: مساحت دره نیل و دلتای آن حدود ۳۳ هزار کیلومتر مربع می‌باشد که تقریباً ۴٪ از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. حدود ۹۶٪ از مساحت کلی مصر را نیز صحرا تشکیل می‌دهد. رود نیل از خط مرزی در جنوب وارد این کشور می‌گردد و با طولی در حدود ۱۵۳۰ کیلومتر به دریای مدیترانه در شمال می‌ریزد. این بخش ۶۷٪ جمعیت مصر را در خود جای داده است.

ب) صحرای غربی: بخش واقع در کناره غربی رود نیل تا مرزهای غربی مصر را صحرای غربی می‌نامند. مساحت این بخش تقریباً ۶۷۱ هزار کیلومتر مربع می‌باشد و طول آن نیز به دریای مدیترانه در شمال و به مرزهای جنوبی مصر ختم می‌شود. این منطقه از تپه‌های صخره‌ای تشکیل شده که

پستی‌های چندی را در خود جای داده است. آبادی‌های الفرافره (Elfarafrah)، الخارجه، الداخله و در منتهی الیه جنوب این بخش نیز، روستای العونیات (Eloneiet) در این صحرا قرار دارند.

ج) صحرای شرقی: بخش صحرای شرقی به طور تقریبی ۲۲۵ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و از غرب به رودخانه نیل، از شرق به دریای سرخ، از جنوب به سرزمین‌های شمال شرقی سودان و از شمال به دلتای نیل متصل می‌گردد.

د) شبه جزیره سینا: تنها جزیره در مصر شبه جزیره سینا است که حدود ۶۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و به شکل مثلثی است که قاعده آن، در شمال و رأس آن در جنوب می‌باشد. این شبه جزیره از شمال به دریای مدیترانه، از شرق به خلیج عقبه و از غرب به خلیج کانال سوئز متصل است و مرز مصر و فلسطین اشغالی در این شبه جزیره واقع شده است. (تکیه‌ای، ۱۳۸۴، ص ۲).

مصر روی هم رفته سرزمینی کم ارتفاع بوده و ارتفاعات آن عمدتاً در نواحی شرقی و جنوب غربی واقع شده است. جلگه‌های آن نیز در اطراف رود نیل و دلتای آن قرار گرفته است. بیابان‌ها قسمت زیادی از کشور را پوشانده و رود نیل با ۶۶۷۱ کیلومتر مهم‌ترین و طولانی‌ترین رود آن به شمار می‌آید. آب و هوای کشور مصر در صحراها گرم و خشک و در سایر نواحی گرم و مرطوب است. بلندترین نقطه مصر کوه کاترانیه است که در صحرای سینا واقع شده و ۲۶۴۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

پایتخت

پایتخت کشور مصر، قاهره است که همواره با دو استان هم‌جوار دیگر، یعنی جیزه و قلیوبیه (به عنوان قاهره عظیمی یا قاهره بزرگ) با داشتن حدود ۱۶ میلیون نفر جمعیت، بزرگ‌ترین شهر این کشور محسوب می‌شود.

قاهره قدیم بخش بافت اصلی شهر بوده و مراکز اقتصادی و نیز مکان‌های زیارتی - سیاحتی مهمی هم‌چون اهرامات، ابوالهول و نیز زینبیه، مرقد حضرت زینب علیها السلام، مقام مقدس رأس الحسین علیه السلام و مرقد حضرت نفیسه، نوه امام حسن مجتبی علیه السلام، و بسیاری دیگر از مکان‌های زیارتی - سیاحتی و دانشگاه قدیمی الازهر را در بردارد و یکی از مناطق پرجمعیت می‌باشد.

از دیگر مناطق قاهره قدیم منطقه درسا (Dorsa) می‌باشد که انبوه مقابر پادشاهی عثمانی در آن واقع شده و به صورت یک مجموعه بسیار وسیع، ساختمان‌های قدیمی و مخروبه را در خود جای داده است و بیشتر ساکنان آن فقیر هستند. استان جیزه که در آن سوی نیل قرار دارد، با بیش از

بسیست پل ارتباطی به استان قاهره متصل شده و مراکز سیاحتی، باستانی و از جمله اهرام سه گانه و مجسمه ابوالهول در این منطقه قرار دارد.

۳. پایتخت‌های تاریخی مصر

کشور مصر با قدمت تاریخی زیادی که دارد، در طول تاریخ خود پایتخت‌های گوناگونی را داشته است. گر چه «قاهره» پایتخت کنونی کشور مصر قدمتی بیش از هزار سال دارد، اما مصر در تاریخ پنج هزار ساله‌اش، چهارده بار پایتخت خود را تغییر داده است که شرح اجمالی آن چنین است:

- منف (۳۱۰۰ - ۲۱۸۰ ق.م.) نخستین پایتخت مصر؛

- اهناسیا (۲۱۸۰ - ۲۰۶۰ ق.م.)؛

- تبس، تیب یا طیبه (۲۰۶۰ - ۱۷۸۵ ق.م.) بار اول پایتختی؛

- اوراریس (۱۷۸۵ - ۱۵۸۰ ق.م.)؛

- تبس (۱۵۸۰ - ۱۰۸۵ ق.م.) بار دوم پایتختی؛

- تنیس (۱۰۸۵ - ۹۴۵ ق.م.)؛

- نبته (۹۴۵ - ۶۳۳ ق.م.)؛

- صالحجر (۶۳۳ - ۳۳۲ ق.م.)؛

- اسکندریه (۳۳۲ - ۶۴۱ بعد از میلاد)؛

- فسطاط (۶۴۱ - ۷۵۰ م.) بار اول پایتختی؛

- عسکر (۷۵۰ - ۸۶۸ م.)؛

- قطائع (۸۶۸ - ۹۰۵ م.)؛

- فسطاط (۹۰۵ - ۹۶۹ م.) بار دوم پایتختی؛

- قاهره (۹۶۹ - تا امروز) پایتخت کنونی (<http://fa.wikipedia.org>).

۴. استان‌ها و شهرهای مهم

جمهوری عربی مصر در حال حاضر دارای ۲۶ استان می‌باشد که بیشتر آنها در دلتای رود نیل قرار دارند. برخی از شهرهای مهم مصر هم نام استان‌اند؛ این دسته از شهرها که مرکز استان هم می‌باشند عبارت‌اند از :

قاهره، اسکندریه، پرت سعید (Portsaid)، سوئز، دمياط (Damietta)، کفر شیخ (Kafrsheik)،

اسماعیلیه، جیزه (Giza)، بنی سوئیف (Benisuef)، الفیوم (Elfaiyum)، اسیوط (Asuut)، المینا، سوهاج (Sohag)، فنا (Gena) و اسوان.

شهرهای مهم دیگری که مرکز استان‌ها به شمار می‌روند، عبارت‌اند از: منصوره، مرکز استان دقهلیه (Dghhalieh)؛ زقازیق (Zagazig) مرکز استان شرقیه؛ بنها (Benha) مرکز استان قلیوبیه (Giyobieh)؛ طنطا (Tanta) مرکز استان غربیه؛ شبین الکون (Shbine Elkom) مرکز استان منوفیه (Manofieh)؛ دممهو (Damamhue) مرکز استان بحیره؛ گردقه (Gardgeh) مرکز استان بحر الاحمر؛ خارجه مرکز استان وادی جدید؛ مرسی مطروح (Mercy matraeh) مرکز استان مطروح؛ عریش (Arish) مرکز استان سینای شمالی و طور (Ture) مرکز استان سینای جنوبی.

۵. سابقه تاریخی تشکیل جمعیت

۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و در عصر نوسنگی، مهاجران آسیایی به سرزمین مصر سفلی (در شمال) وارد و در این سرزمین ساکن شدند. کمی بعدتر گروه دیگری در مصر علیا (جنوب مصر) سکنی گزیدند. اگر چه اجداد هر دو گروه از آسیای جنوب غربی آمده بودند، ولی به احتمال قوی آنهایی که در دلتای رود نیل جا گرفته بودند از برزخ سینا عبور کرده و آن دسته دیگر که به مصر علیا آمده بودند از طریق دریای سرخ و مناطق آفریقای شرقی خود را به آن جا رسانده بودند. این اقوام با نظر به قدمت تاریخی مصر، کمی پیش از میلاد مسیح در این کشور ساکن گردیدند.

تاریخ قدیم مصر به دو عصر اساسی تقسیم می‌شود: عصر فرعون‌ی که حدود ۳۰۰۰ سال طول کشید و به ۳۰ خانواده تقسیم شده است و عصر یونانی - رومانی که آن هم حدود هزار سال طول کشیده است. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۱۱-۱۲).

جمعیت

جمعیت کشور مصر تا سال ۲۰۰۴ م بالغ بر ۷۶/۱۱۷/۴۲۱ نفر (بیستمین کشور جهان) بوده و تراکم جمعیت ۴۱/۹ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. ۴۵٪ مردم کشور ساکن شهرها بوده و پرجمعیت‌ترین شهر آن قاهره می‌باشد که حدود ۱۶ میلیون نفر جمعیت دارد. از دیگر شهرهای پرجمعیت این کشور می‌توان به شهرهای اسکندریه، جیزه، شبراء الخیمه، محلة الکبری، طنطا، پرت سعید (بور سعید)، منصوره، اسیوط، زقازیق، سوئز (سویس)، منهور، فیوم، اسماعیلیه و اسوان اشاره نمود.

از لحاظ توزیع سنی، ۳۳/۴٪ جمعیت این کشور از افراد کمتر از ۱۵ سال (حدود ۱۳ میلیون مرد و ۱۲

میلیون زن)، ۶۲/۲٪ از افراد ۱۵ تا ۶۴ سال (حدود ۲۴ میلیون مرد و ۲۳ میلیون و پانصد هزار زن) و ۴/۴٪ جمعیت (حدود یک میلیون و پانصد هزار مرد و یک میلیون و ۸۰۰ هزار زن) نیز از افراد بالاتر از ۶۵ سال تشکیل شده است. (<http://www.cia.gov/cia/publication/factbook/geos/eg.html>). متوسط عمر مردان ۵۳/۶ سال و زنان ۵۶/۸ سال است. نرخ تولد ۳۷/۷ در هزار، مرگ و میر ۱۱/۸ در هزار و رشد جمعیت ۲/۳٪ است. میزان مرگ و میر کودکان نیز ۱۰۱ نفر در هر هزار نوزاد می‌باشد.

۶. نژاد

مردم مصر از قرن‌ها پیش، یعنی از زمان فراعنه، عمدتاً سفید پوست و از نژادهای (مصری، بدوی (Badavy) و نوبه‌ای (Nobey)) بوده و در قسمت صحرایی غرب و شرق دره نیل از نژاد مدیترانه‌ای خالص می‌باشند. اما در دره نیل برخی مردم بومی هم زندگی می‌کنند که از ترکیب نژادهای نواحی مختلف به وجود آمده‌اند. مردم روستایی مصر از صحرائشینان بوده و از نظر جثه بزرگ می‌باشند و رنگ چهره آنها ممزوجی از چهره گندم‌گون اعراب سوری و فلسطینی و چهره تیره سودانی و اتیوپیایی است. در حقیقت، نژاد مردم مصر «سامی» (Samy) می‌باشد؛ ولی می‌توان گفت در این کشور نوعی از نژاد به وجود آمده که در اصل مدیترانه‌ای است، اما به مقدار زیاد از شرایط بومی تأثیر گرفته است.

امروزه، ۹۹٪ از جمعیت مصر را نژاد سامی (شامل مصری، بادیه‌نشینان و بربرها) و ۱٪ باقی‌مانده را نژادهای یونانی، حبشی، ارمنی و سایر نژادهای اروپایی (شامل ایتالیایی و فرانسوی) تشکیل می‌دهند. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۲۲).

مسایل فرهنگی و محلی با کمی تغییر، اقوام مختلف را از هم متمایز می‌سازد. بافت جمعیتی در مصر، روستایی و شهری است که وجه تمایز آن‌را فرهنگ روستا (تا اندازه‌ای دست نخورده) مشخص می‌کند. هم‌چنین شهرهای دور از مرکز تا اندازه‌ای هم‌چنان متأثر از فرهنگ بومی مربوط به خود می‌باشند. از این رو مردم مصر با یک‌دیگر روابط عاطفی خوبی دارند و در کنار هم بدون مشکل زندگی می‌کنند. زبان و خط طبق قانون اساسی آن کشور عربی است و زبان انگلیسی و فرانسوی هم رایج است.

۷. مهاجرت

حدود ۲/۵ میلیون نفر از جمعیت جویای کار مصر به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند که اکثر آنها در کشورهای عربی و هم‌جوار و به خصوص در کشورهای حوزه خلیج فارس سکونت دارند. تعدادی

هم به دیگر کشورها از جمله کشورهای اروپایی و آمریکایی رفته‌اند. طبق ارقام مرکز آمار مصر، تعداد دانشمندان مصری مقیم خارج از کشور حدود ۴۵ هزار نفر است که ۱۱۶۰ تن دارای تخصص‌های نادری هم‌چون مهندسی اتمی، علوم لیزری، ژنتیک و زمین‌شناسی هستند. بر اساس همین گزارش، تعداد مهاجرین دائمی از مصر در طول سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ به ۳۲ هزار نفر از دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترا رسیده است. (روزنامه الاحرار، مورخ ۱۳۸۰/۱/۳).

۸. اهمیت استراتژیک کشور مصر در منطقه

جمهوری عربی مصر از لحاظ وسعت، موقعیت جغرافیایی، تعداد جمعیت و پیشرفت نسبی مهم‌ترین کشور عربی و از نظر تاریخی از جمله کشورهای کهن تاریخی است. حکومت فراعنه به حدود ۳۰ قرن قبل از میلاد باز می‌گردد که بعد از آن دوره، ایرانی‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها و اعراب بر این سرزمین حکومت کرده‌اند. فرهنگ مصر فرهنگی اسلامی و غنی است و از زمان‌های قدیم اندیشمندان بسیاری در معروف‌ترین دانشگاه مصر (دانشگاه الازهر) به تحصیل و تدریس اهتمام ورزیده‌اند و مبلغان و علمای زیادی در این دانشگاه تربیت و به دنیای اسلام معرفی شده‌اند.

مصر از معدود کشورهای عربی است که اقتصاد آن نسبت به دیگر کشورهای عربی و آفریقایی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. بیشتر جمعیت مصر کشاورز می‌باشند که در دره و یا دلتای نیل، یعنی تنها مناطق قابل کشاورزی مصر، زندگی می‌کنند. دولت اخیراً اقدام به حفر و احداث کانال در جنوب صحرای سینا و جنوب مصر نموده تا از صحراهای لم یزرع هم بهره برداری کشاورزی شود که در صورت تکمیل این دو کانال، حدود ۲۵٪ خاک مصر به زیر کشت می‌رود.

از ویژگی‌های خاص این کشور هم‌جواری با کشور سودان می‌باشد. رود نیل تنها منبع آب کشاورزی و نیز آشامیدنی مصر، از سودان می‌گذرد. این دو کشور با کمک هم اقداماتی در مورد پروژه‌های سد سازی بر روی رود و استفاده از آب آن برای مصارف کشاورزی انجام داده‌اند. به همین دلیل مصر و سودان در ادوار گذشته مکمل یک‌دیگر بوده و پیوستگی تاریخی و اقتصادی و فرهنگی دو کشور به حدی است که طی یک صد سال اخیر اثرات آن به طور اجتناب ناپذیری خود نمایی می‌نماید.

هم‌جواری مصر با دریای سرخ و همسایگی با کشورهای لیبی، سودان، مغرب و فلسطین اشغالی و نیز فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و حرکت‌های سیاسی چند دهه گذشته مصر در منطقه و استراتژی خاص ناصر و دولت‌های بعد از او تنش‌ها و تأثیراتی را در منطقه به‌وجود آورده است. از

جمله، صلح مصر و اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی توسط انور سادات رئیس جمهور وقت مصر باعث گردید که مصر از جامعه عرب طرد و اخراج گردد. اما پی آمدهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بحران دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت) و موضع مصر و تغییر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث شد تا موقعیت بازگشت مصر به صحنه عربی اسلامی فراهم گردد و بار دیگر مصر به یکی از مهم‌ترین مراکز تصمیم‌گیری در منطقه تبدیل شود.

نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

یکی از مهم‌ترین عوامل طبیعی و جغرافیایی نقش‌آفرین برای مصر، کانال سوئز است. اگر چه این کانال در سال ۱۹۵۶ ملی اعلام گردید، اما وجود آن در خاک مصر یکی از بارزترین عوامل تعیین‌کننده جغرافیایی برای این کشور محسوب می‌شود.

هم‌چنین موقعیت جمعیتی، جغرافیایی و شرایط اقلیمی مصر سبب شده تا این کشور در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا نقش مهمی ایفا نماید. وجود شهرهای قدیمی مانند قاهره و اسکندریه به این کشور اهمیت ویژه‌ای بخشیده است.

از دیگر ویژگی‌های مهم مصر قرار گرفتن این کشور در منتهی الیه شمال شرقی آفریقا است که قاره آفریقا را به قاره آسیا وصل می‌نماید و در واقع پل ارتباطی بین آسیای غربی و آفریقا و مدیترانه می‌باشد.

از دیگر مشخصه‌های عمده مصر، رود نیل است که به گفته مردم این کشور، رگ حیاتی این کشور محسوب شده و بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی تأثیر گذاشته است. (به گفته هیروودت مورخ یونان باستان، مصر «هدیه نیل» است.) (تکیه‌ای، پیشین، ص ۱۵-۱۳).

۹. کانال سوئز (Suez)

کانال سوئز آبراهی اصطناعی از عمل انسان است که به عنوان راه ارتباطی میان دریای سرخ و دریای مدیترانه، یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی جهان به شمار می‌آید. حفر کانال سوئز از سال ۱۸۵۹ و در زمان سعید پاشا پسر کوچک‌تر محمد علی پاشا به طور رسمی، آغاز شد و در هفدهم نوامبر ۱۸۶۹ این کانال با حضور امپراطور اتریش با تشریفات خاصی افتتاح گردید. کمی بعد از افتتاح کانال سوئز و در زمان نخست‌وزیری دیزرائیلی (Dieiraely) دولت بریتانیا ۴۴٪ سهام شرکت کانال

سوئز را خریداری کرد و کانال را تحت استیلاي خود درآورد. دولت مصر سرانجام به علت قروض سنگین مجبور شد برای تهیه پول، سهام مصر در کانال سوئز را به مبلغ هنگفتی به فرانسه بفروشد و به این ترتیب نظرات دو جانبه انگلیس و فرانسه بر این کانال برقرار شد.

کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ میلادی به دست جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر، ملی اعلام گردید. طول این کانال حدود ۱۶۳ کیلومتر از بورسعيد در ساحل دریای مدیترانه تا شهر السويس در کرانه دریای سرخ می باشد که در نیمه راه، دریاچه «المرة» کانال را به دو قسمت می کند، قسمتی از کانال در شمال این دریاچه و قسمتی دیگر در جنوب آن قرار دارد. عمق کانال ۱۱/۵ متر است که البته جهت تعمیق بیشتر آن، اقداماتی صورت گرفته است. حداکثر پهنای آن در سطح آب ۱۹۸ متر و حداقل پهنای آن در عمق آب ۹۰ متر می باشد.

مالیات ها و عوارض ناشی از رفت و آمد کشتی ها در این کانال، بخش مهمی از درآمد کشور مصر را تشکیل می دهد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۸، درآمد این کانال ۱/۷۸۲ میلیارد دلار بود و در سال ۱۹۹۹، این رقم به ۱/۸۲۳ میلیارد دلار رسید.

قبل از احداث «کانال سوئز» کشتی ها می بایست از آبراه «رأس الرجاء الصالح» عبور کنند و از قاره آفریقا بگذرند. هم چنین پیش از احداث این کانال، کشتی ها بارهای خود را در ساحل دریای مدیترانه تخلیه کرده و از راه زمینی به شهر «السویس» در ساحل دریای سرخ رسانده، دوباره با کشتی از دریای سرخ به سوی آسیا عبور می دادند. این کانال توانسته است مسیر کشتی ها را در قبال عدم دور زدن قاره آفریقا ۶۶٪ و میزان سوخت مصرفی آنها را ۵۰٪ کاهش دهد.

۱۴٪ حمل و نقل کالاهای تجاری جهان، ۴۰٪ حمل کالاهای خلیج فارس و ۳۰٪ حمل کالاهای جنوب شرق آسیا از این کانال صورت می گیرد.

۱۰. تاریخچه رشد هر یک از ادیان و مذاهب

در حال حاضر دین رسمی کشور مصر اسلام و اکثریت مردم (حدود ۹۴٪) پیرو آن می باشند. اما در مورد تاریخچه سایر ادیان باید گفت:

پس از فتح مصر توسط اسکندر در سال ۳۳۲ قبل از میلاد و سپس تشکیل دولت «بطالمه» در مصر که حدود سه قرن در این کشور حکومت کردند، در اواسط قرن اول میلادی (۶۸-۵۴ م) و در زمان حکومت نرون، امپراتور مشهور، قدیس مرقس رسولی مسیحیت را در اسکندریه تبلیغ کرد ولی

با فشار شدید رومی‌های بت پرست و شکنجه و آزار تازه مسیحیان از سوی آنها روبه‌رو شد. بعد از وی که مؤسس کلیسای مصری با قبطی محسوب می‌شود و در سال ۶۸ میلادی کشته شد تاکنون ۱۱۶ پاتریک و کشیش، بر این طایفه ریاست مذهبی داشته‌اند که آخرین آنها پاپ شنوده (Pap shenode) سوم است که از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱ به این مقام رسیده است.

با ورود مسلمانان به مصر در سال ۶۴۰ م (به فرماندهی عمر و بن عاص)، مصری‌ها به دین اسلام گرویدند و از ابتدای قرن ۹ میلادی، مسیحیان در مصر به صورت اقلیت درآمدند. مسیحیان مصری (که مسیحی قبطی [ghabty] نامیده می‌شوند) از مسیحیان شرقی محسوب می‌شوند. EGYPT که نام لاتین کشور مصر است از کلمه «القبط» گرفته شده است.

از میان قبطی‌های مصر، تعداد قبطی‌های انجیلی این کشور به حدود ۷۵۰ هزار نفر می‌رسد. تعداد پیروان سایر ادیان مانند یهودیان و مذاهب دیگر، در مصر بسیار اندک است. به رغم این‌که مسلمانان حدود ۹۵٪ و مسیحیان ۵٪ جمعیت مصر را تشکیل می‌دهند سوابق تاریخی نشان می‌دهد که مسلمانان با دیگر مذاهب و به خصوص قبطی‌ها در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته و به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند و بسیاری از عادات این دو دین الهی، در میان امت مقابل دیده می‌شود.

از میان مذاهب اسلامی، مذهب مردم مصر، پیش از آمدن شافعی به مصر، حنفی و مالکی بود. پس از استیلای خلفای فاطمی و رونق فقه اهل البیت (علیهم‌السلام)، مذهب شافعی هم‌چون دیگر مذاهب اهل سنت از رونق افتاد تا این‌که صلاح الدین ایوبی به این استیلا خاتمه داد. پس از آن، مصر دوباره شاهد رواج مذهب شافعی گردید. دولت ایوبیان، بیش از همه مذاهب چهارگانه سنی، به مذهب شافعی توجه نشان داده و شغل قضا را به این مذهب که مذهب رسمی دولت بود، اختصاص داد. با روی کار آمدن دولت بحری ترک هم توجه به مذهب شافعی ادامه یافت تا آن‌که ظاهر بیبرس منصب قضا را به همه مذاهب چهارگانه تعمیم داد، هر چند که قلمرو قضایی دیگر مذاهب غیرشافعی از شهرهای قاهره و فسطاط فراتر نرفت. (<http://www.hawzah.net>)

علاوه بر مذاهب سنی، مذاهب شیعه متفاوتی مانند اسماعیلیه (بُهری) و شیعیان اثنا عشری و شیعیان جعفریه (منتسب به امام صادق (علیه‌السلام)) که برخی ایشان را صوفی می‌نامند، در مصر موجودند. شیعیان جعفریه بیشتر در شهر اسوان سکونت دارند و ۷۰٪ جمعیت شهر را به خود اختصاص داده‌اند. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۸۲).

۱۱. آداب و سنن مذهبی و میزان پایبندی مردم به مذهب

در سال ۶۴۱ م که مصر به تصرف مسلمانان درآمد، تعالیم اسلامی در این کشور با فرهنگ این منطقه آمیخته شد. از این رو تبلور فرهنگ اسلامی در مراسم مختلفی که مردم مصر برپا می‌دارند، مشهود می‌باشد. بزرگداشت مناسبت‌های اسلامی و برپایی نمازهای جماعت و جمعه، که در تمامی مساجد و حتی در خیابان‌ها و نیز در شهرها و روستاها با شکوه خاصی برگزار می‌شود دلیل بر این مدعا است. آغاز ماه مبارک رمضان، نماز عید فطر و جشن میلاد پیامبر ﷺ همه ساله با تشریفات خاصی انجام می‌شود. هم‌چنین مردم مصر به دلیل علاقه شدید به ائمه اطهار ﷺ، میلاد امام حسین ﷺ و حضرت زینت ﷺ و حضرت نفیسه خاتون (نوه امام حسن مجتبی) را با شکوه تمام جشن می‌گیرند.

از ویژگی‌های دیگر مردم مصر پایبندی آنان به قرائت قرآن کریم است. در این راستا جلسات قرائت قرآن تقریباً هر روز در مساجد قاهره به ویژه مساجدی که در جوار مرقد حضرت زینب ﷺ و مقام رأس الحسین ﷺ قرار دارند، برپا می‌گردد. لازم به ذکر است که موارد دیگری از مقامات و مقابر مشهور اهل بیت و اصحاب، هم‌چون رقیه بنت علی ﷺ، سکینه بنت الحسین ﷺ، مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، محمد بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین ﷺ و... در شهر قاهره قرار دارد و مراسم مذهبی در آنها انجام می‌شود. قبطی‌ها (Ghabty) هم مراسم مذهبی خود مثل عید پاک و سایر اعیاد را طبق عادات و رسوم خود برگزار می‌نمایند. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۱۸۱۹)

۱۲. حوزه‌های دینی و رهبران مذهبی

طلاب علوم دینی در مدارس و مساجدی که به این امر اختصاص یافته به فراگیری آموزش‌های اسلامی مشغول‌اند. اما مهم‌ترین حوزه دینی در مصر، مسجد الازهر می‌باشد که در قلب قاهره قدیم و در کنار مسجد رأس الحسین ﷺ قرار دارد. این مسجد که از کهن‌ترین و قدیمی‌ترین دانشگاه‌ها در جهان اسلام محسوب می‌شود، در سال ۶۳۱ هـ (۹۷۵ م) توسط جوهر صقلی فرمانده فاطمی ساخته شده و در طول زمان، بارها ترمیم و بازسازی شده است.

در حال حاضر این دانشگاه دارای ۲۵ هزار دانشجوی خارجی دختر و پسر از حدود ۹۴ کشور جهان است که برخی با هزینه خود و بعضی با هزینه و بورسیه الازهر در آن مشغول به تحصیل هستند. در سطح داخلی نیز این دانشگاه با داشتن حدود شش هزار مرکز دانشجویی، حدود ۱/۵ میلیون دانشجو را در رشته‌های مختلف جذب کرده است. در الازهر استادان معروف و علمای

برجسته، رشته‌های مختلف علمی و دینی را تدریس می‌کنند. در حال حاضر مقام عالی دینی الازهر «شیخ الازهر» دکتر سید محمد طنطاوی است که تمامی مراکز فقهی و علمی الازهر از جمله دانشگاه را تحت اشراف دارد.

روند تأثیر و ترویج مذاهب

با ورود اسلام به کشور مصر و پذیرش آن از سوی مردم این کشور، دین مبین اسلام به تدریج در کل جامعه مصر استقرار یافت و در عرصه‌های مختلف حیات آن نفوذ کرد، به صورتی که بیشتر مردم مصر پیرو اسلام شدند. وظیفه ترویج اسلام بر عهده الازهر - که در آغاز آن را مسجد قاهره می‌خواندند - و علمای آن قرار دارد. الازهر در طول تاریخ خود با فراز و نشیب‌های گوناگون روبه‌رو بوده و در دوره‌های مختلف نقش‌های متفاوتی در صحنه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی مصر و جهان اسلام ایفا کرده است. از فراز منبر همین مسجد بود که عبدالناصر ملی شدن کانال سوئز را اعلام کرد.

تشکیلات مذهبی

در مصر حدود ۱۷۰ هزار مسجد و زاویه وجود دارد که اغلب قریب به اتفاق آنها دولتی و زیر نظر وزارت اوقاف است. دولت از طریق وزارت اوقاف، به دنبال هماهنگ نمودن فعالیت‌های مذهبی و سیاست‌های خود، توسط اشخاصی است که به عنوان امام جماعت در این مساجد می‌گمارد. وزارت اوقاف و الازهر بررسی کتاب‌های مذهبی، نظارت بر مجامع و سمینارهای اسلامی، کنترل نظام آموزشی و آموزش‌های مذهبی در مدارس غیر دولتی، انجام پژوهش‌های اسلامی و قرآنی، ارایه آموزش‌های تبلیغی مذهبی به افراد مختلف، انتشار کتاب و نشریات مذهبی، بررسی فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری و تطبیق با ارزش‌های اسلامی، برگزاری مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن و مطالعه و تحقیق در مورد وضعیت زندگی و مسایل مسلمانان را زیر نظر دارند.

۱۳. سیر تحولات فرهنگی

از آنجایی که اسلام از دروازه مصر وارد آفریقا شده، همواره آفریقای مسلمان از دریچه مصر به جهان اسلام می‌نگریسته و در طول تاریخ اسلامی، مصر جوامع اسلامی آفریقا را تغذیه نموده است. نظر به توانمندی‌ها و امکانات مصر در گذشته و حال، همیشه این کشور تغذیه‌کننده عمده

تفکرات مذهبی جهان اهل سنت بوده و بسیاری از علمای برجسته اهل سنت که در کشورهای اسلامی مشغول تبلیغ می‌باشند یا مصری هستند و یا فارغ‌التحصیل دانشگاه الازهر می‌باشند. بالا بودن سطح علمی در مصر این امکان را به آن کشور می‌دهد که در این زمینه قوی‌تر عمل کند. وجود اندیشه‌های گوناگون در این سرزمین یکی از عوامل مؤثر در این باره می‌باشد. در طول زمان چهره‌های بارز ادبی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی متعددی در این کشور رشد کرده‌اند. ادبیات جدید عرب به شدت تحت تأثیر آثار ادبای مصری است و علت آن هم این است که مصری‌ها در احیای میراث فرهنگی عرب پیشتاز بوده‌اند. مصری‌ها در نویسندگی و پیشرفت زبان عربی نو که می‌تواند فرهنگ معاصر را در برداشته و هماهنگ با فرهنگ‌های پیشرفته باشد، جلودار بوده‌اند و در حال حاضر بسیاری از بهترین نویسندگان و داستان‌نویسان عرب مصری هستند. در قرون معاصر، مصر مهد ظهور اندیشه‌های نوین اسلامی و عربی بوده است. بخش عمده‌ای از موفقیت‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، بنیان‌گذار اصلاح‌گرایی نوین در اندیشه سیاسی عرب در دوران اقامت او در قاهره به دست آمده است و پس از او رشید رضا و حمد عبده در صحنه مصر حضور داشته‌اند. هم‌چنین باید به برخی دیگر از اندیشمندان اسلامی از جمله سیدقطب و حسن البنا اشاره نمود. از دهه ۱۳۳۰ کتاب‌های سید قطب در ایران مورد استقبال قشرهای تحصیل کرده قرار گرفت. از اندیشمندان مسلمان لیبرال نیز می‌توان به عباس عقاد که گرایش بسیاری به شیعه داشت و طه حسین اشاره کرد. هسته نخستین اخوان المسلمین که مهم‌ترین گروه سیاسی اسلامی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی به شمار می‌رود، در مصر تشکیل شد و اندیشه‌ها و افکار خود را به سایر کشورهای اسلامی گسترش داد. در حال حاضر ستون فقرات غالب جنبش‌های اسلامی در جهان، به ویژه در آفریقا را اخوان یا اخوانی‌های سابق تشکیل می‌دهند. رهبران اصلی دو گروه «جهاد» و «جماعت اسلامی» از اعضای سابق جنبش اخوان المسلمین می‌باشند. به رغم تفاوت دیدگاه شاخه‌های مختلف اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی، می‌توان گفت هم‌چنان مصر مرکز اصلی و مؤثر تصمیم‌گیری آنها است. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۲۱-۲۲).

۱۴. تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها، آداب و رسوم

فرهنگ اسلامی مصر بی تأثیر از فرهنگ شیعی نیست. حضور حدود ۵۰۰ ساله فاطمیان در آن دیار موجب شده است تا فرهنگ شیعی در آن‌جا نضج گرفته و منتشر شود. اگر چه از زمانی که صلاح‌الدین ایوبی بر آن شد تا آثار مذهب شیعه را در مصر محو نماید، شیعیان در اقلیت قرار گرفتند،

اما مصری‌ها هم‌چنان به اهل بیت پیامبر ﷺ و امامان شیعه عشق می‌ورزند و این علاقه با نظر به زیارتگاه‌های موجود در مصر و حضور فشرده و گسترده مردم در آنها، به خصوص در ماه مبارک رمضان و ایام ولادت این بزرگواران، کاملاً مشهود بوده و نشانه‌ای از تبلور فرهنگ شیعی در ساختار شخصیت مصری‌ها است.

۱۴/۱. نقش مذهب در تحولات اجتماعی و فرهنگی

اسلام با مردم مصر پیوندی تاریخی و فرهنگی دارد و اساس هویت فرهنگی آن را تشکیل می‌دهد. چهره فرهنگ اسلامی در مظاهر گوناگون متجلی است. رعایت سنن اسلامی در احوال شخصیه، منزلت برجسته روحانیون و شخصیت‌های مذهبی مصر، اهمیت دادن به قرائت قرآن و... نشان دهنده این امر می‌باشد. (شایان ذکر است که مشهورترین قاریان قرآن در جهان اسلام مصری‌ها می‌باشند.)

۱۴/۲. آداب و رسوم

آداب و رسوم در مصر مانند دیگر جوامع مسلمان و کشورهای شمال آفریقا، نشئت گرفته از مذهب است. در حال حاضر در مصر شاهد نمادهای فراوانی از امتزاج میان رسوم مذهب شافعی وابسته به اهل سنت و آداب گسترش یافته توسط دولت فاطمی یا گرایش شیعی می‌باشیم که در بافت اجتماعی مردم این کشور تجلی یافته است.

جشن‌ها و عیدها در مصر

در هر کشوری مناسبت‌های مذهبی و ملی آن گرامی داشته می‌شود تا پیام آن از نسل پیشین به نسل بعد انتقال یابد. کشور مصر با سابقه بیش از پنج هزار ساله‌اش، جشن‌ها و عیدهایی را به صورت رسمی و ملی داشته است که فهرست کلی آن در سه محور زیر بیان می‌شود:

الف) سالگردها و جشن‌های دینی

● آغاز سال هجری (مبدأ تاریخ هجری، هجرت حضرت محمد ﷺ، از مکه به مدینه است) یکم ماه محرم؛

● زادروز حضرت محمد ﷺ، دوازدهم ماه ربیع الأول (طبق قول مشهور اهل سنت)؛

- آیین‌های عید فطر، پایان ماه رمضان (یکم تا سوم ماه شوال)؛
- عید قربان، نهم ماه ذی الحجه.

ب) تعطیلات رسمی

- روز آزادی صحرای سینا، ۲۵ آوریل؛
- روز کارگر، یکم ماه مه؛
- شَمّ النسیم، جشن بهاری دوم ماه مه؛
- انقلاب ۲۳ ژوئیه (روز ملی کشور با نام روز انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ و روز استقلال آن ۲۸ فوریه ۱۹۲۲ می‌باشد)؛
- روز نیروهای مسلح، ششم اکتبر؛
- زادروز عیسی مسیح ﷺ، هفتم ژانویه.

ج) جشن‌های مصری

- روز آغاز طغیان آب رود نیل (به عربی: وفاء النيل) از جشن‌های فرعونی؛
 - جشن حنابندان برای عروس‌ها؛
 - جشن هفت سالگی کودکان؛
 - آغاز سال میلادی، یکم ژانویه؛
 - جشن نیروز یا همان نوروز نزد قبطیان. (<http://fa.wikipedia.org>)
- (توضیح آن که: قبطیان مصر، جشنی سالانه به نام نوروز دارند که به عربی به آن «النیروز» می‌گویند. این جشن هر سال در اول پاییز برگزار می‌شود و روز آغاز سال در تقویم قبطیان است. در مورد سابقه این جشن برخی معتقدند یادگاری از دوره تسلط هخامنشیان بر مصر است، گرچه خود قبطان آن را مربوط به مصر باستان می‌دانند.)

۱۴/۳. سطح علمی و فرهنگی

مصر از کهن‌ترین مناطق مسکونی جهان بوده و آثار علمی و فرهنگی مربوط به دوران قدیم در آن فراوان یافت می‌شود. حدود ۳۰ قرن پیش از میلاد مهاجران آسیایی همراه خود گیاهان و جانوران اهلی و اصول و روش‌های فنی عصر نوسنگی را وارد سرزمین شمالی مصر سفلی نمودند. بعد از

ساکن شدن در این سرزمین و پیشرفت در سنگ‌تراشی، استفاده از مس را آغاز نمودند. اندکی بعد در مصر علیا (جنوبی) یک‌نوع تمدن ساده و بسیط به وجود آمد. آثار تاریخی فرهنگی نشان می‌دهد که فراعنه مصر که از زمان‌های بسیار دور در آن سرزمین می‌زیسته‌اند، از نوعی تمدن برخوردار بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به آثار باستانی و تاریخی مصر و شهر فسطاط (Fostat) (اسکندریه قدیم) اشاره نمود. این آثار مربوط به دوران قبل از اسلام است.

در دوره اسلامی و به خصوص زمان حکومت فاطمیون دوران رشد و شکوفایی هنر و فرهنگ به وجود آمد و این کشور محل رفت و آمد تجار خارجی گردید که تبادل هنری و فرهنگی بسیاری به همراه داشت. در همان زمان‌ها مؤسسه الازهر تأسیس گردید که در شکوفا نمودن علم و فرهنگ اسلامی نقش به‌سزایی ایفا نموده است. در حال حاضر مسئولیت حفظ میراث فرهنگی به عهده وزارت جهان‌گردی می‌باشد و اداره میراث فرهنگی که وابسته به این وزارت است، با اجرای طرح‌های مختلفی، حافظت آثار باستانی و تاریخی و ارایه آن به جهان‌گردان را بر عهده دارد. اما از سوی دیگر، هر چند مجامع علمی بسیاری در این کشور وجود دارد، اما درصد بالایی بی‌سوادی در این کشور دلیلی بر عقب افتادگی جامعه و تأثیر فقر بر سطح علمی و فرهنگی آن کشور می‌باشد. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۲۵-۲۴).

۱۵. مراکز فرهنگی

مصر یکی از کشورهای دیدنی و تاریخی جهان است و جهان‌گردی و سیاحت یکی از مهم‌ترین و شاید اولین منبع درآمد این کشور است که به گفته وزیر جهان‌گردی این کشور در نیمه بهمن ۱۳۷۹، این صنعت توانسته است ۲/۲ میلیون فرصت شغلی مستقیم و غیر مستقیم ایجاد کند که حدود ۱۲/۶٪ حجم نیروی کار مصر است. در این کشور، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و آثار دیدنی متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- موزه ملی مصر که در میدان تحریر (Tahrir) شهر قاهره واقع شده و در آن مجموعه آثار فراعنه و حدود پانصد هزار قطعه از تاریخ مصر قدیم که قدمت آنها به هزاران سال قبل بر می‌گردد، یافت می‌شود. این موزه در سال ۱۸۵۸ میلادی تأسیس شده است. جالب‌ترین بخش موزه، قسمت خاص نگه‌داری اجساد مومیایی شده فراعنه، از جمله جسد مومیایی شده منتسب به رامسیس دوم (فرعون زمان موسی علیه السلام) می‌باشد. یکی دیگر از بخش‌های دیدنی موزه قسمت آثار و وسایل و طلاجات متعلق به توت آنخ همسر فرعون می‌باشد.

- موزه مصطفی کامل، واقع در میدان صلاح‌الدین.
- موزه بیت الامه، در شهر قاهره در خیابان ضریح سعد (Zarihe saad) که در سال ۱۹۵۶ افتتاح گردید.
- موزه احمد شوقی، واقع در منطقه جیزه که یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های مصر در زمینه امور کشاورزی می‌باشد.
- موزه جزیره (واقع در منطقه جزیره قاهره)، که در سال ۱۹۵۷ تأسیس گردید و یکی از موزه‌های فنی و بزرگ خارجی در خاورمیانه می‌باشد.
- موزه محمد محمود خلیل که تابلوهایی از هنرمندان مشهور فرانسوی از قرن ۱۹ میلادی در آن وجود دارد.
- موزه الحضاره (Elhezare) (موزه تمدن) که در سال ۱۹۴۹ در منطقه جزیره قاهره افتتاح گردید و نمونه‌هایی از تمدن‌های مختلف در آن به نمایش گذاشته شده است.
- موزه هنرهای معاصر در قاهره که در خیابان دُقی (Dokki) واقع و در سال ۱۹۶۷ افتتاح شده است. در این موزه حدود ۱۰۲ هزار قطعه از آثار اسلامی قدیم از نقاط مختلف جهان نگهداری می‌شود که بسیاری از آنها ایرانی است.
- موزه سلاح: این موزه در مجموعه قصر تاریخی عابدین قرار دارد که شامل تاریخ سلاح و انواع آنها از قدیم تا نسل جدید و مدرن است. در این موزه تعداد زیادی سلاح سرد تاریخی و قدیمی ایرانی وجود دارد.
- موزه قرآن: در این موزه انواع مختلف قرآن مجید از جمله تعدادی قرآن خطی نگهداری می‌شود.
- موزه بحری (دریایی): قدمت این موزه که در اسکندریه و در قلعه تاریخی قایتبای (Ghietbay) واقع شده به ۱۵۰۰ سال قبل می‌رسد. این قلعه در سال ۱۴۷۹ بنا شده که مناره آن (موسوم به فانوس دریایی اسکندریه) یکی از عجایب هفت‌گانه جهان به شمار می‌رفته است. موزه در سال ۱۹۶۶ به علت تخریب به واسطه زلزله، بازسازی گردیده است.
- موزه اسوان که در این شهر واقع شده و مجموعه‌ای از آثار تاریخی را در بر دارد. دولت مصر سعی می‌کند صنعت توریسم را به یکی از منابع مهم درآمد ارزی تبدیل نماید. تعداد جهان‌گردانی که در سال ۱۹۹۱ از آثار باستانی و فرهنگی مصر دیدن کرده‌اند ۲/۸ میلیون نفر بوده است، که این تعداد در سال ۹۸-۹۹ به ۳/۴۵ میلیون نفر رسید ولی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جنگ آمریکا علیه برخی

کشورهای منطقه و به خصوص افغانستان، ضرر و زیان مالی فراوانی به این صنعت در مصر وارد ساخت که این خسارت تا دو میلیارد دلار اعلام شده است. در عین حال بخش عمده‌ای از اقتصاد مصر به جهان‌گردی بستگی دارد و درآمد ارزی به دست آمده از صنعت توریسم برای دولت مصر قابل ملاحظه بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱۶. آثار باستانی

مصر از نظر امکانات سیاحتی و آثار تاریخی یکی از کشورهای تراز اول دنیا است و قدمت آثار باستانی این کشور به قرن‌ها قبل باز می‌گردد. مهم‌ترین آثار باستانی مصر عبارت‌اند از:

۱۶/۱. مناطق

- منطقه جیزه:

این منطقه که در کنار استان قاهره قرار دارد، مرکز استان جیزه می‌باشد که اکثر آثار زیارتی - سیاحتی مشهور مصر، از جمله اهرام ثلاثه (خوخو - ففرع - منقرع) و مجسمه بزرگ ابوالهول (که به عنوان نگهبان اهرام است) در این بخش قرار دارد.

هرم خوفو بزرگ‌ترین هرم سه گانه است که حدود ۴۶۰۰ سال قبل در مساحتی حدود ۵۵ هزار متر مربع بنا شده است. ارتفاع آن ابتدا ۱۴۶ متر بوده است ولی با فرو ریختن کلاهدک طلایی آن، در حال حاضر ارتفاع آن ۱۳۷ متر است. تعداد سنگهای به کار رفته در آن ۵/۲ میلیون قطعه است. هرم خفرع توسط خفرع که فرزند خوفو بوده ساخته شده و ارتفاع آن ۱۳۶ متر است. هرم منقرع کوچک‌ترین هرم است که ارتفاع آن ۶۲ متر است.

این اهرام دارای شگفتی‌های بسیاری است که برخی از آنها هنوز کشف نشده است. بدنه مجسمه ابوالهول که به عنوان سمبل محافظت از اهرام در جلوی آنها ساخته شده است به صورت شیر نشسته با صورتی از انسان است. ارتفاع بلندترین نقطه آن از زمین ۷۰ متر و پایین‌ترین نقطه آن ۲۰ متر می‌باشد.

در داخل منطقه اهرامات، مکان‌ها و موزه‌هایی از آثار فراغنه برای بازدید وجود دارد.

- منطقه سقاره (Saggara): این منطقه همان شهر ممفیس (Memphis) (در ۲۷ کیلومتری جنوب قاهره) است که روزگاری پایتخت مصر بود. این منطقه در عهد قدیمی بنا شده و در آن آثار زیادی همچون مقبره‌ها، معابد و نیز هرم سقاره المدرج، که در زمان «ملک زوسر» (Malkzosar) احداث

گردیده و یکی از آثار مهم و قدیمی سنگی در جهان است، وجود دارد. ارتفاع این هرم ۶۵ متر است. همچنین الجبانه الاثریه و مقبره گاو مقدس مشهور به «سرابیوم» (Serabiyom) در این منطقه می‌باشد. - مسله المطریه (Mastate Elmatarieh): منطقه‌ای است معروف به شهر «اون» (Aun) مربوط به فراعنه مصر که در یونان آن را به نام هلیوپولیس (Helybolis) می‌شناختند. تنها اثر باقی‌مانده از این شهر «المسله» است که به نام مسله المطریه مشهور می‌باشد.

- منطقه الاقصر: در شرق نیل و در فاصله ۶۷۶ کیلومتری قاهره قرار دارد و به عنوان بزرگ‌ترین موزه فضای باز جهان شناخته می‌شود که گفته می‌شود حدود ۱۰۰۰ آثار باستانی جهان را در خود دارد. این منطقه به عنوان «مدینه القصور» معروف است و دارای آثاری از حدود هفت هزار سال پیش است. - منطقه قصر الشمع (منطقه آثار قبطی‌ها در مصر): این منطقه که در منطقه مصر قدیم و در پشت مسجد عمرو عاص قرار دارد، یکی از مراکز قدیمی و تاریخی مصر و قاهره است که بیش از ۱۷۰۰ سال سابقه تاریخی دارد. ضمن این که تاریخ برخی بخش‌های آن به زمان رومانی‌ها، یعنی حدود ۲۰۳۰ سال قبل از میلاد مسیح، باز می‌گردد. البته برخی با توجه به وجود چند مسجد و نیز کلیساهای مسیحیان و همچنین یک کنیسه قدیمی یهودیان، این منطقه را «مجمع الادیان» خوانده‌اند. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۱۰۱-۱۰۰).

- بسیاری دیگر از مناطق تاریخی دیگر نیز در مصر وجود دارد که از جمله آنها می‌توان آثار تاریخی اسکندریه، آسوان، آسیوط، ابو سمبل و شبه جزیره سینا را نام برد.

۱۶/۲. معابد و مقابر

- معبد الاقصر: این معبد شهرت جهانی دارد و به داشتن ستون‌های بلند و قطور کنده کاری شده به شکل کمربند و ورق‌های پایروس معروف بوده و اختصاص به عبادت الهه آمون (Amoun) داشته است.

- معابد کرنگ: از مهم‌ترین آثار باستانی شهر اقصر و از بزرگ‌ترین مکان‌های عبادی در تاریخ بشریت محسوب می‌شود و تعداد زیادی از معابد و در رأس آنها معابد الهه آمون و همسرش در این منطقه قرار دارد. این منطقه بین حاب الکرنگ و الحیره المقدسه (دریاچه مقدس) واقع شده است. - مقبره وادی الملوک: از آثار باستانی اقصر محسوب شده و شامل مقابر زیادی است که در ساحل غربی رودخانه نیل واقع شده و معروف‌ترین آنها مقبره «توت عنخ آمون» (Tot Ankh Amon) و وادی الملکات و الملکه نفرناری می‌باشد. در این مکان مقبره بسیاری از پادشاهان قدیمی وجود دارد.

- معابد ابو سمبل: این منطقه در ۲۸۰ کیلومتری جنوب آسوان قرار دارد و از مهم‌ترین معابد آن معبد ابو سمبل است که توسط رامسیس دوم در ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده و از کامل‌ترین، بزرگ‌ترین و زیباترین معابد محسوب می‌شود. در نمای این معبد چهار مجسمه وجود دارد که هر کدام ۲۳ متر طول دارد.

شگفتی علمی و فلکی این معابد این است که هر ساله در ۲۲ اکتبر و ۲۲ فوریه خورشید به طور مستقیم به داخل این معابد می‌تابد.

- مقبره آغاخان: ضریح آغاخان رهبر فرقه اسماعیلیه در قسمت غربی رود نیل بر روی تپه‌ای واقع شده است.

- مقابر الملكية: این مجموعه در شهر بلینا قرار دارد. همچنین معبد سیتی اول و معبد رامسیس دوم در این منطقه واقع شده است.

- معبد دندره: این معبد در قسمت غربی شهر قنا بنا شده و در هنگام ورود به آن، زیبایی و رنگ‌آمیزی آن انسان را به تعجب می‌آورد. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۱۰۱).

۱۶/۳. آثار

در مصر آثار باستانی فراوانی وجود دارد که برخی از آنها فهرستوار عبارت است از: اسکندریه: ستون سواری به طول ۲۵ متر که در سال ۲۹۷ م. ایجاد شده است، مقبره کوم الشقافه، تئاتر رومانی، قلعه قایتبای.

اقصر: معبد دیر دریایی، مجسمه ممنون.

اسوان: جزیره فنیقین، مقابر النبلاء، دیر فرزندان سمعان، معبد کلابشه.

شبه جزیره سینا: کلیسای سنت کاترین.

تل العمارنه: در نزدیکی شهر المینا قرار دارد که مربوط به یکی از علمای مشهور مصر است.

تونا الجبل: در ۲۷۰ کیلومتری قاهره واقع شده و آثار رومیان و اجساد مومیایی شده در آن به نمایش گذاشته شده است. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۱۰۲).

۱۶/۴. قلعه‌ها

- قلعه صلاح‌الدین: این قلعه در زمان سلطان صلاح‌الدین ایوبی در سال ۱۱۸۳ میلادی به عنوان مقرّ حکومتی بنا شده و در طول زمان ساختمان‌های متعددی، از جمله مسجد محمد علی، مسجد مرمر و موزه نظامی، در آن ساخته شده است.

- قلعه محمد علی: در زمان محمد علی پاشا بنا گردید و بنایی کوچک، اما رفیع و بلند دارد.
- قلعه قایتبای: از مشهورترین قلعه‌ها می‌باشد که در زمان الملک الاشرف قایتبای در بالای مناره‌ای در اسکندریه قدیم و درست در مکان چراغ دریایی اسکندریه بنا گردیده است.
در اسکندریه هم‌چنین برخی از آثار مهم یونانی‌ها و رومی‌ها مانند: موزه یونانی رومی، عمود السواری، حفره‌های کوم الشافه (Kom Elshgafe) و تئاتر رومی به چشم می‌خورد.

۱۷. مساجد

مسجد عمرو بن عاص

اولین مسجدی است که در سال ۲۱ هجری در مصر ساخته شده و گفته می‌شود چهاردهمین مسجدی است که در اسلام ساخته شده است. از آن‌جا که قدیمی‌ترین مسجد در قاره آفریقا محسوب می‌شود به عنوان «تاج الجوامع» خوانده می‌شود.
صحن داخلی مسجد در حدود سیزده هزار و پانصد متر مربع است. صحن سرپوشیده در اطراف و حیاط مسجد در وسط قرار دارد.

مسجد ابن طولون (Tolon)

در سال ۲۶۵ هجری (۸۸۶م) توسط احمد بن طولون ساخته شده و سومین مسجد ساخته شده در تاریخ اسلامی مصر و از بزرگ‌ترین مساجد این کشور با ۲۶ هزار متر مربع است. طولون یک کلمه ترکی به معنای پدر کامل است و گفته شده است طولون یک بنده ترک بوده که در ضمن جزیه‌ای از سوی حاکم بخارا در حدود سال ۲۰۰ هجری برای خلیفه عباسی فرستاده شده بود.
قسمت جالب این مسجد مناره چهارگوش آن است که با ارتفاع بیش از ۵۰ متر در خارج از مسجد قرار دارد.

مسجد الازهر

از قدیمی‌ترین مساجد و دانشگاه‌های جهان اسلام محسوب می‌شود که در سال ۳۶۱ ه (۹۷۵م) توسط جوهر صقلی فرمانده فاطمی ساخته شده و منقول است که واژه الازهر برگرفته شده از نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دخت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. این مسجد دارای ۳۶۵ ستون به تعداد روزهای سال، هفت در به تعداد روزهای هفته و پنج گلدسته به تعداد نمازهای پنج‌گانه می‌باشد.

مسجد سلطان حسن

در سال ۷۵۷ ه (۱۳۵۶م) توسط سلطان حسن بن محمد بن قلالدون به عنوان مسجد و مدرسه‌ای برای چهار مذهب اسلامی شناخته شده تأسیس گردیده و از زیباترین نمونه‌های هنر

اسلامی به شمار می‌رود. ۷۹۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای چهار رواق برای تدریس چهار مذهب اسلامی است. ضمن این‌که در گذشته بخشی از مسجد به عنوان بیمارستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

مسجد محمد علی

این مسجد به عنوان زیباترین نمونه معماری عثمانی در مصر شناخته شده و توسط محمد علی پاشا ساخته شده و سپس توسط عباس پاشا و خدیو اسماعیل تکمیل گردیده است. گلدسته‌های مسجد هر کدام ۸۵ متر ارتفاع دارند و گنبد اصلی هم ۵۲ متر ارتفاع و ۲۱ متر قطر دارد. به خاطر مرتفع بودن ساختمان مسجد، در صورت تمیزی هوا، از ایوان آن نقاط بسیاری از قاهره قابل مشاهده است.

مسجد امام الشافعی

محمد بن ادریس شافعی معروف به امام شافعی از ائمه چهارگانه اهل سنت است که در سال ۲۰۴ هجری در مصر وفات یافته است. مقبره وی از مهم‌ترین آثار اسلامی و گنبد آن از بزرگ‌ترین گنبد‌های موجود در خاک مصر است.

مسجد الحاکم بامر الله

نمای ظاهری این مسجد نظیری در میان مساجد مصر ندارد و شبیه مسجد المهدیه در تونس است که در اوایل قرن چهارم هجری ساخته شده است. معماری مسجد نیز از معماری مغربی تأثیر پذیرفته است و مساحت آن بالغ بر ۳۰ هزار متر مربع است. (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷).

مسجد الحسین علیه السلام

از مشهورترین و معروف‌ترین مزارات اهل بیت در مصر، مسجد مقدس رأس الحسین علیه السلام در قاهره است که در منطقه قدیمی این شهر واقع شده و در تمامی ساعات مملو از زائرین و محبین اهل بیت است.

طبق برخی اخبار، سر مبارک امام حسین علیه السلام در روز یک‌شنبه هشتم جمادی الثانی سال ۵۴۸ ه.ق از عسقلان به قاهره انتقال داده شد و در این مسجد دفن شده است. (خسروشاهی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۹). ضمن این‌که در کنار این مقام، اتاقی به نام اتاق آثار پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که در آن وسایلی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله یک شمشیر، یک عصا، چند تار مو، یک قطعه پارچه از لباس پیامبر و نیز قرآن‌های منسوب به حضرت علی علیه السلام و عثمان وجود دارد.

در مورد چگونگی انتقال سر مبارک به مصر مطالب فراوانی وجود دارد که جهت رعایت اختصار از آنها صرف نظر می‌شود.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که حدود شش میلیون «سید» در مصر وجود دارد که سندیکایی با عنوان «نقابة الاشراف» دارند. البته در نزد مصری‌ها، سادات فقط فرزندان حضرت زهرا را شامل نمی‌شوند بلکه فرزندان هاشم (جدّ پیامبر ﷺ) را نیز در بر می‌گیرد.

مسجد و مقبره سیده زینب علیها السلام

مسجدی بسیار با عظمت است که (برخلاف مشهور، مصریان معتقدند:) مرقد حضرت زینب کبری علیها السلام دخت گرامی امام علی علیه السلام و خواهر امام حسین علیه السلام در این مسجد واقع شده است. مساحت این مسجد حدود ۲۰ هزار متر مربع است و بارها ترمیم و بازسازی شده است. در عملیات بازسازی و تعریض منطقه، بخشی از مسجد قدیمی که توسط حاکم عثمانی علی پاشا در سال ۹۵۱ هـ.ق بازسازی شده بود، کشف گردید و در سال ۱۱۷۰ هـ.ق توسط عبدالرحمن کنخدا تجدید بنا شد و پس از تعریض و بازسازی اخیر، میدان و خیابان متعلق به آن، به نام «عقیلة بنی هاشم» نام‌گذاری شده است. (خسروشاهی، پیشین، ص ۱۹۱).

مسجد و مقبره سیده نفیسه علیها السلام

حضرت نفیسه دختر حسن انور بن زید بن ابلج بن امام حسن مجتبی علیه السلام است که در سال ۱۴۵ هجری به دنیا آمده است. وی با اسحاق مومتن فرزند امام صادق علیه السلام ازدواج نموده و از اعتبار بسیار فراوانی در نزد مصریان برخوردار است و مردم اعتقاد زیادی به وی دارند. اولین بنا بر روی قبر آن حضرت توسط عبیدالله بن سری بن حکم والی مصر از ناحیه دولت اموی ساخته شد، سپس در زمان دولت فاطمی در سال ۴۸۲ هـ.ق گنبدی برای آن ساخته شد و در سال ۵۳۲ هـ.ق نیز بازسازی گردید و سپس در قرون بعدی تجدید بنا گردید و مسجدی در کنار آن تأسیس گردید. (خسروشاهی، پیشین، ص ۱۹۳-۱۹۴).

- مساجد و مزارات متعدد دیگری منسوب به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصحاب ائمه علیهم السلام در قاهره وجود دارد که مهم‌ترین آنها اختصاص به بزرگان زیر دارد:

مالک اشتر، محمد حنفیه، محمد بن ابی بکر، سکینه بنت الحسین علیها السلام، رقیه بنت علی علیه السلام، فاطمه بنت الحسین علیها السلام، زید بن علی بن الحسین علیه السلام، ابن سیرین (معبر مشهور خواب).

همچنین مساجد و مزارات متعدد دیگری مربوط به رهبران فرقه‌های مختلف صوفیه در مصر موجود است. بیش از ۸۴ فرقه رسمی صوفی در مصر وجود دارد.

۱۸. کلیساها

کلیسای معلّقه

این کلیسا بر دو برج باقی مانده از آثار قلعه بابلین که مربوط به دوره رومانی‌ها بوده و هر کدام سیزده متر ارتفاع دارد ساخته شده است، به گونه‌ای که زیر کلیسا خالی است و به همین دلیل به نام کلیسای معلّقه خوانده می‌شود. این کلیسا که در منطقه قصر الشمع واقع شده، حدود ۱۷۰۰ سال قدمت دارد.

کلیسای ابی سرجه

از آثار قرن چهارم میلادی است و به نام شهیدان سرجیوس و دواخوس که به دست رومی‌های کشته شده‌اند، نامیده می‌شود. در این کلیسا غاری وجود دارد که گفته می‌شود به مدت یک هفته محل زندگی حضرت مریم علیها السلام، حضرت عیسی علیه السلام و یوسف نجار در سفر آنها از بیت المقدس بوده است و چشمه‌ای در این غار می‌جوشد که به نام آب مقدس خوانده می‌شود. این کلیسا دارای ۱۲ ستون است که به عنوان ۱۲ شاگرد حضرت مسیح علیه السلام از آنها یاد می‌شود.

کلیسای بارباره

این کلیسا به نام یک دختر مسیحی به اسم «بارباره» خوانده می‌شود که در قرن سوم میلادی به علت ایمان آوردن به مسیح به دست پدر مشرکش که وزیر پادشاه زمان بود، کشته شده و استخوان‌های او توسط یکی از مؤمنان به حضرت مسیح از آن منطقه به مصر منتقل و در این کلیسا به خاک سپرده شده است. تاریخ تأسیس این کلیسا به اواخر قرن چهارم میلادی باز می‌گردد.

کلیسای مارجرچس

این کلیسا از قرن چهارم میلادی باقی مانده و به نام «مارجرچس»، از شهدای کلیسا در قرن چهارم به دست رومی‌ها، خوانده می‌شود. در این کلیسا آثاری که گفته می‌شود این کشیش با آنها شکنجه می‌شده وجود دارد که مسیحیان به آنها تبرک می‌جویند.

کلیسای سنت کاترین

این کلیسا در جنوب صحرای سینا قرار دارد و گفته می‌شود وادی طور در پشت این کلیسا واقع شده و درختی که خداوند توسط آن با عیسی سخن گفته است، در این کلیسا موجود است. مسجدی تاریخی در کنار این کلیسا قرار دارد.

کلیسای عذرا

این کلیسا در کنار درخت عذرا بنا شده است. این درخت به حضرت مریم عذرا علیها السلام منسوب است و عمر آن به هزار سال می‌رسد. گفته می‌شود حضرت مریم در سایه آن استراحت نمود.

مهم‌ترین گورهای مسیحیان مصری در سایه این درخت قرار دارد و زائران از آن‌جا دیدن می‌کنند.

از آن‌جا که موضوعات مربوط به مصر، گسترده است، مطالب دیگر از جمله مسایل معاصر مصر در بخش بعدی این مقاله خواهد آمد. ان شاء الله

منابع و مآخذ

- ۱- برندا، اسمیت، مصر باستان، ترجمه: آریتا یاسائی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
- ۲- تکیه‌ای، مهدی، مصر، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۳- حسینیان، میرمسعود، نگاهی کوتاه به مصر و دیدنی‌های زیارتی و سیاحتی آن، انتشارات کتاب نیستان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴- خسروشاهی، سید هادی و دیگران، اهل البيت في مصر، الهدف للإعلام و النشر، قاهره، چاپ اول، ۱۴۲۲.
- ۵- روزنامه الاحرار، مورخ ۱۳۸۰/۱/۳.
- ۶- فلاح‌زاده، محمدهادی، جمهوری عربی مصر، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۷- ماجدی، خزعل، الدین المصری، دار الشروق، عمان، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.

8- <http://fa.wikipedia.org>.

9- <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/eg.html>.

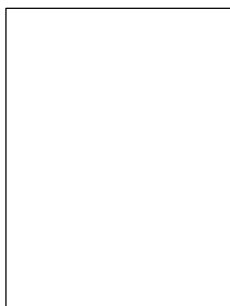


گزارشی از یک کتاب

لا يمشى تقرب

تلخیص و نقد کتاب تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی

مرتضی شیرودی*



نام کتاب: تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی

نویسنده: مونتگمری وات

ترجمه و توضیح: حسین عبدالمحمدی

ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

سال چاپ: ۱۳۷۸ تعداد صفحات: ۱۴۴ قطع: رقعی

چکیده

جهان اسلام به طرق گوناگون، اروپای قرون وسطی را تحت تأثیر قرار داده و این حقیقتی است که دانشمندان زیادی آن را بررسی و تأیید نموده و حاصل مطالعات خود در این مورد را در قالب کتاب‌ها و مقالات متعددی ارائه داده‌اند. البته این تأثیر کمتر به طور همه جانبه بررسی شده است؛ از این رو هدف مونتگمری ارایه نظری جامع در باره حضور اسلام در اروپا و عکس‌العمل اروپایی‌ها در مقابل مسلمانان است. به علاوه، وی در پی اثبات مدیون بودن اروپایی‌ها به فرهنگ و تمدن اسلامی است و هرگونه تلاش برای پنهان ساختن و یا انکار دین اروپا به اسلام را نشانه غرور می‌داند. اما این که آیا او در این راه موفق بوده است یا نه، سؤالی است که مقاله حاضر می‌کوشد به آن پاسخ دهد.

کلید واژه‌ها: اسلام، غرب، اروپا، قرون وسطی، علم، اسپانیا، تجارت و جنگ‌های صلیبی.

معرفی کتاب

کتاب تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی (The Influence Of Islam On Medieval Europe)

توسط ویلیام مونتگمری وات (William Montgomery Watt) نگاشته شده و در خرداد ۱۳۷۸ توسط

* عضو هیئت علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

حسین عبدالمحمدی ترجمه و در پاییز همین سال از سوی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در شمارگان ۲۰۰۰ و در ۱۴۴ صفحه به چاپ رسیده و به شماره ۱۳۷۸ ت ۲ و CB / 251 رده بندی شده است. این کتاب بعد از ذکر مقدماتی که شامل مقدمه ناشر، مقدمه مترجم و مقدمه نویسنده است، از شش فصل تشکیل شده است.

مقدمه

مقاله حاضر در تلاش برای یافتن پاسخ یا پاسخ‌هایی برای سؤال مطرح شده، نخست خلاصه‌ای از فصول ششگانه کتاب را بیان می‌کند:

۱- استیلای مسلمانان بر اروپا؛

۲- تجارت و تکنولوژی اسلامی؛

۳- دستاوردهای مسلمانان در علم و فلسفه؛

۴- جنگ‌های صلیبی یا جنگ علیه مسلمانان؛

۵- علم و فلسفه اسلامی در اروپا؛

۶- اسلام و خودآگاهی اروپا.

سپس به بیان کاستی‌های کتاب، قالب و چارچوب‌های آن و نیز چرایی و چیستی کاستی‌ها و برجستگی آن می‌پردازد.

خلاصه کتاب

در خلاصه‌ای که از کتاب تهیه شده تنها بر نکات مهم آن تأکید شده است و هیچ‌گونه تغییری در ترتیب و محتوای فصل‌ها و نوشته‌های آن ایجاد نشده است:

استیلای مسلمانان بر اروپا: اولین گروه مسلمانان در سال ۷۱۰م. وارد اسپانیا شدند و تا سال ۷۱۵ همه شهرهای اصلی آن را فتح کردند. اسپانیا نخست تحت کنترل تونس‌ها و بعدها دمشق‌ها قرار گرفت و سرانجام از سال ۷۵۶ هجری هویت مستقلی پیدا کرد. مسلمانان در سال‌های حضور خود در اسپانیا کوشیدند قلمرو مرزی خویش را گسترش دهند ولی گاه بخش‌هایی از آن، چون بارسلن در سال ۸۰۱، را دست دادند و گاه سرزمینی تازه را به دست آوردند، به گونه‌ای که در سال ۹۱۲ و در دوره خلافت عبدالرحمن سوم، بر اکثر مناطق شبه جزیره ایبری مسلط شدند.

بعدها حکومت اسپانیا از دست امویان خارج گردید و به دست المنصور افتاد و با مرگ المنصور در سال ۱۰۰۸، سه حکومت محلی حدود ۲۳ سال جای‌گزین آن گردید. این اختلاف راه را برای نفوذ مسیحیان باز کرد، تا این که در سال ۱۰۸۵ شهر تولد و سقوط کرد و سلسله مرابطون (حاکمان اسلامی شمال آفریقا) در سال ۱۰۱۰ بر آنان پیروز شدند و تا سال ۱۱۴۵ بر این کشور حکومت کردند و پس از آن نیز موحدون تا سال ۱۲۳۳ بر اسپانیا حکم راندند.

اما بعد از آن، با بروز اختلافات میان مسلمانان، مسیحیان قرطبه را در سال ۱۲۳۶ و اسیلیه را در سال ۱۲۴۸ اشغال نمودند اما در مورد سیسیل و ایتالیا حوادث به شکل دیگری اتفاق افتاد. شهر سرقسطه در سیسیل در سال ۶۵۲ مورد حمله مسلمانان قرار گرفت ولی طی سال‌های بعد از آن، پیشروی مسلمانان در سیسیل و ایتالیا کند شد تا این که خاندان اغلبی تونس سسینا را در سال ۸۴۲ و شهر باری در ایتالیا را در سال ۸۴۷ و شهرهای پالروم و سرقسطه را در سال ۸۷۸ فتح کردند و سرانجام فتح کامل سیسیل در سال ۹۰۲ اتفاق افتاد.

با شکل‌گیری پادشاهی رومنی، روجر پادشاه در سال ۱۰۶۰ سسینا را فتح کرد و تا سال ۱۰۹۱ تمام جزیره سیسیل را پس گرفت. انگیزه مسلمانان برای حمله به اسپانیا و تصرف آن، جهاد بود اما با توجه به وسعت مفهوم جهاد احتمال این که بسیاری از شرکت‌کنندگان به خاطر به دست آوردن غنایم مادی و نه به خاطر حمیت و غیرت مذهبی در آن شرکت جسته باشند، وجود دارد؛ از این رو یکی از انگیزه‌های مهم همان انگیزه‌های بدوی صدر اسلام بود. این سخن به این معنا نیست که اسلام به وسیله شمشیر گسترش یافته است، بلکه در همه جا، اهالی سرزمین اشغال شده بین انتخاب اسلام و جنگ مختار بوده‌اند.

نکته جالب این که مسلمانان با فتح این سرزمین‌ها مقهور ممالک فتح شده نگردیدند بلکه به ترویج زبان عربی و گسترش علوم اسلامی پرداختند و برخورد آنان با اهل کتاب بهتر از برخورد با کافران و مرتدان بود. تصرف اسپانیا و سیسیل موجب شد که مسلمانان مدتی طولانی در آن شهر بمانند و برخی معتقدند همین حضور بذره‌های کینه جنگ صلیبی را فراهم آورد. اما چرا مرکز اصلی سازماندهی جنگ‌های صلیبی، شمال فرانسه بود؟

تجارت و تکنولوژی اسلامی: تجارت یکی از ابزارهای تاریخی توسعه اسلام بوده و تجار و بازرگانان نقش مهمی در گسترش اسلام داشته‌اند. در عوض، کشاورزی در بین مسلمانان بی اهمیت بود. در واقع، اسلام یک دین شهری بود و به همین دلیل به بازرگان شهرنشین اهمیت بیشتری نسبت به بدویان و روستائیان کشاورز می‌داد. گروه‌های زیادی از مردم ممالک مختلف از طریق تجار

مسلمانان، اسلام آوردند. تجارت در همه مناطق اسلامی از رونق برخوردار بود. دلایل بسط تجارت و بازرگانی از سوی مسلمانان متعدد است، از جمله: سود تجاری ناشی از آن، و مطلوب دانستن آن از سوی اسلام.

تجارت مسلمانان با اروپا از انگیزه‌های استعماری تهی بود؛ از این رو، صادرات مسلمانان را مواد خام و مواد مصرفی و برده تشکیل می‌داد. مسلمانان در یک گستره وسیعی از کیلوا (kilwa) در شرق آفریقا تا تنگه ملاکا در مالزی، ناوگان‌های دریایی تجاری در اختیار داشتند. آنها در ساخت کشتی و جهت‌یاب فعال بودند و رشد و توسعه اصلی جهت نما در اثر تلاش اعراب بوده و ظرفیت‌های بعدی آن مدیون فعالیت اروپائیان است.

اعراب در ارایه نقشه‌های دریایی هم پیش قدم بوده‌اند. گواه این مطلب وجود بسیاری از لغات عربی مربوط به دریا نوردی در زبان‌های اروپایی است. اعراب در کشاورزی ضعیف‌تر از دریانوردی بودند. دلیل آن هم کمی آب در مشرق زمین و قطعه قطعه شدن زمین‌ها بر اساس قانون ارث بود. ولی مسلمانان کشاورزی را در مناطقی از اروپا، چون اسپانیا، که کمی آب وجود نداشت، گسترش داده و محصولاتی چون زعفران، زیره، حنا، روناس و غیره تولید نمودند.

گزارش‌هایی از استخراج و تولید طلا، نقره، قلع و سرب نیز وجود دارد. هم چنین سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی هم شناسایی و جمع آوری می‌شد. حاصل این تلاش‌ها فراهم آمدن رفاه نسبی برای همه مردم حتی در اسپانیا بود. کارگاه‌های تولید کالاهای تجملی و لوکس برای مصارف داخلی و صادرات وجود داشت. به علاوه، مسلمانان در صنعت سرامیک، کریستال، خز، اتاق‌های قوسی سرآمد بودند. عرب‌ها مسئولیت عمده معماری و خانه سازی در اسپانیا را برعهده داشتند. انواع آلات موسیقی در اسپانیا از اختراعات مسلمانان بود. درباره تئوری موسیقی کتاب‌های فراوانی در عربی وجود داشته است.

مسلمانان در صنعت کاغذسازی فعالیت داشتند. افزون بر آن، زندگی مطبوع توأم با قانون‌مداری و نظم از ویژگی‌های اعراب مسلمان اسپانیا بود. در مجموع، یک تجانس فرهنگی در اسپانیای عربی با برتری فرهنگ عربی شکل گرفت، به گونه‌ای که اروپائیان هم لباس عربی می‌پوشیدند. شعر عربی در دربار پادشاهان دیگر اروپایی هم نفوذ کرد. پادشاهی مسیحی مسلمانان را در بخش‌های اداری و مشاوره‌ای به کار گرفتند. در مجموع، می‌توان از این بخش سه نتیجه گرفت:

- ۱- نفوذ اعراب در اروپای غربی عمدتاً از طریق کالاهایی بود که برای زندگی آراسته و زیبا ارایه کردند و پایه مادی زندگی آنها را اصلاح نمودند؛
- ۲- اکثر اروپایی‌ها آگاهی کمی از اعراب و خصوصیات

اسلامی آنها داشتند؛ ۳- زندگی و ادبیات اعراب، فکر و ذهن اروپایی و ذوق شعری اقوام رومی را تحریک نمود.

دستاوردهای مسلمانان در علم و فلسفه: برخی می‌گویند اعراب فقط انتقال دهنده علوم به غرب و قبل از آن، مقلد یونانی‌ها در زمینه علوم بودند، ولی حقیقت آن است که اعراب برخی از علوم را توسعه داده و یا تکمیل کرده‌اند؛ به عنوان مثال، آنها اعداد را تعلیم دادند، بنیان‌گذار علم حساب، توسعه‌دهنده علم جبر، پایه‌گذار علم هندسه و کاشف مثلثات بودند. مدرسه اسکندریه، دانشگاه جندی شاپور و مدرسه حران در جهان اسلام قرار داشت. این پیشرفت‌ها مدیون عصر ترجمه اسلامی است. عصر ترجمه اسلامی موجب توسعه علم گردید؛ زیرا سبیل ترجمه کتاب‌های یونانی به جهان اسلام را در پی داشت. ترجمه اولیه کتاب‌ها از زبان سریانی صورت گرفت و البته نقش مسیحیان نسطوری نیز قابل توجه است.

در بین مترجمان مسلمان حنین بن اسحاق مشهورترین آنها است که بیش‌تر آثار بقراط و جالینوس را ترجمه کرده است. بی‌شک دستاوردهای مسلمانان در عصر ترجمه زمینه عصر ترجمه غربی را فراهم آورد. اولین کتاب‌های یونانی که به زبان عربی ترجمه گردید درباره موضوعاتی بود که برای اعراب فایده علمی و فوری داشت، مانند داروشناسی.

از آن‌جا که طالع بینی در میان اعراب شایع بود و از طرفی دانستن جهت قبله برای اقامه نماز ضرورت داشت از این رو ستاره‌شناسی نیز برای آنان یک موضوع علمی و مفید بود. هم‌چنین ریاضیات کاربرد علمی داشت و در واقع، پیشرفت‌های اولیه اعراب در پرتو ریاضیات صورت گرفت. مسلمانان در مدارس خود، علوم را به شکل ترکیبی می‌آموختند؛ به عنوان مثال، ابوعلی سینا در عین حالی که بزرگ‌ترین فیلسوف مسلمان به شمار می‌رفت یک پزشک برجسته هم بود، یا ابن رشد که از لحاظ فلسفی در حد ابوعلی سینا بود کتاب‌هایی در باب پزشکی دارد. مسلمانان در علم پزشکی مدیون یونان، هند و مصر بودند ولی به کلی آن را دگرگون کردند. مسلمانان بیمارستان و درمانگاه سیار ایجاد نمودند، مانند بیمارستان منصوری قاهره که در دو بخش مجزای زنان و مردان به ۸۰۰ نفر خدمات می‌داد. مسلمانان تا آن‌جا پیش رفتند که انحصار پزشکی را از دست مسیحیان خارج کردند. از مهم‌ترین شخصیت‌های پزشکی اسلامی، رازی، ابوعلی سینا، هالی عباس، ابن عباس مجوسی، ابن میمون و ابن رشد می‌باشند. پزشکان مسلمان در قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی از بیماری‌های مسری آگاهی داشتند.

در علم شیمی یا کیمیاگری، چهره جابر بن حیان از همه برجسته‌تر است و پس از او، بیرونی و

رازی از نام‌داران این علم می‌باشند. نام چند ماده شیمیایی از نوشته‌های جابر اخذ شده، بیرونی وزن چند ماده را از نظر علمی اندازه‌گیری کرده، و فرضیه تغییر شکل عناصر از رازی است. مسلمانان در گیاه‌شناسی هم خبره بودند. گرچه در ابتدا کتاب‌های پزشکی و ستاره‌شناسی یونانی‌ها توجه اعراب را به خود جلب نمود، اما کارهای فلسفی بیش‌ترین نفوذ را در تعلیمات اسلامی پیدا کرد و بیش‌ترین رشد علمی در همین زمینه‌ها پدید آمد.

فلسفه اسلامی دو شخصیت فلسفی (فارابی و ابن سینا) را پروراند که از فلاسفه بزرگ جهان محسوب می‌شوند ولی فلسفه فارابی و ابن سینا با فلسفه افلاطون اختلاف ماهوی داشت؛ به این معنا که آن دو نخست خدا پرست بودند و بعداً فیلسوف، اما فلسفه افلاطونی چند خدایی بود.

جنگ‌های صلیبی یا جنگ علیه مسلمانان: نیروهای اعزامی مسلمانان که برای سرکوب شورشیان کوهستان استوریا رفته بودند توسط گروه بلیو شکست خوردند و از این رو آلفونسو، از سرداران مسیحی، در سال ۷۳۹ دولت کوچکی در این سرزمین اشغال شده تأسیس کرد. پس از آن، نارین در سال ۷۵۱، یا میلوتا در سال ۷۸۹، بارسلون در سال ۸۰۱ و استوریا و لئون در سال ۹۲۴ از تصرف مسلمانان خارج شد.

با قدرت‌یابی مجدد مسلمانان، لئون، استوریا و بارسلون در سال ۹۵۰ عبدالرحمن سوم خلیفه مسلمان را به رسمیت شناختند و پذیرفتند که به عنوان ذمی به حیات خود ادامه دهند. با انحطاط سلسله موحدون مسلمان، لئون و قشتالیه در سال ۱۲۳۰ و قرطبه و اشبیلیه در سال ۱۳۴۳ به دست مسیحیان افتاد. دو قرن پس از آن تغییر چندانی در این وضعیت پدید نیامد تا این که قشتالیه و آراگون در سال ۱۴۷۹ متحد شدند و از این تاریخ شهرهای مستحکم اطراف غرناطه یکی پس از دیگری به دست مسیحیان افتاد و در نهایت، غرناطه در سال ۱۴۹۲ سقوط کرد و به این ترتیب به عمر حضور مسلمانان در اسپانیا خاتمه داده شد.

آن چه از آغاز حمله مسیحیان به مسلمانان (سال ۷۳۹) تا پایان آن (سال ۱۴۹۲) در قرون وسطی نمود بیشتری دارد به راه انداختن جنگ‌های صلیبی از سوی آنان علیه بیت‌المقدس بود؛ یعنی مسیحیان از سال ۱۰۹۱ تا ۱۲۹۴ که جنگ‌های صلیبی ادامه یافت چنان قدرتی یافتند که بارها به ممالک اسلامی حمله کردند، هرچند در اشغال دائمی قدس شکست خوردند و آن شکست‌ها دست‌مایه پیروزی مسلمانان در اندلس گردید.

فهم این مسئله نیاز به بررسی جنگ‌های صلیبی دارد: انگیزه حرکت غربی‌ها در جنگ‌های صلیبی، تعصب عمیق به دین کاتولیک بود. رشد‌گرایش مذهبی بین مسیحیان با آیین جیمز که خود

را برادر دوقلوی خدا تلقی می‌کرد و پیروانش خود را در صورت شرکت در جنگ مورد حمایت خدا می‌دانستند، به تدریج موجب اتحاد مسیحیان شد. البته برخی عقاید دیگر چون: وظیفه پادشاه مسیحی درباره مشرکان این است که آنها را با زور سرنیزه به دین بیاورد، انگیزه عزیمت به سرزمین اورشلیم را تشدید کرد، جنگ را رنگ و بوی مذهبی بیشتری داد و حمل سلاح را برای دفاع از جان جایز شمرد. البته انگیزه‌های غیرمذهبی هم وجود داشت، مانند میل کلیسا به توقف جنگ بین ایالت‌های جامعه مسیحی و میل به سلطه جهانی. اتحاد پادشاه مسیحی، شوالیه‌های مسیحی و زائران مسیحی همه برای آغاز و تداوم جنگ‌های صلیبی مؤثر واقع شد. انگیزه دیگر آن که بیزانس از مسلمانان سلجوقی شکست خورد و شکست خوردگان از پاپ اوربن دوم تقاضای کمک کردند و پاپ در سال ۱۰۹۵ با سخنرانی در کلمون مسیحیان داوطلب را برای اشغال اورشلیم که در تصرف سلاجقه بود، بسیج کرد.

اولین جنگ‌های صلیبی درگرفت و جنگ‌های بعدی را طی دو قرن بعدی به دنبال آورد. سرانجام این جنگ‌ها با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت. جنگ‌های صلیبی آثار فراوانی برای اروپا به ارمغان آورد، از جمله: رونق اقتصادی، پی بردن به شخصیت خویش، ترجمه کتاب‌های اسلامی به زبان لاتین و کمک به جریان اکتشاف آمریکا. به هر صورت، اهمیت فراوان و مثبت جنگ صلیبی برای اروپای غربی به دلیل مقابله جدی آن با جهان اسلام در ابعاد مختلف بود.

علم و فلسفه اسلامی در اروپا: قبل از دوره ترجمه در قرن ۱۲، تلاش‌های پراکنده‌ای از سوی مسیحیان برای پیشرفت در علوم صورت گرفت؛ به عنوان مثال، اولین دانشمندان مهمی که به بررسی دانش عربی پرداختند پاپ سیلوتر، کنتراکتوس آلمانی، کنت تین آفریقایی و آلفونسو بایکل اسات بودند که به ترجمه کتاب‌های ریاضیات، ستاره شناسی و پزشکی مسلمانان اندلسی پرداختند. به این شکل، پزشکی، ریاضی و نجوم از اسپانیا وارد اروپا شد. پس از آن دوره ترجمه اوج گرفت. در امر ترجمه که در اسپانیای مسلمانان متمرکز بود، کلیسا، حکومت و مردم مغرب زمین نقش داشتند و از لحاظ زمانی تمرکز اصلی آن به بعد از دوره جنگ‌های صلیبی برمی‌گردد که تا پایان قرن ۱۳ هم ادامه یافت ولی بخشی از آن ترجمه‌ها تا قرن ۱۶ و ۱۷ ادامه یافت.

در عصر ترجمه لاتینی، یهودیان ذمی نقش مؤثری داشتند؛ مانند جوادیس (متوفی ۱۱۶۷) که آثار وی به دو صورت بود؛ ترجمه آثار از متون لاتینی به عربی و عبری و از عربی به لاتین. به این ترتیب، اروپایی‌ها اعداد را از اعراب گرفتند، البته معرفی جدی اعداد عربی از خلال انتشار کتاب

محاسبه در تاریخ ۱۲۰۲ تألیف لئوناردو، اهل پیزا، صورت گرفت. ستاره‌شناسی مسلمانان در سال ۱۱۰۶ از طریق یک یهودی اسپانیایی به نام پدرو آلفونسو به اروپایی‌ها منتقل شد. علم پزشکی قبل از نفوذ و تأثیر اعراب در سطح پایینی قرار داشت و یکی از منتقل‌کنندگان پزشکی اسلامی، اسامه بن منقذ بود. مدرسه پزشکی مون پلپه در جایی بوده است که تعداد زیادی عرب و یهود در آن جا زندگی می‌کردند. این مدرسه و حتی مدرسه پزشکی سالرنو با مدارس عربی اسپانیا ارتباط داشتند. به رغم این که کلیسا جراحی را ممنوع ساخته بود ولی مداوای جنگ‌جویان صلیبی با استفاده از تجربه پزشکی مسلمانان، کلیسا را وادار به عقب نشینی کرد. احتمالاً احداث اولین بیمارستان‌ها ناشی از تجربه جنگ صلیبی است.

آموزه‌های بالینی از دیگر دستاوردهای عربی برای دنیای غرب بود. پزشکی اروپا در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ نیز وابسته به پزشکی اعراب بود. کتاب قانون ابن سینا از سال ۱۴۷۳ تا سال ۱۶۵۰ همواره مورد استفاده قرار می‌گرفت. ترجمه کتاب «پرسش‌های طبیعی» به گسترش دانش غرب در زمینه مابعدالطبیعه کمک کرد. پیوند بین خداشناسی اسلامی و فیزیک غربی نوع جدیدی از خداشناسی را در غرب پدید آورد که در فلسفه آکوئیناس قدیس به اوج خود رسید. تفکرات افلاطونی که تعلیمات ابن سینا از آن حمایت می‌کرد، تأثیر فراوانی بر فکر اروپایی گذاشت. درک عمیق مکتب ارسطویی بیش از همه از طریق ترجمه‌های آثار ابن رشد، به خصوص از تفسیرهای وی بر متافیزیک ارسطو، پدید آمد.

نتیجه این که: دانش و بینش عربی علاوه بر معرفی موضوعات جدید، با نگرش کلی به جهان متافیزیک، فکر اروپایی را تقویت نمود. همه رشته‌های علمی اروپایی آگاهی خود را از طریق آثار ترجمه شده عربی به دست آوردند؛ یعنی طرفداران توماس آکوئیناس قدیس و هم چنین افلاطونیان محافظه کار همانند بوناوتتو و افلاطونی‌های علم‌گرا چون روبرت گروستسته و روجر باکن و همه سلسله‌های بعدی فلاسفه اروپایی به طور عمیق مدیون نویسندگان عربی‌اند.

اسلام و خودآگاهی اروپا: به رغم ارتباط نزدیک مسلمانان و مسیحیان، مسیحیان تصویر نادرستی از اسلام پیدا کردند؛ به عنوان مثال، آنان مسلمانان را کسانی دانستند که چون بت‌پرستان محمد را پرستش می‌کردند، یا محمد را چون یک ساحر یا حتی یک اهریمن در نظر می‌گرفتند. در مجموع، مسیحیان در چهار زمینه اصلی برداشت‌های نادرستی از اسلام و مسلمانان پیدا کردند:

۱- در اروپای قرون وسطی دیدگاه‌های مردم از طبیعت، انسان و خدا، چنان تحت تأثیر کتاب

مقدس بود که تصور وجود شیوه جای‌گزین برای بیان این دیدگاه‌ها غیرممکن بود. در نتیجه، هر گاه تعلیمات اسلام با مسیحیت تعارض داشت ناصواب تلقی می‌گردید و پذیرفته نمی‌شد. آهنگ اصلی تفکر اروپایی در این موضوع، به وسیله عبارتی از توماس آکویناس قدیس در کتاب سوم کونتراجنیٹلس آمده است؛ او که متفکرترین و معتدل‌ترین اندیشمند مسیحی قرن سیزدهم بود، پس از بحث درباره چگونگی تثبیت و حمایت دین و ایمان مسیحی با دلایل و نشانه‌های زیاد، بر این ادعا اصرار می‌کند که دلایل محکمی وجود ندارد که شخصی همانند محمد بنیان‌گذار چیزی باشد که مذهب نامیده شود. او علاوه بر جذابیت شهوانی اسلام، سادگی دلایل یا مباحثی را که به وسیله محمد ارایه شده یادآوری می‌کند و هم چنین از مخلوط کردن حقیقت با افسانه‌ها و اسطوره‌ها از سوی او و اظهار نظریه‌های باطل و عدم ارایه معجزه برای اثبات ادعایش سخن گفته است. او هم‌چنین اولین پیروان وی را افرادی می‌داند که نسبت به مسایل الهی آگاهی نداشتند و در بیابان زندگی می‌کردند و هر پیشنهادی را بدون ارزیابی می‌پذیرفتند. عده زیادی با این خصلت در اختیار محمد قرار گرفتند و او با قدرت نظامی آنها توانست دیگران را به پذیرش اسلام وادار نماید. گرچه او ادعا کرد که کتاب مقدس از نبوت او خبر داده، اما تجربه نشان می‌دهد که او همه آیات عهد قدیم و جدید را تحریف نموده است.

در حالی که آکویناس و دیگر نویسندگان اظهار کردند که محمد حقیقت را با مطالب کذب در هم آمیخت، برخی پا را فراتر نهاده و ادعا کردند هر جا او مطلب درستی گفته است، آن را زهرآلود ساخته و تحریف نموده است، از این رو جملات درست نیز بیهوده است و صرفاً برای پنهان ساختن انحراف گفته شده است. چنان‌که اگر کسی با دقت به همه کتاب او با حيله گری‌های شگفت‌آورش توجه کند خواهد دید هر گاه او می‌خواهد درباره مسایل ناپسند سخن بگوید آن را با مطالبی در مورد نماز، روزه و ستایش پروردگار می‌آمیزد. تصویر اسلام از این جنبه با تصویری که از مسیحیت ارایه می‌گردد مغایرت دارد؛ زیرا کتاب مقدس به عنوان یک تجلی و بیان خالص از حقیقت الهی دیده می‌شود، که دارای قالبی مطلق و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است. تعلیمات مسیحی برای پرسش‌های عقلانی در زمینه آموزش و فرهنگ افراد ارایه شده، و به وسیله شواهد معتبر تاریخی حمایت می‌گردد.

۲- این فکر رایج بود که اسلام با شمشیر گسترش یافته است، حتی دانشمندی همانند آکویناس قدیس چنین می‌اندیشند که محمد مذهبش را به وسیله قدرت نظامی گسترش داد. هم چنین تصور می‌شود خواست مذهب مسلمانان این باشد که مخالفان خدا و پیامبرشان را بدزدند، زندانی کنند یا

بکشند و به هر شکل که می‌خواهند شکنجه دهند و نابود سازند. یک مدافع خط مقدم جنگ‌های صلیبی به نام همبرت رومی تا آن جا پیش رفته است که می‌گوید: مسلمانان نسبت به مذهبشان بسیار متعصب‌اند و از این رو هر جا قدرتی پیدا کنند بی‌رحمانه کسی را که علیه دینشان سخن گوید گردن می‌زنند.

فعالیت‌های نظامی مسلمانان، چنان که داستان‌های زیادی در این مورد وجود دارد، منجر به توسعه سیاسی گردید، و تغییر کیش و پذیرش اسلام از طریق سخنرانی یا فشارهای اجتماعی صورت گرفت. مفهوم این مطلب که اسلام مذهب خشونت است در تقابل با تصویری است که از مسیحیت به عنوان مذهب صلح و آرامش یاد می‌کند که برای تشویق و متقاعد ساختن افراد، گسترش یافته است. این عجیب است که افراد شرکت کننده در جنگ‌های صلیبی معتقد بودند مذهبشان مذهب صلح است و مذهب مخالفان خود را مذهب خشونت می‌دانستند. ولی احتمالاً هدف جنگ‌های صلیبی به هیچ وجه تغییر دین مخالفان با استفاده از زور نبود، بلکه همان‌گونه که آکویناس قدیس اظهار کرد، برای جلوگیری از کفار در محو نمودن دین مسیحی بوده است و این امر شامل باز پس‌گیری سرزمین‌هایی که واقعاً مسیحی بودند، می‌شود.

۳- اسلام در منظر اروپاییان قرون وسطی مذهبی زیاده‌رو، به خصوص در مسایل جنسی، بود. تعدد زوجات، موقعیت خاصی در این تصویر از اسلام داشت. غالباً چنین تصور می‌شد که به جز محدودیت مالی شخص، هیچ چیز مانع داشتن زنان متعدد نیست. آیاتی از قرآن غالباً اشتباه تفسیر و ترجمه شده است تا منبعی برای توجیه اعمال ناشایست جنسی باشد. دست‌کم یک نویسنده، آیه‌ای در قرآن یافته که به نظر او زنا را مجاز شمرده است. دیگران نیز مسایل زندگی جنسی مسلمانان را طوری درهم آمیخته‌اند که لذت بخش جلوه کند. گفته شده که شکل‌های حیوانی و غیر طبیعی آمیزش بین زن و مرد ترغیب شده است. حتی گفته شده است که هم‌جنس‌بازی در قرآن مجاز شمرده می‌شود. به خاطر اهمیت شهوت جنسی اسلامی، در قرآن تصاویری از بهشت آمده است، و به مؤمنان بشارت حوریه یا دختران باکره سپاه چشم داده شده و این به طور خاص یک افتضاح شمرده شده است.

زندگی خانوادگی محمد بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است و این انتقادات غالباً بر اساس اظهارات غلط و اغراق آمیز بنا شده است. برخی از جزئیات این تصویر اروپای قرون وسطی از اسلام، واقعیت دارد؛ زیرا یک مسلمان علاوه بر کنیزان، می‌تواند چهار زن داشته باشد، و ممکن است زنی را بدون هیچ دلیل موجه طلاق بدهد؛ گر چه ازدواج‌ها و طلاق‌ها بر اساس قانون تنظیم گشته و به صورت اتفاقی رخ نمی‌دهند.

در مورد روابط جنسی خارج از ازدواج، برخی از جوامع اسلامی ملتزم به پاک‌دامنی هستند و دختری که بچه حرام زاده بیاورد ممکن است به وسیله اعضای خانواده‌اش کشته شود؛ زیرا به شرافت خانواده ضربه زده است. زنا بین دو نفر که متأهل هستند (زنای محصنه) موجب سنگسار شدن آنها خواهد شد. در نظر اروپایی‌ها، مسلمان در زمینه‌های دیگر نیز افراط‌گرا بودند. در زندگی دلپذیر اسپانیای اسلامی و سیسیل، تجملاتی که آنان توان بهره جستن از آنها را نداشتند، به عنوان افراط ذکر شده است. هم‌چنین گفته شده که قرآن به افراد تعلیم داده که هرگاه پیمان به آسایش آنان لطمه می‌زند می‌توانند آن را نقض نمایند و اظهار می‌کنند که شخص بدون داشتن اعمال صالح نیز می‌تواند وارد بهشت شود؛ از این افراد به عنوان شهدا (کشته شدگان در راه دین) یاد می‌شود.

به علاوه، تصور شده که اعتقاد مسلمانان به قضا و قدر، عذری برای تنبلی و سستی آنان است. گرچه اسلام رهبانیت را مذمت کرده و عدم تأهل را نیز شرافت ندانسته، اما شکل‌هایی از ریاضت‌های بزرگ را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، روزه ماه رمضان که یک کار دشواری است و نیاز به پایداری دارد از سوی عده زیادی، در کشورهای اسلامی انجام می‌گیرد.

ارایه چنین تصویری از اسلام به طور تلویحی بیان‌گر این است که جامعه مسیحیت افراطی نبوده است. مسیحی ایده‌آل تمام عمر خود را بایک زن سپری می‌کند و افراط در آمیزش حتی تنها با همسر نیز امر مطلوبی نیست، و توان‌مندی‌های جنسی برای تولید نسل و نه به خاطر لذت تلقی می‌شود.

۴- برای برخی اسلام شناسان اروپایی کافی نبوده که بگویند قرآن در بردارنده مطالب کذب است و محمد پیامبر نبوده است. کشیش پیتز بر اساس اندیشه‌ای که آن‌را از برخی خداشناسان یونانی گرفته، می‌گوید: اسلام مذهب الحادی است و مسلمانان باید به عنوان بت پرست تلقی شوند. فکر اصلی مسیحی در این مورد چنین بود که محمد پیامبر نبوده و با این حال مذهبی را پایه‌گذاری نموده است. او به طور مطلق مروج پلیدی بوده؛ بنابراین او باید آلت دست و نماینده شیطان باشد. به این ترتیب، اسلام به طور دقیق در نقطه مقابل مسیحیت قرار می‌گیرد.

قوت‌ها و برجستگی‌ها

نکات مثبت و برجسته‌ای در کتاب مونت‌گمری وات وجود دارد. این نکات با توجه به این که نویسنده کتاب، غربی است و در فرهنگ و تمدن غرب پرورش یافته دارای اهمیت بسیاری است. البته در این‌جا اشاره به همه نکات قوت اثر وات میسر نیست و تنها به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱- وات ادعا می‌کند که در صدد است مطالب کتاب را از نگاه یک مسلمان و نه به عنوان یک مورخ اروپایی بیان نماید. البته به عنوان یک مسلمان مبتدی و در آغاز کتاب از مبتدی بودن خود عذرخواهی می‌کند. نگاه او به مسلمانان رقیبانی نیست که به زور و سرزده وارد اروپا شده‌اند، بلکه آنان را نمایندگان یک تمدن با دستاوردهای بزرگ تلقی می‌نماید که به دلیل شایستگی‌هایشان در بخش وسیعی از کره زمین مسلط شدند و بر سرزمین‌های مجاور تأثیر مثبت گذاشتند؛ (ص ۱۶).

۲- به نظر می‌رسد در فتح مجدد سیسیل توسط مسیحیان انگیزه‌های مادی قوی‌تر از انگیزه‌های مذهبی بوده و البته سیسیل در بسیاری از زمینه‌ها به عنوان قسمتی از جهان اسلام باقی مانده و ظواهر زندگی عده‌ای از حکام به مسلمانی بیشتر شباهت داشت تا به مسیحیت، به ویژه زندگی روجر دوم در سال‌های ۱۱۳۰ تا ۱۱۵۴ میلادی و نوه وی فردریک دوم در سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۱۵۰ میلادی؛ (ص ۲۴).

۳- پس از این که محمد در سال ۶۲۲ میلادی به مدینه هجرت کرد عده‌ای از پیروانش به خصوص کسانی که از مکه با وی آمده بودند با استخدام و به کار گرفتن همان نیرو و روحیه بدوی توانستند بر ضد مخالفان خود سازمان‌دهی نمایند و دیگران را به شرکت در این حملات ترغیب کنند. قرآن این حملات را جنگ در راه خدا یا کوشش در راه خدا نامید؛ (ص ۲۵).

۴- برخورد مسلمانان با اهل کتاب بهتر از برخورد آنان با بت‌پرستان بود؛ زیرا اهل کتاب مجاز بودند زیر نظر رهبر مذهبی، استقلال داخلی داشته باشند و البته هر فردی از اعضای گروه می‌بایست مالیات سرانه به دولت اسلامی پرداخت کند. علاوه بر این، مبالغ دیگری نیز بر اساس قرارداد دوره‌ای به حاکم اسلامی می‌پرداختند و در عوض، این گروه‌ها گاهی زیر نظر دولت اسلامی زندگی بهتری نسبت به سابق پیدا می‌کردند و این افتخاری برای دولت اسلامی بود که به طور جدی از این‌گونه افراد حمایت می‌کرد؛ (ص ۲۷).

۵- برای مورخ اروپایی که از هجوم آلمانی‌ها، اسلاوها، مجارها و اسکاندیناوی‌ها اطلاع دارد این خطر وجود دارد که غلبه عرب بر اسپانیا را با هجوم بربرها مقایسه کند. البته این حقیقت قابل انکار نیست که تأثیر بربرهای مهاجم در سنت‌های سیاسی و اجتماعی اروپا ارزش زیادی داشته اما نمی‌توان آنها را با عرب برابر دانست و این حقیقتی است که قابل کتمان نیست؛ (ص ۳۱).

۶- این سخن درست است که موقعیت قرآن در اسلام به مراتب بالاتر و اساسی‌تر از موقعیت کتاب مقدس در مسیحیت است چون بخش‌هایی از قرآن در عبادت روزانه تکرار می‌شود و تقریباً همه مسلمانان بخشی از قرآن را و عده کمی از آنان همه قرآن را حفظ هستند و نیز، مسلمانان از

همان آغاز تأکید می‌کردند که نمی‌توان قرآن را چنان که شایسته است به زبان‌های دیگر ترجمه نمود. در نتیجه این سیاست وقتی غیرعرب‌ها مسلمان می‌شدند مجبور بودند قرآن را به عربی قرائت و حفظ کنند. همین امر باعث شد ادبیات زبان عربی مطالعه گردد و فرهنگ لغت بر آن تدوین شود؛ (ص ۳۴).

۷- حضور مسلمانان در اسپانیا و سیسیل از قرن هشتم به بعد و حضور اروپا در مشرق زمین در دوران جنگ‌های صلیبی به اشتراک فرهنگی بین آنها یا به عبارت دقیق‌تر، به پذیرش بسیاری از ویژگی‌های فرهنگ اسلام به وسیله اروپائیان غربی انجامیده است. بدون تردید گسترش فرهنگ اسلامی با مهارت و قدرت عرب‌ها در زمینه تجارت و بازرگانی میسر گردید؛ (ص ۴۹).

۸- اعراب اسپانیا از تنوع گسترده محصولات کشاورزی و معدنی، بیشتر برای لذت بردن از زندگی و کمتر برای ثروت‌مند شدن بهره می‌بردند، حتی فقیرترین طبقات جامعه نیز سهمی از بهترین چیزهای اسپانیای اسلامی دارا بودند. یک جهانگرد جدید که با زیبایی‌های قصر اشبیلیه روبه‌رو می‌شود چیزهایی از زندگی تجملی مردمی که قبلاً در این جا زندگی می‌کردند ملاحظه می‌کند؛ (ص ۵۲).

۹- کاغذ در چین اختراع شد و گفته می‌شود در قرن نهم برخی از صنعت‌گران چینی که به دست مسلمانان اسیر شده بودند آزادی خودشان را با تولید کاغذ به دست آوردند. اهمیت کاغذ زود فهمیده شد؛ زیرا خیلی ارزان‌تر از پایروس مصری بود. وزیر هارون الرشید، یعنی یحیی برمکی، اولین کارخانه کاغذ سازی را در حدود سال ۸۰۰ میلادی در بغداد ساخت؛ (ص ۵۶).

۱۰- مطلب مهم در باره دستاوردهای عرب‌ها در علم و فلسفه این است که آنها تا چه حدی صرفاً انتقال دهنده علوم و کشفیات یونانیان بوده‌اند و تا چه حدی خود در ساختن آن به نحو اصولی سهمیم بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد بسیاری از دانشمندان اروپایی مغرضانه به این موضوع پرداخته‌اند، حتی بعضی از افرادی که اعراب را ستایش کرده‌اند در تألیف خویش بی طرف نبوده و کار خود را همراه با تعصب و غرض انجام داده‌اند؛ (ص ۶۱).

۱۱- شمال آفریقا نقش کامل خود را در مطالعات ریاضی و نجوم ایفا کرد. بنابراین، دانشمندان اروپایی توانستند با وضعیت زندگی در آن‌جا آشنا شوند. اولین فرد در این مورد یک مسلمان مجاری بود که غالباً در سویل زندگی می‌کرد و در حدود سال ۱۰۰۷ میلادی از دنیا رفته است. در نیمه اول قرن یازدهم دو ستاره‌شناس و ریاضی‌دان مهم به نام‌های ابن‌السمح و ابن‌الصفار و یک ستاره‌شناس به نام ابن ابی‌رجال مورد توجه بودند؛ (ص ۷۰).

۱۲- هنگامی که انسان از تجربه‌های فراوان مسلمانان، افکار و تعلیمات و نویسندگان آنان آگاه باشد در می‌یابد که علم و فلسفه اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی‌یافت. در واقع مسلمانان فقط انتقال دهنده افکار یونانی نبودند، بلکه به عنوان حاملین اصیل هم تعلیم دادند و هم توسعه، در حالی که اروپایی‌ها در حدود سال ۱۱۰۰ میلادی از علم و فلسفه دشمنان عرب خود لذت می‌بردند، این رشته‌ها در اوج خود بودند و اروپایی‌ها تلاش می‌کردند تا در حد توان در علم و فلسفه از اندوخته‌های آنان بهره ببرند؛ (ص ۸۱).

۱۳- در مناطقی که دولت عربی مسلط بود، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان آزادانه با هم بیوند داشتند و کاملاً در ساختن فرهنگ عمومی مشارکت می‌نمودند. تأثیر اختلاف مذهبی، به دو دلیل بسیار ضعیف بود: ۱- مسلمانان و مسیحیان ارتباطات عقیدتی با یکدیگر داشتند؛ ۲- به خاطر پذیرش عمومی فرهنگ غالب، دست‌کم در شهرهای بزرگ؛ (ص ۸۸).

۱۴- نمی‌توان میزان انگیزه‌های مادی و معنوی افراد و گروه‌های شرکت‌کننده در جنگ‌های صلیبی را به راحتی تعیین نمود. گاهی احساسات عمیق مذهبی وجود داشته اما در زمان‌های دیگر سلطه جهانی هدف جنگجویان بوده است. به عنوان مثال، در ریکانکویستای اسپانیا احساسات مذهبی بیشتر از جنگ نورمن‌های جنوب ایتالیا و سیسیل وجود داشته است؛ (ص ۹۵).

۱۵- هر کس به مطالعه و بررسی اسلام بپردازد و به اروپای قرون وسطی بنگردد دو نکته بیش از هر چیز دیگر او را به شگفت می‌آورد: ۱- تصور غلطی که از اسلام بین قرون دوازدهم تا چهاردهم در اروپا شکل گرفت و تا حدی از همان زمان بر طرز تفکر اروپایی غالب شد؛ ۲- شیوه غیر عادی رسوخ جنگ صلیبی در قلب و ذهن اروپایی‌ها؛ (ص ۹۹).

۱۶- اهمیت اصلی حرکت صلیبی این بود که اروپای غربی از خلال آن به شخصیت خود پی برد. این نتیجه مثبت به مراتب مهم‌تر از شکست سیاسی و نظامی بود؛ زیرا به رغم این شکست، به خاطر دلایل دیگری به برنامه خود ادامه داد. از طرف دیگر، جامعه مسیحیت شرقی به طور جدی به وسیله جنگ‌های صلیبی ضعیف شد و در نهایت، تسلیم ترکان عثمانی گردید. در این بخش، نتیجه جنگ‌های صلیبی مخالف هدف اولیه بود؛ (ص ۱۰۲).

۱۷- مدتی قبل از اثبات اعداد عربی، در بسیاری از اهداف کاربردی از آنها استفاده می‌شد. به همین دلیل، همراه با اعداد، واژه‌های مختلف عربی به زبان اروپایی راه یافت، به عنوان مثال، کلمه «chiffre» در زبان فرانسه، «ziffer» در زبان آلمانی، «cipher» در زبان انگلیسی همه از کلمه «صفر» عربی، به معنای تهی و خالی، گرفته شده است؛ (ص ۱۱۲).

۱۸- احتمالاً تجربه جنگ‌های صلیبی اروپائیان را به تأسیس اولین بیمارستان‌ها که منحصر به نگهداری افراد بیمار بود، هدایت کرد، اما این مراکز هنوز با بیمارستان‌های استاندارد عربی که برای بیماران عفونی، اتاق‌های جداگانه‌ای در نظر گرفته بود فاصله داشت و حتی پزشکان، بیماران را در بیمارستان‌ها ویزیت می‌کردند. تجربه دیگر عرب، آموزش‌های بالینی به دانشجویان در بیمارستان‌ها بود که در اروپا تا سال ۱۵۵۰ مورد توجه قرار نگرفت؛ (ص ۱۱۷).

۱۹- دانش و بینش عربی علاوه بر معرفی موضوعات جدید، از طریق نگرش‌های کلی به جهان متافیزیک، فکر اروپایی را تقویت نمود. در واقع، همه رشته‌های علمی اروپایی آگاهی خود را از طریق آثار ترجمه شده عربی به دست آوردند. به بیان دیگر، همه سلسله‌های فلاسفه اروپایی به طور عمیق مدیون نویسندگان عرب‌اند و البته همان‌طور که افرادی چون توماس آکویناس مرهون مکتب ارسطویی ابن رشدند مدیون سیگراهل بریرنت نیز هستند؛ (ص ۱۲۲).

۲۰- اروپائیان تصور می‌کنند که مسلمانان می‌توانند زنی را بدون هیچ دلیل موجه طلاق بدهند، یا دختری که بچه حرام زاده بیاورد ممکن است از سوی خانواده‌اش کشته شود، اما ضربه نهایی از سوی نهادهای قانونی منع می‌گردد و اجرا نمی‌شود یا کمتر به انجام می‌رسد. در بهشتی که قرآن تصویر می‌کند در واقع حوریه یا جانشینی از او وجود دارد اما برترین لذت دیدار خداوند است؛ بنابراین، تصویر قرون وسطی از مسایل جنسی اسلامی بسیار مسخره‌آمیز است؛ (ص ۱۳۰).

۲۱- اسلام نه تنها اروپا را از نظر عقلانی در زمینه‌های علم و فلسفه برانگیخت بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود به وجود آورد. از آن‌جا که اروپا علیه اسلام عکس‌العمل نشان می‌داد تأثیر مسلمانان را بی‌اهمیت جلوه می‌داد و در وابستگی خود به میراث یونان و روم مبالغه می‌کرد. وظیفه مهم ما اروپائیان غربی‌چنان که رو به دنیای واحد حرکت می‌کنیم این است که این اشتباهات را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خود به عرب و جهان اسلام اعتراف نماییم؛ (ص ۱۴۳).

کاستی‌ها و نقص‌ها

به رغم این که مونته‌گمری وات کوشیده تا تأثیر اسلام را بر اروپای قرون وسطی بدون تعصب و پیش‌داوری بررسی کند اما به دلیل این که به جامعه مسیحیت اروپایی تعلق دارد (ص ۱۶) دچار لغزش فراوانی شده است، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- جامعه مسیحیت لاتینی در سبیل تحت فشار نظامی مسلمانان واقع شد. اولین حمله آنان به

سیسیل در سال ۶۵۲ میلادی به وقوع پیوست و در این حمله شهر سرقسطه به یغما رفت. این حمله به طور دقیق پس از این بود که عرب‌ها یک ناوگان دریایی به دست آوردند و به وسیله آن توانستند در مقابل ناوگان بیزانس مقاومت نمایند و حملات متعددی را علیه بیزانسی‌ها سامان دهند اما تا قرن نهم نیروی اشغال‌گر مسلمانان در جهات دیگر به کار گرفته شد؛ (ص ۲۲).

۲- حمله مسلمانان گرچه برای ساکنان اسپانیا امری غیرمنتظره بود اما برای خود آنان امری عادی و برنامه‌ای از پیش تعیین شده به حساب می‌آمد که از زمان محمد آغاز شده بود. این برنامه شکل دیگری از غارت‌های بدوی بود که قبایل عرب قرن‌ها با آن خو گرفته بودند. هدف بدوی‌ها در آن حملات معمولاً گرفتن شترها و حیوانات بود؛ یعنی این که به دست آوردن اموال نقش مهم‌تری داشت و نابودی افراد هدف اصلی نبود؛ (ص ۲۵).

۳- یک مسیحی احساس می‌کرد که یک شهروند درجه دوم است. نتیجه این احساس در دراز مدت این بود که افراد از مسیحیت به اسلام تغییر عقیده می‌دادند ولی مسلمانان از تغییر عقیده آنان چندان خشنود نبودند و در اواخر قرن هفتم میلادی رهبران مسلمان واقعاً از این کار استقبال نمی‌کردند؛ زیرا اسلام آوردن اهل ذمه باعث کم شدن مالیات سرانه و آشفته شدن وضع اقتصادی دولت می‌شد؛ (ص ۲۷).

۴- در حقیقت، تجارت یکی از ویژگی‌های جوامع بشری در مرحله نخست توسعه یافتگی آنان است، اما این امر در تمدن اسلامی همواره از موقعیت خاصی برخوردار بوده است. اسلام در آغاز مذهب تجار و بازرگانان بود نه مذهب دهقانان و صحرا نشینان. عقیده یکتاپرستی با تجربه‌های محدود بشری در بیابان وسیع خشک ترکیب شد و در قرن نهم مورد پذیرش دیگران قرار گرفت اما چندان ریشه‌دار نبود؛ (ص ۳۹).

۵- اوضاع جهان اسلام فعالیت تجاری را امکان‌پذیر ساخت و مسافرت دست کم برای مسلمانان آسان بود. به نظر می‌رسد این مطلب که در هر محل یک منطقه آزاد تجاری بوده، درست باشد. البته این به آن معنا نیست که موقعیت و گستردگی آنها در همه جا یکسان بوده است ولی این مطلب روشن است که تجارت در همه مناطق رونق گرفت و جهان اسلام را به یک فرهنگ مادی سوق داد؛ (ص ۴۲).

۶- معمولاً اعراب به کشاورزی پیشرفته نپیوستند؛ زیرا سیستم‌های تصدی و مالکیت زمین در اسلام در ترکیب با قانون ارث اسلامی منجر به قطعه قطعه شدن زمین‌ها می‌گردید و اخذ زکات که از سوی مأموران دولتی کنترل می‌شد مالکان زمین را از اجرای طرح‌های کشاورزی مولد و پر تولید و یا پذیرفتن روش‌های پیشرفته کشاورزی دلسرد می‌کرد؛ (ص ۵۰).

۷- مونتگمری از نویسندہ‌ای به نام «بارون» نقل می‌کند: ما نباید انتظار داشته باشیم که در میان اعراب نسل قدرت‌مند، صاحب ذوق، دارای تفکر علمی و صاحب اندیشه‌ای اصولی، همانند آنچه در بین یونانیان وجود داشته، پیدا کنیم. بلکه اعراب قبل از هر چیز مقلد یونانی‌ها هستند و دانش آنها دنباله‌ای از دانش یونانیان است که آن را حفظ کرده، پروراند و در برخی موارد توسعه داده و تکمیل نموده‌اند. سپس مونتگمری می‌نویسد: با توجه به آنچه افرادی چون بارون نقل کرده‌اند یک ارزیابی از دستاوردهای اعراب کار مشکلی است؛ (ص ۶۴).

۸- آموزش عالی به طور عمده اختصاص به علوم و شاخه‌های مذهبی داشت که مهم‌ترین آنها فقه بود. علوم بیگانه در مراکز دیگر همانند مدارس پزشکی و با روش‌های غیررسمی مطالعه می‌شد. به همین جهت عالم متوسط مسلمان آگاهی کمی از علم یونانی داشت مگر ایده‌های فلسفی که در نوشته‌های خدانشناسی معتزله جایگاه خاصی داشته است. ترجمه‌های زیادی از آثار فلسفی یونان در طول قرن نهم انجام گرفت ولی در قرن هشتم بیش از یک یا دو ترجمه وجود نداشته است؛ (ص ۷۸).

۹- شور مذهبی برای جنگ، بین مسلمانان ظاهر نشد مگر پس از مدتی که در میان مسیحیان ظهور یافته بود. گرچه فتح عمومی اسپانیا و حملات تابستانی می‌تواند به عنوان جهاد تلقی شود، اما تعصب مذهبی کمی در شرکت کنندگان وجود داشت و بی‌تردید بیشتر آنها برای به دست آوردن غنیمت حرکت می‌کردند و تقریباً تا آخر قرن دهم انضباط مذهبی به ویژه دستورات و قوانینی که زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌داد چندان مورد توجه نبود. (ص ۸۹).

۱۰- قرن‌ها اسلام دشمن بزرگی برای مسیحیت به حساب می‌آمد که مدیترانه را از اسپانیا تا سوریه تحت کنترل داشت و ظاهراً بدون هیچ محدودیتی در حال گسترش سلطه خود به سمت شرق و جنوب بود. حتی پس از سال ۱۱۰۰ میلادی هنوز مردم اروپای غربی فکر می‌کردند مسلمانان بیش از نیمی از جهان را در اشغال خود دارند. بسیاری نیز از برتری فرهنگی عرب‌ها آگاهی داشتند و کسانی که عرب‌ها را در اسپانیا، سیسیل و یا در مناطق دیگر دیده بودند شاهد عقیده راسخ و صادقانه آنها در برتر دانستن مذهب خود بودند. به طور خلاصه، تلقی اروپائیان از مسلمانان عرب تصور کسی بود که ترس زیاد را با کمالات محدودی در هم آمیخته باشد؛ (ص ۹۹).

۱۱- تلقی اروپای غربی از عرب‌ها مشتمل بر دو عنصر متضاد بود: از طرفی ترس زیاد و از طرفی تحسینی که قرین اعتراف بود. در پایان قرن یازدهم با تصرف طلیطله در سال ۱۰۸۵، تکمیل فتح سیسیل در سال ۱۰۹۱ و سقوط اورشلیم در سال ۱۰۹۹ ترس اروپائیان از مسلمانان افزایش یافت. تنها در قرن دوازدهم بود که دانشمندان اروپایی علاقه‌مند شدند از اعراب به خاطر آنچه که در زمینه

علم و فلسفه از آن‌ها فرا گرفته بودند قدردانی کنند و به مطالعه آثار عربی در این زمینه‌ها و ترجمه عمده آنها بپردازند؛ (ص ۱۰۳).

۱۲- مدرسه قدیمی دیگر پزشکی احتمالاً شاخه‌ای از سالرنو باشد که در شهر مون پلپه واقع شده بود. در سال ۱۱۳۷ میلادی از دانشجوی هنر اهل پاریس می‌شنویم که برای مطالعه مسایل پزشکی به مون پلپه رفته است. در این شهر جمعیت نسبتاً زیادی از عرب، یهود و مسیحیان حضور داشتند و در اوایل قرن دهم ارتباط نزدیکی با مدارس جنوب اسپانیا داشت. به همین دلیل، سهم مون پلپه در توسعه پزشکی اروپا مهم‌تر از آن است که عموماً مطرح می‌شود؛ (ص ۱۱۷).

۱۳- به طور طبیعی برخی از اولین کسانی که فهم درستی از اسلام ارایه کردند همان مترجمانی بودند که قبلاً از آنها یاد شد. پدرو آلفونسو، شخصی تازه یهودی در اوایل قرن دوازدهم، یکی از افرادی است که آمادگی خود را برای تحقیق در باره اسلام اعلام نمود. کار وی به خاطر اطلاعات دقیقش در باره اسلام ممتاز است اما در شکل‌گیری تصویری از اسلام تأثیر کمی داشت؛ (ص ۱۲۵).

۱۴- کسی که اثر مورخ بزرگی مانند ابن خلدون را بنگرد مشاهده خواهد کرد که جنگ‌های صلیبی چقدر کوچک تلقی شده است. وی در این مقدمه مفصل فقط چند پاراگراف درباره کنترل دریای مدیترانه و چند جمله درباره مساجد و بناهای مذهبی اورشلیم نوشته است. خلاصه این که: جنگ‌های صلیبی برای بخش وسیعی از جهان اسلام اهمیتی بیش از جنگ‌های شمال غربی مرزهای هند برای انگلستان قرن نوزدهم نداشت و احتمالاً تأثیر کمی در آگاهی عمومی داشت؛ (ص ۱۳۹).

۱۵- احساسات اروپائیان غربی نسبت به اسلام بی‌شبهت به افراد طبقه محروم در یک کشور وسیع نبود. آنان همانند طبقه محروم در تلاش برای قانع ساختن خود در مقابله با طبقه بهره‌مند، به مذهب روی آوردند. اشاعه تصویر تحریف شده از اسلام بین اروپائیان برای جبران این احساس حقارت بوده است. یکی از عوامل اصلی به وجود آورنده تصویر جدید، کشیش پطرس بود که به وسیله طراحی مجموعه تولدو و نوشتن خلاصه‌ای از نظریه اسلام و رد آن، در این جهت کوشید؛ (ص ۱۴۱).

پاسخی به نادرستی‌ها

مونتگمری به‌رغم راست‌گویی‌های فراوان، دچار اشتباهات بزرگ هم شده است. در این‌جا امکان پاسخ‌گویی به همه آن ناراستی‌ها وجود ندارد و تنها به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

۱- این سخن مونتگمری که جهاد مسلمانان را با حملات بدوی یکی دانسته، صحیح نیست؛ زیرا

جهاد مسلمانان نه از جهت انگیزه و نه از جهت شکل و شیوه حمله، به هیچ وجه قابل قیاس با غارت‌های بدوی نیست، چون اکثر سلحشوران مسلمان برای ابلاغ پیام آسمانی اسلام به دیگران وارد جنگ می‌شدند، برخلاف غارت‌های بدوی‌ها که به خاطر انتقام‌گیری و دنیا طلبی صورت می‌پذیرفت. هم چنین شیوه برخورد مسلمانان نیز با بدوی‌ها تفاوت داشت؛ مسلمانان سکنه مناطقی را که به اشغال خود در می‌آوردند، بین سه امر مخیر می‌نمودند که جنگ و تسخیر سرزمین آنها یکی از آن سه امر بود. اگر افراد ایمان می‌آوردند و یا حاضر به پرداخت جزیه می‌شدند، می‌توانستند در آرامش به زندگی خود ادامه دهند. اما جنگ‌جویان بدوی فقط درصدد نابودی طرف مقابل بودند؛ (ص ۲۴).

۲- آیا می‌توان پذیرفت که عرب‌های مسلمان دیدگاه‌های خود را بر مردم مناطق فتح شده تحمیل می‌کردند؟ اگر فرهنگ را اعم از اعتقادات، باورها، آداب، سنن، ادبیات، هنر و ... بدانیم اظهارات وات با این کلیت، منطقی به نظر نمی‌آید؛ زیرا مقهور شدن فرهنگی ملتی چون اروپا که به زعم وات از هر جهت برتر از فاتحان بودند از نظر عقلی قابل تصور نیست. البته این مطلب هم قابل انکار نیست که مسلمانان از ویژگی‌های خوب فرهنگ‌های دیگر مانند فرهنگ اروپای غربی استفاده نمودند؛ (ص ۳۲).

۳- نویسنده بر این نکته پای می‌فشارد که گاهی مسلمانان اندیشه و فکر دیگران را بدون قدردانی از آنان اخذ می‌کردند و آن را به عنوان فکری که از منبع عربی نشئت یافته، تلقی می‌نمودند. این سخن ادعایی بدون دلیل است؛ زیرا ستایش آفریدگار عالم و راز و نیاز با خدای متعال، قدردانی و سپاس از منعم حقیقی و درخواست از قادر مطلق است که اسلام نیز همانند دیگر ادیان آسمانی به آن توصیه نموده است، اما نشانه‌ای که تأیید کند که پیامبر اکرم ﷺ آن را از مسیحیت اخذ کرده است وجود ندارد؛ (ص ۳۳).

۴- وات نوشته است: اسلام در آغاز مذهب تجار و بازرگانان بود! این سخن وات این معنا را نیز دارد که پیامبر هم از یک قبیله بازرگان بود و خود او نیز چند سفر بازرگانی داشته است، در حالی که پیامبر تاجر نبود و تنها دو سفر تجاری به شام داشت آن هم برای تأمین معیشت، پس نباید او را در ردیف تجار مکه قرار داد. تحول روحی پیامبر هم ناشی از سفرهای تجاری او و یا زندگی در مرکزیت ثروت و تجارت، یعنی مکه، نیست. به راستی اگر پیامبر تاجر یا تاجر پیشه بود، چرا به مخالفت با سرمایه‌داران یا سرمایه‌داری برمی‌خیزد و بیشترین پیروان وی را فقرا تشکیل می‌دادند؟ اگر او تاجر بود و ثروت را دوست می‌داشت، چرا بارها پیشنهاد دریافت پول و ثروت را از قریش رد کرده بود؟

پیامبر در اوج قدرت به تقسیم غنایم به اصحاب و تازه مسلمانانی چون ابوسفیان می‌پرداخت، در حالی که می‌توانست آنها را برای خود بردارد! حتی پیامبر در مقابل درخواست همسرانش که سهم بیشتری از غنایم می‌طلبیدند به خواست خدا مدتی از آنان کناره می‌گرفت و زمانی به نزد آنان برمی‌گشت که زندگی به همان شیوه ساده را می‌پذیرفتند؛ (ص ۳۹).

۵- اسلام نه تنها چون دیگر ادیان پیوستگی چندانی با فعالیت‌های کشاورزی ندارد بلکه روستائیان را نسبت به کارشان دلسرد می‌نماید! این ادعای مؤلف که دلیلی بر آن ذکر نکرده، خلاف واقعیت است؛ زیرا زراعت به خاطر کمبود آب در حجاز دچار مشکل بود و رغبتی به انجام آن نبود، اما بعد از ظهور اسلام و سفارش پیامبر ﷺ، مسلمانان به احیای موات پرداخته و کشاورزی و زراعت را بهترین کسب‌ها می‌شمردند، و از این رو تولیدات کشاورزی افزایش یافت؛ (ص ۴۰).

۶- و ات در فصل مربوط به جنگ‌های صلیبی می‌کوشد یکی از علت‌های مهم این جنگ را خصومت مسیحیان با مسلمانان نشان دهد. آیا چنین برداشتی درست است؟ واقعیت آن است که مسیحیان کوشیده‌اند با پیام عشق و دوستی مسیح علیه السلام به مسلمانان نزدیک شوند، ولی شیطنت‌های ارباب کلیسا، توطئه‌های مقامات دولتی و... اغلب کار را به توهین مسیحیان نسبت به پیامبر، اسلام و مسلمانان کشانده است. تلاش‌های زیادی هم از سوی مسیحیان برای ترسیم چهره زیبایی پیامبر در غرب صورت گرفته، که کم نتیجه بوده است. مسیحیان می‌گویند ما از خندیدن مسیح چیزی نشنیده‌ایم ولی پیامبر اسلام خنده‌رو بود. پیامبر برای جدا نشان دادن دین خود از مسیح تلاشی نکرد بلکه آن دو را دارای یک هدف و آرمان می‌دید. مسیح و محمد قهرمانان تاریخ با دو هدف مجزا نبوده‌اند، بلکه آن دو پیامبر الهی بوده‌اند که تنها برای انجام کاری که خداوند از آنان خواسته بود به میدان آمده بودند. آن دو هدفی جز نجات بشریت نداشتند و از همان آغاز رسالت، پیامشان برای همه جهانیان یکسان بود. از این رو هیچ تفاوتی بین الله در قرآن و خدا در انجیل تحریف نشده وجود ندارد. در واقع آیین پیامبر با آیین توراتی و انجیلی اختلافات ریشه‌ای نداشت، و تنها اختلاف مسلمانان با یهودیان و مسیحیان، اختلاف بر سر تحریف انجیل و تورات بود. البته بخشی از مخالفت‌های غرب با پیامبر به آن دلیل است که پیامبر حکومت تشکیل داد، در حالی که مسیح فرصت پیدا نکرد زمینه تأسیس حکومتی را فراهم آورد؛ (ص ۱۰۳-۸۳).

۷- نویسنده در صفحات مختلفی از کتاب، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته که برخی از آن سخنان ناصواب است و در این جا به بعضی از آنها پاسخ می‌دهیم: بی‌گمان برخی از داستان‌هایی که در وصف

پیامبر گفته و نوشته‌اند دروغ است، ولی بعضی از آنها روحانی و قابل اتکا و اعتماد است. مسلمانان تعدادی از داستان‌هایی را که به تولد پیامبر نسبت می‌دهند، منطقی و درست می‌دانند، ولی داستان‌های تخیلی و ساختگی را که از بی‌خبری، وحشت‌زدگی و تصمیم پیامبر به خودکشی حکایت می‌کند، رد می‌کنند. پیامبر هیچ‌گاه به حق هق ننشست و به مدارای با بتان نپرداخت، بدون اذن مالکی وارد ملک شخصی او نشد، دچار بحران روحی و روانی و خود بینی نگردید، در سفر آسمانی معراج شراب ننوشید، در زمانی که عبدالله بن ابی به خشم یقه او را گرفت، به او خشم نگرفت، با فرستادگان قریش به تندی سخن نگفت و اخلاق اسلامی را در رویارویی با دشمنان خود به فراموشی نسپرد. آیا شایسته است که پیامبر درستی صلح حدیبیه را از ام سلمه بپرسد و او برای کاستن مخالفت مسلمانان با آن صلح، پیامبر را راهنمایی کند؟ حضور پیامبر بر سر قبر ابن ابی نمایشی و برای ترساندن این یا آن یا برای عوام فریبی نیست، بلکه انجام تکلیف الهی و ارج نهادن به انسانیت انسان‌هاست. (ص ۱۳۳ و ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۴، ۲۶، ۲۴)

۸. مسلمانان حضرت محمد ﷺ را چون بت می‌پرستیدند. ظاهراً وات این سخن را از اعتقاد دیگر غریبان نقل می‌کند ولی لحن تأیید کننده‌ای در این باره دارد. آیا این سخن درست است؟ فرهنگ اسلام یک دین الهی بلکه برترین، آخرین و کامل‌ترین آن به شمار می‌رود، و در آن، مسلمانان اجازه ندارند چون مسیحیان پیامبر خویش را پرستند یا مقامی در حد خدایی برای او قائل شوند. این دین و مقرراتش به هیچ وجه آن‌چنان ناپخته و ناخالص نیست که حرف و سخنش به پرستش پیامبرش بینجامد و اگر در گوشه و کناری نادانی چنین کند به اسلام ربطی ندارد بلکه علت‌های مختلفی دارد که یکی از آنها توطئه‌های غرب علیه اسلام و مسلمین است که نگذاشته‌اند آگاهی این دسته اندک افزایش یابد؛ (ص ۱۲۴).

۹. وات معتقد است که اسلام راه افراط در روابط جنسی را باز گذاشته است، در حالی که اسلام نه تنها در مورد لذت‌های جنسی به افراط سفارش نکرده بلکه لازمه تقوا و انسانیت را رعایت اعتدال می‌داند. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مجاهده‌ای برتر از عفت شکم و شهوت نیست. هم‌چنین علی علیه السلام پاک‌دامنی و عفاف را برترین عبادت‌ها می‌شمارد. اسلام به هیچ وجه بی‌بندوباری جنسی را مباح نمی‌داند و هم جنس‌بازی را قبیح‌ترین اعمال می‌شمارد و آمیزش را تنها به اندازه‌ای که نسل منقطع نگردد و انسان از گناه مصون بماند و خطر شهوت از دل برود ممدوح می‌داند و افراط در آمیزش را به دلیل این‌که موجب ضعف عقل و جسم می‌گردد ناپسند می‌شمارد؛ (ص ۱۳۰).

تحلیل و تفسیر داده‌ها

پس از مروری کوتاه نسبت به برخی از نقاط مثبت و منفی کتاب، سوالات مهمی پیش می‌آید که چرا مونتگمری وات درست و نادرست را به هم بافته است؟ آیا او می‌خواسته واقعیت‌ها را دفن کند، یا دروغ‌ها را راست جلوه دهد؟ آیا قصد داشته عالمانه سخن بگوید و در واقع هم کاستی‌ها را بیان کند و هم برجستگی‌ها را؟

۱- کتاب حاضر را باید ادامه تهاجم تاریخی غرب علیه اسلام دانست، البته با لحنی ملایم‌تر و با زیرکی بیشتر. اسلام قرن‌ها است که در غرب با واژه‌هایی چون بیگانه و دشمن مترادف است. در چنین فضایی باید بر آن چه درباره اسلام و مسلمانان نوشته می‌شود، با دیده شک و تردید نگریست، به ویژه زمانی که نشانه‌هایی از دشمنی با اسلام در آن وجود داشته باشد. نویسنده کتاب به روشنی می‌داند که مقابله با اسلام تنها با سخن و گفتار میسر نیست، از این رو همانند اغلب قلم به دستان غربی در صدد فرهنگ سازی جدیدی در درون کشورهای اسلامی و مسلمانان است. در این راستا، با ترویج ارزش‌های غیرواقعی می‌کوشد، اسلام و مسلمانان را با ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاصی عادت دهد. در این صورت، آن‌چه باقی می‌ماند اسلامی است که خطری برای غرب ندارد، نه اسلامی که زمانی تا قلب اروپا نفوذ کرده بود؛ (ص ۱۳).

۲- در سراسر کتاب، لفظ اعراب به جای مسلمانان (ص ۵۶) و لفظ مسلمانان به جای اسلام (ص ۷۰) به کار رفته است. چنین انتخاب و گزینشی هوشمندانه، زیرکانه و در عین حال مغرضانه است؛ زیرا در جهان اسلام هیچ کس اعتقاد ندارد که تک تک مسلمانان یا اعراب مسلمان، یا گروهی از آنها، یا کشوری از کشورهای اسلامی و عربی چنان درست، سنجیده و اسلامی عمل می‌کنند که نمی‌توان بین آنها و اسلام تمایز قائل شد. همگان باور دارند که سیره اخلاقی و عملی اعراب و مسلمانان برداشتی از اسلام است که هر کس به اندازه معرفت خویش از آن بهره گرفته است. نادیده گرفتن این واقعیت، برای خواننده کتاب تردید و شبهه جدی فراهم می‌آورد.

۳- ناتوان نشان دادن اسلام در اداره زندگی اجتماعی، امری است که سابقه طولانی دارد، ولی نویسنده کتاب برای اثبات ناتوانی اسلام، به طور مستقیم به سراغ اسلام نرفته، بلکه از اعراب مسلمان و دیگر مسلمانان آغاز کرده است. اگر بتوان اثبات کرد که اسلام ناتوان است، به طور طبیعی مسلمانان باید عقب‌نشینی کنند. واقعیت آن است که جهان غرب نمی‌خواهد و نمی‌گذارد جهان اسلام به توسعه دست یابد. توسعه و پیشرفت کشورهای اسلامی فرهنگ وجودی غرب را زیر سؤال می‌برد. غرب به توسعه مادی زنده است و اگر هم‌اوردی پیدا کند، چیزی برای گفتن نخواهد داشت. غرب

برای ناتوان نشان دادن اسلام، در کنار به کارگیری راه‌های مختلف، به تحریف واقعیت‌های زندگی مسلمانان می‌پردازد و اسلام را دینی خشن معرفی می‌نماید و چنین القا می‌کند که غیرممکن است اسلام بتواند در زندگی عادی جوامع غیر مسلمان یک نقش نهادینه و رسمی ایفا کند؛ (ص ۱۴۲).

۴. پیام کتاب این است که اگر جهان اسلام دارای مشکلاتی بوده و هست، اگر غرب قرن‌ها جهان اسلام را به استعمار کشید و اگر تضادها بین جهان اول و جهان اسلام رو به رشد است، گناهی متوجه غرب نیست و در ایجاد اختلافات مذهبی و نژادی و مرزی بین مسلمانان، تقصیرها و ناتوانی‌ها به اسلام و مسلمان و کشورهای اسلامی برمی‌گردد. نویسنده لزومی نمی‌بیند برای تبرئه غرب به برخی از کم‌کاری‌های آن اشاره‌ای نکند، همانند فوکویاما که در کتاب «پایان نظم» بر کرسی طبابت نشسته و بیماری‌های جامعه غرب را بیان می‌کند، اما هیچ‌گاه موانعی که جامعه غرب برای مسلمانان پدید آورده را غیرقابل حل، بغرنج و پیچیده نشان نمی‌دهد، بلکه بیشتر معضلات موجود در جامعه اروپایی را زودگذر، قابل حل، غیراساسی و ناشی از اعراب مسلمان معرفی می‌کند. او اعتقاد دارد گرچه اسلام ذاتاً هیچ خصومتی با نیروهای بازار ندارد، ولی به سختی می‌توان انتظار داشت که اصلاحات بنیادین اقتصادی در چنین محیط سیاسی پدیدار شود؛ (فصل دوم: تجارت و تکنولوژی).

۵. وحدت جهان اسلام پدیده‌ای ناگوار برای غرب است و اگر هم‌بستگی اسلامی جهت ضد غربی بیابد، غیر قابل تحمل است. البته غرب معتقد است منافع مسلمانان آن‌قدر با یک‌دیگر ناهم‌گون است که زمینه تشکیل جبهه واحدی از آنها میسر نیست و اگر این‌گونه هم نباشد در تلاش است چنین موضوعی را در بین مسلمانان نهادینه نماید. در بخش‌های مختلف کتاب از یک‌تازی مسلمانان و حاکمان مسلمان سخن به میان آمده است. اگرچه چنین واقعیتی را نمی‌توان نادیده گرفت ولی بزرگ‌نمایی آن بی‌تردید از سر لطف نیست.

۶. یکی از هدف‌های نه‌چندان پنهان کتاب آرایه خط مشی در مبارزه علیه اسلام است، به ویژه در مورد مبارزه با مسلمانانی که با استواری در پی اجرای احکام اسلامی در جهان‌اند. یکی از دستورات عمل‌ها در این مورد آن است که مسلمانان با همراهی دولت‌های غربی باید بکوشند اسلام گرایان راستین را از سر راه بردارند. تلاش فراوانی در نوشته مونتگمری به چشم می‌خورد که در پی بدنام نشان دادن اسلام و مسلمانان است.

هدف‌های مونتگمری وات عبارت است از:

۱- چنان‌چه نویسنده‌ای بتواند موضع‌گیری‌های ضد اسلام مردمان مغرب زمین را به بی‌اطلاعی و یا کم‌اطلاعی آنها از اسلام نسبت دهد، توانسته آنان را از ارتکاب هر گناه و اشتباه عمده‌ی علیه

پیامبر و مسلمانان مبرا نماید. مونتگمری در این جهت و با این هدف تلاش می‌کند، از این رو طبیعی به نظر می‌رسد که مسیحیان اسلام را گاه به عنوان اقتباسی غلط از مسیحیت کلیسایی باور داشته باشند.

۲ - تصویری که از پیامبر ارایه می‌شود، تصویر یک انسان تقریباً معمولی است. نویسنده با زیرکی می‌کوشد سیمای حضرت محمد ﷺ را در حدی که مسیحیان و یهودیان برای یک انسان ارایه می‌کنند که گاه از او گناه هم سر می‌زند، نشان دهد، در حالی که حضرت محمد ﷺ برتر از یک انسان معمولی است.

۳ - در آمیختن گذشته‌های دور با مسایل بعدی که ظاهراً با هدف ارایه چهره‌ای جذاب و جالب از مسایل صورت می‌گیرد، به پرهیز از تفکیک مسایل و عدم حیطه‌بندی آن و سرانجام به خلط مباحث می‌انجامد و خواننده را متحیر می‌نماید، در این صورت هر آن‌چه گفته شود، چه راست باشد و چه دروغ، از سوی خواننده به راحتی پذیرفته می‌شود.

۴ - نوشته‌های مونتگمری وات نشان می‌دهد که او نیز همانند بسیاری از نویسندگان مسیحی در پی تثبیت معیارهای غربی در سنجش درستی و نادرستی حوادث است. شاید از این روست که نویسنده به توصیف حالات روحی پیامبر نمی‌پردازد، یا هنگامی که از توان‌مندی‌های مسلمانان سخن می‌گوید از کلماتی چون «احتمالاً» بهره می‌گیرد.

برخی از عمده‌ترین هدف‌های نگارش کتاب بیان شد. برای دستیابی به این هدف‌ها، نویسنده روش‌هایی را انتخاب نموده که برخی از آنها عبارت است از:

الف - جلب اعتماد مخاطب جهت پذیرش سخنان. بر پایه این روش، مونتگمری بر حقایقی از تاریخ مسلمانان تکیه می‌کند و برخی از برجستگی‌های آن را نشان می‌دهد اما در لابلای این سخن‌ها، انتقادی نموده و طعنه‌ای می‌زند. او اگر چه از مسلمانان دفاع می‌کند، ولی در میان همان دفاعیه‌ها مسئله‌ای را تکذیب و یا حقیقتی را خدشه‌دار می‌سازد.

ب - به روز نوشتن و از واژه‌های جدید سود بردن، روش مناسبی در تفهیم سخن است، ولی به روز سخن گفتن، حوادث گذشته را کهنه می‌نمایاند و خواننده را به جای هدایت به آن حوادث، نسبت به آن دلزده و دلسرد می‌کند. استفاده از این روش کم و بیش در این کتاب مشاهده می‌شود. تکرار و تأکید بر واژه‌ها و اصطلاحات جدید هر بار خواننده غربی را دچار احساس تضاد و دوگانگی بین آن‌چه دیروز و امروز روی داده می‌کند. به عنوان مثال، مؤلف می‌کوشد تعدد زوجات در اسلام را با معیارها و فرهنگ امروزی مغرب زمین مطرح نموده و آن را زیرکانه رد نماید.

ج - پراکنده‌گویی همیشه برای تسهیل در درک مطالب و فهم پیچیدگی‌های حوادث نیست، بلکه گاه روشی است که به منظور دور کردن ذهن خواننده از واقعیتی که به آن دست یافته و یا در آستانه دست یافتن به آن است، صورت می‌گیرد.

د - مونتگمری در بسیاری از موارد از روش نه تأکید و نه تکذیب سود جسته و مطلب خود را بدون تأکید و تکذیب رها کرده، اما چون قبل از آن مثلاً اشاره‌ای به انگیزه‌های مادی نموده، ذهن و نظر خواننده را به سوی درستی سخن نادرست خود می‌کشاند و در مواردی هم به نقل دیدگاه بدبینانه غرب امروز و دیروز درباره پیامبر، اسلام و مسلمانان می‌پردازد بدون آن‌که به دفاع از این و یا آن بپردازد.

نتیجه

با همه کاستی‌ها و شاید غرض ورزی‌های کتاب، مونتگمری وات تصویری روشن‌تر و شفاف‌تر از تمدن اسلامی و مسلمانان در مقایسه با نوشته‌هایی چون «آیات شیطانی» اثر سلمان رشدی مرتد و «احساس محاصره» اثر فولر و لسر ارایه داده است. اما در واقع کتاب «تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی» در مقیاس کوچک‌تر، آیات شیطانی دیگری است؛ زیرا آن‌چه خوانندگان مغرب زمینی کتاب به دست می‌آورند، شناخت تمام یا بیشتر واقعیت‌های اسلام نخواهد بود. در حقیقت، خواندن این کتاب برای انسان غربی و شرقی نه تنها ایمان به اسلام، پیامبر و مسلمانان را تقویت نمی‌کند بلکه گاه در آنها تردیدهای جدی ایجاد می‌کند. در ظاهر وات قصد بیان تأثیر تمدن اسلامی را داشته است، اما آیا از یک نویسنده غربی نا‌آشنای با اسلام و تمدن اسلامی می‌توان توقع داشت که همانند یک مسلمان آگاه و دین‌دار به توصیف تمدن اسلامی و اسلام و پیامبر اسلام بپردازد؟



لا يمشى تقرب

فرہنگی
انجبار

لا يمشى تقرب

فتوای علمای شیعه و سنی در تأیید تقریب و وحدت اسلامی در قالب کتاب منتشر شد

سرویس ادیان: کتاب «التعددية المذهبية في الاسلام و آراء العلماء فيها» با موضوع تقویت وحدت اسلامی و گسترش تقریب مذاهب اسلامی که توسط «سیدجمال میرآقایی»، مشاور امور بین الملل مجمع تقریب مذاهب اسلامی تألیف شده است، منتشر شد.

به گزارش پایگاه خبری تقریب به نقل از «ایسنا»، بخش نخست این کتاب دربردارنده مقاله آیت الله «تسخیری»، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی پیرامون گفت‌وگو و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مذاهب اسلامی است.

آیت الله تسخیری در این مقاله با تبیین تاریخچه مختصری از مذاهب اسلامی و تشریح مفهوم صحیح تقریب مذاهب، پیروان مذاهب مختلف را به گفت‌وگوی منطقی و اصولی فرا می‌خواند.

در بخش دوم این کتاب، بیانیه صادره در کنفرانس اسلامی اردن که هشت مذهب مختلف اسلامی را به رسمیت شناخته، به همراه تأیید و امضای بیش از ۲۰۰ نفر از علما و اندیشمندان ذکر شده است.

تشریح توصیه‌ها و قراردادهایی که در دوره هفدهم مجمع فقه اسلامی مقرر شده، بخش دیگری از این کتاب را شامل می‌شود.

محتوای این قراردادها مبتنی بر حفظ حقوق مسلمانان و عدم جواز تکفیر آنها و نیز بیان صلاحیت‌های مفتی‌ها برای جلوگیری از هرج و مرج در فتاوی است. این قراردادها به امضای تمامی مذاهب رسیده است.

برنامه عملی ده ساله امت اسلامی که با عنوان سند مکه، سال گذشته با حضور سران کشورهای اسلامی در عربستان تدوین یافت، در بخش دیگری از این کتاب به چاپ رسیده است. این سند در بردارنده برنامه‌های استراتژیکی امت اسلامی از جمله تقویت تقریب و وحدت مذاهب اسلامی برای آینده است.

هم‌چنین در ادامه، سند کنفرانس مکه پیرامون وحدت گروه‌های عراقی منتشر شده است. در بخش پایانی کتاب نیز مقالاتی در تأیید مقاله آیت‌الله تسخیری در جواب یکی از علمای تکفیری ذکر شده است.

سیدجلال میرآقایی مؤلف این کتاب اظهار داشت: زمانی که شیخ «شلتوت» فتوای وحدت امت اسلامی و به رسمیت شناختن شیعه را صادر کرد، تنها بود و دیگران با او مخالفت می‌کردند ولی امروز در اثر اطلاع‌رسانی، چنین مسئله‌ای عمومی شده و جمع زیادی از علما چنین فتوایی داده‌اند. وی با بیان این‌که هیچ‌گاه فتوای تکفیری از جانب علمای شیعه نسبت به اهل تسنن صادر نشده است، افزود: امروز علمای اهل تسنن برای جبران تکفیرهایی که از طریق عده‌ای صادر شده است، مقالات بلندی نگاشته و منتشر کرده‌اند.

مشاور امور بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تألیف کتاب «التعددية المذهبية في الاسلام و آراء العلماء فيها» را موجب استقبال دانشمندان مختلف عنوان کرد و گفت: در حاشیه بیستمین کنفرانس وحدت اسلامی عده زیادی از علما تألیف این کتاب را از فعالیت‌های مثبت مجمع تقریب مذاهب دانستند و «احسان اغلو»، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی نیز با ارسال پیامی ضمن تشکر از چنین تألیفی، نسخه‌هایی از آن را نیز درخواست کرد.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هم‌اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن

نگرانی از برنامه‌های جهان غرب برای اختلاف افکنی در میان جهان اسلام و بهره‌برداری از این اختلافات امری است که در ماه‌های اخیر به طور مکرر توسط علما، سیاست‌مداران و مسئولین بیان شده است. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هم‌اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن در تاریخ ۸۵/۱۰/۲۵ اظهاراتی راه‌گشا در این مورد است که در ذیل، بخشی از آن به عینه بیان می‌شود: «اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. ... این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ لکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. ... لکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی‌خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی

همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساساتِ خودشان هم دخیل بوده؛ بعضی از جهالت‌ها، بعضی از تعصب‌ها، بعضی از احساسات، بعضی از کج‌فهمی‌ها دخالت داشته؛ لکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.

امروز در عراق، می‌خواهند شیعه و سنی را به جان هم بیندازند؛ در پاکستان، این کار را می‌خواهند بکنند؛ در افغانستان این کار را اگر بتوانند، می‌کنند؛ در این جا اگر بتوانند، می‌کنند. هر جا بتوانند، می‌کنند. ما اطلاع پیدا کردیم حتی ایادی آنها به لبنان رفتند برای این‌که بتوانند بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند؛ مشغول تلاش‌اند.

این عواملی که اختلاف‌افکنی می‌کنند، نه شیعه‌اند، نه سنی؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنی را.

با پیروزی انقلاب در ایران، اینها برنامه‌های جدیدی طراحی کردند برای اینکه این‌طور وانمود کنند که این انقلاب، انقلاب شیعه است؛ در حالی که انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزشهای اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می‌کند و موفق شد.

جدی‌ترین دفاع را از فلسطین، انقلاب اسلامی کرد. هیچ‌کس، هیچ‌کشوری، هیچ دولتی و هیچ مردمی، از فلسطین و مبارزات فلسطینی‌ها و انتفاضه فلسطین، مثل ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامی دفاع نکردند.

ما باید بیدار باشیم؛ هم شیعه، هم سنی باید بیدار باشند؛ به خصوص علما. مردم دور از محیط علمایی، ممکن است دچار توهماتی بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند، اما علما نمی‌توانند در این قضیه بی‌تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اینها عوام‌اند، ما که نمی‌کنیم؛ نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند.

جمهوری اسلامی هم روزبه‌روز در حال پیشرفت است؛ ما از لحاظ علمی، از لحاظ صنعتی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ قوت مدیریت در این بیست و هفت سال، روزبه‌روز جلوتر رفته‌ایم. مردم با نظام، پیوندشان روزبه‌روز مستحکم‌تر شده است. این، دشمن را ناراحت و عصبانی می‌کند و به عکس‌العمل وادار می‌کند.

ما امروز باید خیلی مراقب باشیم که دشمن از این نقطه‌ی حساس - در واقع باید گفت از این نقطه‌ی ضعیفی که در دنیای اسلام وجود دارد - نتواند استفاده کند.

دوستان ما درست گفتند؛ مسئله، مسئله‌ی این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه، هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده‌ای رسید،

درست است. مسئله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند. دشمنان ما هر کدام هر چه بلدند «یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» به همدیگر یاد می‌دهند؛ انگلیسیها به امریکاییها یاد می‌دهند، اسرائیلیها به آنها یاد می‌دهند.

این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است، اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما «و لتصغی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالأخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون» بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرفهای دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه علما، وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلامی است که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند.

این امت اسلامی، اگر وزن واقعی خود را پیدا بکند، آن وقت پشتیبان این دولت‌ها خواهد بود و دولت‌های اسلامی دیگر مجبور نخواهند شد به خاطر ضعف و ترسشان به دامن آمریکا یا انگلیس پناه ببرند؛ چون امت اسلامی پشت سر آنهاست».

ایجاد بزرگ‌ترین مجمع اسلامی در آلمان

مجامع و مراکز اسلامی آلمان درصددند تا بزرگ‌ترین مرکز اسلامی آلمان را برای انسجام دادن به امور اسلامی در این کشور تأسیس کنند.

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از روزنامه آلمان، به منظور ایجاد وحدت بین مسلمانان این کشور و گسترش گفت‌وگوهای دستگاه‌های دولتی این کشور با مسلمانان، مراکز اسلامی آلمان در تلاش هستند تا بزرگ‌ترین مجمع اسلامی را در برلین تشکیل دهند.

بکری البوگا سخنگوی مسلمانان ترک تبار آلمان با اعلام این خبر افزود: در حال حاضر گروه‌های مختلف اسلامی آلمان با تشکیل جلساتی، کلیات این مجمع و وظایف و فعالیت‌های آن را به تصویب می‌رسانند.

خاطر نشان می‌شود کشور آلمان دارای ۵/۳ میلیون نفر مسلمان است که ۳۰۰ هزار تن از این افراد در عضویت سازمان‌های اسلامی این کشور هستند.

با موافقت شورای عالی حوزه علمیه قم از مهرماه آغاز می‌شود:

دوره دکتری مذاهب اسلامی در قم

دوره دکتری مذاهب اسلامی، با موافقت شورای عالی حوزه علمیه قم، از مهرماه سال آینده در مرکز تخصصی مذاهب اسلامی قم کار خود را آغاز می‌کند.

حجت‌الاسلام محمدرضا ضمیری، مدیر مرکز تخصصی مذاهب اسلامی حوزه علمیه قم، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری رسا، از راه اندازی دوره دکتری مذاهب اسلامی در این مرکز خبر داد و گفت: دوره دکتری مذاهب اسلامی، با موافقت شورای عالی حوزه علمیه قم از مهرماه سال آینده آغاز به کار می‌کند.

وی به گرایش موجود در این مرکز حوزوی اشاره کرد و افزود: مرکز تخصصی مذهب اسلامی از میان طلاب حوزه‌های علمیه، نام نویسی می‌کند و در گرایش فقه و کلام، دانش پژوهان را آموزش می‌دهد.

مدیر مرکز تخصصی مذاهب اسلامی حوزه علمیه قم، با اشاره به این نکته که قرار بود این دوره از بهمن ماه سال جاری آغاز شود، تصریح کرد: با توجه به مشکلی که در روند تصویب این دوره پیش آمده و بودجه کافی و برنامه‌های آن به تصویب نرسیده است، دوره دکتری از ترم آینده آغاز می‌شود. مرکز تخصصی مذاهب اسلامی حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۰ فعالیت خود را با مجوز شورای عالی حوزه علمیه قم و شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز کرده است و هم اکنون بیش از نود دانش‌پژوه در آن تحصیل می‌کنند و تاکنون بیش از چهارصد نفر در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده‌اند که در مراکز شیعه‌نشین به تبلیغ معارف اسلامی می‌پردازند.

دبیر کل حزب الله:

بیداری اسلامی، توطئه‌های تفرقه افکنانه را نقش بر آب می‌کند

سرویس سیاسی - حجت‌الاسلام دکتر «محمد مهدی تسخیری»، مشاور مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بعد از ظهر جمعه ۸۶/۲/۱۴ با «سید حسن نصر الله»، دبیر کل حزب الله دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش پایگاه خبری تقریب، در این دیدار مسایل مختلف جهان اسلام بررسی گردید. دبیر کل حزب الله با تأکید بر هوشیاری مردم در این شرایط حساس، تفرقه‌افکنی را یکی از

بزرگ‌ترین سلاح‌های استکبار و شکست آمریکا در جنگ‌های اخیر را عامل اساسی رویکرد استکبار به ایجاد فتنه‌های داخلی میان مسلمانان دانست.

نصرت‌الله یک‌پارچگی و وحدت را بهترین سلاح مقاوم در برابر این توطئه‌ها دانست و اظهار امیدواری کرد که مردم عراق نیز بتوانند با رویکردی متحد در برابر اشغال‌گران ایستادگی کرده و ضمن دست برداشتن از برادر کشی، زمینه بیرون راندن نیروهای اشغال‌گر را فراهم سازند. وی تأکید کرد: آمریکا به دنبال ایجاد فتنه میان فرزندان مذاهب اسلامی به خصوص در جاهایی است که زمینه اختلاف وجود داشته باشد. دشمن هم‌چنین گروه‌های اسلامی را هدف قرار داده تا در برابر استکبار یک دست نشوند.

دبیر کل حزب الله، رهبری انقلاب اسلامی را الگوی جهان اسلام و انقلاب اسلامی را عامل بیداری ملت‌های مسلمان دانست که فرزندان اسلام با مشاهده تغییرات و تحولات مثبت داخل ایران، روز به روز به حیات جهان اسلام و پیروزی امیدوارتر می‌شوند.

در این دیدار، دکتر تسخیری با تشریح فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، به نقش دبیرکل مجمع در ایجاد هماهنگی میان علمای جهان اسلام، عملی کردن طرح‌های کوتاه مدت و کلان این مجمع برای حفظ و رشد بیداری اسلامی در جهان اسلام، تأثیرات این فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف، برگزاری کنفرانس‌های متعدد تقریبی در کشورهای اسلامی و انتقال فرهنگ تقریب از نخبگان به عموم مردم اشاره کرد.

در پایان، دبیر کل حزب الله ضمن تقدیر از فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب بین مذاهب و شخص دبیرکل مجمع، فعالیت‌های آن را یکی از بارزترین انواع مقاومت در برابر اشغال‌گری فرهنگی دانست و آرزو کرد که علمای اسلام یاور حرکت‌های مثبت این مجمع باشند.

وی گفت: با توجه به گزارش و نیوگارد و سقوط رهبران اسرائیل و رسوایی آنها در حمله ناجوانمردانه به مردم لبنان، به خوبی پیروزی حزب الله برای جهانیان آشکار شد. گروهی با کمترین امکانات و بالاترین توکل در برابر مقتدرترین ارتش تا بن دندان مسلح به پیروزی رسید، گرچه تمام امکانات نظامی و سازمان‌های بین‌المللی پشتیبان نابه حق این رژیم بودند. امروزه بعضی تلاش می‌کنند این پیروزی را کم رنگ جلوه دهند، اما هم مردم و هم تاریخ هرگز شیرینی این پیروزی را از یاد نخواهد برد.

برخی تصور می‌کنند که چراغ سبز آمریکا نشان دهنده حل مشکلات منطقه است، حال آن‌که آمریکا جز به منافع خود به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کند و تا زمانی که ما به فکر امت اسلامی و مصالح

آن نباشیم، هیچ قدرت غربی به عنوان جمعیت خیریه، کمک‌های انسان دوستانه و یا دفاع از حقوق ما حرکت نخواهد کرد. پس بهتر است به امید نتایج دیدارهای سیاسی این جا و آن جا نباشیم. دست‌یابی ایران به انرژی صلح آمیز هسته‌ای و تکنولوژی‌های پیشرفته توسط جوانان برومند مسلمان آن مرز و بوم و رشد عالی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و موقعیت عالی نظام جمهوری اسلامی در جهان اسلام، همگان را به حیات جهان اسلام و پیروزی امیدوارتر کرد.

وی در مورد اوضاع داخلی لبنان تأکید کرد: مطالب ما حساب شده و درخواست‌های به حقی است و چیزی بالاتر از حقوق خود نخواسته و به دنبال انحصار طلبی و محروم کردن دیگران از حقوق خود نیستیم. به نظر من اگر آمریکا در اوضاع داخلی لبنان دخالت نکند، ما به راحتی می‌توانیم مشکلات موجود بین خود را برطرف سازیم و امیدواریم به این نتیجه نیز برسیم.

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های جهان اسلام و چالش‌های فراراه

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های جهان اسلام و چالش‌های فراراه با عنوان «بازخوانی معنایی وحدت اسلامی، تقریب بین مذاهب و انسجام اسلامی، با حضور اندیشمندان و پژوهشگران و به ابتکار دفتر جنبش نرم‌افزاری، در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم برگزار شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ محمد سند از اساتید حوزه‌های علمیه بحرین در ابتدا با بیان این‌که بین وحدت و اتحاد اسلامی باید تفاوت قائل شد، گفت: در وحدت اسلامی همواره باید بر اعتقادات اسلامی که بین همه مسلمانان مشترک است تأکید نمود.

وی ادامه داد: در بحث انسجام اسلامی باید جغرافیای فکری و سیاسی مسلمانان به طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا بدون توجه به آن موفقیت چندانی نخواهیم داشت.

وی افزود: از جهت جغرافیای فکری، امروزه اغلب مسلمانان را صوفیه تشکیل می‌دهند. البته صوفیه از گذشته نیز جمعیت بسیاری را تشکیل می‌داده است و به نوعی تقیه در مقابل حکومت‌ها را دنبال می‌کرده است.

این استاد حوزه علمیه با تقسیم بندی میراث اسلامی به میراث نبوی و میراث بنی امیه و بنی عباس، ادامه داد: متأسفانه بیشتر مسلمانان از میراث بنی امیه و بنی عباس تبعیت می‌کنند که در بعضی موارد حتی با نظرات شیخین و صحابه نیز در تعارض می‌باشد.

وی تصریح کرد: از ناحیه میراث بنی امیه و بنی عباس بیشترین آسیب‌ها به جامعه اسلامی وارد

شده و ناکامی‌های بسیاری را سبب شده که در راه انسجام اسلامی باید به این میراث و لطمات آن توجه جدی کرد.

حجت الاسلام و المسلمین سند گفت: در جغرافیای سیاسی کنونی جهان اسلام، صوفیه، سلفی‌ها، اخوان المسلمین و روشن‌فکران چهار گروه بزرگ را تشکیل می‌دهند که اندیشه‌ها و تعاملات مختلفی را می‌طلبند و باید با همه آنها ارتباط برقرار کرد.

وی افزود: در تقرب باید به دنبال آن باشیم که باشناخت مناسب جغرافیای سیاسی جهان اسلام اندیشه‌های مختلف را به یک‌دیگر نزدیک نماییم.

حجت الاسلام و المسلمین محسن اراکی رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) نیز در ابتدا به بیان معانی سه واژه وحدت، تقرب و انسجام پرداخت و گفت: انسجام نسبت به وحدت و تقرب دایره معنایی گسترده‌تری دارد که می‌توان گفت در شرایط کنونی، انسجام، بیشتر امکان اجرایی شدن دارد. وی ادامه داد: وحدت یعنی یگانگی جامعه اسلامی و راه رسیدن به آن، اطاعت کامل از دستورات الهی، پیامبر اکرم (ص) و اولیا است و هر گونه ایجاد اشکال در این اطاعت نفی کننده وحدت خواهد بود. وی گفت: در اعتقاد شیعه، امت اسلامی یک امت واحد نافی هر گونه تفرق است.

حجت الاسلام و المسلمین اراکی تقرب بین مذاهب را شامل پذیرفتن وجود فرق و دیدگاه‌های مختلف اسلامی دانست و اظهار داشت: تقرب در پی نزدیک کردن دیدگاه‌ها و نظرات مختلف است که باید با برگزاری نشست‌ها، دیدارها و تکیه بر نقاط اشتراک نظری که کمتر به آن توجه کرده‌ایم، به سمت آن حرکت نماییم.

وی افزود: دشمن همواره تلاش می‌کند تا با تکیه بر نقاط اختلاف جوامع اسلامی، به ایجاد تفرقه در جامعه کمک کند.

رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) تصریح کرد: انسجام مفهوم گسترده‌تری نسبت به تقرب دارد و به این معنا است که اگر در نظر نیز نقاط اشتراکی نداریم، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی به صورت هماهنگ عمل کنیم.

وی گفت: مسلمین امروز در شرایط مشابهی به سر می‌برند و دشمن، تهدیدات، چالش‌ها، فرصت‌ها و توانمندی‌های مشترک می‌تواند عامل انسجام جامعه اسلامی باشد.

وی با اشاره به نام‌گذاری سال ۸۶ به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی از سوی مقام معظم رهبری آن را حرکتی حکیمانه توصیف کرد و گفت: انسجام اسلامی ضرورتی است که در شرایط کنونی به لحاظ عقلی و منطقی مورد تأیید همگان است.

حجت الاسلام و المسلمین احمد مبلغی رئیس پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مسئول مرکز مطالعات و تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز گفت: در صدر اسلام شاهد به کارگیری واژه «اخوت» از سوی رسول اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام به خصوص در جریان‌های اختلافی و تفرقه‌انگیز بوده ایم که حالت عملیاتی نیز پیدا می‌کرده است. وی ادامه داد: در طول تاریخ اسلام همواره بر اخوت اسلامی و برادری به دور از تفرقه تأکید می‌شده است.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی دوران جمال الدین اسدآبادی و نفوذ استعمار در ملل اسلامی را مورد توجه قرار داد و افزود: در این دوران شاهد بیان وحدت اسلامی به معنای وحدت سیاسی از سوی جمال الدین اسدآبادی هستیم.

وی گفت: در دوران آیت‌الله بروجردی و به واسطه ارتباط ایشان با دانشگاه و بزرگان الازهر شاهد بروز واژه تقریب مذاهب اسلامی به معنای کم کردن فاصله‌های میان مذاهب و فرق بودیم که ناشی از این دیدگاه بود که مذاهب اسلامی متعددی وجود دارند که وحدت آنها امکان‌پذیر نیست. رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اظهار داشت: تقریب با کارکرد خاص خود در کنار وحدت قرار گرفته و افزون بر این که جنبه موضوعی به خود گرفته بود وسیله‌ای برای وحدت سیاسی نیز به شمار می‌رفت.

وی گفت: پس از پیروزی انقلاب و تحولات منطقه مجدداً واژه وحدت در سطح جهان اسلام به معنای وحدت سیاسی مطرح شد و با پدیدار شدن جریان‌های وهابی بار دیگر نیاز به تقریب احساس شد.

وی خاطر نشان کرد: تقریب به رغم اهمیت و ظرفیت‌های خود در نزدیک کردن فرقه‌ها به یک‌دیگر، توانایی ارایه دستور کار فوری را از دست داده بود و حتی در دوره‌ای به میدان و خاستگاه تفرقه تبدیل شد.

رئیس پژوهشکده فقه و حقوق گفت: طرح انسجام در ادبیات این حوزه یک راه کار فوری با توجه به شرایط جهان اسلام به خصوص عراق بود که هماهنگی و همراهی و دست‌یابی به یک هدف را دنبال می‌کند.

وی با بیان این‌که امروز در حال ورود به عصر جهانی شدن و برداشته شدن مرزها و گسترش ارتباطات هستیم، ادامه داد: عصر جهانی شدن عصر بهره‌گیری از فرصت‌ها است و فرصت بیشتر قدرت و نفوذ و امنیت بیشتر را به همراه خواهد داشت.

وی گفت: اگر امروز جهان اسلام منسجم نشود در جهان آینده جامعه‌ای عقب مانده و تحت نفوذ استعمار خواهد بود.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی خاطر نشان کرد: انسجام امروز مهم ترین راه پیش روی جهان اسلام است و این به معنای کنار گذاشتن تقریب نیست.

دکتر محمود عکام امام جامعه شهر حلب سوریه نیز در یک ارتباط تلفنی به ارایه دیدگاه‌های خود پرداخت و گفت: مهم ترین عامل وحدت جهان اسلام کلام خداوند است که همه مسلمانان را برادر یکدیگر و خون و مال و ناموس هر مسلمان را خون و مال و ناموس دیگر مسلمانان می‌داند. وی با بیان این که وحدت اسلامی چارچوب و مبانی تغییر ناپذیری دارد، افزود: مسلمانان همه عضو یک پیکرند و اگر هر عضو این پیکر دچار نقص شود بیماری تمام این پیکر را فرا خواهد گرفت. وی افزود: وحدت یک فریضه و رحمت الهی است که تمسک نمودن به آن انسان را مورد لطف خداوند قرار می‌دهد.

دکتر عکام از محبت و خیر خواهی به عنوان ارکان وحدت نام برد و گفت: تعصب مذهبی، جهل و عدم شناخت یکدیگر، ضعف در میان مسلمانان و تفاسیر غلط از احادیث، مهم ترین موانع وحدت به شمار می‌روند.

در پایان این نشست، شرکت کنندگان به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند.

مفتی اعظم سوریه:

تفکرات وحدت آفرین امام خمینی علیه السلام هم چنان زنده است

شیخ «احمد بدرالدین الحسون» مفتی اعظم سوریه گفت: هر چند امام خمینی علیه السلام دیگر در میان ما نیست، اما تفکرات وحدت آفرین او هم چنان زنده است و هرگز از میان نخواهد رفت. به گزارش پایگاه خبری تقریب به نقل از «ایرنا»، شیخ حسون، در آستانه هجدهمین سالگرد ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، افزود: امام راحل، حامل رسالتی الهی بود و رسالت الهی هرگز نمی‌میرد، گر چه صاحب آن دیگر وجود جسمانی ندارد. مفتی اعظم سوریه تصریح کرد: ما نظاره گر استمرار حیات معنوی امام خمینی علیه السلام هستیم. هم چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و صحابه همانند دیگر صاحبان رسالت الهی، با سیره و اندیشه‌های خویش زنده هستند.

وی خاطر نشان کرد: حضرت آیت الله العظمی سید «علی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی ایران، جانشین شایسته‌ایی برای امام خمینی علیه السلام و تداوم بخش راه ایشان هستند. شیخ «احمد بدرالدین الحسون» متذکر شد: «امام خمینی علیه السلام میراث عظیمی را برای امت اسلامی بر جای گذاشت، که در صورت پای‌بندی به آن، می‌توان امت اسلامی راستین را احیا کرد». به گفته مفتی اعظم سوریه، حضرت امام علیه السلام توانست اسلام را با نور، علم و قدرت در برابر ظلمت، جهل و ضعف دشمنان پیروز سازد.

با حضور علما و رهبران دینی شیعه و سنی کشورهای اسلامی: سومین کنفرانس اخوت اسلامی در کویت برگزار شد.

رسا، سرویس بین‌الملل: سومین کنفرانس اخوت اسلامی با حضور شماری زیادی از علما و رهبران شیعه و سنی، در کویت برگزار شد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا در کویت، سومین کنفرانس «اخوت اسلامی»، به همت جمعیت «تحالف ملی اسلامی کویت» و به ریاست حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین معتوق مدیر حوزه علمیه کویت، در روزهای هشتم و نهم اردیبهشت سال جاری به مدت دو روز در این کشور برگزار شد.

در این همایش که شمار زیادی از علما و رهبران دینی شیعه و سنی از کشورهای کویت، ایران، مصر، بحرین، عراق، عربستان و دیگر کشورهای اسلامی حضور داشتند، موضوعاتی مانند: «نقش مراجع و رهبران دینی در مقابله با فتنه‌های مذهبی»، «نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جهان اسلام برای جلوگیری از اختلاف امت» و «قوانین دولت کویت دژی محکم برای جلوگیری از درگیری‌های مذهبی» بررسی شد.

این کنفرانس با برگزار کردن چندین جلسه عمومی و نیز جلسات کارشناسی، به کار خود پایان داد. طی دو روز برگزاری این کنفرانس اسلامی که بازتاب وسیعی در مطبوعات کویت و دیگر کشورهای عربی داشت، محمد البصیری نایب رئیس مجلس کویت طی سخنانی نسبت به خطرات و تهدیدهای متعددی که امت اسلامی را تهدید می‌کند هشدار داد و از همه علما و رهبران دینی جهان اسلام خواست که با هوشیاری در برابر این تهدیدها ایستادگی کنند. هم‌چنین محمد فنیش یکی از وزرای شیعه دولت لبنان، پیام سید حسن نصر الله خطاب به شرکت‌کنندگان در این کنفرانس را قرائت کرد.

در این پیام آمده بود: کنفرانس اخوت اسلامی کویت در شرایطی برگزار می‌گردد که امت اسلامی به شدت نیازمند تبادل آرا و افکار علمای شیعه و سنی برای رسیدن به وحدتی پایدار است. نباید اجازه دهیم دشمنان مفاهیم مقدسی مانند مقاومت را خدشه‌دار کنند و آن را از جوامع اسلامی حذف نمایند؛ زیرا این امر ضربه مهلکی به امت اسلام وارد می‌سازد.

عبدالمنعم ابوالفتح از رهبران جنبش اخوان المسلمین مصر، سومین سخنران این کنفرانس بود که تصریح کرد: در حال حاضر آنچه که دنیای اسلام به شدت به آن نیازمند است، توحید کلمه در برابر رژیم اشغال‌گر قدس است.

وی با تجلیل از مقاومت دلیرانه و بی نظیر حزب الله در برابر تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان، گفت: ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی یکی از عوامل بسیار مؤثر ایجاد وحدت در بین امت اسلامی است. عدنان عبدالصمد از نمایندگان مجلس کویت سخنران دیگر این کنفرانس دو روزه بود که گفت: باید با هوشیاری با طرح‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه برخورد کرد. اگر دنیای اسلام نسبت به برنامه ریزی‌های دشمنان در این منطقه بی تفاوت باشند، از ضربه‌هایی که می‌خورند پشیمان خواهند شد.

شیخ حسین معتوق مدیر حوزه علمیه کویت از شخصیت‌های برجسته شیعه این کشور، شیخ یوسف ناصری از علمای شیعه عراق، شیخ حسن صفار روحانی سرشناس شیعه در قطیف و شماری از شخصیت‌های سیاسی کویت، از دیگر سخنرانان این کنفرانس بودند.

شایان ذکر است کنفرانس اخوت اسلامی کویت مدت سه سال است که در اردیبهشت ماه توسط جمعیت تحالف اسلامی این کشور برگزار و با استقبال وسیعی از سوی مجامع فرهنگی و سیاسی کویت روبه‌رو می‌شود.

جمعیت تحالف اسلامی یکی از تشکل‌های برجسته حوزوی در این کشور است که تا کنون اقدامات بسیار مؤثر و گسترده‌ای در عرصه‌های پژوهشی و علمی انجام داده است و نقش بسیار مثبتی در ایجاد وحدت بین علما و رهبران شیعه و سنی این کشور داشته است.

کنفرانس بین‌المللی «فتوا در دنیای امروز» با تأکید بر تخصصی شدن و تهیه شیوه‌نامه بین‌المللی فتوا در کویت به کار خود پایان داد

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از روزنامه «القبس» کویت، شرکت‌کنندگان در این همایش که در کشور کویت برگزار شد با بررسی نقاط مثبت و منفی استفاده از وسایل مدرن در نشر مسایل فقهی،

خواستار تأسیس مرکزی متشکل از کارشناسان ارتباطات نوین و نمایندگانی از مراکز فقهی برای تعیین معیارها و ضوابط طرح مسایل فقهی در پایگاه‌های اینترنتی و سایر وسایل ارتباطی شدند. شرکت‌کنندگان در این همایش همچنین با تأکید بر لزوم تشکیل همایش‌های تخصصی در این مورد و بررسی راه کارهای صحیح بیان مسایل فقهی از طریق وسایل ارتباطی مدرن، از مؤسسات فقهی و رسانه‌های جهان اسلام خواستند تا امکان طرح مسایل فقهی و صدور فتوا به‌طور مستقیم در شبکه‌های تلویزیونی و پایگاه‌های اینترنتی را فراهم کنند.

این همایش از اصحاب رسانه و تلویزیون خواست تا فتاوا و مسایل فقهی را با مشورت و بهره‌گیری از مراجع مورد اطمینان، اخذ و زمینه را برای نظارت بیشتر علما بر برنامه‌های فقهی خود ایجاد نمایند.

شرکت‌کنندگان با تأکید بر لزوم تنظیم منشور صدور فتوا و تعیین مرجع رسمی برای صدور فتوا، خواستار انتشار دانش‌نامه‌ی جامع فقهی و تدوین ساختاری روش‌مند در تدریس صدور فتوا شدند. این همایش با حضور مفتی‌ها و رهبران اسلامی ۴۳ کشور مسلمان از پنجم تا هشتم خرداد ماه سال جاری در کویت برگزار شد.

سازمان کنفرانس اسلامی برگزار کرد؛

همایش اقلیت‌ها و انجمن‌های اسلامی در موزامبیک

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از پایگاه اسلامیک نیوز، دومین گردهمایی اقلیت‌ها و انجمن‌های اسلامی، در روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ در شهر مایوتو، پایتخت موزامبیک، پس از سه روز به کار خود پایان داد.

این همایش که به همت سازمان کنفرانس اسلامی و با حضور سفرا و نمایندگانی از شانزده کشور آفریقایی و علمای برجسته کشورهای اسلامی برگزار شده بود، به بررسی مشکلات و مسایل مسلمانان در این کشورها پرداخت.

در بیانیه پایانی این کنفرانس تأکید شد است: همه مسلمانان باید برای بهبود اوضاع آموزشی، بهداشتی، آزادی مذاهب و اجرای همه اصول و احکام الهی در جهان تلاش کنند.

در ادامه این بیانیه آمده است: همه مسلمانان در کشورهای آفریقایی باید با اتحاد و همبستگی، یک زندگی سراسر صلح و دوستی فراهم نموده و با ادیان دیگر به صورت مسالمت‌آمیز رفتار کنند.

همایش «تقریب در اندیشه، وحدت در عمل» در ترکیه برگزار شد

همایش بین‌المللی «تقریب در اندیشه، وحدت در عمل»، از سوی جامعه «جعفریه» ترکیه و با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه در ترکیه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این همایش جهانی که با شرکت جمعی از علمای مذاهب اسلامی و متفکرینی از کشورهای جهان اسلام برگزار شد، آیت الله تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در جمع دانشمندان و مقامات کشورهای اسلامی طی سخنرانی اظهار داشت: اسلام، دین حقیقت و حقیقت‌گرایی، میزان و تواضع در مقابل دیگران و در عین حال، دین صراحت در ابراز عقیده و استدلال و عقل‌گرایی است.

وی افزود: یک میزان تکوینی در اسلام وجود دارد که می‌گوید هیچ‌گاه تزویر نکنید. اسلام، دین تعقل و دلیل است و می‌خواهد انسان آزاداندیش باشد. اسلام، آزادی در فکر می‌خواهد، نه وحدت در فکر. اختلاف فکری طبیعی است و باید هم باشد، آن‌چه نباید باشد، اختلاف در عمل است. تفاوت در فکر و وحدت در عمل، همان فکر تقریبی است که بهترین فکر است. تقریب در واقع پیدا کردن نقاط مشترک فکری در میان مسلمانان است.

دبیرکل مجمع یادآور شد: اختلافات موجود، اختلافات تعقل و کلامی است. دین محل اختلاف نیست بلکه تعریف‌ها متفاوت بوده است.

آیت‌الله تسخیری تأکید کرد: وقتی ما از تقریب صحبت می‌کنیم، هدف پیدا کردن مشترکات و استفاده از آنها است. هر فرقه‌ای حق دارد بگوید ما برحق و بهترین هستیم ولی هیچ‌کس حق ندارد بگوید دیگری کافر است و او را تکفیر کند. هرکسی می‌تواند بگوید مذهب من صحیح است، اما نمی‌تواند بگوید مذهب دیگری ناصحیح است، و باید از بین برود.

هم‌چنین دیگر سخنران این همایش «شیخ صلاح‌الدین از گندوز»، رئیس جامعه جعفریه ترکیه، گفت: عدم موفقیت نظامی و سیاسی آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه عراق، آنها را بر آن داشته تا برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان این کشورها تلاش نمایند.

وی افزود: اختلافات فکری را باید به مثابه یک نعمت به حساب آورد، اما با وجود همه تفاوت‌های فکری، چون اصل و ریشه این تفکرات از یک کلمه و از سخن خدا و پیامبر نشئت گرفته، همگی قابل قبول و احترام است.

رئیس جامعه جعفریه ترکیه یادآور شد: به‌رغم این‌که اجتماع، ما را به طور فیزیکی جدا از یک‌دیگر قرار داده، اما از آن‌جا که همگی پیروان محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم، یک امت و در برابر دشمنان ملت، یک کشور و سرزمین واحد به‌شمار می‌آییم.

وی خاطر نشان کرد: ما باید به فکر یافتن مشترکات و تأسی نمودن به آنها باشیم. هیچ کس در عشق به دین قادر به رقابت با ما مسلمانان نیست، پس می‌توانیم با همه توان خود در تبعیت از دین تلاش کنیم و با اتحاد در مقابل دشمنان بایستیم.

هم‌چنین، شیخ الله شکر پاشازاده، شیخ الإسلام قفقاز و جمهوری آذربایجان در این همایش ضمن تشریح مشکلات مسلمین منطقه خود، از علما و مسلمانان خواست به یاری مسلمانان این منطقه بشتابند و اظهار داشت: مسلمانان باید در برابر کسانی که به آنان ضربه می‌زنند، متحد شوند. وی با اشاره به وضعیت عراق گفت: اگر این شرایط نتواند مسلمانان را بیدار کند دیگر چه چیزی خواهد توانست آنها را از دام تفرقه برهاند؟ دشمنان با تبلیغات می‌خواهند مسلمانان را به جان هم بیندازند.

شیخ پاشازاده تأکید کرد: ما نمی‌توانیم افرادی را مسلمان بنامیم که خود مسلمانان دیگر را می‌کشند. آیا می‌توان کسی را که قبر فرزند پیامبر را منفجر می‌کند، مسلمان نامید؟ آنها همگی عامل و جاسوس آمریکا هستند که می‌خواهند بین شیعیان و اهل تسنن اختلاف ایجاد کنند، اما در این زمان مسلمانان باید با حفظ اتحاد و یک‌پارچگی خود اجازه ندهند کسی بین آنها تفرقه ایجاد کند.

گفتنی است شیخ محمد تقی المولی، عضو مجلس نمایندگان عراق، حجت‌الاسلام والمسلمین نوراللهیان رئیس سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور، حارث العییدی از اساتید و دانشمندان عراقی، دکتر زکی المیلاد از علمای عربستان سعودی، دکتر احسان بعدرانی محقق و متفکر سوری و ابراهیم الوزیر از علمای یمن از دیگر سخنرانان این همایش بودند.

در همایش بین‌المللی «تقریب در اندیشه، وحدت در عمل» که در روزهای شنبه و یک‌شنبه ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه در هتل گرین پارک استانبول برگزار شد، موضوعاتی هم‌چون: تقریب مذاهب، مراحل مختلف و وضعیت فعلی آن، جایگاه تقریب مذاهب در قرآن و سنت، استراتژی تقریب مذاهب، بررسی ارتباطات بین مذاهب در عصر حاضر و موانع موجود بر سر راه آن، فرهنگ مصالحه بین مذاهب در ترکیه و انعکاس آن در جهان، بحث و بررسی گردید.

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در پیامی به

«کنگره وحدت در فکر و تقریب در عمل» در ترکیه:

دانشمندان موانع وحدت اسلامی را برطرف کنند

به گزارش خبرگزاری تقریب، مرجع عالیقدر شیعه مرحوم حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله در پیامی به کنگره وحدت در فکر و تقریب در عمل که در ترکیه برگزار شد، فرمود: باید همه مسلمانان با بیداری و هوشیاری به دنبال تجدید عزت و عظمت خود باشند. وی تأکید کرد: باید

اهل فکر و دانشمندان و علما با تشکیل جلسات متعدد به دنبال رفع موانع وحدت باشند و آنچه را که موجب تفرقه و دشمنی می‌شود از بین برده و با اتحاد دنیای اسلام در مقابل کسانی که به دنبال محو و اضمحلال اساس دین هستند بایستند. متن پیام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا

بشر از آغاز خلقت تا کنون همیشه به دنبال رشد و شکوفایی و سعادت بوده است. خداوند تبارک و تعالی دو حجت محکم رسولان و عقل را در میان او قرار داد تا بتواند با این دو وسیله راه را تشخیص و حق را از باطل تمییز دهد و در دام راهزنان و دنیاطلبان قرار نگیرد. بشریت تا مادامی که اعمال خویش را مطابق با فرامین و دستورات الهی قرار دهد و تا زمانی که در حوادث بسیار مهم گوش جان به هدایت‌های اولیای دین و ائمه معصومین علیهم السلام بسپرد و تا هنگامی که با چراغ عقل و خرد در فراز و نشیب‌های جاده تکامل و سعادت حرکت نماید همواره مصون خواهد ماند و با اطمینان کامل به سر منزل مقصود خواهد رسید.

از دستورات بسیار اکید قرآن کریم اعتصام به حبل خدا و عدم تفرقه است، کسانی که به دنبال عمل نمودن به این کتاب مقدس هستند نمی‌توانند از این اصل مهم غافل باشند. باید همواره در همه زمان‌ها انسان‌های پیروان حق و آگاهان به دین محوریت خداوند الهی را مورد توجه قرار دهند و همه اقشار و گروه‌ها را هر چه بیشتر به این نقطه مرکزی نزدیک نمایند. اختلاف و تفرقه موجب دوری بشریت از ریسمان الهی و قرار گرفتن در مکر و حيله شیطان است. امروزه باید مذاهب آسمانی بر مشترکات خود تکیه نمایند و به دنبال پیاده نمودن اصول مسلم ادیان توحیدی باشند. باید همه مسلمانان با بیداری و هوشیاری به دنبال تجدید عزت و عظمت خود باشند. باید اهل فکر و دانشمندان و علما با تشکیل جلسات متعدد به دنبال رفع موانع وحدت باشند و آنچه را که موجب تفرقه و دشمنی می‌شود را از بین ببرند. باید با اتحاد دنیای اسلام در مقابل کسانی که به دنبال محو و اضمحلال اساس دین هستند بایستند.

باید همه باور داشته باشیم که دشمنان بشریت و دین با برنامه‌های مختلفی در صدد توطئه علیه مسلمانان می‌باشند و در نتیجه مسلمانان هم باید با برنامه دشمن را در این توطئه ناکام بگذارند. البته همان طوری که مکرر گفته‌ایم و مقصود بزرگان در گذشته و حال بوده است آن‌که مقصود از وحدت، رجوع به اصول مسلم و مشترک است نه عدول از مبانی و اصول. هیچ‌گاه کسی نمی‌گوید که برای اتحاد و وحدت میان مسلمانان باید در عقاید تجدید نظر کرد و یا نسبت به آن تردید نمود، بلکه با حفظ مبانی مذهبی باید بر مسایل مشترک تکیه نمود، و در مقابل ظلم و کفر ایستاد.

این جانب به همه علما و دانشمندان و همه گروه‌ها و اقشار مذهبی و دینی توصیه می‌نمایم که به شرایط اسلام در زمان معاصر توجه نمایند و برای حفظ این دین عزیز و احیای مجدد عظمت مسلمانان و اقتدار آنان بکوشند و با اتحاد و یک‌پارچگی در رشد و تعالی همت گمارند. اگر امروزه مسلمانان خصوصاً کسانی که مسئولیت هدایت فکری را بر عهده دارند از این امر غفلت نمایند و اجازه دهند دامنه اختلافات روزبه‌روز تشدید گردد دیگر اسلام نخواهد توانست زمام امور بشر و جامعه را در دست گیرد و دین از صحنه زندگی بشر کنار خواهد رفت. به همه شما علما و گروه‌هایی که در این مجلس شرکت نموده‌اید و در صدد بحث و پیدا نمودن ریشه‌های اصلی وحدت در مقام عمل و تقریب فکری و دینی می‌باشید درود و سلام می‌فرستم و از خداوند متعال خواستارم تا نور حق را در قلوب همه روشن فرماید و دست دشمنان را از جامعه مسلمین کوتاه نماید؛ ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم.

محمد فاضل لنکرانی / ۲۳ ربیع المولود».

روحانی سوری، خواهان وحدت مسلمانان در رویارویی با توطئه‌های دشمنان شد

سرویس ادیان: شیخ «صلاح‌الدین کفتارو» روحانی سرشناس اهل سنت و رییس «مجتمع اسلامی شیخ کفتارو» در سوریه، خواستار وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی در راه مقاومت در برابر توطئه‌چینی‌های دشمنان شد.

به گزارش پایگاه خبری تقریب، وی روز یک‌شنبه مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۳ در مراسم گشایش کنگره سالانه تشکل علمای عراق در «مجتمع اسلامی شیخ کفتارو» در دمشق درگفت و گو با خبرنگار ایرنا، با بیان این مطلب، گفت: دشمنان، ما را بدون استثنا تروریسم قلمداد کرده‌اند، چه خوب است با یک‌دیگر دوستی و همکاری داشته باشیم و در یک جبهه متحد با دشمنان مبارزه کنیم.

وی با تأکید بر اهمیت پیروی از تعالیم پیامبر اسلام ﷺ، افزود: وجود مذاهب اسلامی به هیچ وجه، دلیل بر وجود تفرقه میان مسلمانان نیست، بلکه عامل غنای شریعت اسلامی است. کفتارو تصریح کرد: اگر حزب الله و «سید حسن نصر الله» مظهر تشیع هستند، همگی ما به شیعه بودن افتخار می‌کنیم، و اگر جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین مظهر تسنن هستند، همگی ما به سنی بودن خود مفتخریم.

در مراسم گشایش نخستین کنگره سالانه تشکل علمای عراق، عبداللطیف الهمیم دبیر کل این تشکل، شیخ احمد حسون مفتی اعظم سوریه، صلاح‌الدین کفتارو رییس مجتمع اسلامی شیخ کفتارو، و هیئت‌هایی از کشورهای مختلف اسلامی از جمله لبنان و اندونزی شرکت داشتند. در این کنگره که با عنوان «عراق یک‌پارچه در مقابله با اشغال‌گری و طایفه‌گری»، برگزار شد، ده‌ها نفر از شخصیت‌های عراقی مخالف حضور اشغال‌گران در این کشور نیز حضور داشتند.

ساخت بزرگ‌ترین مرکز اسلامی اروپا در سوئیس

سرویس ادیان: مجمع سازمان‌های اسلامی استان برن اعلام کرد: برن، پایتخت سوئیس می‌تواند بزرگ‌ترین مرکز اقتصادی فرهنگی اسلامی اروپا را در خود جای دهد. به گزارش پایگاه خبری تقریب به نقل از «سفیرنیوز»، سکویی برای اسلام که شامل یک مرکز کنگره، یک هتل چهار ستاره، یک موزه، تعدادی اداره و یک مسجد است و در زمینی به مساحت ۲۳ هزار متر مربع ساخته خواهد شد، در حال حاضر در دست مطالعه است. «فرهاد افشار»، استاد دانشگاه برن و سخنگوی مجمع اسلامی «امت» که سازمان‌های اسلامی برن را سازمان دهی می‌کند، توضیح داد: می‌خواهیم غنای فرهنگ اسلامی را در سطوح و ابعاد متعدد وارد سوئیس کنیم.

فرهاد افشار افزود: این پروژه عظیم باید باعث ایجاد شغل‌های جدید شود. ادارات باید شرکت‌های بازرگانی مرتبط با کشورهای اسلامی را پذیرا باشند. هتلی که معماری آن بر اساس معماری مدرن اسلامی خواهد بود، به احتیاج شهر برن که مهم‌ترین هتل آن بسته شده است، پاسخ می‌گوید و پذیرای همه نوع میهمان خواهد بود.

«مارکو ریتر»، مهندس دفتر بوآرت که قابل اجرا بودن این پروژه را بررسی می‌کند، گفت: هزینه ساخت این مرکز بین ۶۰ تا ۸۰ میلیون فرانک سوئیس (۳۶/۴ تا ۴۸/۶ میلیون یورو) ارزیابی می‌شود. به گفته فرهاد افشار، تأمین هزینه‌های این مرکز با منابع مالی مربوط به مهمان‌خانه با سرمایه‌گذاران خصوصی برای بخش اقتصادی و یک بنیاد سوئیسی برای بخش فرهنگی تضمین خواهد شد.

مرکز در محوطه‌ای به مساحت ۳۴ هکتار در شمال برن بنا خواهد شد. یک هتل و یک استادیوم فوتبال و چند مرکز دیگر نیز باید بر روی این زمین که ملکی متعلق به کل شهر است، ساخته شود.

همایش «بررسی احکام فقهی زکات» در بحرین برگزار شد

سرویس ادیان: همایش احکام فقهی زکات به منظور بررسی مصرف بهینه زکات در جهان اسلام از ۱۵ اردیبهشت ماه به مدت سه روز در منامه، پایتخت بحرین برگزار شد. به گزارش پایگاه خبری تقریب، آیت الله «تسخیری»، دبیر کل مجمع با حضور در این همایش پیرامون «اهمیت زکات در اسلام و جایگاه آن در مباحث فقهی و مصرف بهتر آن در بین کشورها اسلامی» سخنرانی کرد. شایان ذکر است این همایش از سوی کمیته فقهی مجمع بین المللی فقه اسلامی از ۵ تا ۷ می در بحرین برگزار شد.

همایش سراسری و تخصصی «اتحاد ملی، انسجام اسلامی» برگزار می‌شود

گروه اجتماعی: مرکز توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی در نظر دارد همایش سراسری و تخصصی «اتحاد ملی، انسجام اسلامی» را نیمه دوم سال جاری برگزار کند. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، «جعفری» دبیر این همایش ضمن اعلام این خبر گفت: شعار اتحاد ملی، انسجام اسلامی به عنوان یک استراتژی هم‌زمان با آغاز سال جدید از سوی رهبر فرزانه انقلاب طرح و مورد توجه کارشناسان و گروه‌های اسلامی داخل و خارج کشور قرار گرفت. وی افزود: هم اکنون پاسخ به این ره‌یافت به یک ضرورت اساسی تبدیل شده است و مرکز توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی نیز در راستای تحقق این شعار اقدام به برگزاری همایش سراسری و تخصصی اتحاد ملی، انسجام اسلامی کرده است. جعفری در ادامه از فراخوان مقاله برای این همایش خبر داد و گفت: «چارچوب و مفهوم اتحاد ملی، انسجام اسلامی»، «نقش قرآن مجید و عترت در تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی»، «اتحاد ملی، انسجام اسلامی در کلام امام خمینی و مقام معظم رهبری»، «نقش مذاهب و قومیت‌ها در تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی»، «نقاط مشترک حوزه ملی و حوزه اسلامی»، «بررسی زیان‌های وارده بر امت‌های اسلام به دلیل فقدان وحدت و انسجام»، «نقش دانشگاه و حوزه در تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی»، «نقش رسانه‌ها در تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی» و «تأثیر اتحاد ملی و انسجام اسلامی بر امنیت ملی» بخشی از موضوعات مقاله‌نویسی این همایش است.

محورهای همایش سراسری و تخصصی «اتحاد ملی، انسجام اسلامی» عبارت است از: «فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع تحقق اتحاد ملی انسجام اسلامی»، «شیوه‌های تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مدیریت بر آنها»، «آسیب‌شناسی مشکلات تحقق اتحاد ملی، انسجام اسلامی» و «نقش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در بیدارگری اسلامی و ایجاد امت واحد».

جعفری، «پیشنهاد تدوین منشور وحدت اسلامی»، «نقش و سهم دولت و ملت در رشد اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، «نقش احزاب و گروه‌ها در اتحاد ملی انسجام اسلامی»، «شیوه‌های ارزیابی کیفی و کمی اتحاد ملی و انسجام اسلامی» و «نقش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در تحولات علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه» را از سرفصل‌های دیگر این همایش سراسری عنوان کرد.

دبیر همایش اتحاد ملی، انسجام اسلامی در پایان افزود: استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه تا شنبه ۲۰ مرداد ماه جاری فرصت دارند مقالات خود را به دبیرخانه این همایش، به آدرس تهران، صندوق پستی ۳۵۳/۱۷۸۴۵ ارسال نمایند.

علامه فضل الله:

هیچ اختلافی میان مسلمانان شیعه و سنی لبنان وجود ندارد؛ مشکل واقعی، اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و آمریکا است

علامه فضل الله از علمای برجسته لبنان با تأکید بر این‌که هیچ مشکل و اختلافی بین شیعیان و اهل تسنن در این کشور وجود ندارد، عامل اصلی مشکلات موجود در منطقه و لبنان را اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و آمریکا دانست.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه الدیار، «علامه سید محمد حسین فضل الله» در سخنانی، بر وحدت بین مسلمانان شیعه و سنی لبنان در چارچوب خطوط اسلامی و برای محافظت از مسایل و قضایای مربوط به امت (اسلامی) تأکید کرد.

این مرجع تقلید شیعیان لبنان در ادامه سخنان خود که در جمع هیئتی از «جنبش وحدت اسلامی» لبنان ایراد کرد، گفت: بین شیعیان و اهل تسنن لبنان مشکل واقعی وجود ندارد، هرچند طرف‌های مخالف (با وحدت مسلمانان) در تلاش برای ایجاد مشکلاتی بین مسلمانان از طریق رنگ و لعاب مذهبی دادن به اختلافات سیاسی موجود هستند.

وی خاطرنشان کرد: کسانی که برای فتنه‌انگیزی تلاش می‌کنند، گاهی از روی جهل و عقب

ماندگی و زمانی دیگر از طریق آن‌چه که دستگاه‌های مرتبط با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌کنند، دست به چنین کاری می‌زنند.

«علامه فضل‌الله» افزود: این سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به طرح آمریکا خدمت می‌کنند؛ طرح‌هایی که مخالف با امت (اسلامی) است و در جهت ساقط نمودن و از بین بردن کل موجودیت اسلام در جهان اجرا می‌شود.

وی تصریح کرد: به نظر من مسئولان هوشیار اسلامی چه شیعه و چه اهل تسنن بسیار خوب می‌دانند که مسئله، مسئله مذهب نیست، بلکه همه این مشکلات به اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و اشغال‌گری آمریکا و هم‌چنین پیروی اتحادیه اروپا از دولت آمریکا در بیشتر مسایل مربوط به جهان عرب و اسلام بر می‌گردد.

همایش «جهانی شدن برای ارزش‌های مشترک» در ترکیه برگزار می‌شود

همایش «جهانی شدن برای ارزش‌های مشترک»، از روز چهاردهم تا نوزدهم تیر ماه جاری در استانبول ترکیه برگزار می‌شود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از منابع اینترنتی، این همایش از سوی گروه مدیریت عمومی دانشگاه فایت استانبول برگزار می‌شود.

این همایش ششمین همایش سالانه‌ای است که در موضوع جهانی شدن برگزار می‌شود. برگزار کنندگان این همایش در نظر دارند چشم‌اندازی از ایمان و ارزش‌های مشترک انسانی و راه‌های جلوگیری از خشونت و جدال‌های جهان معاصر را بررسی نمایند. این همایش با حضور صاحب‌نظران ادیان متعدد از کشورهای مختلف برگزار می‌شود.

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت حمله به گلدسته‌های حرمین عسکریین علیه السلام

پایگاه خبری تقریب: بار دیگر عوامل نفاق تحت حمایت نیروهای اشغال‌گر در عراق با هتک حرمت به حریم مقدس حرم عسکریین علیه السلام در سامرا پرده از چهره کریه و ننگین خود برداشتند.

امروز نیروهای اشغال‌گر در عراق و مزدوران طایفه‌گرای آنان با اهانت به ذریه‌گران قدر پیامبر ﷺ در سامرا، امت اسلامی را به مبارزه می‌طلبند و تنها هوشیاری، اتحاد، هم‌بستگی و اراده استوار مسلمانان برای دفاع از مقدسات دینی و هویت اسلامی خود، چاره‌ساز بحران‌های ایجاد شده می‌باشد.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، با محکوم ساختن حرکت نیروهای اشغال‌گر آمریکایی و عاملان نفاق و تفرقه در حمله به حرمین عسکرین علیهما السلام اعلام می‌کند که این تلاش‌های مذبحانه سبب آگاهی بیش‌تر امت اسلامی نسبت به تفرندهای مذهبی گردیده و یک‌پارچگی، وحدت و هم‌بستگی اسلامی را در پی خواهد داشت.

بر همه رهبران و علمای جهان اسلام است تا تمام توان و امکانات خود را در برابر این‌گونه دسیسه‌ها به کارگیرند و در جهت وحدت مسلمانان که از مؤکدات تعالیم روح‌بخش دین مقدس اسلام و قرآن مجید است، سعی وافر نمایند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به رغم تمامی این درد و رنج‌ها که موجب جریحه‌دار شدن احساسات مسلمانان اعم از شیعه و سنی شد تأکید می‌ورزد که تنها برخورد کارآمد در این میان، انگشت گذاشتن بر وحدت برادران اهل سنت و شیعه در برابر هرگونه توطئه‌ای علیه عراق و مردم رنج‌کشیده و دردمند آن است و این قبیل حوادث اسفناک هرگز نمی‌تواند در روند وحدت و تقریب امت اسلامی و ارزش‌های والای آن کوچک‌ترین خدشه و خللی وارد آورد.



مأخذ شمسنا سي
انك لسته
تقريب

لا يمشى تقرب

مأخذشناسی اندیشه تقریب

سلمان حبیبی

ا. آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

التأويل في مختلف المذاهب و الآراء

بحث علمی مقارن و هادف یعنی بشؤون التأويل و علاقته بالتفسير
والمجاز والهرمينوطيقا.

محمد هادی معرفت، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،
چاپ اول، ۱۳۸۵، ۲۷۹ صفحه، وزیری.

نقش قرآن در حیات بشر برای عموم مردم و به ویژه مسلمانان

پوشیده نیست؛ بنابراین دانشمندان برای کشف باطن عمیق قرآن با جدیت کوشیده‌اند و برای آشکار نمودن رازهای نهان قرآن که بر عموم پوشیده است به تأویل روی آوردند. این کتاب که توسط استاد مرحوم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت که به حق از علمای بزرگ علوم قرآنی در این عصر بود نگاشته شده است، به موضوع تأویل در مذاهب مختلف اسلامی پرداخته است.

وی در مقدمه کتاب به تعریف لغوی تأویل پرداخته و سپس مفهوم تأویل را بیان می‌نماید، آن‌گاه با توجه به آیات متشابه در قرآن و علت وجود این آیات، تأویل را نوعی تفسیر می‌داند که به عهده الراسخون فی العلم می‌باشد و سپس در این باره بحث را ادامه می‌دهد که تأویل مفهوم عمومی آیه را بیان می‌کند و در پایان این بخش از کتاب چند نمونه از تأویلات را ذکر می‌کند.

در بخش دیگر کتاب با عنوان «آیا تفسیر توقیفی است؟» نظرات گوناگون درباره تفسیر و مفسر

ارایه گردیده است.

مباحث جدید علوم قرآنی از قبیل هرمنوتیک و مشکل فهم متون و مجاز و ارتباط آن با تأویل، در بخش دیگر بیان می‌شود. هم‌چنین در بخشی دیگر، از حروف مقطعه و آرا و نظرات مختلف پیرامون آنها در روایات و ارتباط آنها با تأویل بحث می‌شود. اعجاز عددی و حسابی در کلمات آغازین سوره‌ها و بحث‌های جدید ولی شگفت‌انگیزی که درباره حروف مقطعه شده است و نیز نظرات اساتید قدیمی مصری عناوین بخش دیگری از کتاب را به خود اختصاص داده است و در پایان کتاب، مقاله یکی از دانشمندان علوم قرآنی که در رد و نقد آن نظریات نگاشته شده، ذکر گردیده است.

الأقتصاد الإسلامي

دروس فی المذهب و تأویل للمسائل المسحذة

و تركيز على المصرفية الإسلامية.

محمد علی تسخیری، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۸۵، ۷۵۲ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر شامل هفتاد و دو درس درباره توجهات شرع مقدس

اسلام به اقتصاد و نظام بانک‌داری اسلامی و نیز مسایل مستحذة مربوط به آن با توجه به آرا و اندیشه‌های شهید والامقام آیت الله سید محمد باقر صدر می‌باشد که توسط حضرت آیت الله تسخیری با توضیحات کامل و تلخیص تألیف گردیده است.

کتاب دارای دو جزء است که جزء اول آن شامل ۳۶ درس می‌باشد که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این جزء نقد مکتب مادی مارکسیست می‌باشد و دلایل علمی زیادی در نقد و رد آن ارایه شده است. مؤلف سپس نظام اقتصادی اسلامی را ترسیم نموده و ویژگی‌های منحصر به فرد آن را که سبب می‌شود از سایر مکاتب اقتصادی به خصوص از مکاتب مادی متمایز گردد تبیین نموده است، آن‌گاه نظرات مکتب اسلام را پیرامون موضوعاتی چون تولید، مصرف و مالکیت بیان داشته است.

در جزء دوم کتاب که شامل ۳۶ درس می‌باشد نقش و وظایف دولت اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی بیان گردیده و به موضوعاتی چون آزادی اقتصادی، نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی، وقف، نرخ گذاری، قراردادهای مناقصه‌ها و مزایده اوراق قرضه‌های ملی و دولتی و نیز سایر اسناد بانک‌داری اسلامی پرداخته شده است و در پایان، نظرات امام خمینی؛ و تجربه‌های بانک‌داری

جمهوری اسلامی ایران تبیین و به بعضی از اشکالات و ایرادات موجود در این باره پاسخ داده شده است.

الأقليات المسلمة في قارة أفريقيا



برخی از دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۱۷۶ صفحه، وزیری. در این کتاب اندیشه‌ها و دیدگاه‌های عده‌ای از دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام درباره شناسایی، هویت فرهنگی، حقوقی و چگونگی کمک به اقلیت‌های مسلمان جهان که در قالب مقاله و سخنرانی در اولین کنگره اقلیت‌های مسلمان در قاره آفریقا (در سال ۲۰۰۳ میلادی در شهر اکرا جمهوری غنا) بیان شده، ارایه گردیده است.

عناوین سخنرانی‌ها و مقالات به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- سخنرانی دبیر کل سابق، که در آن آماری از تعداد مسلمانانی که به صورت اقلیت در جهان زندگی می‌کنند و فعالیت‌های سازمان، ارایه گردیده است؛
 - ۲- سخنرانی دکتر عبدالواحد بلقریز؛
 - ۳- سخنرانی آیت‌الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛
 - ۴- مقاله آقای محمدی عراقی ریاست سازمان ارتباطات اسلامی ایران با عنوان «هویت اسلامی و حقوق اقلیت‌های مسلمان»؛
 - ۵- مقاله آقای انس بن حسن الشقفه با عنوان «کوتاه‌ترین راه برای حمایت و مساعدت اقلیت‌های مسلمان فعالیت‌های آموزشی است»؛
 - ۶- مقاله آقای خالد وکیل با عنوان «اقلیت‌های مسلمان در آنگولا»؛
 - ۷- مقاله دکتر عبدالصمد عبدالله با عنوان «هویت فرهنگی اقلیت‌های مسلمان در غنا»؛
 - ۸- مقاله آقای محمد البشاری با عنوان «اسلام و رسانه‌های غربی بعد از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱»؛
 - ۹- مقاله «نقش مؤسسات و سازمان‌های اسلامی در حمایت و پشتیبانی اقلیت‌های مسلمان در آفریقا».
- در پایان کتاب نیز بیانیه اولین کنفرانس اقلیت‌های مسلمان در قاره آفریقا ذکر شده است.

الوحدة الإسلامية في الأحاديث المشتركة بين السنة الشيعية

سید شهاب الدین حسینی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب
اسلامی، چاپ اول، ۲۰۰۶م، ۲۰۶ صفحه، وزیری.

آنچه که امروز بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز جوامع اسلامی
است وحدت می‌باشد. عوامل و سرچشمه‌های این وحدت در اعتقاد به

خداوند و پیامبر و کتاب و معاد است که همه مسلمین در آن اشتراک دارند و بسیاری از آیات و روایات
مسلمین را به وحدت دعوت نموده و از تفرقه و تشتت برحذر داشته‌اند.

در این کتاب سعی شده است احادیث مشترک بین سنی و شیعه گردآوری شده و به جوامع
اسلامی و به خصوص علما و دانشمندان جهان اسلام تقدیم گردد تا بیش از پیش به موضوع وحدت
توجه شده و مشکلات سیاسی و اقتصادی و اعتقادی جهان اسلام برطرف گردد.

کتاب از یک مقدمه طولانی و هفت باب تشکیل شده است که در مقدمه، محورهای وحدت
اسلامی شامل قرآن، سنت پیامبر، مرجعیت علمی و تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام ذکر شده است و سپس
ضمن پاسخ‌گویی به چند سؤال، نکات هفت‌گانه‌ای که تقریبیون باید به آن توجه داشته باشند بیان
شده است.

مؤلف باب اول را دو قسم نموده و در قسم اول طی شش فصل به بحث از ضرورت وحدت
پرداخته و در قسم دوم طی چهار فصل از ضرورت پرهیز از تفرقه سخن گفته است و در هر فصل
ابتدا احادیث اهل سنت و سپس احادیث شیعه را آورده است.

در باب دوم که با دقت زیادی از مجامع حدیثی گلچین شده و در یک جا جمع‌آوری گردیده است
عناصر ارزشمندی که سبب قوام و ثبات وحدت می‌باشد در پانزده فصل بیان شده است که عناوینی
هم‌چون مسلمان و حرمت او، نطق به شهادتین، اخوت اسلامی و ضرورت اهتمام به امور مسلمین از
آن جمله می‌باشد.

عوامل تخریب وحدت اسلامی در باب سوم و در نه فصل بیان شده است که می‌توان
سخن چینی، تعصب کور، تفاخر، خصومت، سب مسلم و خبث طینت را از جمله آنها
برشمرد.

علاقه و ارتباط مسلمانان با یک‌دیگر و تجسم عینی وحدت در جوامع مختلف اسلامی در باب
چهارم و در پنج فصل بیان گردیده است.

در باب پنجم، آثار وحدت و تفرقه در ده باب بیان گردیده و احادیث مختلفی در این مورد ذکر شده است.

در باب ششم و طی سه فصل، مفهوم تقیه با توجه به روایات مشترک توضیح داده شده و دلایل و حدود آن بیان گردیده است.

در آخرین باب کتاب، در شانزده فصل معیارهای الهی پیرامون وحدت و ویژگی‌های موحدان بیان شده و در پایان کتاب نیز فهرست آیات، احداث، اعلام و منابع و محتویات کتاب ذکر شده است.



ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب

مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)

محمد تقی فخلعی، تهران، انتشارات مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۳۶۰

صفحه، وزیری.

مخاطره‌آمیز بودن شرایط کنونی مسلمین جهان امری است که بر کسی پوشیده نیست و به روشنی مشاهده می‌شود که شیطان سیرتان حاکم بر تقدیرات بین المللی که در اقلیت صهیونیسم جهانی و

نومحافظه کاران حاکم بر کاخ سفید خلاصه می‌شوند، بیش از هر زمان حلقه محاصره را بر ملت‌های اسلامی تنگ کرده‌اند. امروزه بر همه دلسوزان و مصلحان جهان اسلام فرض است که در محافل و مجامع علمی و تحقیقاتی باب مفاهمه را بیش از پیش گشوده، بردباری پیشه ساخته و با حوصله تمام آرای مخالف را بشنوند و در آن درنگ نمایند و احساسات و عواطف را در نقد و نظر دخالت ندهند تا از این ره گذر به اهداف تقریب نزدیک گردند. در این بین عالمان و منادیان دین و مذهب باید بیش از دیگران بار سنگین مسئولیت را بر جان و تن خود حس کنند و به حکم ضرورت، در جهت تلطیف فضای روابط میان مذاهب تلاش نمایند.

نوشتار حاضر دفتر اول از «مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی» است که در دو فصل کلی «گفتمان تقریب» و «گفتمان عقیده» تدوین شده است. در فصل نخست، از اصول و راه‌های تحقق آرمان تقریب سخن به میان آمده و قرار گرفتن این مباحث در فصل آغازین این مجموعه بیان‌گر آن است که روح غالب بر سراسر تحقیق، تفاهم‌جویی و هم‌گرایی است. در فصل دوم، از پایگاه یک شیعی پای‌بند، مهم‌ترین موضوعات و گفتمان‌های اختلافی در مورد عقیده طرح گردیده و کوشش شده مبانی و اصول مذهب امامیه با بیان استدلالی به طور محکم تبیین شود و هم‌زمان سعی شده در بیان و نقد آرای اهل سنت اصل ارزیابی بی طرفانه در حد توان رعایت شود.

مهم‌ترین عناوین و موضوعات مطرح شده عبارت است از: گفتمان تقریب، مبانی وحدت اسلامی، معنا و مفهوم تقریب، اصول و مبانی تقریب، شبهات مخالفان تقریب، موانع تقریب (الف - موانع اخلاقی، خودبینی، تجر، خشونت و افراطی‌گری؛ ب - جهالت؛ ج - عصبیت جاهلان؛ د - موانع سیاسی و تاریخی)، گام‌های عملی در راه تقریب، نجات یابندگان، وفاق‌گرایی در سیره امام علی علیه السلام، وفاق‌گرایی در سیره سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام، گفتمان امامت و خلافت، نصوص امامت در قرآن کریم، نصوص امامت در سنت، ویژگی‌های امام، اهل بیت، محل تلاقی امت، محبت اهل بیت، مرجعیت علمی اهل بیت، گفتمان اثنا عشریت، گفتمان مهدویت، گفتمان عدالت صحابه، تحریف ناپذیری قرآن و...

اعلام الهدایة: محمد المصطفی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

لجنة التالیف مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ۲۴۸ صفحه، وزیری.

کتاب از جمله مجموعه‌هایی است که مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام جهت معرفی چهارده معصوم فراهم آورده و در آن سعی شده است شخصیت پیامبر به صورت موجز و با کاربرد عملی معرفی گردد. این اثر، با

عبارات روان و به دور از مباحث حاشیه‌ای و نقل قول‌های مستقیم تاریخی و یا حدیثی، نوشته شده و در عین حال بخش‌هایی از آن که نیاز به ذکر مأخذ داشته، مستند نگاری شده است. کتاب با مقدمه‌ای درباره روش قرآن در ارائه گزارش‌های تاریخی و ذکر سیره شروع می‌شود و در آن هدف قرآن، یعنی هدایت‌گری، و راه‌های گوناگون دست‌یابی به آن بیان شده است. هم‌چنین در این کتاب، اصول قرآن در روش تاریخی خود، حق، علم، گزارش مستقیم از حوادث و احاطه همه جانبه بر رخدادها، معرفی شده است.

کتاب، دارای پنج باب است؛ در باب اول از روش تاریخ‌نگاری قرآن، مروری بر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، سنت، وحی و جلوه‌هایی از شخصیت پیامبران بحث شده است. باب دوم از دوران کودکی تا ازدواج پیامبر را در بر می‌گیرد. باب سوم درباره بعثت و مراحل رسالت پیامبر، و موضع بنی هاشم درباره پیامبر و سال‌های گشایش کار رسالت پیامبر در مکه تا زمان هجرت است. باب چهارم مربوط به حضور پیامبر در مدینه و رخدادهای اوایل حضور پیامبر در آن شهر از قبیل مؤاخات، بنای مسجد،

معاهدات و جنگ‌های عمده پیامبر است. باب پنجم نیز درباره فتح مکه و مقدمات آن، گسترش دعوت اسلامی به خارج از مرزهای جزیره العرب و پاک سازی شبه جزیره عربستان از بت پرستی و آخرین روزهای حیات پیامبر و رخدادهای آن می‌باشد. و در همین باب، برخی از معالم و تراث پیامبر نیز معرفی شده است.

تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل

گفتارها و نوشتارهایی از آیت الله آصف محسنی

محمد آصف محسنی، قم، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۲۶ صفحه،

رقعی.

وحدت اسلامی یا تقریب مذاهب از آرزوهای دیرین همه خیرخواهان و مصلحان جهان اسلام بوده است. هیچ مصلح و جریان اصلاح طلب و

احیاگری را در جهان اسلام نمی‌شناسیم که این داعیه را در سر نداشته و این آرمان را پی نگرفته باشد. به ویژه در یکی از دو سده اخیر که بیداری اسلامی گفتمان غالب در جهان اسلام بوده است؛ از سید جمال الدین اسد آبادی و شیخ محمد عبده گرفته تا عبدالرحمن کواکبی و ابوالاعلی مودودی، و از امام محمد حسین کاشف الغطاء و امام شرف الدین گرفته تا امام موسی صدر و امام خمینی و در زمان ما مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، همه در آرزوی یگانگی امت اسلامی بوده‌اند و این هدف را از راه تقریب ذهنی، فکری و اصولی مذاهب اسلامی پی گرفته‌اند. در میان راه‌های فراوان تثبیت و ترویج ذهنیت تقریب در میان مسلمانان، یکی از موفق‌ترین شیوه‌ها نشان دادن عملی بودن و نتیجه بخش بودن گفتارها و رفتارهای مسالمت‌جویانه و تقریب‌گرایانه است که مؤلف محترم، از رهبران جهادی شیعیان افغانستان، یکی از نمادهای برجسته این تقریب عملی و میدانی است. چالش جدی و مستمر ایشان با واقعیت‌های زمانه، وی را واداشته تا در زمینه مبانی تقریب در میراث اسلامی و شیعی نیز تحقیقات گسترده و پرتیری داشته باشد.

اثر یاد شده محصول همت و تلاش جمعی از علاقه‌مندان به ایشان و دیدگاه‌های تقریبی اوست و حاصل گفت‌وگویی است که فصل‌نامه «هفت آسمان» با ایشان در خصوص مبانی نظری تقریب مذاهب صورت داده و سپس در غالب کتابی با این عناوین تدوین شده است: زندگی نامه خودنوشت، تألیفات، سفرها، تعامل اهل سنت و شیعه، ضرورت‌ها و پیامدها، شیعه و اهل سنت، مشترکات و

اختلافات، ریشهٔ تعدد مذاهب در اسلام، موارد اتفاق نظر شیعه و سنی (در عقاید، در فروع)، موارد اختلاف، نظر ثانی بر موارد نه گانه مورد اختلاف، اختلاف در فروعات فقهی، قضاوت، راه اساسی اتحاد، وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، مبانی و مبادی نظری تعامل بین مذاهب و فرق، استراتژی و عوامل تقریب مذاهب اسلامی، تعریف تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی، منشأ اختلافات مذهبی عادی و طبیعی است، موانع تقریب، عوامل تقریب، و چرا تقریب تا کنون پیشرفت چشم‌گیری نداشته است.

در پایان کتاب نیز فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست کتاب‌ها و فهرست مکان‌ها ذکر شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام اسوهٔ وحدت

محمد جواد شری، ترجمهٔ محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ۷۳۳ صفحه، وزیری.

آقای شیخ محمد جواد شری یکی از رهبران روحانی شیعی است که در لبنان به دنیا آمد. در سن ۲۵ سالگی برای کسب علم راهی نجف اشرف شد و در درس بزرگانی هم‌چون سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و بالاخره علامهٔ مشکینی شرکت نمود. سپس با کوله باری از دانش و تجربه به کار ارشاد و تبلیغ دین پرداخت. هنگامی که جمع زیادی از شیعیان لبنان به آمریکا مهاجرت نمودند از وی دعوت نمودند تا برای بیان مسایل اسلامی به آمریکا مهاجرت نماید. وی دعوت آنان را پذیرفت و در ایالت شیکاگو اقامت گزید.

آقای شری در آمریکا به منظور آشنایی آمریکایی‌ها با دین اسلام اقدام به برگزاری سخنرانی‌های اسلامی و سیاسی نمود و موفق به ایجاد مرکزی اسلامی در دیترویت شد. این مرکز هم اکنون یکی از بزرگ‌ترین مؤسسه‌های اسلامی در آمریکا به شمار می‌آید. وی با توجه به این که به زبان انگلیسی در سطح بالایی آشنایی داشت توانست با مسافرت‌های خود به بعضی کشورهای آفریقایی به تبلیغات اسلامی بپردازد و با پشتکار و رنج فراوان، اسلام را در بعضی مناطق آفریقایی رواج دهد. وی در فتوای شیخ الازهر (شلتوت) مبنی بر برابری میان مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب جعفری

نقش داشته است. بعد از انقلاب اسلامی بارها به ایران آمد و در کنگره‌های اسلامی و گردهمایی‌های علمی شرکت نمود. از همان اوان جوانی در این اندیشه بود که با ایجاد سبک و طرحی نو بتواند مسایل اسلامی را به شکلی مطلوب‌تر برای قشرهای تحصیل کرده و روشن فکر مطرح نماید و از جمله آن مسایل، مسئله امامت بود که ظاهراً به این موفقیت دست یافته است.

کتاب «امیرالمؤمنین علیه السلام اسوه وحدت»، یکی از آثار خوب مؤلف در این مورد است. این کتاب دارای چهار بخش و یک خاتمه است. بخش اول به بحث امام علیه السلام در دوران نبوت اختصاص دارد. عنوان بخش دوم و سوم، «امام علیه السلام در دوران خلفای سه گانه» و «امام علیه السلام در دوران خلافت خویش» می‌باشد و بالاخره در بخش چهارم به مسئله خلافت در قانون اسلامی پرداخته شده است.

مؤلف در بیان مطالب مورد اتفاق یا اختلاف مسلمانان با تکیه بر روح اخوت اسلامی سعی کرده است به گونه‌ای واقع بینانه برخورد کند و از توهین و جنجال‌های بی‌دلیل که از ارزش یک اثر وزین و بی‌غرض می‌کاهد اجتناب نماید. وی در حد امکان از منابع اهل سنت بهره گرفته و در میان آنها اعمال سلیقه نموده و دست به انتخاب زده است. ارتباط بخش‌ها و فصول کتاب به گونه‌ای است که مطالب مانند حلقه‌های زنجیر به دنبال هم آمده و خواننده ملزم به خواندن مرتب کتاب است؛ زیرا مؤلف میان حوادث زندگی علی علیه السلام نوعی ارتباط علی و معلولی برقرار نموده و بر همین اصل، خود نویسنده، مطالعه کننده را از مطالعه هر فصل پیش از مطالعه فصل قبل برحذر داشته است. البته کتاب دارای ویژگی‌های دیگری نیز هست که در ضمن مطالعه بر خواننده روشن می‌شود.

آقای شری کتاب‌های دیگری نیز تألیف کرده که تعدادی از آنها در کتابخانه‌های عمومی آمریکا به صورت مرجع در آمده است.



المقالات
خلاصة

لا يمشى تقرب

الاسلام و التعاون الاقليمي و الدولي

آية الله محمد علي التسخيري*

ان التعاون من ابرز معالم المجتمع الاسلامي، الا ان هذا المعلم بحاجة الى مزيد من البحث في المفهوم الاقليمي والدولي.

و يعتقد الباحث ان تحقيق هذا التعاون الدولي منوط بتوفير شروط منها: حيازة الكفاءة، توفير مناخ ملائم تسوده الثقة المتبادلة، ووجود مجالات واهداف مشتركة.

و يشكل الدافع الديني والمصلحة عماد هذا التعاون، كما يعتبر رواج المادية والعولمة التي هي من مؤشرات ازدهار الرأسمالية من اهمّ العقبات التي تواجهه، وفي الختام اشار المقال الى الأفاق المتنوعة للتعاون في الاسلام.

المصطلحات الرئيسية: التعاون، التعاون الاقليمي والدولي، الدافع الديني والمعنوي، المادية، العولمة.

بناء المجتمع الديني في السيرة النبوية

علي محمدي أشناني *

كان النبي الاعظم ﷺ - باعتباره خاتم الرسل - مأمورا باعداد امة واحدة و متحدة و معتدلة ملتزمة بالحق و العدالة و نموذجا للجميع استنادا الى الايات الالهية، لكي تكون أفضل امة أخرجت للناس منذ بداية الخلق وحتى العصر الحاضر.

تناول هذا المقال الى جانب الاشارة الى التعاليم الكفيلة ببناء المجتمع الصالح في آيات الذكر الحكيم و الروايات، تناول سبعة اصول منها باسهاب:

- ١ - اصل اقامة العدل بين الناس في حياتهم الفردية و الاجتماعية.
- ٢ - اصل الوحدة و فض النزاعات
- ٣ - اصل التعاون و التضامن في البر و عدم التعاون في اقتراف الذنوب و التعدي
- ٤ - اصل الاحسان و الانفاق و مكافحة الفقر و نشر الصلاح و الصدق في المعاملات
- ٥ - اصل الرقابة العامة او الامر بالمعروف و النهي عن المنكر
- ٦ - اصل مكافحة اى لون من الوان الفساد الاخلاقي و المالي و الاداري و السياسي
- ٧ - اصل تنظيم و تأهيل الامور

وانطلاقا من الوعد الالهي في القران الكريم، فان المجتمع البشري سائر لامحالة نحو نشر و بسط قيم الاسلام التي تبني على سيادة القيم الالهية المطلقة في مجتمع عالمي موحد و متكامل بزعامة الامام المهدي الموعود (عج) من اهل بيت النبي ﷺ، يبلغ فيه الانسان كماله المنشود و سعاداته الحقيقية، هذا و تتلخص رسالة المذاهب الاسلامية في انتهاج افضل السبل لبناء المجتمع النبوي استناداً الى القران و السيرة النبوية.

المصطلحات الرئيسية: بناء المجتمع الديني، السيرة النبوية، العدالة، الوحدة، الاحسان، الرقابة العامة.

* باحث و استاذ في الحوزة و الجامعة.

الرياسة

سال سوم / شماره دهم

ابو حنيفة ورواية الحديث

عبد الصمد مرتضوي*

من المعروف ان ابا حنيفة كان فقيها لا يبدي اهتماما بالاحاديث النبوية، وقد افرد في الاعتماد على القياس، ومع ذلك فقد اعتبر الحديث نظير سائر فقهاء الاسلام - المصدر الثاني للتشريع، وراح يروي الحديث في نطاق محدود، حتى نقلت الكثير من الكتب الحديثية الشيعية - اضافة الى الكتب الحديثية لاهل السنة - روايات عنه، وقد بحث هذا المقال دور ابي حنيفة في رواية الحديث واستعرض الروايات المنقولة عنه في الكتب الحديثية للفريقين.

المصطلحات الرئيسية: ابو حنيفة، رواية الحديث، المحدثين، الكتب الحديثية، فقهاء الاسلام.

عوامل الوحدة والتفرقة في العلاقات المتبادلة بين دول الخليج الفارسي

مرتضى شيرودي*

بعد الخليج الفارسي منطقة حيوية واستراتيجية من جهات مختلفة، ولهذا السبب فأى توتر او استقرار فيه سيتترك أثره على توتر او استقرار الشرق الاوسط والعالم برمته، وقد يلحق التوتر في الخليج الفارسي اضراراً بالغة بالدول المطلة عليه والعالم الاسلامي ويجلب منافع للغرب، لذلك كان من الضروري الوقوف على عوامل الوحدة والتضامن لانها الكفيلة بتعزيز اواصر الاتحاد والاخوة وتهميش عوامل التفرقة، وهذا ما تناوله المقال الحاضر بتفصيل.

المصطلحات الرئيسية: الخليج الفارسي، الوحدة والتضامن، التفرقة، ايران، الاقطار الاسلامية، النفط والدين الاسلامي.

ناشيونال

سال سوم / شماره دهم

* عضو الهيئة التعليمية لمركز البحوث الاسلامية واستاذ جامعي .

٢٠٤

ثقافة السلام والتعايش

بسام الصباغ*

السلام والاستقرار من المبادئ الأساسية التي رفع لواءها رسول الله ﷺ وزفها للبشرية كافة. والكاتب ضمن بيانه لهذه الفكرة تطرق الى غزوات النبي ﷺ واثبت انها دفاعية صرفة استنادا لادلة قرآنية وروائية متعددة، وان اغلبها قد فرضت عليه فرضا، ومن ثم بحث المبادئ والقواعد الكفيلة بتحقيق التعايش السلمي في المجتمع الاسلامي، وبحث ايضا السلوك الواجب اتخاذه على المسلمين تجاه غير المسلمين من منظار القران والسيرة النبوية، وجنح الى ان استقرار اصول هذا السلام والتعايش السلمي رهن بالصبر وتعزيز العلاقات الانسانية واحترام الحريات الدينية والحقوق الفردية والكرامة الانسانية، و في الختام دعى الكاتب الى فقه المصلحة وفقه التقريب والوحدة بين الفريقين ونبذ النعرات المذهبية.

المصطلحات الرئيسية: ثقافة السلام، التعايش السلمي، الكرامة الانسانية، الحريات الدينية، التقريب والوحدة.

Peace and coexistence culture

By Basum Sabaqh *

Abstract

Peace and security are two fundamental principles the Islam Prophet provided mankind with. Elaborating the abovementioned point, the author, resorting to the Quran and traditions, attempts to establish the fact that the wars during the Prophet's time were for defending purposes and mostly imposed on him. The writer then explains the rules and principles regulating peaceful coexistence in Islamic society as well as Muslim behavior toward non-Muslims according to the Quran and the Prophet's behavior. He clarifies that the peace and coexistence stability come with patience, strengthening human relations, respecting religious freedom and individual rights, and esteeming man. In the end the author denounces raising disturbance among different sects, and insists upon creation of one coalition, expedience jurisprudence and unity among Sunnis and Shiites.

Keywords: Peace culture, peaceful coexistence, mankind esteem, religious freedom, conciliation, unity

* *Syrian author and researcher.*

Unity and disunity elements in the relationship between the countries in the Persian Gulf region

By Morteza Shirudi *

Abstract

Given that the Persian Gulf is located in a strategic position in the region, its stability means stability in Persian Gulf region and tension in Persian Gulf means tension in the countries located around it. Tension in this area harms regional Islamic countries and benefits the West. By this means safety in this region is for the good of Muslims and an unsafe region is to the West advantage. Therefore, it is essential to know about the elements leading to unity or disunity among Islamic countries. The present article elaborates on the unity and disunity factors and ways of avoiding disunity factors and stepping up unity factors.

Keywords: Persian Gulf, Disunity, Unity, Iran, Islamic Countries, Oil and Islam

Abu Hanifa and relating tradition

By Abd al-Samad Mortadhawi *

Abstract

Today Abu Hanifa is mentioned by many as a scholar who paid little attention to the Prophet's traditions and rather resorted to comparison. Nevertheless, not only he, like the other Islamic scholars, accepts tradition as the second resort of deduction but he occasionally has related traditions. Besides traditions mentioned in Sunni sources by him there are many instances of traditions related by him in several Shiite sources.

This article explains Abu Hanifa's role in relating traditions and elaborates on some of traditions mentioned in Shiite and Sunni books under his name.

Keywords: Abu Hanifa, relating tradition, tradition relaters, tradition books, Islamic scholars

* MA in the Quranic and tradition sciences.

Creating religious society based on Prophet's behavior

By: Ali Mohammadi Ashnani *

Abstract

According to the Quran and divine orders, the Prophet of Islam, as the last messenger of God, was ordered to create a comprehensive, moderate and just society, the one which everyone looked up to and in a word, the best society every existed.

Elaborating on the society-creating teachings according to the Quran and traditions the following principles are discussed in the present article;

- 1- Principle of individual and social justice
- 2- Principle of unity: resolving problems and being compassionate to other people
- 3- Principle of cooperation and collaboration in charity and avoidance of bad deeds
- 4- Principle of mercy and good deeds and fighting poverty and being fair and right when conducting business
- 5- Principle of common surveillance, encouraging everyone to do good things and stopping them when doing evil acts
- 6- Principle of fighting all types of corruption namely, financial, moral, political, and official ones
- 7- Principle of management and organization

As God has promised in the Quran, man is moving toward expanding Islam and divine values and in long-run an evolved global community under the leadership of the promised Mahdi, one of the grandsons of the Prophet, will be established and man will reach his real perfection.

The mission set for all the Islamic sects is planning for creation of a society according to the Quran and sayings of the Prophet.

Keywords: creating religious society, Prophet Behavior and sayings, justice, unity, charity, common surveillance

* Researcher and Hawzeh and University Lecturer.

Islam - Regional and International Cooperation

By: Ayatollah Mohammad Ali Taskhiri *

Abstract

Cooperation and contribution are viewed as outstanding traits of the Islamic society; however, these traits and their regional and international meanings require more consideration.

The author believes that realization of such international cooperation depends upon conditions like sufficient capacity, confidence, common grounds and objectives to name but a few.

Religious and spiritual motivations and everyone's betterment are the requirements of this type of cooperation; on the other hand, development of materialism and globalization, being the manifestation of capitalism, are the obstacles to international cooperation. In the end, some aspects of cooperation and collaboration in Islam are considered.

Keywords: cooperation and collaboration, regional and international cooperation, religious and spiritual motivations, materialistic spirit, globalization.

* *Secretary-General for the World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.*

ABSTRACT

الابيض القوي

In The Name Of God

لا إله إلا الله